

پایگاه اطلاعات علمی ایران



دانشگاه پیام نور

مرکز تهران شرق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی

گرایش: طراحی شهری

عنوان:

بازشناسی الگوهای شهرسازی و طراحی شهری بر پایه آموزه های اسلامی
و بررسی مظاهر آن در عصر صفوی - نمونه موردی شهر اصفهان

استاد راهنما:

دکتر مهدی حمزه نژاد

استاد مشاور:

دکتر حیدر جهان بخش

نگارنده:

صدیقه فخار

شهریورماه ۱۳۹۷

ب

بسمه تعالی

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام مرکز: پیام نور تهران شرق

شماره دانشجویی: ۹۵۰۰۹۱۰۷۶

نام دانشجو: صدیقه فخار

گرایش: طراحی شهری

رشته: شهرسازی

عنوان پایان نامه: "بازشناسی الگوهای شهرسازی و طراحی شهری بر پایه آموزه های اسلامی و بررسی مظاهر آن در عصر صفوی- نمونه موردی شهر اصفهان"

تاریخ دفاع: ۹۷ / ۰۶ / ۱۴

نمره و درجه پایان نامه/رساله:

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه	دانشگاه یا موسسه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر مهدی حمزه نژاد	استادیار	علم و صنعت	
۲	استاد مشاور	دکتر حیدر جهانبخش	استادیار	پیام نور	
۳	استاد داور	دکتر ساناز لیتکوهی	دانشیار	پیام نور	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی	شبیم الفتی	دکتری	پیام نور	

گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب، صدیقه فخار دانشجوی ورودی سال ۱۳۹۵ مقطع کارشناسی ارشد رشته ی طراحی شهری گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر نموده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

همچنین گواهی می نمایم چنانچه بر اساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو : صدیقه فخار

تاریخ و امضا:

(کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات ، آزمایشات و نو آوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد)

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

با تشکر از پدر و مادرم و همچنین اساتید آقای دکتر حمزه نژاد و آقای دکتر جهانبخش که در این راه طولانی
صبورانه همراهی ام کردند.

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	فصل اول - کلیات پژوهش
۳	۱-۱- بیان مساله پژوهش
۳	۱-۲- اهداف
۳	۱-۳- پیشینه تحقیق
۵	۱-۴- پرسش ها و فرضیات
۶	۱-۵- روش تحقیق و مراحل آن
۷	فصل دوم - چارچوب نظری و پیشینه تحقیق
۸	۲-۱- مقدمه
۱۰	۲-۲- تعاریف
۱۰	۲-۲-۱- تعریف شهر و شهر اسلامی
۱۶	۲-۲-۲- تعریف شهرسازی
۱۶	۲-۲-۳- تعریف طراحی شهری
۱۷	۲-۳- ساختار شهرهای اسلامی
۱۷	۲-۳-۱- تاریخچه شهرهای اسلامی
۱۸	۲-۳-۲- ساختار اجتماعی - فرهنگی
۱۹	۲-۳-۲-۱- جامعه اسلامی
۲۰	۲-۳-۲-۲- رفتار اجتماعی
۲۴	۲-۳-۳- بعد زیست محیطی
۲۴	۲-۳-۳-۱- خصوصیات خاک و مکان
۲۹	۲-۳-۳-۲- باد

۳۲ 4-3-2- ساختار فضایی
۴۲ 1-4-3-2- اندازه و جمعیت شهر
۴۴ 2-۳-۴- سلسله مراتب و درونگرایی در شهرهای اسلامی
۴۸ ۳-۴-۲- معابر شهری
۴۹ 5-3-2- ساختار کالبدی
۵۱ 1-۳-۲- مسجد و فضاهای مذهبی شهر اسلامی
۶۱ 2-۳-۵- بازار
۶۶ 3-5-3-2- محله و مسکن
۷۱ 4-5-3-2- منظر شهری
۷۹ 5-5-3-2- ویژگی های معماری ایرانی - اسلامی
۸۳ فصل سوم - روش شناسی تحقیق
۸۴ 1-۳-۳- مقدمه
۸۵ 2-۳-۳- روش شناسی پژوهش
۸۶ 3-۳-۳- نوع پژوهش
۸۶ 1-۳-۳- روش گردآوری داده ها
۸۷ 2-۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها
۸۸ فصل چهارم - بررسی شاخصه های اسلامی شهر اصفهان
۸۹ 1-4-4- مقدمه
۸۹ 2-4-4- شهر صفوی
۹۳ 3-۴- معرفی شهر اصفهان
۹۳ 1-3-4- تاریخچه و موقعیت

- ۹۴..... ۳- 4 - مکتب اصفهان
- ۹۴..... 1- 2 - 3 - 4 - شار در مکتب اصفهان
- ۹۹..... 2- 2 - 3 - 4 - اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان در شهرسازی
- ۱۰۲..... ۴- ۴ - ساختار اجتماعی - فرهنگی
- ۱۰۵..... ۱- ۴- ۴- ۴- ساختار اجتماعی - فرهنگی اصفهان امروز
- ۱۰۹..... 5 - 4 - بعد زیست محیطی
- ۱۱۰..... 1- 5- 4- وضعیت منابع آبی در اصفهان عهد صفوی
- ۱۱۲..... 2 - 5 - 4 - باد
- ۱۱۳..... ۳- 5- ۴- آسایش اقلیمی میدان نقش جهان
- ۱۱۵..... ۴- 5- 4- بعد زیست محیطی اصفهان امروز
- ۱۲۲..... 6- 4 - ساختار فضایی
- ۱۲۶..... 1- ۶ - 4 - اندازه و جمعیت شهر
- ۱۲۷..... 2- ۶ - 4- بافت شهری
- ۱۲۸..... 3- ۶ - 4- معابر شهری
- ۱۳۲..... ۴- ۶ - ۴- ساختار فضایی اصفهان امروز
- ۱۳۵..... 7- 4 - ساختار کالبدی
- ۱۳۵..... 1- ۷ - 4 - میدان
- ۱۳۷..... 2- ۷ - 4- مسجد و فضاهای مذهبی شهر صفوی
- ۱۴۴..... 3- ۷ - 4- بازار
- ۱۴۷..... ۴- ۷ - ۴- محله و مسکن
- ۱۵۱..... 5- ۷ - 4- سیما و منظر شهری

۱۵۳ 4-7-5-1 درونگرایی در کالبد صفوی
۱۵۴ 4-7-5-2 هنر در اصفهان
۱۵۷ 4-7-6-1 ساختار کالبدی اصفهان امروز
۱۵۸ 4-7-6-1 میدان
۱۵۹ 4-7-6-2 مسجد و فضاهای مذهبی شهر
۱۶۱ 4-7-6-3 بازار
۱۶۳ 4-7-6-4 محله و مسکن
۱۶۵ 4-7-6-5 منظر شهری
۱۶۷ 4-7-6-6 هنر و زیبایی شناختی
۱۷۱ فصل پنجم بحث و نتیجه گیری
۱۸۱ منابع

فهرست جداول

جدول ۱-۲	- تعاریف محدود و کامل در رابطه با	دین.....9
جدول ۲-۲	- چند تعریف از شهر با نگاه به رویکردهای متفاوت۱۰
جدول ۳-۲	- تعریف شهر اسلامی بر اساس نظر صاحب‌نظران۱۴
جدول ۴-۲	- تعریف شهر اسلامی بر اساس ویژگی های شهر۱۵
جدول ۵-۲	- مراتب چهارگانه نفس انسان و قوای آن ها بر اساس حدیث امام علی(ع)۲۲
جدول ۶-۲	- مزاج برخی مکان ها و مناطق جغرافیایی آنها۲۵
جدول ۷-۲	- ارتباط میان شرایط زیست محیطی با مزاج ها و خلقیات۲۷
جدول ۸-۲	- پراکندگی های رون بندی شهرهای منتخب از شش پهنه اقلیمی ایران۳۰

- جدول ۲-۹- شهرهای منتخب از جهت کیفیت بادهای مطلوب و نامطلوب در ۶ اقلیم ایران ۳۰
- جدول ۲-۱۰- ویژگی های بادهای جهات مختلف از دید حکیمان بزرگ اسلام، ایران و روم ۳۱
- جدول ۲-۱۱- شهرهای منتخب از جهت کیفیت بادهای مطلوب و نامطلوب در ۶ اقلیم ایران ۳۱
- جدول ۲-۱۲- پراکندگی های رون بندی شهرهای منتخب از شش پهنه اقلیمی ایران ۳۲
- جدول شماره ۲-۱۳- اصل برتری درون گرایی بر درون گرایی از دیدگاه برخی نظریه پردازان ۴۵
- جدول ۲-۱۴- روند تغییرات مسجد النبی در طول تاریخ ۵۷
- جدول ۲-۱۵- مزایا و معایب بلندمرتبه سازی ۷۰
- جدول ۲-۱۶- مولفه های الزام آور رشد عمودی شهرها براساس لایه های تشکیل دهنده فرم شهری ۷۱
- جدول شماره ۲-۱۷- انواع مکاتب شناخت شناسی ۷۵
- جدول شماره ۲-۱۸- تقسیم بندی مکاتب زیبایی شناسی ۷۶
- جدول شماره ۲-۱۹- انواع زیبایی از منظر مکاتب مختلف و ارزیابی آن ها از دیدگاه حکمای اسلامی ۷۷
- جدول شماره ۲-۲۰- لایه های زیبایی شناسی انسانی ۷۷
- جدول ۲-۲۱- دوگانه گرایی در زیبایی شناسی معاصر ۷۸
- جدول ۲-۲۲- ویژگی های معماری ایرانی اسلامی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف ۷۹
- جدول ۴-۱- مادی ها، مزارع، باغات و محله های حقه دار اصفهان ۱۱۱
- جدول ۴-۲- باد در اقلیم سرد ۱۱۳
- جدول ۴-۳- عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان در دوره صفویه و وضع موجود ۱۱۵
- جدول ۴-۴- عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان در دوره صفویه و وضع موجود ۱۲۱
- جدول ۴-۵- میزان جمعیت و وسعت شهر اصفهان طی دوره های مورد مطالعه ۱۳۳
- جدول ۴-۶- تأسیسات و مراکز خدماتی بعضی از محلات مهم شهر اصفهان و واحدهای مسکونی آنها ۱۴۹
- جدول ۴-۷- مساجد اصفهان و عملکرد آنها ۱۵۹

- جدول ۴-۸- گونه های مختلف هنر و ویژگی های هریک از آن ها ۱۶۹
- جدول ۴-۹- ۷ الگوواره از تبیین بحران و راه حل های پیشنهادی برای معماری معاصر در ایران و جهان ۱۶۹
- جدول شماره ۵-۱- بررسی سامانه ای خواستگاه و الگوهای نخستین معماری اسلامی ۱۷۵
- جدول ۵-۲- نکات استخراج شده از سیره و توصیه های اسلامی جهت بهره گیری در شهرسازی و معماری .. ۱۷۸

فهرست اشکال و نمودارها

- شکل ۲-۱- جهانبینی توحیدی در شهر اسلامی - ۱۲
- شکل ۲-۲- چهارضلعی یگانگی مفاهیم مادی و معنوی در شهر ربانی ۱۲
- شکل ۲-۳- رابطه محتوایی اسلام و شهر اسلامی. ۱۴
- شکل ۲-۴- تقسیم بندی ابعاد شهر در دو گروه محتوایی و مصداقی ۱۷
- شکل ۲-۵- سه دسته بندی رون نهادینه شده و الگو برای ساختار شهر و خانه در ایران در بیان پیرنیا ۳۰
- شکل ۲-۶- نقشه مناطق اسلامی در عهد خلفای اموی. ۳۳
- شکل ۲-۷- روند تاثیر گذاری دین اسلام بر سازمان فضایی شهر ۳۴
- شکل ۲-۸- مکه در زمان پیامبر(ص) ۳۵
- شکل ۲-۹- طرح نخستین و بنیان شهر کوفه. ۳۶
- شکل ۲-۱۰- کوفه در اوج شکوفایی ۳۶
- شکل ۲-۱۱- نقشه دمشق در اوایل قرن هفتم میلادی و قبل از تصرف به دست مسلمین ۳۸
- شکل ۲-۱۲- نقشه استخوانبندی دمشق در قرون اولیه اسلام ۳۸
- شکل ۲-۱۳- گذار شهر از دوره ساسانی به دوران اسلامی ۳۸

- شکل ۲-۱۴- فیروزآباد، با چهار دروازه ۳۹
- شکل ۲-۱۶- مدلی از یک شهر اسلامی در خاورمیانه از ویر ۴۰
- شکل ۲-۱۷- مدلی از یک شهر اسلامی در خاورمیانه از وبرت ۴۱
- شکل ۲-۱۹- مدل شهر سنتی اسلامی از دید دتمان ۴۱
- شکل ۲-۲۰- مدل و کالبد شهر ایرانی در اوایل سلطه اعراب بر ایران از دید سیدمحسن حبیبی ۴۲
- شکل ۲-۲۲- نظام سلسله مراتبی در بافتهای قدیم شهرهای اسلامی ۴۶
- شکل ۲-۲۳- ابعاد افقی و عمودی برای عبور و مرور شتر و سایر چهارپایان ۴۸
- شکل ۲-۲۴- سازمان عمومی عناصر شهری بصره ۴۹
- شکل ۲-۲۵- ساختار فضایی شهر در دوران اسلامی ۴۹
- شکل ۲-۲۶- تاثیر متقابل کالبد شهر و ساختار اجتماعی ۴۹
- شکل ۲-۲۷- سازمان عمومی عناصر شهری کوفه ۵۱
- شکل ۲-۲۸- مسجد فهرج ۵۵
- شکل ۲-۳۰- مسجد کوفه در سده های پیشین ۵۵
- شکل ۲-۳۱- مسجد کوفه در عصر حاضر ۵۵
- شکل ۲-۳۲- سردر مسجد کبود ۵۶
- شکل ۲-۳۳- مسجد شیخ زائد، ابوظبی ۵۶
- شکل ۲-۳۴- پرسپکتیو مسجد النبی ۵۷
- شکل ۲-۳۵- پرسپکتیو مسجد النبی؛ در ابتدای ساخت ۵۷
- شکل ۲-۳۶- ایوان جنوبی مصلی بزرگ تهران ۵۹
- شکل ۲-۳۷- فضای درونی مصلی ؛ نمای وسط ۵۹
- شکل ۲-۳۸- امامزاده صالح ۶۱

- شکل ۲-۳۹- حلب - چگونگی پخشایش تیمچه ها و برپایی بازار ۶۲
- شکل ۲-۴۰- بازار شهر حلب و آمیزش آن با مسجد و مدرسه ۶۲
- شکل ۲-۴۱- ارتباطات بازار به عنوان نمود کالبدی نظام اقتصادی ۶۳
- شکل ۲-۴۲- بازارهای یثرب در صدر اسلام ۶۵
- شکل ۲-۴۳- بازار تاریخی تجریش در طول ایام ۶۶
- شکل ۲-۴۴- شیراز (سمت راست)؛ الگویی از یک برزن قدیمی ۶۷
- شکل ۲-۴۵- محله های شهر شیراز ۶۷
- شکل ۲-۴۶- ارتباط اندازه حیاط خانه و تنوع فعالیت‌های انجام شده در آن ۶۹
- شکل ۲-۴۷- میزان نورگیری جبهه جنوبی و شمالی خانه ۶۹
- شکل ۲-۴۸- ارائه مدلی از طراحی شهری عمودی توسط کین بینگ ۷۱
- شکل ۲-۴۹- چگونگی ارتباط میان هنرمند، اثر هنری و مخاطب از منظر اسلامی ۷۸
- شکل ۲-۵۰- تقسیم بندی تعاریف زیبایی ۷۸
- شکل ۳-۱- نمودار مطالعاتی تحقیق ۸۵
- شکل ۳-۲- نمودار عملی پژوهش ۸۶
- تصویر ۴-۱- ساخت کالبدی شهر در دوره صفوی ۹۲
- شکل ۴-۲- عوامل موثر بر مصرف گرایی ۱۰۸
- شکل ۴-۳- ساختار اداری و مدیریتی در نظام های توحیدی و غیر توحیدی ۱۰۹
- شکل ۴-۵- مدل‌سازی وضعیت سایه اندازی درختان و بدنه اطراف میدان بر فضای باز آن ۱۱۴
- شکل ۴-۶- وضعیت نهر و درختان پیرامون میدان نقش جهان در جبهه جنوبی ۱۱۴
- شکل ۴-۷- پلان بازنمایی وضعیت درختان و نهر پیرامون میدان در دوره صفویه ۱۱۴
- شکل ۴-۸- وضعیت فضای سبز در شهر اصفهان ۱۱۷

- شکل ۴-۹-وضع موجود نهر پیرامون میدان ۱۱۹
- شکل ۴-۱۱-نمونه درختان موجود در فضای باز میدان که فاقد خاصیت سایه اندازی هستند ۱۲۰
- شکل ۴-۱۲-محورهای توسعه شهر اصفهان ۱۲۳
- شکل ۴-۱۳-شهر قدیمی و محله های جدید در طرح توسعه اصفهان دوره صفوی ۱۲۳
- شکل ۴-۱۴-قرارگیری پل های مدخل شهر در راستای مسجد و چهارباغ ۱۲۴
- شکل ۴-۱۵-بازار اصفهان ۱۲۴
- شکل ۴-۱۶-اصفهان در قرن ۱۱ میلادی ۱۲۶
- شکل ۴-۱۷-چهارباغ اصفهان، عصر صفوی ۱۲۹
- شکل ۴-۱۸-خطوط اصلی حمل و نقل شهر اصفهان ۱۳۴
- (اطلس شهر اصفهان) ۱۳۴
- شکل ۴-۱۹-پلان بازار قدیم اصفهان در پیوند با میدان نقش جهان ۱۳۷
- شکل ۴-۲۰-بساط اندازی در زیر چادر و خیمه در دوره شاه سلطان حسین ۱۳۷
- شکل ۴-۲۱-سردر ورودی و برج کلیسای وانک ۱۳۷
- شکل ۴-۲۲-مسجد امام اصفهان ۱۳۹
- شکل ۴-۲۳-گنبد رفیع مسجد امام ۱۳۹
- شکل ۴-۲۴-پلان مسجد امام اصفهان ۱۴۰
- شکل ۴-۲۵-مدرسه چهارباغ اصفهان ۱۴۱
- شکل ۴-۲۶-مسجد شیخ لطف الله ۱۴۱
- شکل ۴-۲۷-پلان مسجد شیخ لطف الله ۱۴۲
- شکل ۴-۲۸-مقبره تاج اصفهانی ۱۴۳
- شکل ۴-۲۹-تکیه کلباسی، تخت پولاد ۱۴۳

- شکل ۴-۳۰- تکیه شهشهبانی، تخت پولاد ۱۴۳
- شکل ۴-۳۱- گستردگی بازار در شهر اصفهان دوره صفوی ۱۴۴
- شکل ۴-۳۲- تجلی درونگرایی در بازارهای سنتی ایران ۱۴۶
- شکل ۴-۳۳- قسمت اصلی بازار اصفهان ۱۴۷
- شکل ۴-۳۵- محلات شهر اصفهان در سال ۱۳۵۰ ۱۴۸
- شکل ۴-۳۶- اصفهان، محله جویباره ۱۴۸
- شکل ۴-۳۷- نما خانه آیت الله علامه فانی ۱۵۰
- شکل ۴-۳۸- پلان خانه آیت الله علامه فانی ۱۵۰
- شکل ۴-۳۹- پلان خانه میرزا احمد ملا باشی ۱۵۱
- شکل ۴-۴۰- دید پرنده خانه میرزا احمد ملا باشی ۱۵۱
- شکل ۴-۴۱- مجسمه زایچه-نماد اصفهان ۱۵۴
- شکل ۴-۴۲- بخشی از نقاشی سردر بازار قیصریه ۱۵۴
- شکل ۴-۴۳- عالی قاپو ۱۵۵
- شکل ۴-۴۴- رنگهای کاشیکاری مسجد شیخ لطف الله ۱۵۷
- شکل ۴-۴۵- بافت فرسوده اصفهان ۱۵۸
- تصویر ۴-۴۶- مرکز خرید جدید اصفهان ۱۶۳
- تصویر ۴-۴۷- مرکز خرید جدید اصفهان ۱۶۳
- شکل ۴-۴۸- تعدد محلات در اصفهان امروز ۱۶۴

چکیده

با وجود پیشرفت های فراوان در عرصه معماری و شهرسازی، حفظ الگوهای مذهبی و سنتی این دو عرصه در هر سرزمین لازم است. در ایران به عنوان جامعه ای اسلامی نیاز به بررسی و احیای اصول و قواعد شهرسازی و معماری کهن با توجه ویژه به رهنمودهای دینی - برای دستیابی به شهرسازی متناسب با فضای سنتی و مذهبی به شدت حس می شود. نیل به چنین هدفی نیازمند بازشناسی نمونه های موفق موجود در شهرهای ایرانی - اسلامی است. تحقیق حاضر با هدف "بازشناسی الگوهای طراحی شهری و شهرسازی در آموزه های اسلامی"، بر دو فرضیه "امکان بهره گیری از آموزه های اسلامی در طراحی شهری و شهرسازی عصر حاضر" و "تطابق قابل قبول شهرهای تاریخی ساخته شده توسط حاکمیت های اسلامی همچون اصفهان عصر صفوی با آموزه های اسلامی" استوار است. در راستای اهداف، در گام اول به استخراج اصول پایه اسلامی موثر در معماری و شهرسازی پرداخته خواهد شد؛ در گام دوم با بررسی اصول استخراج شده در عصر صفوی، اصفهان را به عنوان شهری ساخته شده با تفکر اسلامی خواهد سنجید و در هر مبحث نگاهی به شرایط کنونی اصفهان نیز خواهد داشت. به این ترتیب با روشی مقایسه ای تطبیقی عنوان خواهد کرد که از طرفی اصول پایه ای دین اسلام به آن میزان عمیق و حساب شده اند که در هر زمان قابلیت تطبیق با نیازهای روز را دارند و از طرفی نظام های شهری در هر زمان نیازمند روزآوری شاخص های کیفی خود متناسب با نیاز روز و با توجه به سنجه های دینی هستند. شهر دوران صفوی به بسیاری از این اصول پایبند بوده و به نتایج مطلوبی دست یافته است در حالی که شهر امروز در تقلیدی بی چارچوب از اصول حاکم بر شهرهای غربی و با سرعتی عجیب در مدرنیزه شدن از بسیاری چارچوب های دینی فاصله گرفته است و به همان میزان تعالی و آرامش روح و جسم خود را از دست داده است.

کلمات کلیدی:

الگو؛ طراحی شهری؛ شهرسازی؛ صفوی؛ اسلامی؛ اصفهان

فصل اول – کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مساله پژوهش

در جامعه اسلامی با وجود نظریه پردازان و بزرگان دینی و متخصص در علوم و حرف گوناگون، آن هم با پیشینه ای غنی از فرهنگ ایرانی و شهرسازی و معماری حکیمانه، نیاز به بررسی و احیای اصول و قواعد شهرسازی کهن و روزآوری آن و توجه ویژه به رهنمودهای دینی در این زمینه به شدت حس می شود. سپردن طراحی شهری و شهرسازی به جریانات مدرن و پست مدرن (و مانند آنها) و صرف توجه به ظواهر معماری گذشتگان نمی تواند پاسخگوی شهرسازی و معماری یک کشور باشد. هر متخصص نیازمند داشتن الگوهای دینی و فرهنگی متناسب با رشته ی خود می باشد، تا به این ترتیب با جلوگیری از تقلید صرف و تلاش برای نزدیکی به الگوهای متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی از آسیب های بصری، فرهنگی و... در این عرصه کاسته شود. تحقیق حاضر با هدف یافتن الگوهایی در آموزه های اسلامی در تلاش است با استناد بر جامعیت علمی ائمه (ع) و پیروی بزرگانی چون شیخ بهایی از آنان- در امتداد الگوهای پایه گذاری شده توسط ائمه(ع)- الگوهای شاخص شهرسازی و طراحی شهری عصر صفوی را به عنوان نمونه ای از شهرسازی مسلمانان با توجه ویژه به نگاه اسلامی آنها بازشناسی کند. با این هدف اصفهان را به عنوان اصلی ترین پایگاه حکومت صفوی به عنوان نمونه ی موردی و مورد مطالعاتی اصلی خود برگزیده است. شایسته است با بررسی آموزه های اسلامی و تطبیق آن ها با حکمت های شهرسازی کهن ایرانی در جهت الگوسازی برای شهرسازی عصر حاضر تلاش شود. توجه به فرامین حکیمانه ی معصومین (ع) برای "شهرسازی و طراحی شهری" می تواند با فرهنگ و نیاز جامعه ای مسلمان نشین همگام تر باشد.

۱-۲- اهداف

- بازشناسی الگوهای طراحی شهری و شهرسازی در آموزه های اسلامی
- بازشناسی و تحلیل شهرسازی و طراحی شهری عصر صفوی

۱-۳- پیشینه تحقیق

پژوهش های مرتبط با این تحقیق در دو بخش "شهر اسلامی" و "آموزه ها و متون اسلامی مرتبط با شهرسازی و طراحی شهری" جای می گیرند:

* در معرفی شهر اسلامی مقالات و کتب بسیاری موجود است، اما آنچه در اکثریت آنها چشمگیر است وجه غالب کالبد معماری ساخته ی دوره های اسلامی و معرفی آنها به عنوان الگوی معماری و شهرسازی اسلامی (و

نه توصیه های اسلامی پیرامون نوع ساخت و شهرسازی و معماری) است. از جمله افراد پرکار در این زمینه می توان به محمد نقی زاده اشاره کرد که چندین مقاله در این زمینه دارد و به چستی و اصول شهر اسلامی می پردازد.

در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) همایش شهرنشینی در اسلام به سرپرستی پروژه مشترک پژوهشی "مطالعه تطبیقی شهرنشینی در اسلام" در ژاپن برگزار شد که حاصل آن چاپ مجموعه مقالاتی تحت عنوان "شهرنشینی در اسلام" بود. در این همایش به بررسی جنبه های مختلف شهرسازی در کشورهای مسلمان نشین پرداخته شده است. در این کتاب اشاراتی به جنبه های اجتماعی و سیاسی در شهرهای مسلمان نشین نیز وجود دارد. نجم الدین بemat در کتاب "شهر اسلامی" به بررسی شهرسازی شهرهای مهم مسلمان نشین به صورت موردی پرداخته و معتقد است که اسلام برای شهرها مدل ارائه کرده است.

سید جعفر مرتضی العاملی (۱۳۸۸) در کتاب "شهر اسلامی، در ۶ بخش به جستجو و شرح ویژگی های شهرها و معماری اسلامی از دید ائمه (ع) با رجوع به احادیث و وقایع زندگی آنان می پردازد. این کتاب بیش از سایر تالیفات در دوران اخیر به هدف این پژوهش نزدیک است. در آن موضوع نیز مقالات بسیاری در سه دهه اخیر نوشته شده است که نگاه ویژه ای به جایگاه شهر در تمدن اسلامی، شاخصه ها اجتماعی، نمادسازی، مکانیابی اماکن مذهبی، آرمانشهر اسلامی، طب اسلامی و شهر و ویژگی های شهر اسلامی پرداخته اند. اما چنانکه اشاره شد، نگاه غالب این مطالعات به شهرهای مسلمان نشین به عنوان الگوهای اسلامی شهر است و نه توصیه های مستقیم اسلامی پیرامون جوانب مختلف شهری.

از دیگر کتب در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

-مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها : دفتر پژوهش های فرهنگی (۱۹۸۹). شهرنشینی در اسلام. ترجمه: افشار، مهدی (۱۳۸۶).. تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

-بemat، نجم الدین. شهر اسلامی. ترجمه: حلیمی، محمدحسین؛ اسلامبولچی، منیژه (۱۳۹۳). تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه. نویسنده ی این اثر شهر اسلامی را به سمت مسجد متمرکز می داند و به بررسی شهرهای اسلامی از جنبه های گوناگو می پردازد.

-نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: انتشارات کتاب فکر نو. که در این کتاب خلق آثار معماری و هنری را در گنج مرحله می داند و در تلاش است تا مراحل این فرایند را در یک بررسی تطبیقی از منظر حکمت اسلامی مورد ارزیابی و تفسیر قرار دهد.

*در بررسی سیره معصومین علی الخصوص امام علی (ع) به عنوان الگوهای دینی در بخش شهرسازی (به ویژه برنامه ریزی شهری و مدیریت) در کتاب "الگوهای رفتاری امام علی (ع)" یک دسته بندی کلی در ۷ جلد شامل: اخلاق اسلامی - مسائل سیاسی - اقتصاد - امور نظامی و دفاعی - مباحث اطلاعاتی - علم و هنر - مدیریت اسلامی؛ ارائه شده است.

در سه دهه گذشته مقالات بسیاری بر پایه ی کتبی چون نهج البلاغه به بررسی یک یا چند مورد از دسته بندی های فوق پرداخته اند، از جمله میرزامحمد (۱۳۸۹) در مقاله ی "اصول و مبانی شورا از منظر امام علی (ع)" طرحی در تطبیق نظریات امام (ع) با آیات شورا ارائه داد و "در آن از اهمیت و ضرورت، فواید و آثار، اصالت و حجیت و نیز حدود و جایگاه مشورت سخن گفته و سپس جنبه های ایجابی و سلبی آن در طیفی وسیع تبیین شده است که در واقع انسان شناسی شورا از دیدگاه امام علی (ع) را تداعی می کند."

-پور طهماسبی و تاجور (۱۳۹۰) در مقاله ی "حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه" با ارائه تعریفی از شهروندی و وضعیت آن، و نیز نظر قرآن در این باره، حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و حضرت علی (ع) در سه حوزه شناختی، عاطفی، و رفتاری را بررسی می کنند و به این نتیجه می رسند که "شهروندی در جهان معاصر از معنای حقیقی خود دور شده است و مطابقت نظریات حضرت علی (ع) با قوانین روز جهانی این دورشدن شهروندی از معنای واقعی اش را بیش تر مشخص می سازد."

-حمزه نژاد و نقره کار (۱۳۹۲) در مقاله ی "شناخت و تحلیل مسائل طراحی محیط معماری و شهرسازی از منظر اسلامی" در گستره قرآن و روایات ("اشاراتی به چند مورد از احادیث حضرت علی (ع) و امامان دیگر در حوزه ی شهری داشته اند.

-فراهانی و اشرفی (۱۳۹۳) در مقاله ی "اصول اخلاق حرفه ای در نهج البلاغه"، اصول اخلاق حرفه ای را در کتاب نهج البلاغه بررسی کرده و نتیجه می گیرند که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته اند و در موارد فراوانی، کارگزاران و یاران خود، به طور اخص و تمامی انسان ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده ان. در این مقاله، اصول اخلاقی مطرح در نهج البلاغه مشتمل بر: اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت پذیری، اصل نقادی و انتقادپذیری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری" شمرده می شود.

۴-۱- پرسش ها و فرضیات

فرضیات تحقیق:

- در عصر حاضر بهره گیری از آموزه های اسلامی در طراحی شهری و شهرسازی امکان پذیر و مفید است.
- شهرهای تاریخی ساخته شده توسط حاکمیت های اسلامی همچون اصفهان عصر صفوی در حد قابل قبولی با آموزه های اسلامی قابلیت تطابق دارند.

پرسش های تحقیق:

- شهرهای ساخته شده تاریخی توسط حاکمیت های اسلامی همچون اصفهان صفوی تا چه حد با آموزه های اسلامی مطابق اند؟
- نگاه اسلامی به شهر چگونه با شرایط و نیازهای عصر حاضر قابل تطابق است؟

۵-۱- روش تحقیق و مراحل آن

این تحقیق بر روش مقایسه ای- تطبیقی استوار بوده و در دو مرحله ابتدا با تاریخ پژوهی به بررسی متون دینی و روایی و طبیبی مربوط به معماری و شهرسازی در کلام ائمه علی الخصوص امام علی (ع) ، و بررسی شهرهای مسلمان نشین - به ویژه در عصر صفوی - پرداخته است و در مرحله ی دوم، قیاس آن ها با نظریات و مفاهیم مربوطه در عصر حاضر صورت گرفته است. در بررسی مبانی اسلامی و طبیبی استناد بیش از هر چیز بر احادیث است. در استخراج احادیثی که به طور ویژه به مفاهیم شهری و معماری مرتبط است به مسائل اجتماعی و سیاسی و حقوق شهروندی توجه ویژه ای شده است. مرحله ی قیاس، گذری بر برخی نظریات بزرگان مطرح در علوم معماری و شهرسازی دارد.

*طبقه بندی روش این پژوهش به شرح زیر است:

از نظر زمان: موضوع مربوط به زمان گذشته است و از طریق مطالعه عمیق منابع و موارد مربوط به گذشته به روشن ساختن مسأله مورد نظر در زمان حال می پردازد، بنابراین پژوهش از نوع تاریخی است.

از نظر هدف: ماهیت، شرایط و عناصر متشکله موضوع مورد بررسی بدون قضاوت و داوری وصف می شوند، بنابراین پژوهش توصیفی است.

از نظر روش گردآوری اطلاعات: گردآوری اطلاعات از طریق مرور و بررسی سوابق و پیشینه های موجود در کتابخانه ها یا سایر مراکز اطلاعات و همچنین پرونده ها و انواع دیگر وسایل نگهداری اطلاعات انجام می گیرد، در نتیجه پژوهش از طریق مطالعه انجام می گیرد.

فصل دوم – چارچوب نظری وپیشینه تحقیق

دین اسلام برنامه ای جامع برای زندگی دارد و نگاه اسلامی به شهر نگاهی بر آمده از توجه جدی به نیازهای روحی و جسمی انسان است. تاکید این پژوهش بر آموزه های اسلامی و رهنمودهای شخصیت های دینی نیز در همین راستا بوده و موضوعی غیر تخصصی را شامل نمی شود. در آغاز بایست نکات زیر را مد نظر داشت؛

• "جامعیت": ویژگی بارز ائمه (ع)

ائمه (ع) از جمله حضرت امیر علم طب می دانند، به فراهم آوری شرایط معماری شهر و شهرسازی به گونه ای که ضامن سلامت جسم و روح افراد باشد می اندیشند. ایشان به عوامل طبیعی و موثر بر شهر توجه دارند. سیاستمدار، جامعه شناسانی قهار و متوجه امور موثر بر سلامت اجتماعی و حساس بر حقوق شهروندی هستند. ایشان از خلقت آغاز کرده و به خلق می رسند؛ بنابراین تلاش این تحقیق در استفاده از رهنمودهای ایشان، تلاش برای بیرون کشیدن اصول تخصصی معماری و شهرسازی از سخنان چهره هایی صرفاً سیاستمدار یا صرفاً دینی نیست؛ جامعیت ویژگی های ایشان به گونه ای است که بر علوم گوناگونی مسلط بوده و حکمتی چند بعدی دارند. در این میان رهنمودهای حضرت علی (ع) به جهت فرصت ایشان در حکومتی حدوداً ۵ ساله بر جامعه اسلامی بیشتر مورد توجه بوده و استخراج اصول فکری ایشان در ابعادی چون ابعاد اجرایی، اجتماعی- حقوق شهروندی، عمران، شهرسازی و ... امکان پذیرتر است. چنانچه «کلام امام علی در نهج البلاغه بر بسیاری از وجوه مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی اشاره دارد؛ به عنوان مثال از نامه حضرت به مالک اشتر بسیاری از اصول مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی را می توان استخراج نمود یا در خطبه های متعدد ویژگی های مطلوب مکانی از منظر امام علی بیان گردیده است که دسته بندی و بررسی تمامی وجوه آن از منظر شهرسازی کاری بسیار گسترده» است. (ادیب زاده، ۱۳۹۳)

• ظرفیت محوری

حضرت امیر (ع) به محض به دست گرفتن رشته امور حکومتی، اعلام کرده بود که خواستار تغییر بسیاری موارد در جامعه است، بنابراین در نهج البلاغه سعی شده تا بر اساس فرامین امیرالمومنین (ع) در مسیر این تغییرات، تعریف جدیدی از انسان، معماری، معرفت و ... با رویکرد ظرفیت محوری ارائه شود. تعاریفی جدید که در صورت پیاده سازی، شهری آرمانی، مطلوب و به هر جهت متعالی خواهد ساخت.^۱ با مهاجرت های حضرت،

^۱ - چنانچه در ادامه متن تحقیق و در مثال هایی نیز دیده می شود، چه حضرت امیر(ع) به عنوان حاکم و رهبر جامعه اسلامی، و چه سایر ائمه به عنوان رهبر جامعه ی اسلامی همواره در جهت اصلاح جامعه گام برمی داشتند. بنابراین شهر اسلامی، "شهر - اصلاح" است.

مهاجرت مردم نیز رو به فزونی گذارد؛ از ایشان پرسیده شد که چه شهری برای مهاجرت مناسب تر است؛ ایشان در جواب فرمود: «بهترین شهرها آن است که پذیرای تو باشد.» (تو را حمل کند)»^۲ (دشتی، ۱۳۷۹) در این خطبه بر شهری که شهروند را حمل کند و پذیرای آن باشد تاکید شده است؛ به عبارت دیگر شهر، باید ظرف مناسبی برای شهروند، خواسته ها و لازمه های پیشرفت و تعالی اش به عنوان مظروف باشد. شهر ظرفی است که رفتارها و اعمال انسانی از طرفی، و کاربری ها و کالبد شهری از طرف دیگر در آن جای می گیرد، بنابراین باید دربردارنده ویژگی هایی مطلوب برای تحقق اهداف مظروف خود باشد. اشاره ی خطبه به ظرف و ظرفیت، اشاره به همین موضوع دارد. از طرفی شهر مظروف نیز محسوب می شود و در این حالت ظرف آن، زیستگاهی است که در آن توسعه می یابد، در نتیجه باید هم رنگ و هم سو با ظرف خود باشد تا در آن جای گیرد. تحقیق حاضر در تلاش است تا با بررسی رهنمودهای اسلامی، ویژگی هایی از شهر را بشناسد که سبب افزایش کیفی "ظرفیت شهر" شده و انسان را هرچه بهتر حمل می کند.

• پیرامون دین اسلام، مسلمین و آثار مسلمانان

«اسلام مکتبی الهی، جامع و حقیقتی خطاناپذیر است، اما مسلمانان، انسان هایی نسبی، متغیر و خطاپذیرند و آثار مسلمانان که توسط انسان هایی نسبی، متغیر و خطاپذیر با توجه به مجموع مقتضیات زمانی و مکانی ایجاد شده است، قطعاً نسبی، متغیر، متکثر، خطاپذیر وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی است.» (نقره کار، ۱۳۹۲) بنابراین نمی توان و نباید سازه های مسلمانان را صد در صد مورد تایید اسلام دانست و از آنها به عنوان ابزار قضاوت یا شناخت حتمی دین بهره گرفت.^۳

^۲ - «خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲)

^۳ - چنانچه حتی برای دین نیز تعاریف متفاوتی آورده می شود؛ نقره کار در کتاب برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری تعاریف متنوع از دین را اینگونه دسته بندی می کند:

جدول ۱-۲ - تعاریف محدود و کامل در رابطه با دین (نقره کار، ۱۳۹۲)

دین مجموعه ای از آموزه ها در مقابل جهل و ترس آدمی از ابهامات و باطن عالم بدون تکلیف عملی است.	به عقاید	
دین مجموعه ای از آداب برای سلوک اخلاقی و ارائه ی الگو برای زندگی متعالی بشر است.	به اخلاق	تعاریف
دین عامل ترویج عشق و ایمان شهودی و مفاهیمی نمادین برای معنادار کردن هستی است.	به عرفان	حصری
دین مجموعه ای از مناسک برای نجات آدم است.	به فقه	
مجموعه ای از (فقه + عرفان+ اخلاق+ عقاید+ مصداق آفرینش + آثار معصومین + آثار مومنین به صورت نسبی) حکمت نظری، حکمت عملی و مصداق آن عالم تکوین است.	جامع	تعریف فراگیر

• حرکت متناسب با نیاز زمان

امیرالمومنین علی (ع) از ضرورت "فرزند زمان بودن" و "به روز بودن" غافل نبود. بنابراین انتظار نمی رود در عصر حاضر و با شرایط زمان فعلی مسجدهایی با سبک صدر اسلام و یا از خشت و گل ساخته شود. چنانچه که می فرماید: «انسان، فرزند لحظه ای است که در آن به سر می برد.»^۴ (خوانساری، ۱۳۶۶) و در جای دیگر می فرماید: «هر کس با زمان ستیزه جوید، زمان او را بر زمین زند.»^۵ (خوانساری، ۱۳۶۶) همچنین می توان مبحث "روح زمان" هگل را با این موضوع مرتبط دانست. البته این موضوع به معنای سپردن همه ی امور به دست تغییرات زمانه نیست. چنانچه در ادامه می فرماید: «و هر کس تسلیم زمان گردد، زمان او را سالم نمی گذارد» در واقع لازم است هم فرزند زمان بود و هم رابطه با اسلام را هوشمندانه حفظ کرد. زمان تولیدگری دارد؛ خصلت های انسان از زمانی که در آن زندگی می کند وارد کار و رفتار او می شود. بنابراین هر زمان فرزندی دارد و کار و منش افراد زائیده آن است. در این راستا بررسی اصول اسلامی موثر بر شهرسازی و معماری و بررسی هم زمان نیازهای روز این دو رشته امری ضروری است.

۲-۲- تعاریف

1-2-2- تعریف شهر و شهر اسلامی

برای شهر تعریف واحد و مشخصی وجود ندارد و اندیشمندان مختلف با در نظر گرفتن معیارهایی متفاوت به تعریف و بررسی جوانب مختلف آن پرداخته اند. برخی از این تعاریف در جدول زیر آمده اند:

جدول ۲-۲- چند تعریف از شهر با نگاه به رویکردهای متفاوت (برگرفته از کتاب شیعه، ۱۳۷۵)

ردیف	شاخصه تعریف	تعریف
۱	تعریف عددی	مرکزی از اجتماع نفوس که در محیطی گرد آمده و تراکم و انبوهی جمعیت در آن از حد معینی پایین تر نباشد. (در هر کشوری بنا بر موقعیت خاص آن کشور حد جمعیت شهر تفاوت می کند، بنابراین این عدد برای هر کشور متفاوت می شود.)
۲	تعریف تاریخی	مراکزی که از قدیم نام شهر بر آنها اطلاق می شده، به عنوان شهر شناخته می شود و به افتخار قدمتی که دارند همیشه شهر باقی می مانند.
۳	تعریف حقوقی	در دوره های گذشته شهرها دارای امتیازاتی بودند که در روستاها وجود نداشت. مانند بسیاری از شهرهای قرون وسطایی که حق داشتند برای خود بازار داشته باشند، یا به خدمات نظامی بپردازند.
۴	تعریف جغرافیدانان	هر منظره مصنوعی از خیابانها، ساختمانها، دستگاه ها و بناهایی است که زندگی شهری را امکانپذیر می سازد. شهر به عنوان واحدی مجزا نیست و بایست ارتباط متقابل آن با منطقه و کشور مورد مطالعه قرار گیرد.

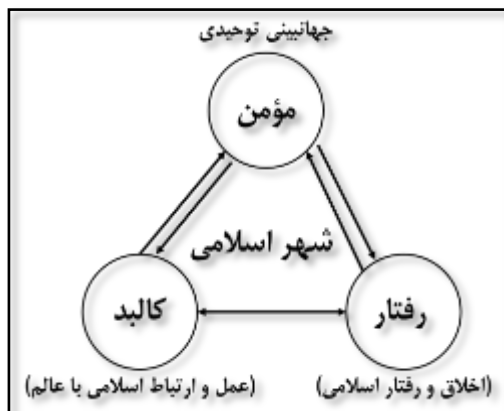
^۴ - « المرءُ، ابنُ ساعتِهِ » (غررالحکم، 447)

^۵ - « من عاند الزّمان أرغمه، و من استسلم إليه لم یسلمه » (غررالحکم، 5/185)

۵	تعریف جامع (شیعه)	مجموعه ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط های ساخته شده توسط انسان می داند به گونه ای که در آن جمعیت مشخص حداقلی ساکن است. این جمعیت به صورتی منظم درآمده و آداب و رسومی را برای خود ابداع کرده است، گونه های تخصصی متنوعی دارد و به جهت تولید نیرو و غذا وابسته به مجموعه های روستایی و مانند آن است.
---	----------------------	---

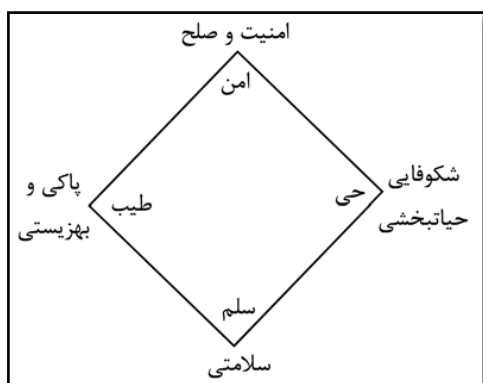
آنچه در اکثر تعاریف مشترک است، اشاره به جمعیتی آموزش یافته دارد که در بخشهای خدمات اداری، بانکداری، آموزش و پرورش، بهداشت و... با سبکی متفاوت از جامعه روستایی زندگی می کند. در شناسایی شهرهای قدیم نیز اصول و شاخصه هایی برای یک شهر در نظر می گیرند که متناسب با فرهنگ و اقلیم هر منطقه متفاوت است. در این میان شاید تعریف شیعه از شهر تعریفی نسبتاً جامع باشد. نمونه دیگری از این تعاریف، شاخصه های ماکس وبر در تعریف شهر غربی است. او معتقد است که اجتماع شهری، دارای پنج نشانه است: «برج و بارو، بازار، دادگاه مستقل و برخوردار از حداقل قوانین مستقل داخلی، اشکال مختلف انجمن های متکی بر انتخاب آزاد افراد، استقلال نسبی و قدرت اداره امور به وسیله کارگزارانی که برگزیده بورگرها (بورژواها) باشد.» (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹) به این ترتیب در مطالعه اجتماعات مسلمانان نیز به چنین تعاریفی رجوع شده و در مورد ماهیت و قابلیت تمایز شهر اسلامی نظریه های گوناگونی مطرح شده است. در یک دسته بندی کلی پنج نظریه مشخص وجود دارد: «۱- نظریه هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی می دانند. ۲- نظریه هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را صفت شرقی داده و آن را شهر شرقی نامیدند. ۳- نظریه هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط و ویژگی های یک شهر می دانند. ۴- نظریه هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم و استمرار تاریخی می دانند. ۵- نظریه هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را دارای ساختار سست و بی قاعده می دانند.» (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹) آنچه حائز اهمیت است، پایه قرار گرفتن این تعاریف در مطالعات بسیاری از شهرشناسان است، در حالی که بسیاری از این تعاریف برای شهر غربی ارائه شده و با شاخص قرار گرفتن آنها برای مناطقی متنوع در حوزه شهرهای مسلمان نشین (مسلمان ساز) همخوانی ندارد. شاید لازم باشد با نگاهی خاص هر منطقه به آن نگاه شود و نه با ملاک های ارائه شده برای فرهنگ و اقلیم متفاوت برخی شهرهای غربی!

تعریف شهر اسلامی با استخراج ویژگی های فکری، رفتاری و اجرایی مورد تایید اسلام که چارچوب فردی و اجتماعی مشخصی را تعریف می کند امکان پذیر است، چرا که همان تفکر اسلامی که اسلام را معرفی می کند، شهر را با شهروندانی مسلمان و رفتاری اسلامی تصویر می کند. بنابراین پیش از هر چیز بایست به استخراج اصولی پرداخت که به طور مستقیم یا غیر مستقیم شهر و شهروندان را تحت تاثیر قرار داده و در قالبی مشخص، منظم می کند. «از منظر جهانی اسلامی سه فضا در شکل گیری شهر اسلامی نقش دارند: الف- فضای فکری. ب- فضای عملی و رفتاری. ج- فضای عینی.» (پورا احمد و شکوهی راد، ۱۳۹۵)



شکل ۱-۲-جهانبینی توحیدی در شهر اسلامی-شهرهای حوزه تمدن اسلامی دارای ویژگیها و الگوهایی بودند که آنها را از سایر حوزه های تمدنی متمایز می نمود (باورهای فرهنگی و مذهبی، اصول طراحی منشعب از قانون شریعت، اصول اجتماعی انسجام شهری، تنوع فعالیتهای شهری) دین اسلام بیش از آنکه به دنبال ارایه ساخت کالبدی مشخصی از شهر باشد بیشتر به دنبال مفهوم خاصی از شهرنشینی است. شهر اسلامی ترکیبی است از سه عنصر فضای فکری، فضای عملی و رفتاری، فضای عینی» (پورا احمد و شکوهی راد، ۱۳۹۵)

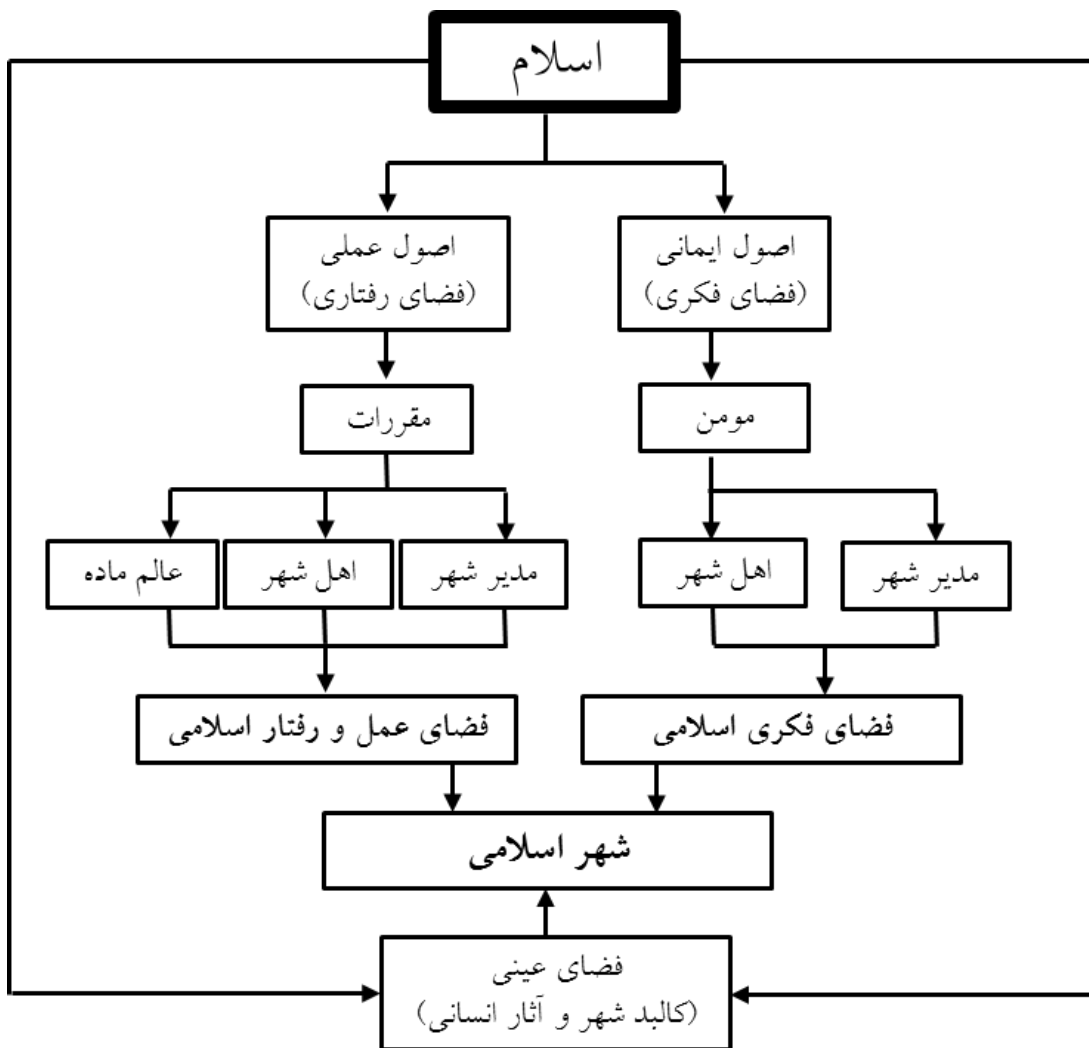
آنچه به عنوان صفات شهر اسلامی از طرف محققین مختلف بیان می شود متنوع است. برخی از این صفات در ساختار فیزیکی شهر مشهود بوده و تبلوری ظاهری یافته و برخی بیش از جلوه کالبدی در فرهنگ سرزمین های اسلامی و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و... به چشم می خورد (مانند شهر-عدالت، شهر-امنیت). آنچه حائز اهمیت است، بی زمان و بی مکان بودن این صفات است، بنابراین این صفات می توانند در هر زمان و مکانی تجلی یابند.



شکل ۲-۲-چهارضلعی یگانگی مفاهیم مادی و معنوی در شهر ربانی (جهان بخش و زنده دل، ۱۳۹۳) قرآن تعابیر متعددی را در تعریف شهر به کار برده است که هر کدام معنا و تعاریف متفاوتی را شامل می شود: «مدینه، مدین، مدائن، قریه، ام القری، دیار، دار، رستاق، مصر، قصبه، کوره، بابل، موتفکات، ارم، حرد، رقیم، بعل، حجر، حنین، ایکه، بکه، مکه، یثرب، مسجدالاقصی. متناسب با آن می توان شهر اسلامی را مجتمع زیستی با اجتماعی از انسان ها (کم یا زیاد) که بر اساس عدالت، آگاهی، تعادل، معرفت، امنیت، رفاه، فراوانی، پویایی، استحکام، زیبایی و روابط اجتماعی منشعب از مبانی قرآنی زندگی کرده و منافع همه جانبه مردم در نظر گرفته شده باشد دانست.» (همان)

«شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که در شکل گیری و استخوانبندی آن عوامل متعددی تاثیرگذار بوده اند. بدون شک شکل گیری فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی، به شیوه های متعدد، از فضای اندیشه ای حاکم بر آن متاثر بوده است. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگیهای سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک در آنها برآمده از مکتب الهی است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر

فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزشهای زیستی شکل یافته است و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبانی فکری و مبادی صوری، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیینها، اسطوره‌ها، صورت‌های ثمالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاها، کالبدی، نمود یافته‌اند. هر گوشه این شهرها دارای احساسی متفاوت و متنوع است. احساس آرامش، تواضع، تفکر، عظمت، نوآوری، تحسین، زیبایی و... باورها نیز می‌توانند بر چیدمان کالبدی شهر موثر باشند. به طور کلی شهرهای اسلامی دارای عناصر شهرسازی خاصی هستند... که به خاطر وزن اجتماعی - اقتصادی آنها و کارکرد ویژه این عناصر و قرارگیری سایر عناصر شهری در تبعیت از این مشخصه‌ها، در هسته‌های اکثر شهرهای تاریخی دارای موقعیت تراز اول و برتر نسبت به سایر عناصر شهرسازی هستند. بنیادهای اجتماعی زندگی شهری در تمدن اسلامی حداقل در چهار عنصر عمده است. این عناصر (حکومت، امت، اصناف و محله‌ها) امروزه به عنوان ویژگی تاریخی شهرنشینی در اسلام محسوب می‌گردد. (پوراحمد و شکوهی راد، ۱۳۹۵)



شکل ۲-۳- رابطه محتوایی اسلام و شهر اسلامی-اسلام از دو بعد نظر و عمل شهر اسلامی را شکل می دهد. شهر اسلامی ظرفی برای دوگانه "فکر اسلامی" و "رفتار اسلامی" است.

با توجه به تمامی مطالب طرح شده، صاحب نظران مختلف تعاریف متفاوتی برای شهر اسلامی آورده اند؛

جدول ۲-۳- تعریف شهر اسلامی بر اساس نظر صاحب نظران (نگارنده، از منابع مختلف)

ردیف	صاحب نظر	تعریف شهر اسلامی
۱	وارثانی	منظور از شهر اسلامی، پیوند یک تمدن، یعنی اسلام به شهر است و این نعمتی است که ما را به خاستگاه یک تمدن و حوزه فرهنگی هدایت می کند.
۲	بمات	شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی که بر اساس ایده آل های اسلامی، فرم های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است.
۳	تقوایی	مفهوم شهر اسلامی که شرق شناسان به کار برده اند مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می کند.

۴	نقی زاده	شهر اسلامی ماهیتی بالقوه که می تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فن آوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص را داشته باشد.
۵	نقی زاده (تعریف آرمانی)	شهر اسلامی، شهری است که همه نیازهای معنوی و روانی و فیزیولوژیکی ساکنان و اهل خویش را تامین نموده و هیچ نیازی را مغفول نگذارد.

جدول ۲-۴-تعریف شهر اسلامی بر اساس ویژگی های شهر(قنبری،۱۳۹۲)

ردیف	ویژگی	تعریف شهر اسلامی
۱	شهری با ساکنان موحد و کالبد اسلامی	در آن مسلمانان موحد بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار می کنند و توانسته اند کالبد مناسبی را به وجود آورند که تجلی گاه ارزش های اسلامی باشد و آنان را در مسلمان زیستن یاری نماید.
۲	شهرهای دوره های اسلامی	شهرنشینی و شهرهای اسلامی، دوره ای مشخص و محدود(۱۴ قرن پیش تاکنون)را در برمی گیرد و با کمال شگفتی برپهنه ای بسیار وسیع در سه گوشه جهان کم و بیش مهم و باستانی گسترش یافته است.
۳	شهری با مبانی نظری اسلامی ثابت و روش های پاسخگویی متفاوت	۱.شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فن آوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی تفسیر و تجلی خاص را داشته باشد. ۲.تعبیر "شهراسلامی" منوط به وجود شهری می گردد که مبانی نظری طراحی و ساخت آن از متون اسلامی نشات گرفته باشد که البته نحوه ی پاسخگویی به اصول و معیارهای مندرج در مبانی نظری در زمان و مکان متفاوت خواهند بود و آنچه که لایتغیر است اصول و مفاهیم اسلامی خواهند بود.
۴	شهری برگرفته از متون اسلام	۱.مفهوم شهر اسلامی که شرق شناسان به کار برده اند مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می کند. ۲.شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی که بر اساس ایده آل های اسلامی، فرمهای ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. ۳. منظور از شهر اسلامی، پیوند یک تمدن، یعنی اسلام به شهر است و این نعمتی است که ما را به خواستگاه یک تمدن و حوزه فرهنگی هدایت می کند.
۵	شهری برطرف کننده نیازهای انسان	شهر اسلامی، شهری است که همه نیازهای معنوی و روانی و فیزیولوژیکی ساکنان و اهل خویش را تامین نموده و هیچ نیازی را مغفول نگذارد.
۶	شهری با مرکزیت مسجد	شمای شهر، متمایل به مرکز است که رو به مسجد دارد که در مرکز شهر قرار گرفته است، دورادور آن را بازارهای فروش کالاها، مذهبی از جمله بخور و عطر قرار گرفته که فاصله آنها را از مسجد درجه تقدس و دنیوی بودنشان تعیین می کند.
۷	شهری دارای مسجده و بازار و حمام	شهر اسلامی مکانی است که در آن می توان مسجدی برای نماز جماعت(و شنیدن خطبه)، حمامی برای غسل و آماده شدن برای نماز جمعه و مجموعه ای از گذرهای تجاری(سوق) که برای داد و ستد و مبادله اطلاعات مناسب اند، یافت.

چنانچه واضح است تعریف شهر اسلامی با توجه به گستردگی مفاهیم و ابعاد آن کار ساده ای نیست. در ادامه تحقیق، شهر اسلامی بر اساس هریک از ابعاد آن - به صورت مجزا- تعریف خواهد شد.

۲-۲-۲- تعریف شهرسازی

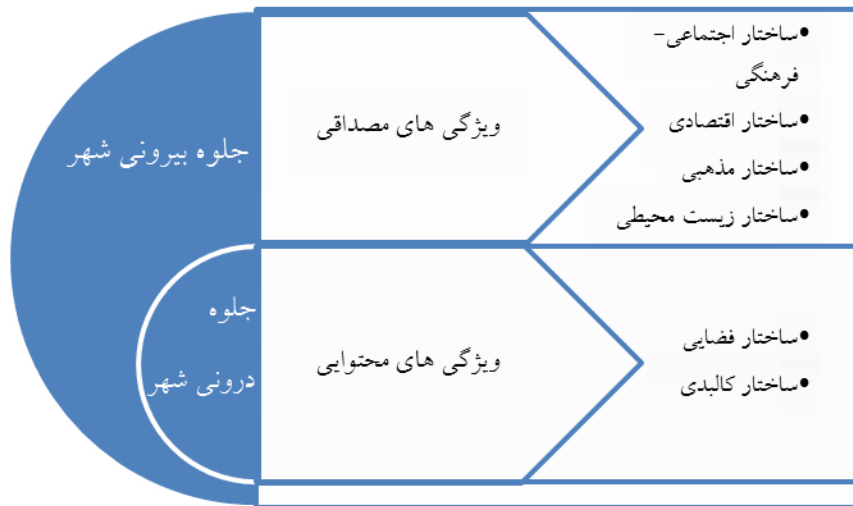
شهرسازی یا علم تنسيق شهرها مجموعه ی روش ها و تدابیری است که متخصصین امور شهری توسط آن شهرها را بهتر می سازند. این علم برابر است با طراحی برنامه ریزی برای شهرها با در نظر گرفتن احتیاجات اجتماعی و اقتصادی با توجه به حداقل رساندن مشکلات شهری و پاسخ گویی به نیازهای عمومی جمعیت شهری. برخی متخصصان برای شهرسازی قدمتی برابر با پیدایش انسان قائلند. (شیعه، ۱۳۷۵) در این تعریف «شهرساز» به ایجاد روابطی منطقی بین انسان و محیط زیست مبادرت می کند. (شیعه، ۱۳۷۵)

۲-۲-۳- تعریف طراحی شهری

«در سال ۱۹۵۵ کلارنس اشتاین اظهار داشت که طراحی شهری عبارت است از "هنر مرتبط کردن ساختارها با یکدیگر و بستر طبیعی به منظور تسهیل زندگی معاصر" (لنگ، ۱۳۸۶). هیلد براند فری معتقد است در انگلستان به تعداد طراحان شهری برای طراحی شهری تعریف وجود دارد. او "طراحی فضاهای عمومی" را شکاف دو رشته برنامه ریزی شهری و معماری دانسته و طراحی شهری را رشته ای برای پر کردن این شکاف معرفی می کند. (فری، ۱۳۸۷) لوکوربوزیه عناصر اصلی طراحی شهری را خورشید، آسمان، درخت، آهن و سیمان- بر حسب درجه اهمیتشان می داند (لنگ، ۱۳۸۶). همچنین از دید متخصصان حرفه ای در هریک از زمینه های طراحی محیط، عرصه عمومی از دو جزء تشکیل شده: ۱- جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در درون آن روی می دهند، ارتباط دارد. ۲- جزء دوم چگونگی تصمیم گیری های جمعی توسط دولت یا در چارچوب ساز و کار بازار را آنگونه که قانون اساسی هر کشور تعریف کرده، مشخص می کند؛ جزء اول بر درک ما از عناصر طراحی شهری تاثیر می گذارد و دومی فرآیند طراحی شهری را تحت تاثیر قرار می دهد. (لنگ، ۱۳۸۶) علی رغم جوان بودن این رشته و پیدایش آن به عنوان رشته ای مجزا در سال های اخیر، طراحی شهری طبق تعاریف موجود آن، از قرن ها پیش وجود داشته و علم شهرسازی نه به صورت تفکیک شده بلکه به صورت ترکیب برنامه ریزی، طراحی و معماری متخصصان و اندیشمندان مورد اهمیت بوده است و بسیاری اصول کنونی در طراحی و برنامه ریزی، ریشه در اصول پایه گذاری شده در زمان های کهن و قبل از مدرن دارد. در نهایت به تقریب تمام تعاریف طراحی شهری حاکی از این است که طراحی شهری با عرصه عمومی (یا قلمرو عمومی و یا فضای عمومی) و عناصر تشکیل دهنده ی آن سر و کار دارد. (لنگ، ۱۳۸۶)

3-2- ساختار شهرهای اسلامی

شهرها از ابعاد گوناگونی ساخته شده اند. تقسیم بندی های متنوعی از سوی اندیشمندان برای این ابعاد مطرح شده است. ابعاد و ویژگی های سازنده شهر را می توان در یک تقسیم بندی در دو گروه محتوایی (محتوا، مفاهیم و چارچوب نظری سازنده شهر) و مصداقی (کالبد و ساختار فضایی شهر) در نظر گرفت. به این ترتیب ویژگی های محتوایی شهر، سازنده ساختار اجتماعی شهر، ساختار اقتصادی شهر، ساختار فرهنگی شهر، ساختار مذهبی شهر و ساختار زیست محیطی است؛ و ویژگی های مصداقی شامل ساختار کالبدی و مسکن و منظر شهر، ساختار فضایی و سلسله مراتب شهری و معابر می شود. در ادامه پس از مرور تاریخچه شهرهای اسلامی به شرح چهار بعد از شهر - شامل دو بعد محتوایی (اجتماعی، زیست محیطی) و دو بعد مصداقی (کالبد و ساختار فضایی) - پرداخته خواهد شد.



شکل ۲-۴- تقسیم بندی ابعاد شهر در دو گروه محتوایی و مصداقی. (نگارنده)

۱-۳-۲- تاریخچه شهرهای اسلامی

«طی سه قرن نخست تاریخ اسلام (۲۸۸ هجری و ۹۰۰ میلادی) مبانی و اصول اجتماعی، اقتصادی و همچنین چارچوب های حقوقی تدوین شد. فعالیت های ساختمانی و شهرسازی با گامهای نسبتاً سریعتری در همان سالها ظاهر شد. سنت طولانی توسعه شهری و ساختمانی که در حوالی سال ۲۸۸ هجری به دوره بلوغ خود رسید طی ۱۰ قرن بعدی به حیات خود ادامه داد.» (حکیم، ۱۳۸۱) در دوره های بعدی برخی شهرهای جهان اسلام، مانند بغداد به شهرهای بزرگ و ثروتمندی تبدیل شدند و به عنوان مراکز مهم فرهنگی و بازرگانی به شمار می رفتند، برخی دیگر پس از تسخیر دوباره توسط مسیحیان رو به زوال گذاشتند. «پایتخت های دولتهای شرقی مانند اصفهان و شیراز در ایران، آگراد دهلی در هند، در عصر جدید هم مهم و پرجمعیت باقی مانده اند. این شهرها طی سده های شانزدهم، هفدهم و هجدهم از لحاظ معماری و شهرسازی ترکیبی دوباره یافتند و همچنین به شیوه نوین

هندسی در مقیاس بزرگ و تقریباً به مانند پایتخت های اروپایی دوره باروک دوباره طراحی شدند.» (بندولو، ۱۳۸۵) با این وجود تفکر غنی توسعه شهری و گسترش شهر اسلامی بر مبنای اصولی در سالهای نخست قرن بیستم دچار توقف ناگهانی شد و سرانجام با فروپاشی امپراطوری عثمانی در سال ۱۳۳۷ هـ قمری (۱۹۱۸م) پایان یافت.

«در سنت شرقی، شهرنشینی و شهرهای اسلامی در طول چهارده قرن پیش تاکنون بر پهنه بسیار وسیعی گسترده شده در نواحی مختلف جهان بسط یافته و در اجزای بسیاری از تمدنها و ایدئولوژی ها نقش چشم گیری داشته است. در تمام این دوران، شهرهای اسلامی به حیات، توانمندی و بازسازی خویش ادامه داده و بر بحرانهای مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آنها از طریق سیستم های جدید شهری تحقق یافت.» (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲) «حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم ها و سرزمین های مختلف و نیز امکانات نامحدود و ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آنجا منجر شده است. از سوی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده های شهری به وجود آورده است، چه برخی از این فرهنگها به سنت های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل برانگیز است.» (کوئنو، ۱۳۴۸)

۲-۳-۲ - ساختار اجتماعی - فرهنگی

جامعه شناسی علم مطالعه اجتماع هاست و یکی از هدف های عمده آن پیش بینی رفتار اجتماعی و نظارت بر آن بوده و به تخفیف تعصب ها و پیش داوری هایی که مانع انعطاف پذیری بیش تر در انسان ها در برخورد با موقعیت های تازه می شوند کمک می کند. «بررسی جامعه شناختی، شیوه های نگرش و واکنش نوینی را در برخورد با سیمای پیوسته متغیر واقعیت اجتماعی فراهم می آورد.» (ثلاثی، ۱۳۸۴) وجوه متمایز کننده شهر غربی از شهر اسلامی عمدتاً در خصایص اجتماعی جامعه است.^۶ تفاوت ماهوی شهر اسلامی و غربی در زمینه وضعیت اجتماع واضح است. البته در مواردی نظیر وجود بازار و استحکامات نظامی، تفاوت خاصی میان شهر اسلامی و

^۶ - زیاری در قیاس جامعه و شهر اسلامی و سوسیالیسم می گوید: «فرهنگ سوسیالیسم، شکل، مکان، بافت و کارایی اقتصادی شهرها را تغییر داد. تراکم بالای جمعیت، سرانه پایین، عدم وجود تفاوت های فضایی، نظم، دسترسی به خدمات عمومی، حمل و نقل عمومی و مدل محله، شهر، منطقه، مولفه های اساسی ساخت شهر هستند. فرهنگ سوسیالیسم نظام اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شهرهای بلوک شرق را تغییر داد. مولفه های این فرهنگ برابری، عدالت اجتماعی، سرانه پایین کالبدی است. در غرب، فرهنگ به عنوان یکی از مولفه های مسلط و منطقه طبیعی به مثابه محیط زمینه ساز عمل کرده است. بنابراین فرهنگ به عنوان نتیجه کار، نظام کالبدی، الگوها و ویژگی های جامعه را تبیین می کند. در ساخت شهرهای غرب مکاتب فرهنگی متعددی که مبین و محصول فرهنگی آن هاست ساخت شهرها را به وجود آورده است. در ایران چه در قبل و چه در بعد از اسلام سبک های خاص فرهنگی نوع خاصی از شهرها را ایجاد کرده است.» (زیاری، ۱۳۸۲)

غربی وجود ندارد. گرچه تفاوت های فرهنگی و اعتقادی بین جامعه شهری اروپای قرون وسطی و سرزمین های اسلامی نقش تعیین کننده ای در پیدایش حیات شهری و کیفیت آن دارد و می تواند توجیه کننده اشکال متفاوت اجتماع شهری در دو حوزه تمدنی یادشده باشد. (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹) «فرهنگ به مثابه نهادها، هنرها، رفتار مشترک گروهی، اقتصادی و ایدئولوژی در نظام های مختلف تاثیرات خاصی در ساخت شهرها به جای گذاشته است.» (زیاری، ۱۳۸۲) «شهرهای اسلامی تحت تأثیر فرهنگ دینی جدید و در تعامل یا تقابل با فرهنگ های بومی پیش از اسلام، استیلای حکومت های متمرکز، موقعیت جغرافیایی و نقش آن در اقتصاد جامعه و تنوع قومی و دینی و مذهبی، سیمای اجتماعی خاصی را داشته اند.» (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹) زیاری معتقد است سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه های کالبدی، شکل، ساخت و ریخت شناسی شهری را به وجود می آورند. فرهنگ های متفاوت، نظام های اقتصادی متفاوتی را خلق می کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند. چون درک کامل یک ساخت و نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست. می توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد؛ و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک؛ و نوع تکنیک، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می سازد. (زیاری، ۱۳۸۲)

1-2-3-2-جامعه اسلامی

ساختار اجتماعی یک شهر برگرفته از ارتباط دو سویه "مردم با حکومت" و همچنین "مردم با مردم" است. در این ارتباطات عقاید دینی و فرهنگ تاثیر ویژه ای دارد. مسائل اجتماعی و اعتقادات جامعه علاوه بر آنکه تاثیری متقابل بر هم دارند، سازنده بخشی از چارچوب فکری و سلامت رفتاری افراد هستند. این دقیقا همان نقطه هدفی است که دین برای بهبود سطح کیفیت آن تلاش می کند و عرصه این تلاش در درجه اول شهر است که توان مداخله در آن وجود دارد. «یک شهر اسلامی، اولاً و قبل از هر چیز، مکانی بود که امور حکومتی در آن انجام می شد. بر این اساس حکومت مرکزی و شهر در جهان اسلام ارتباطی متفاوت از سایر حکومت ها و شهرهای دیگر، با یکدیگر داشتند. تسلط حکومت بر اداره شهر ریشه در این تفکر اسلامی نسبت به شهر و سایر شرایط اجتماعی و سیاسی مناطق اسلامی دارد.» (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹) «وجود شهر برای دولت اسلامی به عنوان یک ضرورت تلقی می گردد. در شهر است که وظایف و آرمانهای دولت اسلامی تبلور می یابد، در شهر است که امکان تحقق فرامین و اجرای مقررات صادره از سوی دولت اسلامی فراهم می آید. بنابراین جامعه شهری در دولت اسلامی نقشی به مراتب فراتر از همسان های خود در دولت های کهن به عهده می گیرد. جامعه شهری در این دولت در هماهنگی و همنوایی کامل با دو جامعه روستایی و ایلیاتی قرار می گیرد. این همنوایی و هماهنگی بدان سبب است که جامعه شهری دیگر بیانگر نماینده دولت نیست بلکه چون دو جامعه روستایی و ایلیاتی تحت سلطه این دولت قرار می گیرد و علی رغم اهمیت فراوانش از همان امتیازات و یا محرومیت هایی برخوردار می گردد که دو جامعه دیگر از آن برخوردارند.» (حبیبی، ۱۳۷۸) «نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی اقتصادی آن اولویت دارد...

مدینه جایگاهی است که در آنجا عدالت به اجرا در می آید، مقرر دولت یا نمایندگان حکومت است. مدینه گذشته از موقعیت اداری دارای نقش مذهبی بسیار با اهمیتی است، سکونتگاهی است که وظایف مذهبی و آرمانهای سیاسی-اجتماعی دولت اسلامی در آن تحقق می یابد.» (همان) سلسله مراتب اجتماعی در شهر اسلامی، آنگونه که در نظام سلطنتی دیده می شود وجود ندارد، جایگاه افراد با عملکرد و میزان تقوای آنها تعیین می شود و سلسله مراتب موجود مربوط به جایگاه های شغلی است. در اسلام نه تنها "فرد مسئول" دارای امکانات رفاهی ویژه ای به سبب موقعیتش نیست، بلکه حساسیت شدید بر او وجود داشته و به طور جدی پاسخگو است؛ بنابراین در جامعه اسلامی، اولویت رفاه مردم است و نه قشری خاص. این موضوع در کالبد با از هم گسیختن مرزهای تفکیک کننده مراتب اجتماعی پس از ورود اسلام به سرزمین های جدید خود را نشان می دهد و نهایتاً عدالت اجتماعی به عدالت کالبدی می رسد.

۲-۲-۳-۲- رفتار اجتماعی

پس از بررسی سلسله مراتب اجتماعی در یک اجتماع، رفتارهای شکل گرفته در آن، موضوع مهم ساختار اجتماعی است. «رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان همواره متأثر از آموزه های دینی آنان است. این رفتارها در مناسبات اجتماعی ساکنان شهرها نیز تظاهر می یابند. گرچه نوع این تاثیرها و میزان آن در همه شهرها یکسان نیست، ولی ردیابی آنها برای شناخت مشابهت ها و تعریف برخی الگوهای رفتاری خاص برای ساکنان شهرهای اسلامی امکان پذیر است. همبستگی های قومی و خانوادگی که ریشه در تاکیدهای شرع اسلامی بر صله رحم دارد، موجب اولویت دادن خون و نسب در همکاری های اجتماعی در شهرهای اسلامی شد. تاکیدهای دین اسلام بر حفظ حجاب و تکلیف آن برای مردان و زنان نیز در شهرهای اسلامی موجب تفاوت هایی در فعالیت های عمومی زنان و مردان و حضور آنها در فضاهای عمومی شهری شده است. (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹)

حضرت امیر(ع) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه، سخن را با بیان اهمیت حرمت مسلمانان آغاز می کند. این اولین سخنان حضرت پس از ۲۵ سال خانه نشینی است و مسلماً پایه ای ترین و مهم ترین سخنان ایشان است. بنا بر سخن ایشان، مسلمان کسی است که مردم از او در صلح و آسایش اند. بنابراین مسلمان سالم زندگی می کند، به دیگران آزار نمی رساند و تقوای پیشه است. از طرفی مسلمان را در قبال شهر، ساختمانهای آن و حیوانات مسئول و پاسخگو می داند. چنانچه می فرماید: «(خداوند) حرمت مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید استوار کرد»^۷ همچنان می فرماید: «پس مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آزاری نبینند... از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، و شهرها، و خانه

^۷ «... فَضَلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا وَ شَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ ...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۷)

ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سرباز مدارید، اگر خیری دیدید برگزینید، و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید.» (دشتی، ۱۳۷۹) حضرت توصیه به این مسئولیت را در کنار توصیه به اخلاص و توحید بیان کرده و در گامی فراتر، حق شهروند (حقوق مسلمانان) را شرط اخلاص و توحید (و در نتیجه شرط رسیدن به تعالی در دین) معرفی می کند و این از اهمیت بالای این موضوع حکایت دارد.^۸ ایشان در این خطبه بر دو محور تاکید دارد:

الف- تاکید بر حقوق اجتماعی (تامین حرمت اجتماعی)

ب- حساسیت شهر و کالبد آن

حساسیت افراد نسبت به بخشی از این توصیه ها امروزه تحت عناوین حقوق و وظایف شهروندی و همچنین مشارکت اجتماعی دیده می شود. «مشارکت عبارت است از باز توزیع قدرت که افراد را قادر به مداخله در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می نماید که قبلاً فاقد آن بوده و عمدتاً تعیین کننده منافع آتی افراد است.» (مهدوی نژاد و آقایی مهر، ۱۳۹۱) البته حرمت اجتماعی مفهومی فراتر از حقوق شهروندی است. «اسلام یک سنت است که به طرف اجتماع (جامعه) هدایت و جهت داده شده است. تاثیر این جهت دهی و هدایت به سمت جامعه و اجتماع، مفهوم "امت" است که با آن جامعه مسلمان شناخته می شود. این امر یک دستور مقدس است. که به وسیله خداوند طراحی شده و به مسلمانان امر شده که در یک جامعه واحد، یک امت را تشکیل دهند.» (هشام مرتضی، ۱۳۸۷) این امت در ساخت و پیشرفت جامعه خود مشارکت و اتحاد دارند. «مشارکت جویی یکی از نیازمندی های روحی روانی و منشا احترام به انسان است.» (موسایی و رضوی الهاشم، ۱۳۸۹) ابعاد غالب مشارکت مردمی عبارت از مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی و برنامه ریزی مشارکتی است. با حضور شهروندان در مراحل برنامه ریزی و مطالعات شهری، علاوه بر آنکه طرح نهایی به نتیجه مطلوب نزدیکتر خواهد شد، افراد را در جهت حفظ ارزش های شهری سوق می دهد و سبب افزایش تعلق خاطر به مکان می شود. بنابراین «در جوامع پیشرفته، مشارکت مردم در برنامه های شهری نهادینه شده و حقوق و تکالیف مدیران شهری و شهروندان مشخص شده است.» (همان) در اسلام بر همکاری و همراهی به گونه ای تاکید شده که مسلمانان بر یکدیگر صاحب حق اند و یکدیگر را برادر خود می دانند. این همکاری بر پایه تقواست. خداوند در قرآن می فرماید: «و باید شما به

^۸ - همچنین در بحار الانوار به نمونه هایی از عدل امیرالمومنین (ع) با ایرانیان همچون دیدار با ایرانیان اطراف کوفه و بررسی احوال آنان، توجه به نوز، استقبال از هدایای آن ها، تلاش برای حفظ کرامت ایرانیان، امر به خوش رفتاری با ایرانیان، تقسیم برابر بیت المال بین اعراب و ایرانیان، رفق در دریافت خراج از آن ها و پاسخ به شکایت هایشان اشاره شده است.

یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید؛ نه بر گناه و ستمکاری»^۹ (مائده، ۲) هدف آن است که جامعه به وحدت برسد، افراد با یکدیگر یکدست شوند و امتی با نظم و هم سو بسازند، امتی که در مسیر الهی گام برمی دارد. بنابراین شهر اسلامی، "شهر - وحدت" است. از طرفی در تعریف حقوق شهروندی، علاوه بر تاکید بر لزوم رعایت عدل درباره آنان، وظایف و مسئولیت های آنان نیز مشخص شده است. رعایت حقوق مسلمان و سایر شهروندان و توجه به مشارکت اجتماعی از ابعاد مهم در شهرهای اسلامی بوده است.

احترام به انسان در اسلام با نگاه به جایگاه اوست. «در دیدگاه حکمت متعالیه، انسان یک نوع و گونه خاص از حیوانات و یا حتی جانداران نیست، بلکه کامل ترین تجلی الهی است که می توان آن را حی متاله، یعنی زنده خداجو تعریف کرد. در حکمت متعالیه صدرایی، انسان نوع نیست، بلکه انواع است. انسان خود شکل خود را تعیین می کند. چون تجلیات الهی همه سطوح هستی را در بر می گیرد. انسان باید مرتبه خود را در هستی تعیین کند. او می تواند بر اساس حرکت جوهری از پست ترین مراحل وجود تا بالاترین مرتبه را جایگاه خود بداند. ذات خود را به آن مرتبه تبدیل می کند. این شکل حرکت در حکمت متعالیه، به صورت اسفار اربعه توسط صدرالمتالهین توضیح داده شده است. حضرت امیر در حدیث معروف خود، یک انسان شناسی چهار لایه ای را معرفی کرده اند. در حدیث مزبور از حضرت علی (ع) نقل شده است که جناب کمیل از ایشان می خواهد نفس او را تشریح فرمایند. ایشان می گویند کدام نفس؟ جناب کمیل با تعجب می گوید مگر من چند نفس دارم؟ ایشان می فرمایند: چهار نفس؛ و سپس به تشریح آن ها می پردازند.» (نقره کار، ۱۳۹۲) در اسلام برای تمامی نفوس انسان، شرایط و حالات متنوع رفتاری و روحی او برنامه وجود دارد.

جدول ۲-۵- مراتب چهارگانه نفس انسان و قوای آن ها بر اساس حدیث امام علی (ع) (نقره کار، ۱۳۹۲)

نفس انسان	سرچشمه نفس	قوای پنج گانه نفس انسان				خواص دوگانه نفوس انسان
نفس نامی نباتی	کبد	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	کم و زیاد شدن رشد(تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
نفس حسی حیوانی	قلب	شنیدن	دیدن	بویدن	چشیدن	خشنودی و ناراحتی نفس(تحریک در مقابل اتفاقات محیطی)
خرد						

^۹ - «و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده، ۲)

نفس ناطقه قدسی	از چیزی سرچشمه نگرفته (شبیبه نفس فرشتگان است)	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	تنبه (بیداری) و پندپذیری (ی)	حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی ها و بدی ها، زیبایی ها وزشتی ها و گرایش به خوبی و زیبایی)
نفس کلی الهی	مبدا آن از خداوند است و به او نیز باز می گردد	بقا در فنا	تنعم در سختی	عزت در ذلّت	غنا در فقر	صبر در بلا	رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی)

بنابراین اسلام بر حرمت افراد و حقوق آنها تاکید و توجه ویژه ای داشته و دینی به شدت انسان مدار است. یکی از مسائل مطرح در این زمینه میزان تماس افراد با یکدیگر و برخوردهای اجتماعی است. آنچه در طراحی شهری با تعاریف قلمرو، هاله، حباب و... پایه شناخت و موثر در طراحی قرار می گیرد، در آموزه های اسلامی مطرح بوده و در طراحی شهرهای اسلامی تاثیرگذار بوده است. در معماری ایرانی-اسلامی این مسئله در درجه اول با ایجاد سلسله مراتب فضایی پاسخ داده شده است. در واقع برخورد افراد در مکان هایی اتفاق می افتد که در تقسیم بندی های موجود طراحی شهری در طبقات نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی اتفاق می افتد. مکانهایی چون معابر، بازارها، مساجد و سایر فضاهای عمومی و فضاهای شهری. هر یک از این مکان ها تعریف کننده مجموعه ای از رفتارهای فردی و اجتماعی اند. بنابراین متناسب با نوع عملکرد تعریف شده برای آنها بر میزان حساسیت آنها افزوده می شود. از این میان، فضاهایی که محل مراسمات و انجام فرائض دینی اند (همچون مساجد و مصلی ها و ..) و یا محل استفاده روزانه افرادند (همچون معابر و بازارها و...) و به عبارتی عمومی ترند، بیشتر محل بحث احکام و رهنمودهای دینی بوده اند، چرا که در تقویت وحدت موثرترند. دین اسلام، دینی به شدت اجتماعی است و برخوردی روانشناسانه با عوامل موثر بر اجتماعات دارد. بسیاری از قوانین موجود در اسلام برای تقویت ساختار اجتماعی است به طوری که قوانینی نوشته یا نانوشته در فرهنگ مردم نفوذ کرده و در اصلاح امور و روابط آنان راهگشا باشد، از این جمله می توان به "عرف" و "مصالحه" نام برد. همچنین فرهنگ وقف در اسلام بر ساخت عناصر شاخص شهری بسیار موثر بوده است و به طور کلی نوع عناصر مهم شهر و مکانیابی آنها (مانند مسجد، حسینیه، مصلی، بازار، مزار و...) متاثر از نوع دین و فرهنگ در ساخت شهر در محوریت تصمیم گیری قرار داشته است.

همچنین در اسلام به صورت ویژه ای بر روابط همسایگی تاکید شده است. اسلام اساسا همسایگی را به عنوان ستون فقرات و اساس و استحکام امت می بیند. به این منظور اصول اخلاقی را ارائه نموده است که این اصول وظیفه دارند پیوندهای همسایگی را کنترل کرده و افزایش دهند. دو اصل عمده از این دست عبارتند از: ۱- تقویت همسایگی ۲- حفظ حقوق همسایگی. (هشام مرتضی، ۱۳۸۷) در این دین شهروندان موظفند قوانینی را تحت عنوان

"حقوق همسایه" رعایت کنند و از وارد آوردن هرگونه آسیب مادی و روحی به همسایه و سایر شهروندان اجتناب کنند. از جمله این قوانین که از فرموده های پیامبر(ص) به دست می آید می توان به ممنوعیت سد کردن جریان عبور هوا به طرف خانه همسایه با افزایش ارتفاع ساختمان خود، پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایه با بیرون ریختن زباله یا ریختن آب ناودان به درون معبر اشاره کرد. تمامی آموزه های ارائه شده در دین اسلام پیرامون روابط اجتماعی به ویژه روابط همسایگان با هدف تقویت پیوندهای اجتماعی و جهت دهی جامعه به سوی شکل گیری "امتی واحد" است. در نتیجه شهر اسلامی شهری است با رعایت شاخصه های اجتماعی با محوریت وحدت اجتماعی و عدل. این جامعه به شهر تعلق خاطر از روی پاس داشت حرمت حضور مسلمین دارد، برای اداره امور مشورت می کند و نهایتاً پیرو رهبری عادل و داناست. به حقوق شهروندی احترام می گذارد و حرمت فرد فرد جامعه را نگاه داشته و برای پیشرفت و تعالی آنها تلاش می کند.

3-3-2- بعد زیست محیطی

کاربست اصول ساخت در معماری و شهرسازی قبل از انقلاب صنعتی همواره باعث بهره گیری هرچه بیشتر از نور، باد، هوای آزاد و سایر کیفیات زیست محیطی و دوری از آسیب های آنهاست. این امر باعث می شود بنا از انرژی های طبیعی بیشتری استفاده را برده و کمترین هدر رفت انرژی را داشته باشد. فواید رعایت اصول زیست محیطی در طراحی شهری و شهرسازی نیز مهم و مفید است. بررسی مسائل زیست محیطی علاوه بر بحث انرژی که در دنیای امروز منجر به صرف هزینه بالایی است، در دنیای پزشکی نیز مورد توجه است. استفاده از طبیعت، نور و هوای طبیعی و ... علاوه بر سلامت جسم، ضامن سلامت روح است. حضرت امیر(ع) بر اصول اکولوژی حساسیت زیادی نشان می داد، و از سخنان ایشان چنان بر می آید که اسلام برای تمامی مراحل ساخت شهر و مسکن برنامه و توصیه دارد؛ از مکانیابی یک شهر تا ساخت جزئیات یک خانه؛ از توجه به طبیعت کوه و درختان تا اهمیت حیوانات منطقه.^{۱۰}

1-3-3-2- خصوصیات خاک و مکان

درباره «مناسب و نیکو بودن جای از امام علی (ع) درباره خانه روایت شده است: "و آن را برکتی است و برکت آن، مناسب بودن جای آن است."» (العاملی، ۱۳۹۰) حضرت در بدو ورود به عرصه حکومت به اصلاح آب و خاک توجه نشان داده است؛ این در صورتی است که در معماری مدرن گذر باد، بهره گیری حداکثری از نور و بسیاری از اصول طراحی و اجرایی مهم دیگر در عمل لحاظ نشده و قربانی مسائل اقتصادی یا محدودیت های مکانی و ابعاد ساختمان می شود. این موارد از دید حضرت چنان مهم و ضروری بود که در صورت دیدن ساختمانی که

^{۱۰} «امیرالمومنین (ع) نیز صید کبوتر را در شهرها ممنوع کرد و آن را در روستاها آزاد گذاشت.» (العاملی، ۱۳۹۰)

حق همسایه اش را در ساخت (بلندی، اشرف و .. - برج ها و ..) تضييع کرده بود بلافاصله دستور تخریب می داد و در واقع طبق فاکتورهای توجه به طبیعت در حاکمیت حضرت آنچه در نهایت حاصل می شد پاسخگو به حقوق همسایگی بوده و فرد کنترل فضای اطراف خود را در دست داشت. در حالی که انسان امروزی نه تنها حاکم فضای خود نیست بلکه، از طبیعت پیرامون خود نیز چندان بهره ای نمی برد. در واقع تکنولوژی امروز ظرف کمال آفرینی برای انسان نیست. حضرت امیر در خطبه شماره ۱۴ نهج البلاغه، ارتباط معناداری بین زمینه اکولوژی شهر (شرایط نامساعد خاک و آب شهر) بصره و تاثیرات آن بر رفتار مردم (آنچه امروز در قالب جغرافیای فرهنگی ارائه می شود) قائل شده است. در واقع نزدیکی شهر به آب، بر خلیقات و سلامت رفتار مردمان آن موثر است. حضرت پس از اشاره به نزدیکی بصره به آب و دوری آن از آسمان، مردم بصره را مردمی سبک عقل و بردباریشان را سفیهانه می خواند.^{۱۱} (دشتی، ۱۳۷۹)

موضوع مرتبط با این بحث نگاه طب اسلامی (و طب ایرانی) به تاثیرات آب و هوایی، تغذیه و سایر شرایط محیطی بر سلامت و خلیقات افراد است. در این طب هر چیز، هر جا و هر مجموعه شرایطی دارای مزاجی^{۱۲} است که بر شرایط روحی و جسمی افراد موثر است. بویا، مزه ها، زمان (ساعات شبانه روز)، مکان ها و .. همگی دارای مزاجند. به این ترتیب تلاش بر قرارگرفتن انسان در بهترین شرایط زیستی صورت می گیرد. این موضوع هم بر نوع مکانیابی شهر و فضاهای شهری و هم بر نوع طراحی شهری (طراحی مکان ها نسبت به زمان و شرایط زیست محیطی و توجه به حالات روحی افراد در مکان و عملکرهای فضایی) موثر و رعایت آنها مفید خواهد بود. طب سنتی برای مکان ها و مناطق جغرافیایی آنها مزاج قائل بوده که برخی از آن ها به شرح زیر است:

جدول ۲-۶- مزاج برخی مکان ها و مناطق جغرافیایی آنها

نوع مکان	مزاج	نوع مکان	مزاج
مکان های معنوی	گرم	مناطق بیابانی	گرم و خشک
مکان های غیر معنوی	سرد	مناطق شمال جغرافیایی	سرد

۱۱- "اءَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِّنَ الْمَاءِ، بَعِيدَةٌ مِّنَ السَّمَاءِ، خَفَّتْ عُقُولُكُمْ، وَ سَفِهَتْ حُلُومُكُمْ فَأَنْتُمْ غَرَضٌ لِّنَابِلٍ، وَ اءَكْلَةُ لَأَكِلٍ، وَ قَرِيسَةٌ لِّصَائِلٍ" (نهج البلاغه، خطبه ۱۴)

۱۲- مزاج عبارتست از کیفیت غالب بر جسم که اگر در تعادل باشد، شخص دارای تعادل مزاج است و در سلامت به سر می برد؛ اما وقتی یکی از این کیفیات بر جسم فرد غالب شود، تعادل مزاج او به هم خورده و به لحاظ جسمی دچار بیماری می شود؛ بیماری جسمی او نیز می تواند منجر به ناراحتی های روحی شود. بنابراین آنچه تحت عنوان مزاج و تعادل آن در طب سنتی و اسلامی مورد نظر است بر جنبه های مختلف روحی و جسمی و در نتیجه در عملکرد و کیفیت زندگی افراد موثر بوده است. بسیاری از اصول مهم در آن در معماری گذشتگان مورد توجه بوده و بر طراحی و ساماندهی کالبد نیز تاثیر می گذارده است.

مناطق کنار دریا	مرطوب - تر	مناطق شمالی کنار دریا	سرد و تر
مناطق جنوب جغرافیایی	گرم	مناطق کوهستانی	سرد و خشک
مناطق جنوبی کنار دریا	گرم و تر	خاک شوره زار	گرم و خشک
خاک رسی	سرد و تر	خاک شنی	سرد و خشک

به طور خلاصه ارتباط میان شرایط زیست محیطی با مزاج ها و خلقیات برآمده از آن، به شرح زیر است:

مزاج	ارکان	اخلاط	سن	رنگها	هیکل	اعراض نفسانی	فعالیت	مزه	فصول	اقالیم	کوه	دریا	خاک	باد	ویژگی رفتاری
گرم و تر	هوا	دم (خون) ۳۰-	رشد ۳۰-	سرخ	عضلاتی	نگرانی	-	شیرین	بهار	استوا	شمال	جنوب	-	جنوب	شجاع/ جسور/ معمولا پشورو و رهبر گروه/ معمولا آرام ولی هنگام عصبانیت احتمالا رفتارهای مخاطره آمیز دارند.
گرم و خشک	آتش	صفرا	شباب ۳۰- ۴۰	زرد	لاغر گندمی	خشم هیجان	حرکت بیداری	تلخ تند شور	تابستان ن	-	-	-	شوره زار	-	زود عصبانی شده و زود هم آرام می شوند پر جنب و جوش، پر انرژی، باهوش و پر حرف
سرد و خشک	خاک	سودا	کهنه ۶۰- ۷۰	سیاه	لاغر سیاه رو	غم	-	تر ش	پاییز	قطب	جنوب	-	شمال	دقیق منظم دور اندیش محاسبه گر	
سرد و تر	آب	بلغم	شیخ ۶۰+	سفید	باق	توس	سکوت خواب	بی مزه	زمستان ن	-	-	شمال	رسی	-	کم انرژی و کند صبور و آرام کمتر عصبانی می شوند

جدول ۲-۷- ارتباط میان شرایط زیست محیطی با مزاج ها و خلقیات (منبع: نگارنده)

تأثیرات محیط، شرایط جغرافیایی و .. از علم روز و دیدگاه اندیشمندان غربی نیز پوشیده نیست. چنانچه در بحث زیبایی شناختی در زمینه تأثیرات زیبایی ها و آثار هنری بر روان انسان آمد و یا در مثالی دیگرگروتر در کتاب زیبایی شناسی در معماری پس از شرح عوامل فرمی و ظاهری موثر بر ادراک، سه عامل دیگر را به عنوان عوامل "روانی-اجتماعی" اضافه می کند که عبارتند از :

«الف - وضع روحی انسان در آن لحظه

ب- خلق و خوی شخصی: که چیزی است نقش گرفته و ساخته شده از تمامی تجربیات و وقایع گذشته شخص بیننده، افق ذهنی، هوشیاری و تمامی آنچه که شخص آموخته است..

ج - عوامل موروثی و زمینه اجتماعی - روانی: یعنی عواملی که نه از طریق یادگرفتن به وجود آمده اند و نه از راه تجربه. مجموع این عوامل و خلق و خوی شخصی سبب به وجود آمدن شخصیت فرد می شود.» (گروتر، ۱۳۷۵) و همچنین ادوارد هال در کتاب بعد پنهان خود به تأثیر عامل "فرهنگی" اشاره کرده، ادراک را دارای یک جنبه فرهنگی دانسته و فرهنگ را یکی از عوامل موثر در نوع احساس می داند. همچنین اندیشمندان کهن چون ابن سینا و ویتروویوس که بر تأثیرات باد، خوراک، فرهنگ و .. بر حالات آنی و طولانی مدت افراد مطالعه و در این زمینه نظریاتی دارند.

شفقی پیرامون مکانیابی شهرهای آغازین اسلامی چند نکته را مطرح می کند:

- مکانیابی شهرهای آغازین اسلامی اغلب تنها بر اساس ژئوپلیتیک منطقه بوده و انتخاب مکان شهری از نظر سایر عوامل جغرافیایی، کمتر مورد توجه بوده است. همین امر موجب ناپایداری شهرهای آغازین اسلامی گردیده است؛ به طوری که از هفت شهر معروف آن عصر، چهار شهر رو به ویرانی نهادند و متروک شدند و یا ریخت شهری خود را از دست دادند، عبارت بودند از: کوفه، واسط، حیره و ابله.

- از خصوصیات شهرهای آغازین اسلامی، داشتن حصار و خندق، مسجد جامع، کاخ حاکم و میدان های وسیع، برای نگهداری اسب های رزمندگان و سپاهیان بوده است.

- برخی از شهرهای آغازین اسلامی، از توسعه شهرهای باستانی، به ویژه شهرهای دوره رومی و ساسانی پدید آمده بودند، که نمی توان آنها را شهر اسلامی تلقی کرد. این شهرها با حمله اعراب به شرق به طور موقت از رشد و توسعه باز ایستادند، اما پس از پایان حملات، آبادانی آنها دوباره آغاز شده است و روابط تنگاتنگی بین مرکز خلافت و سرزمین های شرقی ایجاد و توجه خلفا باعث رونق و شکوفایی آنها شده است.

- اغلب این شهرها در حوزه آبیاری کنار دجله و فرات قرار داشتند، تا آب مورد نیاز شهر، به سهولت در دسترس باشد. گاهی بر اثر کشاورزی چندین هزارساله بر روی زمین ها، بر مقدار نمک آن افزوده شده و خاک در نتیجه آلودگی، بازدهی خود را از دست داده، لذا پشتیبانی اقتصادی شهر که حوزه نفوذ آن بوده، نتوانسته است نقش خود را به خوبی ایفا کند. بدین وسیله شهر به حالت متروکه باقی مانده است.

- تغییر مداوم بستر رودخانه های دجله و فرات، گاهی به نابودی شهر و از رونق افتادن آن منجر شده است. چنین پیشامدی را در شهرهای منطقه سیستان و حوضه آبرگیر رودخانه هیرمند، مانند شهر زرنج، می توان مشاهده کرد.
- توسعه برخی از شهرها، باعث از بین رفتن شهرهای کوچک و شهرهای نزدیک اطراف خود شده است. برخی از این شهرها، چون کربلا، نجف و سامره، نقش شهرهای مذهبی-زیارتی برای شیعیان را داشته اند و اهمیت و وجه شهری خود را با پشتیبانی های مادی زوار و پیروان این مذهب حفظ کرده و رونق یافته اند.
- پیشامدهای سیاسی و توجه حکام و مدیران شهری، پیوسته باعث توسعه و رونق شهرها شده است. (شفقی، ۱۳۹۴)

۲-۳-۳-۲- باد

حضرت امیر در بحث باد شناسی ابتدا باد شرق و سپس باد شمال را مناسب دانسته و آنها را نشاط بخش، معنویت آور و کمال آفرین می داند. در مقابل، به ترتیب باد جنوب و سپس باد غرب را نامناسب دانسته و آنها را بیماری زا، نحیف کننده، سردرد آور، تخیل (کاذب) آفرین و محرک مادی و گناه آور می داند.^{۱۳} این موضوع در شهرسازی کهن ایرانی، در رون های شهری (رون اصفهان، کرمان، تهران) و جهت دهی کالبد شهر مورد توجه بوده است. همچنین در مکانیابی شهرهای قدیم ایران این مسئله رعایت شده و شهرهایی چون اصفهان، اردبیل و همدان همگی متناسب با بهره گیری از باد شمال و شرق و دوری از بادهای غرب و جنوب جهت دهی شده اند. از طرفی مکانیابی شهری چون تهران حاکی از مکانیابی نامناسب آن است. این شهر در دامنه جنوبی کوه البرز قرار گرفته و از باد شمال بی بهره و در معرض باد غرب و جنوب است!^{۱۴} در شهرسازی کهن ایرانی نیز باد غرب، باد

۱۳ - " در حدیثی مهم و کلیدی از حضرت علی (ع) در مورد نقش بادهای گوناگون در خلقت انسان و تاثیرات آن در روحیه ها و رفتارهای انسانی آمده است" (پس (خداوند) مخلوق و دیورا (مغرب) نمود آن دو گل را و بسرشت آن ها را در جلوی عرش قرار داد و آب ها کشیده شد از گل. پس فرشته های چهارگانه را که فرشته ی شمال و جنوب و صبا(مشرق) و دیورا(مغرب) هستند امر فرمود بر آن گل از چهار جهت بوزند و اختراع نمودند و اجزایی از آن گل ترتیب داده و مفصل هایی در آن ساختند و در آن از طبایع چهارگانه باد، خون، صفرا، بلغم را داخل نمودند. باد را از طرف شمال، بلغم را از مشرق و صفرا را از مغرب و خون را از جنوب جریان داده خلقت آدم تمام و بدن کامل شد. از طرف باد(شمال)، دوستی با زنان و آرزوها و حرص و طمع پدید آمد و از صفرا (غرب) غضب و ابلهی و شیطنت و تمرد و سرکشی و عجله و شتاب حاصل شد. و به وسیله ی خون (جنوب) لذات و شهوات و ارتکاب محرمات آشکار گردید و از ناحیه بلغم (میل) میل به طعام و نیکویی و بردباری و مدارات به عمل آمد. " (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

۱۴- در طرح جامع تهران درباره ی اقلیم تهران چنین آمده است: " استان تهران در جنوب رشته کوه های البرز که در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان با جهت غربی - شرقی کشیده شده، قرار دارد. رشته کوه البرز به سه دیواره تقسیم می شود:
دیواره شمالی: ارتفاعات محدودی از این دیواره در استان تهران و بقیه آن در استان مازندران قرار دارد.
دیواره میانی: حد شمال استان را تشکیل می دهد و مرتفع ترین قسمت رشته کوه های البرز مرکزی است.

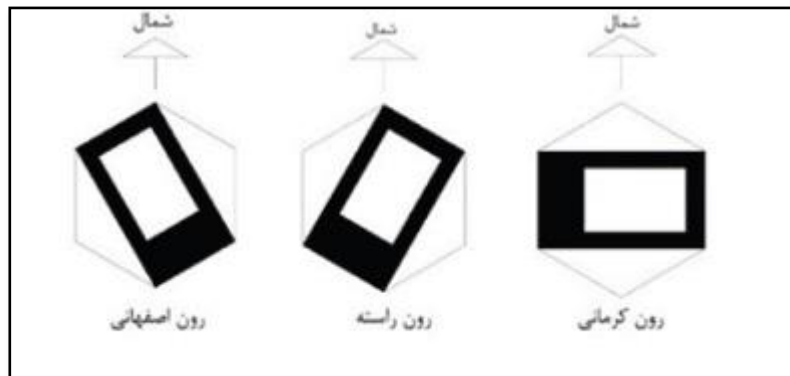
مزاحم خوانده شده و اکثر شهرهای قدیمی ایران به گونه ای در دامنه کوه ها استقرار یافته اند که از باد جنوب و غرب در امان باشند. قیاس انواع باد در سه طب اسلامی، سنتی و رومی وجود دارد و تمامی آنها تقریباً مبتنی بر نتایج یکسانی هستند. تبعیت برخی شهرهای ایرانی از رون های راسته، کرمانی و اصفهانی به ترتیب زیر است:

جدول ۲-۸- پراکندگی های رون بندی شهرهای منتخب از شش پهنه اقلیمی ایران. از هر پهنه بهترین و بدترین شهر از جهت کیفیت باد انتخاب شده است. (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

رون	شهرهای مربوطه	ویژگی رون
رون راسته	اهواز، بیرجند، تبریز، خرم آباد، زاهدان، شوشتر، دزفول، اردبیل	بهترین شرایط برای بهره از باد شمال و شرق و پرهیز از باد غرب و جنوب
رون کرمانی	گرگان	سوگیری کامل به سمت باد مطلوب شرق ولی به خاطر بهره کم از باد، باد شمال در اولویت دوم
رون اصفهانی	اصفهان، بندر عباس، بوشهر، رشت، شهرکرد	در اولویت سوم به خاطر بهره از باد غرب که چندان مطلوب نیست

جدول ۲-۹- شهرهای منتخب از جهت کیفیت بادهای مطلوب و نامطلوب در ۶ اقلیم ایران به منظور بررسی روش های مواجهه با باد (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

اقلیم	شهر با مطلوب ترین باد	شهر با نامطلوب ترین باد
سرد	اردبیل	شهرکرد
گرم و خشک	بیرجند	خرم آباد
بسیار گرم و خشک	زاهدان	دزفول
معتدل مرطوب	رشت	گرگان
گرم و مرطوب	شوشتر	اهواز
بسیار گرم و مرطوب	بوشهر	بندرعباس



شکل ۲-۵- سه دسته بندی رون نهادینه شده و الگو برای ساختار شهر و خانه در ایران در بیان پیرنیا

دیواره جنوبی: سومین بخش از ارتفاعات مرکزی است که رودخانه جاجرود و کرج آن را بریده و به سه قسمت جدا از هم تقسیم نموده است.

در جای دیگر چنین اشاره شده: "بادهای مرطوب و باران زای غربی:

این بادهای نقش موثری در تعدیل گرمای سوزان بخش کویری دارند، ولی تاثیر آن را خنثی نمی کنند."

(حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

پیرامون تاثیرات انواع باد بر روان و خلیقات افراد، نظراتی از اندیشمندان مختلف وجود دارد که در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته اند:

جدول ۲-۱۰- ویژگی های بادهای جهات مختلف از دید حکیمان بزرگ اسلام، ایران و روم (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

باد	حکیم	نظریات
باد شمال	طب اسلامی (حضرت علی(ع))	حرص و طمع آور، میل به مونث
	طب سنتی (ابن سینا)	تن را نیرو می بخشد، هضم را آسان می کند، هوای وبا دار را اصلاح می کند، اگر بعد از ورزش باد جنوب باشد بیماری سینه رخ می دهد.
	طب رومی (ویتروویوس)	بیماری های حاصل از باد جنوبی با باد شمال بهبود می یابد.
باد جنوب	طب اسلامی (حضرت علی(ع))	شهوت آور و تحریک به محرمت
	طب سنتی (ابن سینا)	گشادی منافذ پوست، سنگینی حواس، بروز لاغری، ایجاد سردرد، ایجاد تب عفونی.
	طب رومی (ویتروویوس)	مکانی که باد جنوب بوزد مردمش بیمار می شوند
باد شرق	طب اسلامی (حضرت علی(ع))	اشتها آور و صبور کردن و میل به نیکویی
	طب سنتی (ابن سینا)	در اول صبح یا آخر شب مضر و غلیظ است و در پایان روز و اول شب بهتر است.
باد غرب	طب اسلامی (حضرت علی(ع))	خشم آور، ابله شدن، عیجول شدن
	طب سنتی (ابن سینا)	در آخر شب و اول صبح اگر بوزد بهتر و خشک تر و پایان روز و اول شب بعکس.

بر این اساس می توان مکانیابی شهرهای مختلف را به جهت قرار گرفتن در معرض انواع بادهای مورد ارزیابی قرار داد:

جدول ۲-۱۱- شهرهای منتخب از جهت کیفیت بادهای مطلوب و نامطلوب در ۶ اقلیم ایران به منظور بررسی روش های مواجهه با باد (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

اقلیم	شهر با مطلوب ترین باد	شهر با نامطلوب ترین باد
سرد	اردبیل	شهرکرد
گرم و خشک	بیرجند	خرم آباد
بسیار گرم و خشک	زاهدان	دزفول
معتدل مرطوب	رشت	گرگان
گرم و مرطوب	شوشتر	اهواز
بسیار گرم و مرطوب	بوشهر	بندرعباس

جدول ۲-۱۲- پراکندگی های رون بندی شهرهای منتخب از شش پهنه اقلیمی ایران. از هر پهنه بهترین و بدترین شهر از جهت کیفیت باد انتخاب شده است. (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

رون	شهرهای مربوطه	ویژگی رون
رون راسته	اهواز، بیرجند، تبریز، خرم آباد، زاهدان، شوشتر، دزفول، اردبیل	بهترین شرایط برای بهره از باد شمال و شرق و پرهیز از باد غرب و جنوب
رون کرمانی	گرگان	سوگیری کامل به سمت باد مطلوب شرق ولی به خاطر بهره کم از باد، باد شمال در اولویت دوم
رون اصفهانی	اصفهان، بندر عباس، بوشهر، رشت، شهرکرد	در اولویت سوم به خاطر بهره از باد غرب که چندان مطلوب نیست

4-3-2- ساختار فضایی

دولت اسلامی در شهر متولد می شود و در اولین تجربه خویش در برپا کردن شهری جدید، به ساخت کوفه می پردازد. در ابتدای ظهور اسلام، شهرهای سرزمین های اسلامی دو دسته اند:

دسته اول- شهرهایی کهن اند که با پذیرش اسلام بی آنکه متحمل دگرگونی های عمده کالبدی فضایی شوند، با ایجاد تغییراتی در شهر و ایجاد یا جایگزین کردن عناصر کلیدی شهر اسلامی به راه خود ادامه دادند. «این شهرها -در پهنه ایران- دیورهای "شارستان" را درنوردیدند و با گسترش خود در "ربض" (شهر بیرونی)، از سیاست های گسترش خود به خودی و خودرو تبعیت کردند. بازسازی "ربض" و یا به عبارتی روشن تر اهمیت بخشیدن به ربض به عنوان آن بخش از شهر که مردمان خارج از طبقات ممتاز اجتماعی می زیستند، مهم ترین سیاستی است که دولت اسلامی در دوران متقدم از آن تبعیت می کند، اهمیت یافتن و گسترش سریع ربض، آبادان شدن آن و ضعیف شدن یا مهجور گردیدن شارستان (شهر درونی)، حکایت از به کارگیری چنین سیاستی دارد. بازسازی "ری"، "اصفهان"، "نیشابور" و... در دوران متقدم اسلامی نشات گرفته از همین سیاست است.» (حبیبی، ۱۳۷۸)

بنابراین در چنین شهرهایی ساختار کالبدی سرزمین کهن تا حدودی حفظ می شد و برای نمونه در شهرهای ایرانی خطوطی از استخوان بندی های اولیه و مرزبندی شارستان و ربض باقی می ماند.

دسته دوم - شهرهای نویناد که عمدتاً پایگاه نظامی بودند و دولت به جهت حفظ ارتباط خود با سپاهیان آن ها را برپا می کرد. شهر جدید در کنار شهر کهن یا با فاصله ای اندک از آن با هدف از رونق انداختن شهر کهن ساخته می شد. در این موارد معمولاً مردمان به دور هسته جدید حکومتی حلقه زده و شهر جدید را شکل می دادند. «بر این روال شاید بتوان به گونه ای شهرهای جدید را "طراحی شده" نامید.» (حبیبی، ۱۳۷۸) در این دسته

بندی، "بغداد"، "کوفه"، "نیشابور"، "اصفهان"، "ری" بر روالی "شهودی" پی افکنده شدند و "بغداد" کاملاً از طراحی برخوردار بود و ساختاری دایره ای داشت.



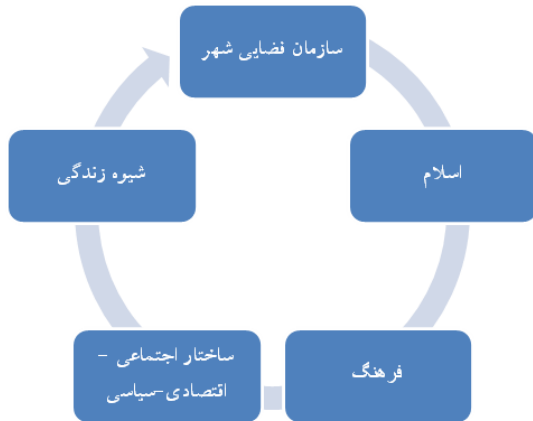
شکل ۲-۶- نقشه مناطق اسلامی در عهد خلفای اموی (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹) در قرن اول هجری، بیشتر مشغله خلفا، گشودن سرزمینهای جدید و افزودن ممالک جدید به سرزمینهای اسلامی بود. چنان که امویان بر مساحت حکومت اسلامی افزودند و آن را از اواسط شرق آسیا تا اقیانوس اطلس، در غرب گسترش دادند. (عبدولی، ۱۳۹۱) با توجه به گستردگی سرزمین های اسلامی و از طرفی، تاثیر اقلیم و فرهنگ بومی آن سرزمین ها بر معماری و شهرسازی آنها، با تنوعی قابل توجه در جزئیات شهری روبرو خواهیم بود.

ساختار فضایی شهر اسلامی متأثر از ترتیب اهمیت ابعاد مذهبی، سیاسی و کالبدی است. تولد دولت اسلامی از مسجد است و بنابراین شرط شهر نامیدن یک سکونتگاه، وجود مسجد جامع در آن است و نخستین مکانی که با فتح یک شهر ساخته می شود (و یا عبادتگاهی که با فتح شهر به مسجد تبدیل می شود) مسجد است و کانون زیستی پیرامون آن قرار می گیرد. (حبیبی، ۱۳۷۸) بنابراین نقش مسجد در ساختار فضایی شهرهای اسلامی اولیه به عنوان قلب مذهبی و کانون سیاسی اجتماعی کاملاً واضح است. حبیبی عوامل مشخصه شهر ایرانی پس از اسلام را سه عنصر مسجد، بازار و محله می داند. در شهرهای ایرانی بازار بر خلاف مسجد به عنوان یک فضای مکت، محل گذر و پویایی است؛ شهر را در می نوردد و ستون فقرات شهر را شکل می دهد.

برخی از شهرهای سنتی اسلامی در اولین نگاه، به صورت پیچ و خمی از کوچه‌های درهم پیچیده شده به جلوه می کند. در نمایی از بالا شهر خود را به شکل بلوری نمایش می دهد با مکعب‌ها و منشورهایی که در واقع اجتماع خانه‌هایی است که پهلو در پهلو هم قرار گرفته‌اند، با فضاهای بریده بریده شده، آمد و شدهای زندگی روزمره، مسیرهای درهم پیچیده و راه های گره خورده‌ای که به نظر می رسد به هیچ جا ختم نمی شوند. تمام این شهرها را بصورت یک واحد در می آورد. این کالبد پیچیده و درهم در یک نگاه سطحی و ظاهری ممکن است چندان قابل ادراک نباشد، چه در نظر عده‌ای، ویژگی بسیار مهم شهر اسلامی، ساختار نامنظم آن است که هم به لحاظ شهری و هم به لحاظ پیوستگی اجزاء در شکل فیزیکی آن نمود پیدا کرده است. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲)

حقیقت آن است که برخی روستاها و شهرک‌ها و شهرهای اسلامی کهن به ندرت با تقارن هندسی طراحی شهری مطابقت داشتند. چون آن نظام از ویژگی‌های فرهنگ‌هایی بود که یکجا نشینی و اسکان‌های خود را به مثابه

تصاویر یک عالم منظر و یا نمودار کیهان شناختی می‌پنداشت. با این وجود یکجانشینی های سرزمین های اسلامی، نه در سازمان بندی اتفاقی و تصادفی داشتند و نه اینکه بهم ریخته و نامنظم بودند، بلکه نظم از ترکیب سلسله مراتب بسته و باز می داشتند که در آنها الگوهایی از ارتباطات و همیاری های اجتماعی خاص اسلامی جریان داشت. شهر از یک نظام سه بخشی فضاهاى عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تشکیل می شد و از نظر میزان دسترسی و عدم دسترسی بدان فرق می کرد. اما این سلسله مراتب دسترسی، یکپارچگی آن را مختل نکرده، بطوریکه در اینگونه شهرها بین حیات مادی و معنوی تمایزی وجود ندارد و همه دارای وحدتی جدایی ناپذیر، فضای شهر واحدی را طرح ریزی می کنند. به عنوان نمونه راستای بازار از جلو درهای مسجد آغاز شده، آنرا در بر می گیرد. بنای مرکزی شهر در مکان ممتازی قرار نمی گیرد و مسجد نیز از بافت شهر جدا نمی شود، ولی وجود آن، زندگی روزمره و جاری در بازار را تضمین می کند. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲) در ادامه نگاهی به چند شهر اسلامی صدر اسلام خواهیم داشت.



شکل ۲-۷- روند تاثیر گذاری دین اسلام بر سازمان فضایی شهر (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۵)

الف- مکه

پیامبر با بازگشت به مکه به بازسازی مکان های مقدس پرداخت و فضای اختصاصی مراسم مذهبی را از لحاظ کالبدی وحدت بخشید؛ فضاهایی که قبلا از عناصر مختلف تشکیل شده بود و بین آنها هیچگونه پیوندی وجود نداشت؛ کعبه، چاه زمزم و مقام (محل توقف حضرت ابراهیم (ع) به هنگام تصمیم برای ساخت کعبه). پیامبر با ایجاد تغییراتی در عناصر یاد شده و نیز احداث مسجد الحرام یا مسجد مقدس (مفهوم حرام نمایانگر ایده فضای بسته، محدود و حفاظت شده برای مراسم مذهبی است) و با پدید آوردن تغییری مفهومی و معنادار، از لحاظ بصری و دید منظری، گذر از شرایط شهر کفار وابسته به بت پرستان و بدون ارتباط برادرانه را به شرایط شهری با مرکزیت زیارتی و متعلق به تمامی اقوام عرب میسر کرد. به این ترتیب اجتماعی واحد (امت) و وفادار را زیر پوشش احکام اسلام با یک خدای واحد گرد آورد. (شفقی، ۱۳۹۴) ایجاد ترکیبی معنادار و ترتیبی از عناصر شاخص امروزه نیز در طراحی شهری بسیار مهم بوده و در شکل دهی به ساختار شهر و شریان اصلی شهری بسیار مهم است. در

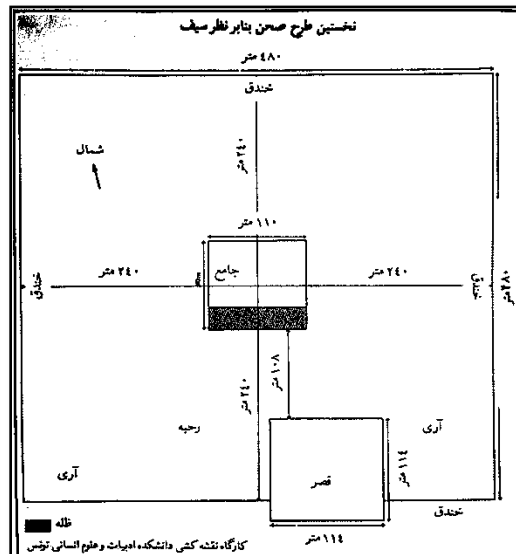
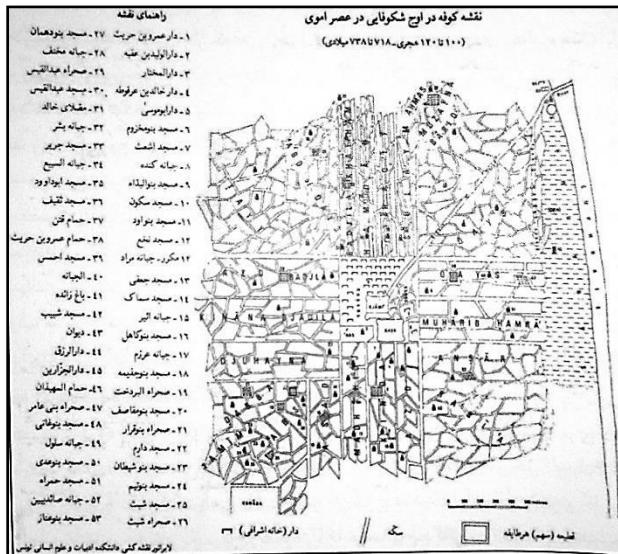
شهرهای اسلامی معمولا بنای مسجد جامع در کنار بازار شهر قرار داشته است. در شهر مکه، کعبه هم محل زیارت بوده و هم بازار شهر در حواشی آن قرار داشته و ارتباط و مسجد جامع و بازار در شهرهای اسلامی، شهر مکه را در ذهن انسان تداعی می کند.



شکل ۲-۸- مکه در زمان پیامبر (ص)؛ (hijab.blog.ir) مکه شرایط ویژه ای داشته و به لحاظ مکان یابی، آب و هوا، امکانات، منابع طبیعی همچون آب و .. دارای محدودیت های بسیاری بوده است. چنانچه در روایات آمده است، مکه نمونه ای خاص بوده و انتخابش دلایلی قدسی دارد. از کنار هم قرار دادن اهداف انتخاب آن و شرایط زیست محیطی اش به نظر می رسد که لازم بوده مکه گسترش زیادی نداشته باشد و بیشتر محل عبادت باشد تا محل زندگی، در حالی که اکنون به یک مادر شهر تبدیل شده است!

ب- کوفه

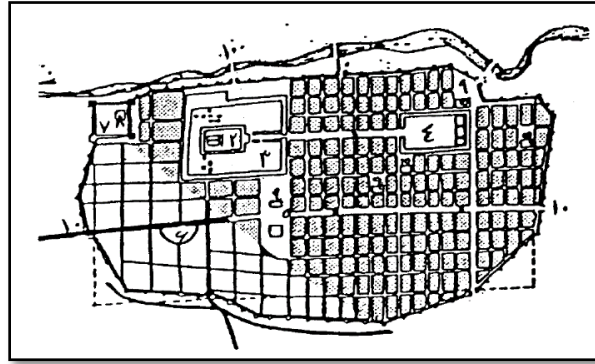
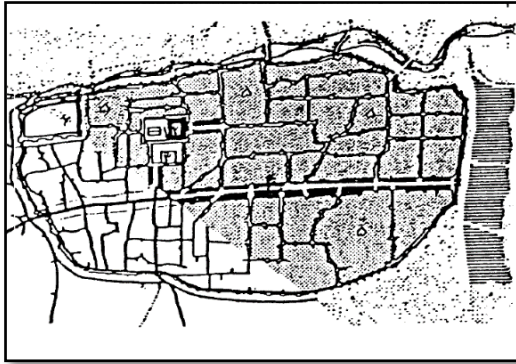
شهر کوفه به عنوان شهری که یک دوره به عنوان پایتخت حضرت امیر انتخاب شده بود، حائز اهمیت است. از آنجا که هدف خلیفه دوم از انتخاب کوفه (به عنوان محل سکونت جمعی از مسلمین)، حرکتی عمرانی-سیاسی برای تجمع سربازان و سکونت مهاجران بود، محلی مورد نظر بود که هیچ رودی آن را از مدینه جدا نکند و به عبارتی ادامه شبه جزیره عربستان باشد، البته بسیاری نویسندگان مشکلات اقلیمی را در این جابه جایی مهم دانسته اند. شفقی سربازان ایرانی را از نخستین گروه ساکن در کوفه معرفی می کند و معتقد است که کوفه در اوج شکوفایی خود (۱۷-۱۳۲ق) نمی توانسته یک شهر اسلامی محض باشد و نفوذ فرهنگ ایرانی و رومی در آن مشهود است. کوفه در سالهای ابتدایی روستاشهری ابتدایی بوده است ولی در ادامه با برنامه ای از پیش اندیشیده شده توسعه می یابد. فضای مرکزی شهر، شامل عناصر دین و تجارت و حکومت در کنار هم است که این خصیصه مهم در تمام شهرهای اسلامی تا سده های اخیر به چشم می خورد. در شهر کوفه تمام ساختمان ها تحت تاثیر شکل چادرهای عربی بوده و راه ها به مرکز شهر ختم می شدند. هر قبیله در مکان خاص خود زندگی می کرد و پس از آن، محلات بر اساس قوم و قبیله، در نخستین شهرهای اسلامی پدید آمدند. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۹- طرح نخستین و بنیان شهر کوفه - (شفقی، ۱۳۹۴)؛ شکل ۲-۱۰- کوفه در اوج شکوفایی در عصر امویان - (شفقی، ۱۳۹۴) مسجد جامع و قصر در مرکزیت شهر قرار داشته و به عنوان هسته اولیه شناخته می شوند. پس از آن با شکل گیری بافت مسکونی در اطراف آن و جهت گیری معابر به سمت قلب شهر (عنصر مذهبی) ساختار شهر تثبیت می شود.

ج- دمشق

شهر دمشق شهری باستانی با پیشینه ای پارسی-هلنی است و بدیهی است که ساختار اولیه آن در شهر جدید اسلامی واضح و موثر باشد. این شهر دارای یک دژ، یک قصر، بافت مسکونی نامنظم بوده و در یک حصار قرار داشته است. با فتح آن توسط رومی ها (سال ۶۳۶م) به شیوه ای رومی توسعه یافت و معابر عمومی به صورت مستقیم با میدان و استادیوم که در شیوه های شهرسازی رومی طراحی می شد، هسته مرکزی شهر را در بر می گرفت. بنابراین جا به جای شهر از دو بخش سامی و هلنی تشکیل شده که دارای حصار بود. پس از ورود مسلمانان به شهر، معاویه پایتخت را به دمشق منتقل کرد. مرکز شهر یهودی و مسیحی باقی ماند و توسعه های جدید آن با ایجاد بناهای مذهبی اسلامی و عناصر شاخص شهرهای اسلامی (از جمله ساختمان قضایی (دارالعدل)، محل تفریحات (دارالشاد)، تعدادی اصطبل (دارالخیل) و بازاری متعدد مانند قیصریه با برج های نگهبانی) صورت پذیرفت.



شکل ۲-۱۱- نقشه دمشق در اوایل قرن هفتم میلادی و قبل از تصرف به دست مسلمین / ۱- معبد ژوپیتر که به کلیسای سنت جان تبدیل شده بود. ۲- صحن مقدس ۳- صحن زیارتگاه ۴- آگورا که به فروم تبدیل شده بود به انضمام فروشگاه ۵- خیابان ستوندار ۶- تئاتر که به انبار تبدیل شده بود ۷- دژ نظامی ۸- کاخ بیزانسی ۹- کلیسای بیزانسی ۱۰- دروازه. (نقی زاده، ۱۳۷۷) // شکل ۲-۱۲- نقشه استخوانبندی دمشق در قرون اولیه اسلام: ۱- کلیسای سنت جان ۲- مسجد اموی ۳- قصر الخضراء ۴- بازار ۵- محلات مسکونی ۶- قبرستان. (نقی زاده، ۱۳۷۷) // دمشق دارای موقعیت جغرافیایی مناسبی در سرزمین های فتح شده اسلامی بود؛ پس از تصرف توسط مسلمین، به عنوان مرکز خلافت معرفی شده و مورد توجه بیشتری قرار گرفته و از نقش سیاسی-بازرگانی ویژه ای نیز برخوردار شد.

• شهر ایرانی پس از اسلام

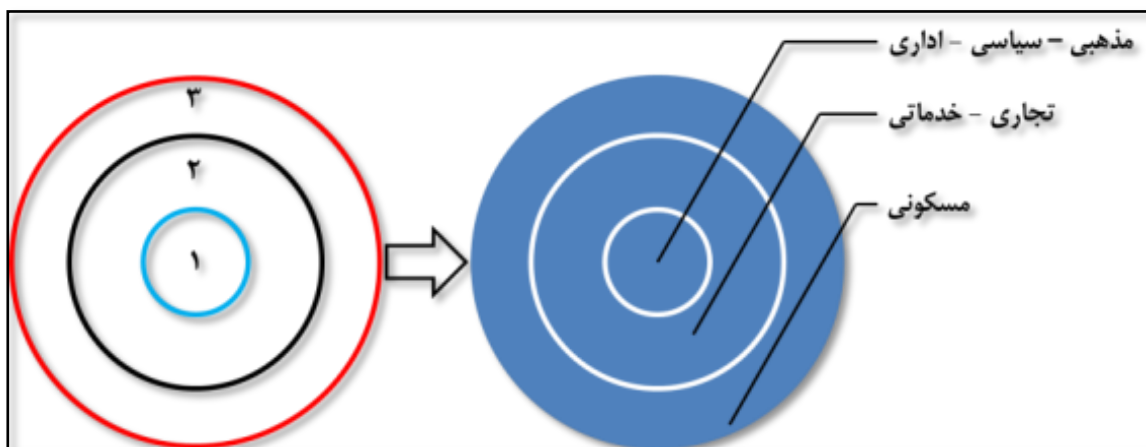
«با ورود اسلام به ایران تغییرات ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... ایران به تدریج رخ می دهد، بنابراین ساختار زندگی شهری ایران در قرون اولیه اسلامی به کلی دگرگون نمی شود و بافت شهرهای ساسانی در دوران بعد از اسلام استمرار دارد. نخستین تغییر را باید دگرگونی در مفهوم و کارکرد شهر از محیط محصور طبقات ممتاز به مکانی برای زیستن تمامی مردم دانست که در اثر آن، شاهد ایجاد عناصر جدید و یا تغییر عناصر قبلی در بافت شهرها هستیم که به روشنی میتوان در آنها تأثیر آداب اعتقادی و اجتماعی جامعه اسلامی را دید. در مفهوم جدید شهر، شاهد توسعه فضایی کالبدی منحصر به فردی هستیم که هدفش برآورده نمودن احتیاجات زندگی تمامی افراد، ورای جایگاه و طبقه اجتماعی آن هاست. برپایی بافتی ارگانیک در شهرهای ایران دوران اسلامی برخلاف شهرهای ساسانی را می توان یکی از تجلیات این باور جدید دانست. هرچند به مانند تمامی شهرهای ساخته شده در دنیا ساختارهای اقلیمی، سیاسی، حکومتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر شهرها تأثیر گذاشته است. اما آنچه مسلم است شهرهای دوران اسلامی ایران برخلاف پیشینه دوران تاریخی خود بیش از هر چیز با سبک زندگی اسلامی قرابت داشته اند و دلایل فرهنگی و اعتقادی در آنها تأثیرگذار است.» (خالدیان، کریمیان و پوراحمد، ۱۳۹۵)

«دوره های تاریخی تحول و دگرگونی شهرهای اسلامی و ایرانی را در سه دسته تقسیم بندی می کنند. بر این اساس دوره های ارتباط مسلمانان با سایر ملل به شرح زیر است:

دوره اول - قرون اولیه پس از هجرت (قرن اول هجری تا قرن چهارم هجری/۷ تا ۱۱ میلادی)؛ مقارن با حکومت دولت سامانی در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ و بعد از آن حکومت دیلمیان و آل بویه.

دوره دوم - تا اوایل قرن دوازدهم هجری (۱۱ تا ۱۱۷ میلادی)؛ دوران حکومت های سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانان و صفویان.

دوره سوم - «پس از انقراض سلسله صفویان دوره اخیر آغاز می شود که در ایران همزمان با دوران حکومت های زندیان و قاجاریان و دولت پهلوی و نهایتاً شهرهای معاصر می شود.» (قنبری، ۱۳۹۲)



شکل ۲-۱۳- گذار شهر از دوره ساسانی به دوران اسلامی (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۵) - شهر ایرانی دوره ساسانی مرکب از ۵ فضاست: ۱- دژ حکومتی (مرکب از کاخ ها، آتشگاه اصلی، دیوانها، ذخائر و خزائن، سربازخانه ها و ..) که با دیوارهای محکم حفاظت شده و مظهر قدرت دولت است. ۲- شار میانی (مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز اجتماعی و سیاسی) که در دوره اسلامی به شارستان معروف می شود. ۳- شار بیرونی (مرکب از محلات و خانه ها و بازارها و باغات پراکنده در اطراف شار میانی و محل استقرار مردمان معمولی و غیر ممتاز) که در دوره اسلامی به ربض مشهور شد و نقش ویژه ای در فروپاشی دولت ساسانی به هنگام حمله ی اعراب داشت. ۴- بازار (مرکزیت حکومت ساسانی و محل حضور همه جانبه آن در بازرگانی بین الملل و صنعت و حرف) که در این دوره کالبد پیدا کرده و از شار میان آغاز و به شار بیرونی می رسد و به این ترتیب ستون فقرات شهر را شکل می دهد. ۵- میدان (گستره ی وسیعی مقابل دروازه شارستان و در ربض) برای اعلان فرمان های دولت که در زمان ساسانی از دیدگاه ریخت شناسی هنوز فضایی خاص را سبب نمی گردد. (حبیبی، ۱۳۷۸)

• شهرهای دایره ای

ساکنان حوزه آبخور رود جیحون و زرافشان، نظام آبیاری دقیق و پیشرفته ای در قرون ۶ و ۷ پیش از میلاد (یعنی قبل از هخامنشیان) به وجود آوردند. آنان در روستاها و آبادی ها و شهرهای کوچک می زیستند و به سبب هجوم

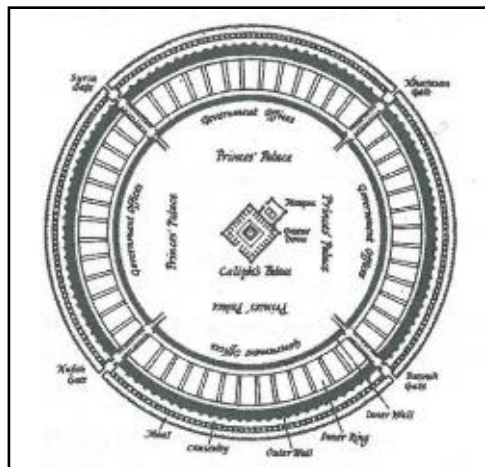
و یورش های متوالی صحراگردان، دژها و قلاع مستحکمی را ایجاد کرده بودند که به احتمال قریب به یقین یکی از بزرگترین آنها کهندژ است. کاوش های باستان شناسان نشان دهنده موجودیت دژ و دژشهرهایی با طرح و نقشه گرد و دایره وار است که برخی معتقدند اقتباسی از خیمه گاه ها و چادرهای دایره ای و گرد بوده است. از آغاز ورود آریایی ها به ایران طرح و نقش های گرد مرسوم گردید که برخلاف شیوه های شهرسازی روم و یونان (با طرح مربع و قائم الزاویه با محور شمالی-جنوبی و شرقی-غربی) بود. مثلا در پلان مرو و بلخ (واقع در ترکستان و افغانستان) شکل دایره ای مشاهده می شود. اندکی بعد در دوره اشکانی و بعد ساسانی این سنت در شهرهایی چون دارابگرد و فیروزآباد ادامه یافت و نهایتا در آغاز دوران اسلامی در طراحی شهرهایی چون شیراز و بغداد، توسط شهرسازان ایرانی در جهان اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۱۴- فیروزآباد، با چهار دروازه (شفقی، ۱۳۹۴) این شهر با قطری حدود ۲,۷۱ کیلومتر، دارای دیواری گلی و یک خندق بود. شهر دارای چهار دروازه در شرق و غرب و شمال و جنوب بود و دو محور اصلی در مرکز شهر همدیگر را با زاویه ای تقریبا ۹۰ درجه قطع کرده و شهر را به چهار بخش تقسیم می کردند. (یعنی همان شبکه راه هایی که در فیروزآباد وجود دارد). خیابان های شهر دایره وار داخل یکدیگر قرار دارند. قسمت داخلی شهر دارای فضاهای باز، خانه های ساده و کم

ارتفاع با حیاط و باغ هایی در مسیر خیابان بوده است. در مرکز شهر بنای آتشکده (عنصر مذهبی شهر) قرار داشته و درست در مرکز دایره به شکل یک منار جایگذاری شده بود. (شفقی، ۱۳۹۴)

بغداد مرکز خلافت روحانی و سیاسی عباسیان در قرن دوم هجری بوده است. «شهر بغداد (مدینه السلام یا شهر صلح) آشکارا از یک سطح دایره ای کنگره دار به قطر هزار متر تشکیل شده بود و پیرامون آن را دو دیوار محصور می کرد. .. شهر بغداد از طریق چهار مکعب از چهار جهت اصلی که به دروازه ها ختم می شدند انسجام می یافت. .. مرکز وسیع این وسعت دایره ای شکل، به محله هایی محدود می شد که بنای مربع شکل خلیفه (شبیبه قصر مرو در دوران ساسانیان) که با دیوار رو به قبله مسجد اعظم (مانند کوفه و دمشق) همسو شده بود، در مرکز قرار داشت... قاعده چهار محور به سمت قلمروها در تعداد زیادی از بخش ها و محله های شهری، نوعی مفهوم جهانی «مرکزیت عالم» را کسب می کرد.» (عرفانی و پورمحمدرضا، ۱۳۸۷)

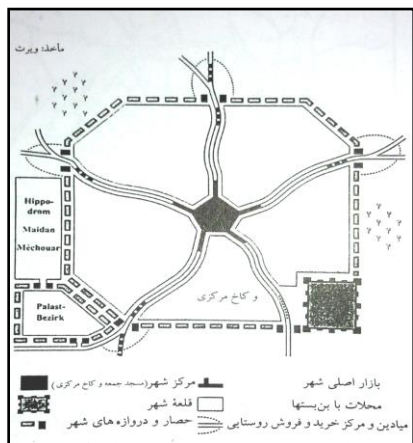


شکل ۲-۱۵- نقشه شهر بغداد (عرفانی و پورمحمدرضا، ۱۳۸۷)-
 بغداد دایره ای شکل دوره منصور (۱۳۶ تا ۱۰۵۸ ق / ۷۵۴ تا ۷۷۵ م)
 طرحی به تقلید از شهرهای دارابگرد و فیروزآباد (گور) عصر اشکانی
 و ساسانی و تقسیمات داخلی آن (شفقی، ۱۳۹۴)

• مدل های ارائه شده برای شهرهای اسلامی

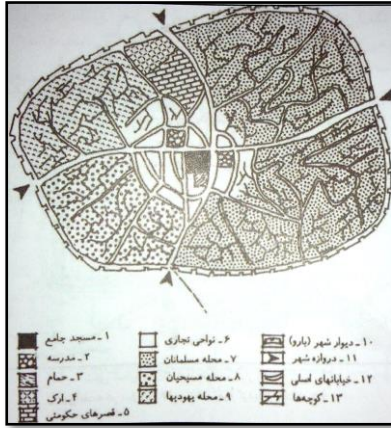
چنانچه از مفاهیم اسلامی ناظر بر انتخاب مکان شهر و نوع ساخت آن ذکر شد، شهر اسلامی دارای اصولی است که همگی در راستای اهدافی چون تعالی و تحقق عدالت اجتماعی قرار دارند. همچنین برای حفظ امنیت از حصار و خندق استفاده می شده است. شهرهای اسلامی با توجه به گستردگی سرزمین های اسلامی دارای جزئیاتی نسبتاً متنوع بوده و متأثر از نوع اقلیم و شرایط گذشته خود (پیش از ورود اسلام به آنها) دارای تفاوت هایی هستند، اما معمولاً در ساختار مشابه و دارای اشتراکند. از موارد اشتراکی آنها وجود عنصر مذهبی و حکومتی در قلب و مرکز شهر و جهت گیری معابر به سمت آن است. همچنین از میان بردن مرزهای فیزیکی ناشی از اختلاف طبقات اجتماعی پیرو مفاهیم اسلامی است. نهایتاً اندیشمندان با بررسی مفاهیم اسلامی حاکم بر طراحی شهری و شهرهای نمونه اسلامی، الگوهایی از شهرهای اسلامی ارائه داده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

شکل ۲-۱۶- مدلی از یک شهر اسلامی در خاورمیانه از ویر (شفقی، ۱۳۹۴)؛ ویرت نه تنها بازار مرکز شهر اسلامی دانسته، بلکه آن را به عنوان خصیصه بارز شهر اسلامی و عامل متمایز کننده آن از سایر شهرهای حوزه فرهنگی جهان و عنصر شاخص این شهرها قلمداد نموده است. در این مدل بازارها از مرکز شهر به صورت شعاعی توسعه یافته و راه های اصلی از مرکز شهر و در راستای مراکز بازار به سمت دروازه های شهر گسترش یافته اند. این راه ها که در ایران گذر نامیده می شوند دارای عرض قابل توجهی بوده، به طوری که دو چهارپای دارای بار بتوانند در یک زمان از آن عبور و مرور کنند. معمولاً این راه ها مرکز محلات را نیز در بر می گیرند. در قسمت چپ و پایین این شهر کاخ های سلطنتی قرار

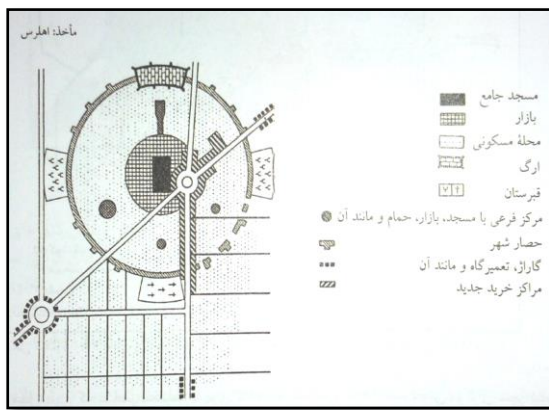


دارند که نمی توان آن را به تمام شهرهای اسلامی تعمیم داد، اما در مورد شهرهای شمال آفریقا صادق است. (همان)

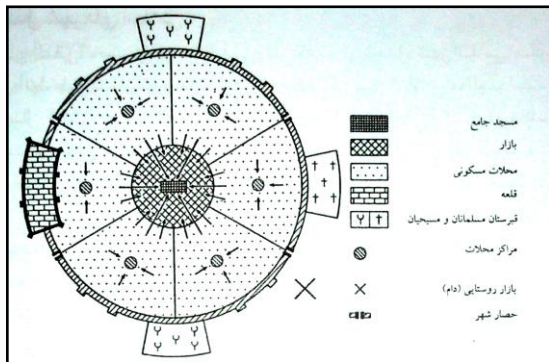
شکل ۲-۱۷-مدلی از یک شهر اسلامی در خاورمیانه از وبرت (شفقی، ۱۳۹۴) مدلی ساده از شهر اسلامی که تقریباً مستطیلی شکل و دارای چهار دروازه با دو معبر عمومی عمود بر هم است. در این مدل شهری اقلیت های مذهبی دارای محله ای خاص بوده اند و شهر چون سایر مدل های پیشین دارای محله ای خاص بوده اند و شهر چون سایر مدل های پیشین دارای حصار بوده است. در این طرح مرکز شهر را مسجد جامع، مدرسه، حمام، ارگ و قصرهای حکومتی تشکیل می دهد. (همان)



شکل ۲-۱۸-مدل شهر اسلامی مدرن از اهلرلس (شفقی، ۱۳۹۴)؛ با قیاس طرح های اهلرلس، ویرت و دتمان به دو ویژگی جدید از شهر اسلامی پی می بریم که عبارتند از: ۱. خیابان های تازه احداث شده که بافت شهری قدیم و قسمتی از بازار را قطع کرده و یکپارچگی بازار را برهم زده است. ۲. کمربند جدید بیرونی شهر که با نظم شطرنجی و در انطباق با وسایل نقلیه موتوری در خارج از حصار شهر پدید آمده است. در این طرح که با توسعه شهری منطبق است، عواملی چون تعمیرگاه، پارکینگ و مراکز خرید جدید (خیابانی) به چشم می خورد.

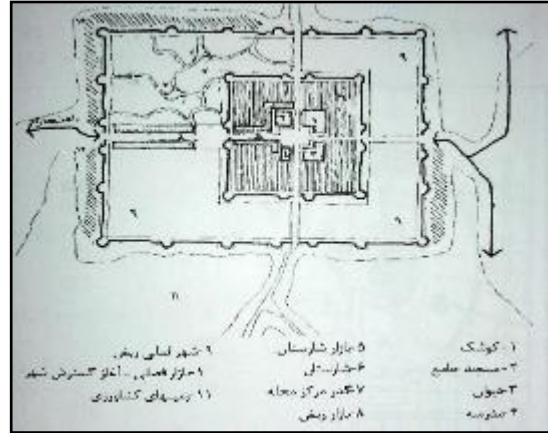
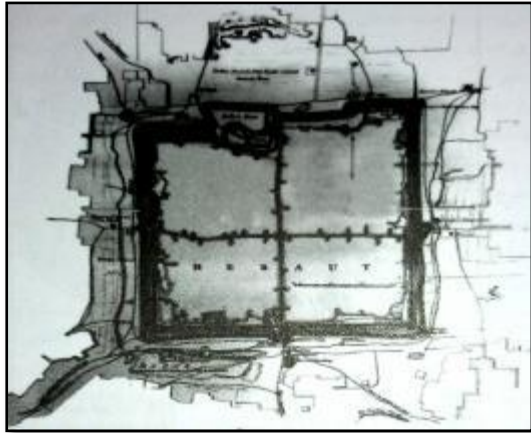


شکل ۲-۱۹-مدل شهر سنتی اسلامی از دید دتمان (شفقی، ۱۳۹۴)؛ دتمان در طرحی مشابه با ویرت، در طرح خود علاوه بر مسجد جامع، بازار را نیز به عنوان مرکز و قلب شهرهای اسلامی پیش از صنعتی شدن می داند. (همان)



حیثی در بررسی شهرهای ایرانی اسلامی، مدل های ۷گانه ای را ارائه می کند که بررسی آنها حاکی از آن است که شکل و مدل شهرهای ایران، اصولاً از نسلی به نسل دیگر، به یادگار مانده و در طول تاریخ، پیوسته با پیشامدهای

بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی نسبت به نیاز جامعه هر عصر، تغییراتی یافته است. مدل و الگوی شهر اسلامی، نیز از این قاعده مستثنا نیست و در بسیاری از عناصر شهری، چه مشترک با شهرهای قبل از اسلام دارد. چنین تغییر و تحولی، کم و بیش در اغلب شهرهای سرزمینهای مختلف اسلامی مشاهده میگردد. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۲۰-مدل و کالبد شهر ایرانی در اوایل سلطه اعراب بر ایران از دید سید محسن حبیبی. (شفقی، ۱۳۹۴). در این مدل بخش مرکزی شهر شامل کوشک، مسجد جامع، دیوانخانه، مدرسه و بازار است که مدل اغلب شهرهای اسلامی است. در این طرح که به سده های نخستین اسلامی تعلق دارد، هنوز شارسان، به عنوان عنصری وسیع و قابل توجه، عملکرد خود را داشته است. (همان)؛ شکل ۲-۲۱-شهر هرات و بازار آن (شفقی، ۱۳۹۴)؛ این نقشه در سال ۱۸۴۰ میلادی تهیه شده است و قابل تطبیق با مدل ارائه شده حبیبی در شکل قبل است.

1-4-3-2- اندازه و جمعیت شهر

حضرت امیر (ع) در نامه به حارث همدانی، او را به زندگی در شهر بزرگ توصیه می کند و می فرماید: «در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می دارند، و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی کنند، بپرهیز.» (دشتی، ۱۳۷۹) توصیه حضرت به زندگی در شهر بزرگ بر پایه ی ظرفیت سازی شهر (ظرف مناسب بودن شهر چنانچه در سخن قبل گفته شد) است. شهر بزرگ، فرصت ها و امکانات بیشتری دارد و زمینه ی رشد بیشتری فراهم می کند. البته دستور حضرت متناسب به شخصیت فرد سوال کننده است، چنانچه می بینیم حضرت توجه ویژه ای به رشد روستاها و شهرهای کوچک دارد. در واقع تاکید ایشان بر توسعه انسانی با نگاه ویژه به حمل محوری (ظرفیت محوری) است.

عوامل متعددی بر تعریف اندازه شهر اثر گذارند، از جمله: تعداد جمعیت، توان اقتصادی شهر (درآمد کل شهر، یا درآمد سرانه یا متوسط درآمد خانوار)، اندازه فیزیکی شهر (وسعت شهر) و تراکم (رابطه بین تعداد جمعیت و مساحت شهر یا به عبارت دیگر شدت استفاده از زمین). از کلام حضرت به نظر می رسد ایشان به معیارهای تعداد جمعیت و روابط اجتماعی اشاره دارد، به طوری که بر جمعیت بالای مسلمین تاکید می کند تا فرد با همنشینی بیشتر با آن ها در وسعتی که امکان بهره گیری از مفاهیم، علوم و سطح فرهنگی بالاتری ممکن است به ظرف بهتری برای رسیدن به اهداف خود دست یابد. سوالی که با این توصیه ایجاد می شود قیاس آن با شهرهای کنونی است، چنانچه شهرهای بزرگ امروزی در عین داشتن امکانات بسیار پیشرفته ای چه به لحاظ تکنولوژی ساخت، چه آموزش و پرورش و چه سایر ابعاد شهری در بالاترین حد امکانات قرار دارند، اما به همان میزان که شهر گسترده تر می شوند، روابط افراد نیز پیچیده تر شده و از امکان بهره گیری از بسیاری فرصت های اجتماعی کاسته می شود. زبردست روابط انسانی را دو دسته می داند: اول روابط نخستین یا صمیمانه است که در آن تماس مستقیم، صمیمانه و رو در روی اعضای گروه با همدیگر، پیوندهای عاطفی نیرومند، پایداری و دوام و استحکام پیوندهای محبت آمیز میان اعضا مشاهده می شود. هرچه شهر کوچک تر باشد، به سبب محدودیت فضای تعامل اجتماعی و تنوع، روابط اجتماعی ویژگی نخستین پیدا خواهد کرد و امکان بروز فردیت و تفاوت ها کمتر خواهد بود. در حالی که با افزایش اندازه ی شهر، حمایت ها و خدمات خانوادگی تضعیف می شود. بنابراین در نوع دیگر روابط (روابط دومین)، با افزایش اندازه شهر، ویژگی هایی نظیر رقابت، نفع شخصی، کارایی، پیشرفت و تخصص عمومیت می یابد. پیوندهای عاطفی اندک میان اعضا، عدم پایداری احساس تعلق به گروه، گرد هم آمدن اعضای گروه برای یک منظور عملی معین و روابط رو در روی بسیار محدود میان اعضا وجود دارد. در این شرایط، "محله" به عنوان فضایی شهری که در مقیاس انسانی می تواند جایگاه روابط متقابل تر و صمیمانه تری باشد، نقش برجسته ای می یابد. گافمن معتقد است که در اجتماعاتی با جمعیت پرشمار، پر جنبش و شتابان، تماس ها زودگذر و غیرشخصی است، رهگذران سریعاً نگاهی به یکدیگر می اندازند و هر فرد به دیگری نشان می دهد که حضور وی را درک کرده است اما از هرگونه حرکتی که ممکن است مزاحمانه تلقی گردد اجتناب می کند. به زعم زیمل افراد در شهرهای بزرگ به شکل آگاهانه و هدفمند از برقراری ارتباط اجتماعی با افراد غریبه احتراز می نمایند. با تمام این ها مسئله ی تنزل روابط اجتماعی در کلان شهرها بر جای خود باقی می ماند، مسئله ای که در بحث های نظری جدید با عنوان تنزل و "فرسایش سرمایه ی اجتماعی" طرح می شود. (زبردست، 1386)

• جمعیت

کوبین لینچ تعداد جمعیت را به عنوان شاخص اصلی در تعریف اندازه ی شهر می داند. سازمان ملل متحد نیز در دسته بندی اندازه شهرها صرفاً به ملاک جمعیتی تکیه دارد. در تعریف اندازه ی شهرها بر اساس جمعیت،

معمولا آن ها را در سه دسته ی کوچک، میانی و بزرگ در نظر می گیرند. «در مطالعات طرح یا آمایش سرزمین (مرحله اول ۱۳۶۴) طبقه بندی شهرهای کوچک، میانی و بزرگ به شرح زیر ارائه شده است:

شهرهای کوچک (کمتر از ۵۰ هزار نفر)

شهرهای متوسط کوچک (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر)

شهرهای متوسط بزرگ (۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر)

شهرهای بزرگ میانی (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر)

شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ (۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر) «اکبری مطلق، ۱۳۹۳»

در زمان حکومت امام علی (ع) بیشترین جمعیت شهرها از ۱۵۰ هزار نفر تجاوز نمی کرد. بنابراین بزرگترین شهرهای آن زمان، از نظر جمعیت در تقسیم بندی امروزی (با در نظر گرفتن میانه ی تقسیم بندی ها) به اندازه ی شهرهای کوچک و متوسط است. چنانچه جمعیت بصره در بالاترین آمار آن در سال ۴ هجری ۳۵ هزار نفر و جمعیت کوفه (به عنوان شهری جدید) بعد از تاسیس و با انتقال نظامیان و خانواده هایشان به آن، حدود ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است. در نتیجه مسائل مربوط به کاهش روابط مطلوب اجتماعی و رفتارهای صمیمانه در مورد آن صدق نمی کند. چنانچه امروزه "محله" جایگاه بروز روابط نسبتا صمیمانه قرار دارد در گذشته در شهرهای ایرانی افراد در هر محله بسیار منسجم تر از امروز با یکدیگر در پیوند بوده اند و در شهرهای عرب نشین این تعریف در قبایل شکل می گرفت. همچنین در فرهنگ عرب، به خصوص در صدر اسلام زندگی قبیله ای بستر زندگی نزدیک و صمیمانه با سایر افراد قوم و قبیله را فراهم می آورد به گونه ای که در کوچک ترین مسائل، خانواده های نزدیک به کمک می آمدند و رفت و آمد و روابط صمیمانه از مهم ترین ویژگی های این فرهنگ بوده است. در نهایت اگر شهری را در زمان کنونی با توجه به توصیه ی حضرت امیر(ع) جويا شویم، این شهر نه کوچک و نه بزرگ در حد کلان شهر، بلکه شهری متوسط خواهد بود، به این ترتیب نه آنقدر بزرگ است که روابط اجتماعی اش تضعیف شده باشد، و نه آنقدر کوچک است که از امکانات روز بی بهره بوده و یا از جمعیت بالای مسلمانان بی نصیب باشد.

۲-۳-۴-۲- سلسله مراتب و درونگرایی در شهرهای اسلامی

«یکی از مهم ترین تجلیات کالبدی، رعایت سلسله مراتب در ابنیه معماری و شهرهای ایرانی است به گونه ای که سبب بروز و تقویت درونگرایی به عنوان یکی از ویژگی های بارز این شهرها بوده است. به بیان دیگر، درونگرایی موجود در شهرها و بناها یکی از اثرات اعمال سلسله مراتب مورد نظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است. به گونه ای دیگر می توان گفت که حفظ و اعمال ارزش هایی مانند؛ حریمت، آرامش، امنیت، خلوت، حیا، سادگی، تنظیم شرایط محیطی در انواع اقلیم ها و توجه به درون بیشتر از بیرون سبب شد تا یک نوع سلسله مراتب قوی، روشن و منحصر به فرد در شهرهای اسلامی به وجود بیاید.» (طیبیان و دیگران، ۱۳۹۰) بنابراین سلسله مراتب می تواند در راستای اهداف این پژوهش بوده و به پیاده سازی چارچوب های مورد پذیرش

شهرسازی اسلامی کمک شایانی داشته باشد. «آنچه که در همه ابنیه عمومی ویژگی مشترک است، عبارت از این است که درون آنها باید از غوغای بیرون در امان باشد. ضمن آن که برخی از آنها به دلیل ویژگی خاص خود تأکید بر روی فضای رابط بین این فضای درون و بیرون را با شدت بیشتر و ویژگی های خاص تعریف شده واضح تری می طلبد.» (همان) در جدول زیر نظر چند اندیشمند در حوزه درونگرایی آورده شده است:

جدول شماره ۲-۱۳- اصل برتری درون گرایی بر درون گرایی از دیدگاه برخی نظریه پردازان (نقره کار، ۱۳۹۲)

نظریه پردازان	دیدگاه	علت اصلی	تبیین
سیدرضا هاشمی	ویژگی معمارها	ذات معماری	مفهوم آن تلازم ذاتی با مفهوم درون دارد
کامران افشار نادری	ویژگی معماری دنیای کهن	راه تامین امنیت و اقلیم در معماری	درون گرایی ناشی از تدافع مهاجمین و شرایط صحت اقلیتی است.
محمدکریم پیرنیا	ویژگی ایرانی	عوامل متعدد	تنها معماری ایران است که بر اساس مجموعه ای از عوامل (اقلیم، امنیت، فرهنگ، اعتقادات و عرفان) درون گراست و این مساله در معماری غرب (یونان) و در معماری شرق (ژاپن) یافت نمی شود.
حسین شیخ زین الدین	ویژگی شرقی	عوامل متعدد عرفان شرقی	درون گرایی با اقلیم هم خوانی دارد و با مسئله اشرف و جدایی بیرون و درون هماهنگ است.
داراب دیبا	ویژگی عرفان اسلامی ضرورت توأم درون و برون	عوامل متعدد عرفان شرقی	ریشه درون گرایی یک خاصیت فطری است که با فرهنگ و جهان بینی تقویت می شود و هماهنگی آن با مسائل محیطی و اقلیمی معنای نهایی را برای آن ایجاد کرده است.
نوایی و حاج قاسمی	چیرگی تفکر اسلام	عوامل متعدد اسلامی	حفظ درون گرایی ذهنی در عین برونگرایی اشاره به تفکر اسلامی- خداوند هم درون همه اشیاست و همه اشیاست و هم بر آن ها احاطه دارد و محیط بر آنهاست - دارد.
اردلان	ویژگی شرقی و فطری	عوامل متعدد عرفان اسلامی	معماری از نمودسازی مجزا و جامد اجتناب می کند و در عوض سیلان و فضا سازی به هم پیوسته ای را می جوید. نمادهای برونگرا همچون مناره و گنبد تنها نشانه ای از فضای منفصل درونی هستند. تاکید و توجه به درون و باطن در سیر مرکزگرایی انسان به سوی روح، در معماری و آفریده های طبیعت جلوه گر شده است.
نصر	ویژگی عرفان اسلامی ضرورت توأم درون و برون	عوامل متعدد عرفان اسلامی	نمایان ساختن فضایی که با فضای عادی عالم مادی و جسمانی متفاوت است، متضمن وجود چیزی بین این فضا و فضایی است که بشر به آن خو گرفته است. معماران مسلمانان با به کارگیری فضا منفی فضایی خلق می کردند که در آن صرف غیاب جسمانیت یا به تفکر و درون گرایی منتهی می شود یا

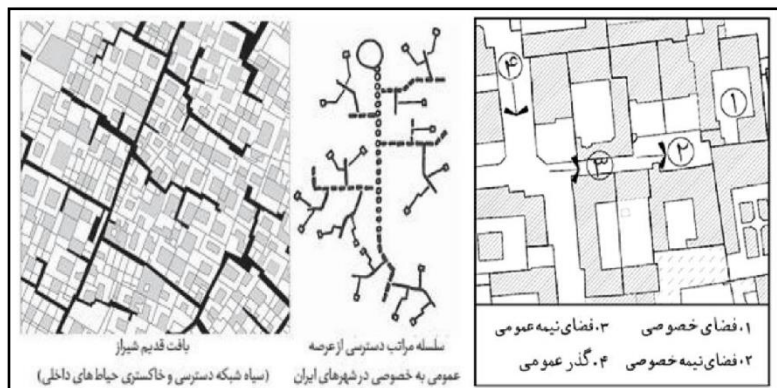
به انبساط و نشاط روحانی می انجامید.			
شهادت مطهری	اسلام، ضرورت توام درون و برون	عوامل متعدد حکمت نظری و عملی اسلامی	بشر غالباً در حالت افراط یا تفریط است و در نقطه وسط کمتر می ایستد، قرن ها غرق در موج های درون گرایی بودیم و اعراض از بیرون گرایی می شویم و در حال اعراض از درون هستیم، آن هم به عنوان اینکه در اسلام چنین مسائلی مطرح نیست.

«گیدئون در مورد تحولات طراحی فضا در طول تاریخ سه مرحله زیر بیان می کند:

- برون گرایی در معماری: مثل معماری های تمدن های مصر، یونان و سومر
- درون گرایی در معماری: مثل معماری های تمدن های روم تا قرن نوزدهم
- درون گرایی و برون گرایی در معماری: مثل معماری های دوران معاصر ولی همان طور که می دانیم معماری مصر از درون گراترین معماری هاست و در معماری سومری، زیگورات ها انسان را به درون دعوت می کند، بنابراین نمی توانند به عنوان معماری برون گرا تلقی شوند...» (نقره کار، ۱۳۹۲)

«ناری در مقاله "مطالعه ای معناساختی در باب مفهوم درونگرایی در شهر اسلامی" از نقش افزایش حضور در مکان های مختلف در جهت افزایش حس تعلق به آن مکان ها اشاره می کند؛ در واقع او بیان می کند حضور حداکثری انسان باید در منزل خود و در کنار خانواده باشد تا احساس تعلقش به خانه و خانواده افزایش یابد و پس از آن مسجد دارای حضور موقتی است و در بازار باید شاهد حضور حداقل مردم باشیم و نهایتاً شارع و یا خیابان اصولاً مرادف عدم سلطه بر آن مکان و عدم سکونت در آن است. حس ثبات مکان یک شرط لازم برای زندگی انسان است، اتصال ما به مکان های خاص و خواست و نیز اشتیاق ما برای دفاع از آنها، غیر قابل تردید است.» (قنبری، ۱۳۹۲) بنابراین دستورات دین اسلام مکان هایی چون معابر و بازارها را مکان "گذار" می داند تا مکان "سکون". «با بررسی تجربه گذشتگان در شهرهای قدیمی ایران سه نوع فضا مشخص می شود:

- فضای خصوصی شامل حیاط و عناصر در برگیرنده آن
- فضای نیمه عمومی - نیمه خصوصی به صورت یک بن بست اختصاصی با یک هشتی که به چند خانه راه دارد.
- فضای عمومی به صورت گذر و میدان» (طیبیان و دیگران، ۱۳۹۰)



شکل ۲-۲۲-نظام سلسله مراتبی در بافتهای قدیم شهرهای اسلامی - ایرانی؛ در شهرهای ایرانی - اسلامی به علت غلبه جهان بینی اسلامی محرمیت افراد در فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی از

اهمیت ویژه ای برخوردار است. به واقع حریمیت به عنوان حق شخصی افراد بوده است و القاکننده مفاهیمی چون عرصه، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ می باشد. در شرایط مطلوب، شبکه ای از سلسله مراتب حریمیت، فضای شهری را در بر می گیرد. این سلسله مراتب از واحدهای مسکونی به عنوان محرم ترین و خصوصی ترین فضا شروع و به عمومی ترین فضای مرکزی شهر ختم می شود. (همان)

«در شهرهای ایرانی-اسلامی از دوران باستان این گونه شکل دادن به ابنیه به ویژه در مورد مسکن، مسجد و مدرسه رواج یافت و امروزه به عنوان یکی از اصول اصلی معماری و شهرسازی اسلامی مطرح می باشد. دستیابی به سلسله مراتب که پاسخگوی ارزش های موجود در جامعه ی ایران بوده است، اثراتی عمده بر خلق عناصر واسطه، فرم های معماری، محل استقرار و اندازه ی بازشوها، محل استقرار ورودی به ابنیه نسبت به یکدیگر و غیره بود. سلسله مراتب به صورت متنوعی در کلیه زمینه های پیچیده و پویای شهری به کار رفته است:

سلسله مراتب در ساختار فضایی: شهر، محله

سلسله مراتب دسترسی

سلسله مراتب فضاهای شهری از حیث عملکرد، حریمیت و غیره

سلسله مراتب اجزای فرم شهری

سلسله مراتب عناصر نمادی: مسجد

وجود و بهره گیری از عملکردهای متفاوت شهری، از فرم های متفاوت از عناصر و فضاهای دگرگون در سطوح مختلف و ایجاد هماهنگی بین اشکال و عملکردها و بین معانی نمادین و بین فرم و فضا در سطوح مختلف یک مجتمع زیستی ایجاب می نماید که در طراحی ها، سلسله مراتبی مناسب و هماهنگ، انتخاب و به کار گرفته شود، به طوری که ضمن عملکرد داشتن و معنادار بودن هر جزء یا مجموعه شهری، کلیت مجتمع نیز مخدوش نگردد. اگر مجتمع های زیستی و عناصر آن ها را به قلمروهای متفاوتی با کالبد و عملکرد قابل تمیز از یکدیگر تقسیم شود، اصولاً انتقال و گذر از قلمرویی به قلمرو دیگر به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط لازم اعم از روانی و کالبدی مطلوب نبوده و حتی در بسیاری موارد نامطلوب خواهد بود. در واقع عدم رضایت حریم ها، تداخل نامناسب قلمروها و با استخدام ویژگی های مشابه و یکسان کالبدی و فضایی برای دو قلمرو با عملکرد متفاوت از مطلوبیت کیفی فضا می کاهد. به عبارت دیگر این شرایط نه تنها مطلوبیت کیفی فضا را از بین می برد، بلکه آن را فاقد هویت می کند. بنابراین در انتقال و گذر از قلمرویی معین به قلمرویی دیگر باید:

۱- به مقیاس های متنوع میانی توجه شود، این مقیاس میانی می تواند در ارتباط با عملکرد، اندازه و حتی

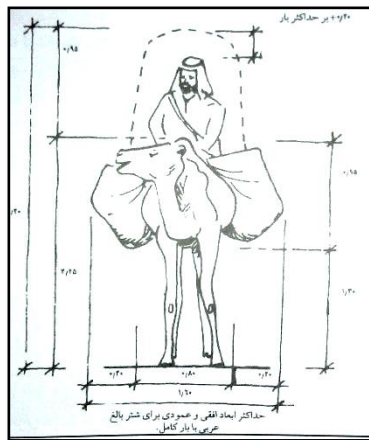
حریمیت باشد. بنز این فضای میانی را از حیث حریمیت فضای اشتراکی می خوانند.

۲- فرد باید در یک فضای رابط، به یک آمادگی روانی و فیزیکی مطلوب برسد.

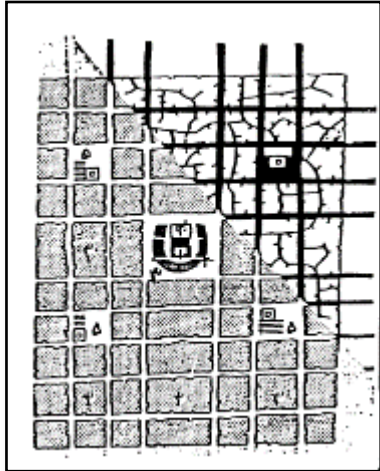
۳- فضای رابط بین دو قلمرو مورد نظر باید در برخی نکات با اولی و از جهات دیگر با قلمرو دوم تجانس و همسویی داشته باشد تا دوگانگی ها به مرور برای ناظر مرتفع گردد و انتقال از فضایی به فضای دیگر شخص را مبهوت و حیرت زده ننموده و در فضای جدید نیز احساس غربت و ناهمگونی ننماید.» (همان)

۳-۴-۲- معابر شهری

شبکه معابر از مهم ترین عناصر شکل دهی به ساختار شهر و جهت دهی به توسعه ی آن است. «ساختار شهر اسلامی به منظور ایجاد محدوده‌های متمایز فضای عمومی و نظام رفت و آمد به فضاهای بین خانه‌ها و محل‌های استفاده همچون مغازه‌ها و معبرها محدود می‌شود. این نظام کاملاً متفاوت با برنامه ریزی غربی است که اولویت را به معابر می‌دهد و مکانهایی را برای خیابان و تجمع عموم حفظ می‌کند و قطعاتی از زمین را برای استفاده‌های مختلف و نیز تقسیم بندی های فرعی که به میدان منتهی می‌شود، در نظر می‌گیرند.» (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲) محلات مسکونی غالباً دور از پهنا بازار و راه‌های پر رفت و آمد، با کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ بر پا می‌شود، کوچه‌هایی که به هیچ وجه با خیابان‌های شهرهای اروپا، حتی محلات قرون وسطایی قابل قیاس نیست؛ چرا که تهویه و روشنایی خانه‌های مسلمانان از حیاط‌های درون خویش تأمین می‌شود، نه از خیابان. در نقشه شهرهای اسلامی در کنار خیابانهای عمده سراسری رشته بن بست‌ها و کوچه‌های پیچ در پیچ قرار گرفته اند که راه آمد و شد خانه‌های انبوه و پرشماری هستند. این خانه‌ها تنگ و به هم چسبیده و در عین حال مجزا از یکدیگر و خود بسنده و رو به آسمان هستند و تصویری از خود به عابر نمی‌دهند. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲)



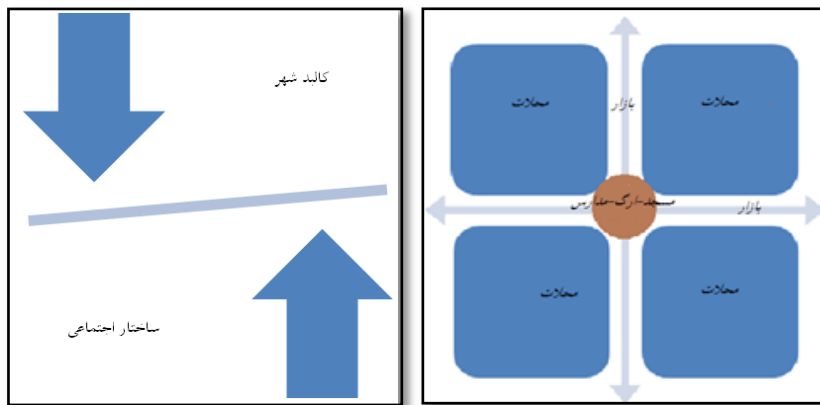
شکل ۲-۲۳- ابعاد افقی و عمودی برای عبور و مرور شتر و سایر چهارپایان (شفقی، ۱۳۹۴)؛ پیامبر در بازگشت از مدینه به مکه، به منظور نظم بخشیدن به بافت شهری مکه، اندازه‌هایی از نظر عرض معابر و ارتفاع سقف آنها (ساباط) توصیه فرمود؛ مثلاً عرض معابر عمومی هفت کوبیت (حداقل ۳٫۲۳ تا ۳٫۵ متر) تعیین شده بود. در مورد ارتفاع ساباط‌ها اطلاعات موثقی در دست نیست، با این حال فقها در این امر توافق دارند یک شخص سوار بر شتر می‌بایست بدون هیچ مانعی از معابر عبور کند. (همان)



شکل ۲-۲۴- سازمان عمومی عناصر شهری بصره ۱- مسجد ۲- دارالعماره ۳- محلات مسکونی ۴- بازار شرقی ۵- بازار مرید (نقی زاده، ۱۳۷۷) «بصره به عنوان اولین شهر نو بنیاد اسلامی (در سال ۱۴ ه ق) به عنوان اقامتگاه زمستانی سپاهیان پایه گذاری شد. مسجد و دارالعماره در مرکز، و اقامتگاه فرمانده کل قوا، زندان و دیوان در مقابل آن دو قرار گرفته بودند. در تقسیم بندی اراضی آن از شیوه تخطيط (تقسیم بندی اراضی به وسیله خط کشی) که در آینده در کوفه از آن الگوبرداری شد، استفاده گردید. در این میان چهار گوش بصره - مشابه شهر بابل- با رشد خودانگیخته نسبی اما کاملاً برنامه ریزی شده و با ایجاد ساختار سه گانه شهر، محله و اسکله- یادآور بابل- نمونه ای ابتدایی از شهرهای آینده اعراب را پدیدار می سازد.» (عرفانی و پورمحمد رضا، ۱۳۸۷)

۵-۳-۲ - ساختار کالبدی

«برای بانیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی های متأثر از عوامل طبیعی، شهر اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می دهد. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرتمندی را ایجاد می کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن می پردازد و جایگزین دیگری را برای آن می طلبد و یا آنکه در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می کند.» (خدایی و تقوایی، ۱۰۷)

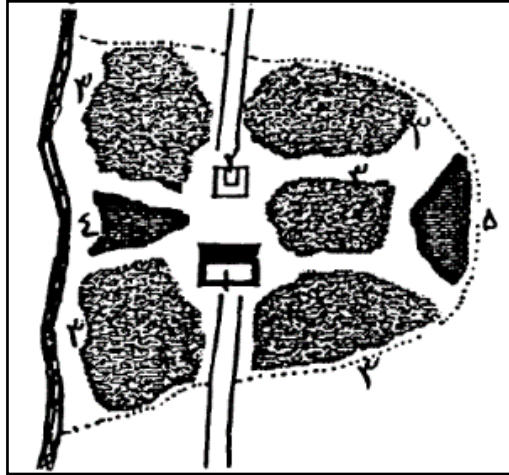


شکل ۲-۲۵- ساختار فضایی شهر در دوران اسلامی (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۵) // شکل ۲-۲۶- تاثیر متقابل کالبد شهر و ساختار اجتماعی (همان) چنانچه با ورود اسلام به ایران، مرزهای شارستان از بین رفته و مطابق با باور عدالت و برابری افراد در جامعه ی اسلامی، بخش های مختلف شهر از سلسله مراتب اجتماعی فاصله می گیرد. پیش از ورود اسلام، ساختار اجتماعی خود را در کالبد نمایان کرده و به صورت تفکیک طبقات مختلف اجتماعی دیده می شد.

تعداد عناصر تشکیل دهنده کالبد شهر اسلامی - با توجه به گستردگی سرزمین های اسلامی - از نظر افراد گوناگون کمی متفاوت است. اما اکثرا بر چند عنصر اجماع نظر دارند؛ مسجد، بازار و محله از آن جمله اند. کالبد شهر اسلامی درونگراست که ریشه در آموزه های اسلامی دارد، عناصر اصلی شهر یا به عبارتی عناصر شاخص آن در نما و منظر، در مکانیابی و در ساماندهی بافت پیرامون خود نقش اصلی را بازی می کنند که نقشی متفاوت از سایر ابنیه است. سادگی در ظاهر و پرداخت به جزئیات و زیبایی در درون مورد توجه است و نما یا سازه ای به رخ کشیده نمی شود. غالب اندیشمندان در دسته بندی عناصر شهر دوره اسلامی، در سه عنصر کالبدی اصلی نظر مشترک دارند: مسجد، بازار و محله. مسجد به عنوان کلیدی ترین عنصر شهر اسلامی قلب عملکردی و سیاسی شهر صدر اسلام است و رفته رفته با شکل گیری سازه های مجزای حکومتی برخی نقش ها تفکیک می شود اما در هر دوره نقش پررنگ مسجد برجای خود باقی است. بازار استخوان بندی شهر را تعریف می کند و پیرامون خود محلات را شکل می دهد. در ادامه نگاهی به مسجد و مکان های مذهبی، بازار و بعد اقتصادی، محله و مسکن خواهیم داشت.

• میدان

میدان ها معمولا محل نظارت و سیمای کسانی است که بر کناره آنها قرا می گیرند. به این ترتیب هر میدان حاصل و برآیند سه عنصر اصلی "کناره"، "میانه" و "صحن" و فعالیتی است که مجموعه آنها هویت میدان را تعریف می نماید. طبیعی است که هم کناره که عمدتا به معماری و طراحی شهری معطوف است از جهان بینی و فرهنگ متأثر است، هم فعالیت داخلی میدان به نوعی، بیانگر فرهنگ، آداب و سنن جامعه و آیین ها خواهد بود. در نتیجه فرهنگ و تفکر هر جامعه در شکل گیری کالبدی و معنایی "میدان" نقشی درخور توجه ایفا می کند که همین امر عامل اصلی تمایز میداین در تمدن ها و جوامع مختلف خواهد بود. در حقیقت جهان بینی و فرهنگ جامعه، فضایی است که سه عنصر اصلی میدان در آن شکل گرفته، با یکدیگر تعامل کرده و ادراک می شوند. در شهرهای اسلامی صدر اسلام فضای "میدان" به صورت امروزی آن وجود نداشته است. اما در برخی شهرها با تجمع کالبد در اطراف محوطه ای باز فضایی مشابه به وجود می آمد که با انجام برخی فعالیت ها در آن و انتخاب آن برای برخی تجمع ها در واقع به شکل یک میدان عمل می نمود. از جمله این موارد می توان به شهر کوفه اشاره کرد که فضای میدان نقش جهان با توجه به عملکردهای قرار گرفته در اطراف آن بی شباهت با فضای میدان گونه شهر کوفه نیست.



شکل ۲-۲۷- سازمان عمومی عناصر شهری کوفه: ۱. مسجد
 ۲. دارالعماره
 ۳. میدان اصلی
 ۴. بازار (نقی زاده، ۱۳۷۷)؛ چنانچه در نقشه دیده می شود مقابل دارالعماره فضایی باز واقع شده است که در وجه های دیگر خود بازار و مسجد را دارد. به این ترتیب در شهر کوفه میدانی شکل گرفته که چند بعد شهری (اقتصادی، مذهبی، سیاسی) را در کنار هم قرار می دهد. این میدان که در راستای قبله بود با نام حضرت امیر همراه است نه از آن روی که میدان را برپا نموده بود بلکه به آن جهت که قصر را رها کرده و در این میدان و در خانه ای از نی می زیست.

۱-۵-۳-۲- مسجد و فضاهای مذهبی شهر اسلامی

«با توجه به اینکه دولت اسلامی در شهر تولد می یابد و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در "مسجد" صورت می گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع یکی از مشخصات اصلی دوره اسلامی است.» (قنبری، ۱۳۹۲) «در شهرهای اولیه ظهور اسلام مانند دمشق و قرطبه سعی می شد که پایان تمام خیابان های اصلی و فرعی به مرکز شهر یعنی مسجد جامع ختم شود، البته شاید یکی از دلایل این کار مجاورت مقر حکومتی در کنار مسجد بوده و نیاز مردم به مراجعه به آنجا سبب شده که تمام راه ها در نهایت به آنجا ختم شود.» (قنبری، ۱۳۹۲) پس از آن در گذر زمان با بسط مسجد به فضاهای مذهبی مواجهیم که بنا به موقعیت های متنوع تعریف شده در اسلام شکل می گیرند و در اصول کالبدی، متناسب با فرهنگ معماری و شهری پایه ای شهر زمینه خود تنوع گسترده ای را شامل می شوند. در بسیاری از فضاهای مذهبی خانه کعبه-متناسب با عملکرد تعریف شده فضای مذهبی- به عنوان الگو در نظر گرفته می شود؛ خانه کعبه، سلولی بنیادی در طراحی نیایشگاه های مطلوب اسلامی است. از ویژگی های آن می توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱- «خانه کعبه معماری مورد تایید معصومین (ع)
- ۲- تحلیل رابطه انسان-فضا در مناسک حج (سعی در صفا و مروه)
- ۳- تحلیل حرکت انسان در طواف به دور خانه کعبه
- ۴- تحلیل دو رکعت نماز در مقام ابراهیم
- ۵- رابطه شکل و محتوی در مناسک حج
- ۶- مقایسه کالبدی "خانه کعبه" و "بت های سه گانه" (جمرات)» (نقره کار، ۱۳۹۲)

«مسجد در ذات خود تجلی گاه حضور باورهای قدسی و دینی در منصفه حیات مادی است که علاوه بر تامین کالبد مکان عبادت، با زبان کنایه و اشاره از معرفت دینی و راز و رمز شریعت سخن می گوید و به این سبب از قداست ویژه ای برخوردار است. مسجد در اصل منتسب به ذات اقدس خداوند است و در بیان معماری هنرمندان آن، از ماورایی ترین دریافت های بشری بهره گرفته می شود. در اندیشه هنرمند مسلمان، زمین محضر خداوند و مسجد، تمثیلی است از عالم وجود و خود انسان در چهره آسمانی خویش. دو وجه نظر معنوی و صوری درباره معماری اسلامی (آرای بزرگوارت و گدار)، نظر ارنست کونل درباره معماری صدر اسلام، تجمل معماری در مراحل دوری از روح دینی صدر اسلام و اقامه روح اسلام در آن، صورت و ماده هنر اسلام، اولین مساجد، مساجد عصر اموی، مساجد عصر عباسی، تجلی روح و وحدت بخش در معماری ایوان و گنبد و مقرنس کاری. در مساجد عصر سلجوقیان یا صفویان چهار شبستان با حیاط مرکزی پیوند می خوردند. در چهار جهت ایوان شکل می گیرد که هریک مرکز تدریس علوم شرعی مطابق نظر یکی از مذاهب چهارگانه است. در مساجد دوره صفویه نیز چهار ایوان نمادهایی از قوای چهارگانه می باشد. در گستره فرهنگی پس از اسلام، هنرمندان مسلمان برای نظم دادن به فضاهای خود از معماری بهره جستند و سعی نمودند مکان هایی ایجاد کنند که کلام خداوند و بسیاری از عارفان و عالمان در آنها منعکس شود و انسان با قرارگیری در آن فضاهای قدسی که متناسب و هماهنگ با نیازها و ابعاد انسان اوست، از فضای مادی به بعد مابعدالطبیعی خود عروج کند. معماران مسلمان در این دوره ضمن بهره گیری از معماری موجود، شالوده های معماری مسلمان را در ترکیبی از معماری گذشته و فرهنگ اسلامی شکل دادند.» (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴)

در شهر اسلامی همواره به ویژه قبل از گرایش به صنعتی شدن شهرها- جلوه گری و نمایش اقتدار دینی بر عهده مسجدها بوده و برای آنها برنامه ها و کارکردهای مفصلی وجود داشته است. اما این به معنای آزادی در استفاده از تجملات برای مساجد نیست؛ چنانچه در قرآن از دو مسجد نام برده شده: مسجد خوب (مسجد تقوای پیشگان) و مسجد بد (مسجد ضرار- مسجد منافقان) و درباره آن ها چنین گفته شده است: «برخی از منافقان کسانی اند که برای بی رونق کردن مسجد قبا و شکستن حرمت آن مسجدی ساختند و بر آن بودند که کفر به خدا و پیامبر را در آن رواج دهند و میان مومنانی که در مسجد قبا اجتماع می کردند جدایی بیفکنند و برای کسی که پیش تر با خدا و رسول او به جنگ برخاسته بود پایگاهی بسازند (تا به رهبری او و کمک سپاهیان روم به مدینه یورش برند و پیامبر و مومنان را از آنجا بیرون کنند). و [چون بازخواست شوند] سوگند می خوردند که از این کار جز بهترین هدف را که احداث مساجد گوناگون و تسهیل در نماز است در نظر نداشته اند، ولی خدا گواهی می دهد که آنان دروغ می گویند و به پیامبر فرمان می دهد تا هرگز در چنین مسجدی به نماز نایستند. مسجدی که از روز نخست بر اساس تقوا بنا نهاده شده را برای نماز سزاوارتر می داند، در چنین مسجدی مردانی هستند که دوست

دارند از آلودگی ها پاک شوند، و خداوند کسانی را که از گناهان و پلیدی ها دوری می کنند، دوست می دارد. (صفوی، ۱۳۹۱) ^{۱۵} بنابر این تعریف، مسجد ضرار مسجدی است با ظاهری جذاب اما عامل تفرقه، دشمنی و کندی جامعه اسلامی به سمت تعالی. در اسلام در مقابل چنین مسجدی موضع گیری شده است. همچنین در روایتی از پیامبر (ص) آمده: «زمانی فرا رسد در آخر الزمان، که گروهی به مسجد می آیند پس دور هم جمع شوند و کلامشان درباره دنیا و دوستی دنیا است؛ همنشین با اینان نشوید و خداوند نیازی به عبادت آنان ندارد» (حسینی جلالی، ۱۳۸۳) در واقع علل مخالفت با چنین مسجدی در درجه اول تاثیرات منفی انسانی و اجتماعی و در واقع دوری از فلسفه ی ایجاد مسجد و هدف آن است، اما نشان و نمود آن در ظاهر آن و به وسیله تجملات بیش از حد آن است. در اسلام از جلوه گری و به رخ کشیدن در کالبد مسجد - همانند بازار به جهت پیشگیری از رقابت کاذب و ریاکاری- پرهیز می شود. چنانچه امیرالمومنین (ع) دستور به تخریب چندین توسعه بنای مساجد مختلف را در کوفه داد. از جمله این توسعه ها می توان به چند نمونه محراب اشاره کرد که مساجد را به کلیساها شبیه می ساخت. ^{۱۶} همچنین حضرت امیر خطاب به مردم بصره و در سرزنش آنان، به در عذاب بودن مسجد آن شهر اشاره می کند. بنابراین اسلام در بعد مذهبی نیز از نگاه اجتماعی و انسان شناسی غافل نبوده است. شهر اسلامی "شهر عبودیت و عبادت"، "شهر تقوی" و "شهر هدایت" است.

«نوع نگاه به فضای عمومی مانند مسجد و جایگاه آن در برگزاری مناسک دینی و کارکردهای متعددی که میتواند داشته باشد موجب میشود در نقطه ای کانونی قرار گیرد تا دسترسی همگانی فراهم شود از این منظر، مسجد محور فعالیت های شهری است و موقعیت ویژه ای در مورفولوژی شهر دارد. همچنین در شکل گیری و نحوه استقرار شهر اسلامی و چگونگی روابط اجزای تشکیل دهنده آن اصول سلسله مراتب، کثرت، وحدت، تمرکز و عدم تمرکز، تجمع، تباین، اتصال، توازن، تناسب، تداوم، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، ترکیب، استقرار، زمان و ایجاز حاکم است.» (پوراحمد و شکوهی راد، ۱۳۹۵)

۱۵ - « وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ لَأَتَّعَمُّ فِيهِ أَوْلَادًا لِمَسْجِدِ أَهْلِ الْقَوْمِ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ .. » (توبه، ۱۰۷ و ۱۰۸)

۱۶- محراب در اصل متعلق به بنای کلیسا است؛ کیساها معمولاً محراب های بزرگی داشتند در حالی که مسجد پیامبر (ص) فاقد محراب بود و مساجد معمول آن زمان صرفاً جهت قبله و یک منبر کوچک در حد سه پله داشتند. محراب های این چنینی معمولاً در زمان خلفایی ساخته شدند که تجملات و تشریفات را در مساجد و سایر ابنیه حاکم می کردند؛ امیرالمومنین (ع) آنها را تخریب کرده و مساجد را به سادگی خود بازگرداند. (.. و يقول كأنهم مزاج يهود) همچنین؛ «لَأَتَزَحَّرِفُوا مَسَاجِدَكُمْ كَمَا زَحَّرَفْتَ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى بِيَعَهُمْ!»؛ زینت نکنید مسجدهایتان را، آن گونه که یهودیان و مسیحیان عبادت گاه های خود را زینت می کنند. (نوری، ۱۴۰۸، ۳۷۱)

پیرامون سادگی یا زینت دادن به مساجد دو حدیث مهم از امام علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) مورد توجه است:

۱- پیامبر (ص): «چون عمل گروهی بد شود مساجد خویش را زینت کنند.»^{۱۷}

این حدیث حکایت از تلازم بدی با جلوه گری ظاهری دارد! (و نه زیبایی) در واقع سخن در خصوص افرادی است که در پی ناکامی در جبران اشتباهات و خسارات وارده به جامعه (برآمده از بدی های خویش) به جبران ظاهری روی می آورند. جبرانی تصنعی و ریاکارانه؛ به عبارت دیگر باشکوهی معابد یک جامعه حکایت از بدی هایی در آن جامعه دارد.

۲- امام علی (ع): «هر گاه مردم، مسجدهایشان را بیارایند، کردارشان تباه شده است.»^{۱۸}

این حدیث مکمل حدیث پیامبر است. در این حدیث حضرت مخالفت خود را با تجمل و یک نوع شقاق اجتماعی اعلام می کند. همچنین در سندی دیگر در رابطه با آخرالزمان می فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی، و از اسلام جز نامی، باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است. مسجد نشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می باشند، که کانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری اند، هر کس از فتنه بر کنار است او را به فتنه باز گردانند، و هر کس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید: "به خودم سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که انسان شکیبی در آن سرگردان ماند" و چنین کرده است، و ما از خدا می خواهیم که از لغزش غفلت ها در گذرد."^{۱۹} (دستی، ۱۳۷۹)

مساجد در صدر اسلام معمولاً بسیار ساده اند، مرتفع نیستند و تزئینات ویژه ای ندارند؛ ولی با این حال پوپ از معدود مساجدی فاخر سخن به میان آورده و عنوان می کند که علاوه بر اسنادی دال بر وجود چنین مساجدی، هیچ اثر کالبدی از آن باقی نمانده است؛ مساجدی چون مسجد تاریخانه، مسجد جامع فخرج و مسجد ارگ بم از قدیمی ترین مساجد ساخته شده در ایرانند؛ از شناخته شده ترین مساجد عصر صفوی نیز می توان مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله را نام برد. بسیاری از این مساجد در عین زیبایی متناسب با شرایط و زمانه خود از سادگی

۱۷- "مَا سَاءَ عَمَلُ قَوْمٍ قَطُّ إِلَّا زَخَرُوا مَسَاجِدَهُمْ" (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۵۷)

۱۸- ان القوم اذا زينوا مساجدهم فسدت اعمالهم - رواه عبد الرزاق (۵۱۳۴) /

ان القوم اذا رفعوا مساجدهم فسدت اعمالهم - الموسوعة الفقهية، ج ۳۷، مرض الموت، مصاهره، صفحه ۲۰۴ /

۱۹- «وَقَالَ (عليه السلام): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سُكَّانُهَا وَعَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنَّا فِيهَا وَيَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَبِي حَلَفْتُ لَأُبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلَيْكَ فِتْنَةً تَتْرَكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ وَقَدْ فَعَلَ وَنَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهُ عَثْرَةَ الْعَقْلَةِ.» (نهج البلاغه - حکمت ۳۶۹)

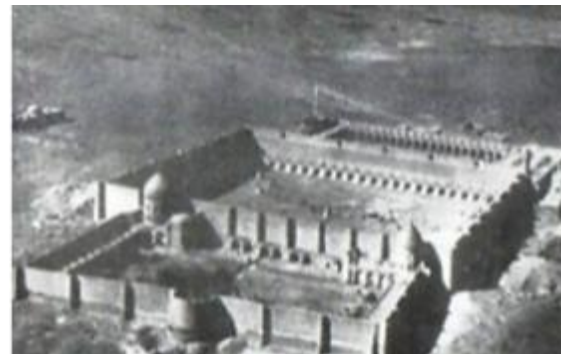
واضحی برخوردارند. بنابراین مسجد به عنوان قلب تپنده شهر اسلامی، مرکز تجمعات و در واقع به عنوان مرکز توجه، با توصیه های دین اسلام در اوج سادگی بنا می شود. افراد با مراجعه هر روزه به آن این سادگی را در ذهن مرور کرده و در واقع این موضوع اثری روانشناختی دارد. و پس از آن خانه ها در اطراف آن شکل گرفته و آن را در بر می گیرند. مرکز معنوی شهر مسجد و محور اصلی آن معمولا بازار است، بنابراین توجه فرد در طول روز و زندگانی حول همین محور ساماندهی می شود.



شکل ۲-۲۸-مسجد فهرج (جودی، ۱۳۹۶) - فهرج امروزه یک روستاست در حالی که در زمان ساخت مسجد شهری آباد بوده است. ساخت مسجد جامع فهرج به نیمه اول قرن اول هجری برمی گردد و یکی از اولین مساجد ساخته شده در ایران در صدر اسلام است.



شکل ۲-۲۹-مسجد تاریخانه دامغان (جودی، ۱۳۹۶) - از جمله ساده ترین مساجدی است که در صدر اسلام ساخته شد، بخشی از آن الگو گرفته شده از مسجد کوفه است و این موضوع سبب شده تا برخی آن را الگوی مسجد عربی بدانند، در حالی که لفظ "الگوی اسلامی" برای آن مناسب تر است.



شکل ۲-۳۰-مسجد کوفه در سده های پیشین و عصر حاضر- شیبستانی با محوطه باز(حیاط) / شکل ۲-۳۱-اصل مسجد در ابتدا همین بوده و گنبدخانه ی ویژه ای برای آن وجود نداشته است.

مسجد در الگوی پیامبر یعنی دیوار، فضای باز و قرارگرفتن در زیر آسمان. اهمیت قرار گرفتن زیر آسمان در انجام فرایض دین اسلام، نزدیک به مفهوم احترام به طبیعت در معماری جدید است. در اسلام عبادت در معرض طبیعت قرار می گیرد و این حکایت از اهمیت صحن در مسجد دارد. در واقع چنین مساجدی انسان مدار، سکون محور و متمرکزند؛ ظرف هشیارکننده دروندند؛ مسجد در فرهنگ اسلامی سکوت می کند و مخاطب را مانند یک فضای بت گونه به خود دعوت نمی کند. لازم به ذکر است که نگاه اسلامی با محوریت سادگی به معنای رد زیبایی نیست، ارتباط معنویت اسلامی با هنر اسلامی را می توان «در نحوه شکل گیری ذهن و روح مسلمانان، از جمله هنرمندان یا صنعتگران، توسط مناسک و شعائر مذهبی اسلام پیدا کرد. نماز که اوقات روز و شب را تقسیم می کند و به طور منظم مانع از سلطه خفقان آور خیال پروری بر روح می شود، قرابت با طبیعت بکر که نمونه ازلی مسجد است و مساجد موجود در شهرهای کوچک و بزرگ صرفاً آن را تقلید می کنند، ارجاع مکرر قرآن به حقایق مربوط به آخرت و معاد و ناپایداری جهان، تکرار مستمر آیات قرآنی که روح مسلمانان را در قالب مجموعه ای منظم از دیدگاه های روحانی دوباره شکل می دهد، تأکید بر جلال و عظمت پروردگار که مانع از آن می شود تا هر نوع اومانیزم پرورته وار در آن مجال بروز بیابد و عوامل متعدد دیگری که با نبوغ خاص اسلام مرتبط می شوند و ذهن و روح مسلمانان را شکل داده و می دهند، از آن جمله اند.» (اکبرزاده، ۱۳۹۵)



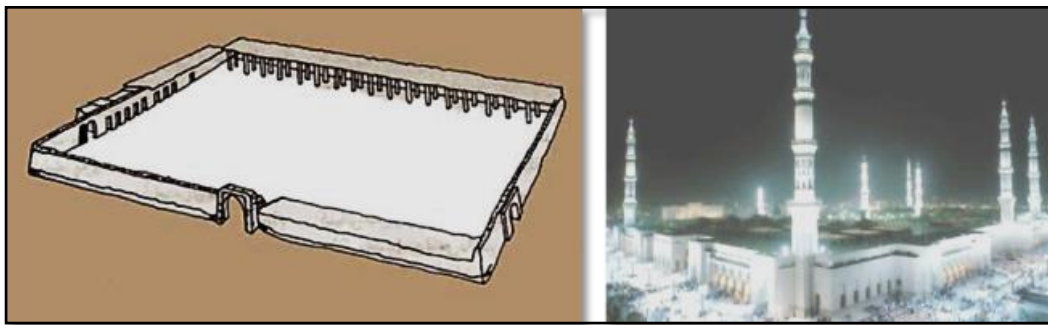
شکل ۲-۳۲- سردر مسجد کبود « این مسجد تا حدودی بر اثر زلزله تخریب شد. سردر تا حدودی تزئینات دارد اما در درون مسجد اوج شکوهمندی و تزئینات دیده می شود. (برخی اسم این گونه مساجد را مساجد ترکی گذاشته اند: مساجدی پر تزئین و خانقاه مانند؛ مسجد شیخ لطف الله نیز با الگویی مشابه فضایی بسته و سرپوشیده دارد.) (کبیر و پیروی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۳۳- مسجد شیخ زائد، ابوظبی- میزان تزئینات این مسجد به حدی است که علت شناخت و شهرت آن محسوب می شود..

• طرح توسعه مسجد الحرام

در این طرح مسجد الحرام به تمامی تخریب شده و یک بنای مدرن جایگزین آن شد. این اقدام که با توجیه ساده سازی حرکت و ساده سازی رفتار انجام شد موجب تخریب خاطرات مذهبی و ابعاد هویتی مسجد الحرام شده است. در طرح جدید، برج کناری مسجد الحرام بر آن مسلط است به گونه ای که یک زائر از همان برج قادر است زیارت خود را انجام دهد! در طرح اولیه حس احترام به طبیعت و حس ارتباط با پروردگار به خوبی در فضا حس می شد، در حالی که حس غالب در طرح جدید غلبه ی برج های اطراف بر فضای مسجد الحرام است. بنابراین اصلاحات جدید بیش از آنکه با الگوی علوی پیشرفته باشد نشان از الگوی اموی دارد و اثری از نگاه اجماع مسلمین بر کنترل این اصلاحات به چشم نمی خورد.



شکل ۲-۳۴- پرسپکتیو مسجد النبی؛ هم اکنون (جودی و حسینی، ۱۳۹۶)/ شکل ۲-۳۵- پرسپکتیو مسجد النبی؛ در ابتدای ساخت (همان)

چنانچه دیده میشود مسجدها در ابتدای طرح ریزی و ساخت ساده و پیرو اصول آموزشی پیامبر بودند و از مسجد النبی الگو می گرفتند. اما در طول زمان و با روی کار آمدن هر حاکم، الحاقاتی به آن ها جهت نمایش قدرت اضافه می شد. از این دست تغییرات در مسجد النبی می توان به افزودن ستون در زمان خلفای راشدین، افزودن محراب در زمان عمر بن عبدالعزیز و افزودن مناره در زمان ولید و ملک فهد اشاره کرد. (جودی و حسینی، ۱۳۹۶)

جدول ۲-۱۴- روند تغییرات مسجد النبی در طول تاریخ (جودی و حسینی، ۱۳۹۶)

المان معماری	سال الحاق شدن به بنا	سازنده یا بانی کار	توضیحات
توسعه پلان مجموعه	سال اول	پیامبر	- خرید خانه های همجوار و افزودن به بنا - تغییر اندازه ۳۰*۳۵
افزایش	سال ۷۰ه.ق	خلفای راشدین	- ستون های آجری

مساحت و اضافه کردن ستون			- ستون های چوبی - افزایش مساحت از شرق و غرب ۱۲۱ (ذرع) - مابین قبله و دیوار منبر ۱۲۱ (ذرع)
افزایش مساحت	عثمان بن عفان ولید	سال ۱۶ ه.ق	- ۲۰ گز در جهت شام - ۱۰ گز غرب - تخریب اتاق همسران پیامبر
افزایش تعداد ستون ها	ولید	بعد از سال ۲۴ ه.ق	- از شرق به غرب به ستون های آن افزوده می شود.
گنبد سبز	سلطان قایتبای گنبد جدید را بنا کرد	۸۸۶ هجری	- در روزگار سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد روی مرقد را به رنگ سبز کردند و از این زمان به بعد به قبه الخضرا شهرت یافت.
محراب	عمر بن عبدالعزیز	-	علاوه بر محراب اصلی، دو محراب دیگر در سمت قبله مسجد وجود دارد؛ یکی محراب عثمانی منسوب به سلاطین عثمانی که در دیوار جنوبی مسجد است و دوم محراب سلیمانی متعلق به سلطان سلیمان عثمانی یا محراب حنفی که در سمت مغرب محراب رسول خدا(ص) است.
مناره	ولید و ملک فهد	-	- به دستور ولید ۴ مناره بر چهارگوشه مسجد النبی و به دستور فهد ۶ مناره دیگر به آن اضافه شد.

• سایر فضاهای مذهبی

۱- مصلی ها

«در مورد مصلی ها که به عنوان یکی از اصلی ترین عناصر معماری هر جامعه اسلامی به شمار می آیند، تعدادی دستورالعمل فقهی وجود دارد که تلاش برای اعمال و تحقق آن ها در کالبد فیزیکی مصلی ها لازم و ضروری است.» (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی، ۱۳۹۲) از جمله این موارد طبق روایتی از حضرت علی (ع) ضرورت قرارگیری مصلی در صحرا و عدم جواز تعدد مراکز اجرای نماز عید است. «این موضوع تاثیر مستقیمی در برنامه ریزی ظرفیت مصلی و مکانیابی آن دارد. به طوری که بر اساس احکام و اصول مذکور، ضرورت مکانیابی مصلی در مکانهای کم تراکم، غیرمحصور و ترجیحا به دور از بافت شهر ثابت می شود.» (حمزه نژاد سعادت جو و رضانی، ۱۳۹۲) در بررسی نتیجه و تاثیر این اصل نظری می توان به «خروج از زندگی روزمره و رفتن به خارج شهر در دل طبیعت بکر که یادآور تولد و مرگ یا بازگشت به خداست» اشاره کرد. (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی، ۱۳۹۲) در ساخت مصلی های معاصر به ایرانی بودن آنها تاکید شده است، چنانچه در برخی قوس هایی به چشم می خورد که یادآور طاق کسری و تخت جمشید است. در طراحی و اجرای برخی مصلی ها تزئینات

بسیار زیادی به چشم می خورد و در برخی تکنولوژی به کار گرفته شده سبب صرف هزینه بالایی شده است. بنابراین برخی مصلی های ساخته شده درخور انتقاداتی هستند و نیاز به بازنگری دارند.



شکل ۲-۳۶- ایوان جنوبی مصلی بزرگ تهران- از ارزش های آن توجه به حیاط مرکزی و اصالت فضای باز است. اما موضوع بحث برانگیز درباره ی آن گنبدخانه ی بسیار عظیم و پر هزینه ی آن است.^{۲۰} «دیدگاه سمبولیک به مصلی منجر به نوعی گرایش به عظیم سازی و تجمل گرایی بنا شده است، تا جایی که طاق ایوان جنوبی آن، هم از نظر مبانی نظری و هم از نظر فرم، شباهت زیادی به ایوان مدائن دارد که آن را نماد معماری پرتفاخر کاخ های ساسانی می دانیم.» (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی، ۱۳۹۲) /
شکل ۲-۳۷- فضای درونی مصلی ؛ نمای وسط

۲- مناره ها- مقصوره ها

مناره و مقصوره از جمله جزئیات مهم بناهای مساجد و از ابزارهای موثر در تفاخر یا سادگی بنای یک مسجدند و در صورت عدم توجه به فلسفه ساخت مسجد می توانند پیامدهای منفی اجتماعی داشته باشند؛ بنابراین حضرت با آنها مخالفت می کرد. و تخریب مقصوره و کنگره مساجد از دیگر تغییراتی بود که حضرت بنا نهاد؛ ایشان کنگره و مقصوره را نشانه می دانست، بنابراین حساسیت بر کنگره یا مقصوره یا محراب نیست، بلکه حساسیت متوجه تمایز مسجد به عنوان مسجد علوی با مساجد و معابد اموی و غیر علوی است. در مکتب علوی حفظ هویت و خط اعتقادی بسیار مورد توجه است. مناره ها در عصر جدید به نشانه تبدیل شده اند و طبق مسئله مطرح شده پیرامون همگامی با تغییرات زمان (با لحاظ کردن اصول اسلامی) معمولاً مشمول موضوع تفاخر و تجملات نمی شوند.

۲۰- قطر گنبد خانه ی مصلی تهران ۵ هکتار بوده و ایوانی با عظمت دارد. شاید اگر اصالت فضای باز بیشتر دیده می شد، تکنولوژی در این سطح نیاز نبود. هزینه ی ساخت مصلی در سایت های خبری بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان اعلام شده است.

۳- حرم ها - زیارتگاه ها

پیرامون حرم های ائمه سوالی مطرح می شود که با وجود جلوه های موجود این زیارتگاه ها، فلسفه تزئینات آن ها با مطالب بیان شده اعم از "سادگی" همخوانی دارد یا خیر؛ به ویژه که سیره و نحوه زندگی ائمه (ع) بسیار ساده بوده است. در پاسخ این پرسش می توان به حکمت ۲۷۰ نهج البلاغه استناد کرد، که پیرامون ضرورت حفظ اموال کعبه است. این حکمت اشاره به داستانی در زمان عمر دارد، که نسبت به فراوانی زینت های کعبه صحبت شد، گروهی معتقد بودند که باید آنها را برای لشکر اسلام صرف کرد و کعبه نیازی به زینت ندارد، وقتی از امیر المؤمنین (ع) پیرامون این مسئله پرسیدند، فرمود: «همانا قرآن بر پیامبر (ص) هنگامی نازل گردید که اموال چهار قسم بود، اموال مسلمانان، که آن را بر اساس سهم هر یک از وارثان، تقسیم کرد، و غنیمت جنگی که آن را به نیازمندان رساند، و خمس، که خدا جایگاه مصرف آن را تعیین فرمود، و صدقات، که خداوند راه های بخشش آن را مشخص فرمود. و زیور آلات و زینت کعبه از اموالی بودند که خدا آن را به حال خود گذاشت، نه از روی فراموشی آن را ترک کرد، و نه از چشم خدا پنهان بود، تو نیز آن را به حال خود واگذار چنانکه خدا و پیامبرش آن را بحال خود واگذاشتند.»^{۲۱} (دشتی، ۱۳۷۹) از طرفی پیش افتادن از علما جایز نیست و نمی توان بی علم تصمیم گیری کرد؛ در این مسئله آیت الله جوادی آملی، آیت الله خراسانی، امام خمینی و مقام معظم رهبری سنت رایج مزارها را تایید می کنند. در زمان پهلوی ذیل بحث مدرن سازی بسیاری از مراسمات، سازه ها و .. جمع آوری شد؛ برای نمونه نقاره خانه تعطیل شد و پس از انقلاب برای راه اندازی مجدد آن از امام خمینی (ره) نظرخواهی شد؛ ایشان معتقد بودند اگر برای مردم خاطره انگیز است، احیای آن مفید خواهد بود. (اشاره به بحث تعلق خاطر و هویت مکان) گاهی علما در این موارد پیشرو بودند و حتی به جمع آوری هزینه لازم برای آنها می پرداختند؛ در واقع چنین تجمعاتی توسط مردم اتفاق می افتد و در جهت تجلی احساس آنها و تجدید خاطراتشان قرار دارد. البته گاهی تفاخرات توسط شاهان صورت گرفته است؛ برای مثال طلای حرم مطهر حضرت معصومه (س) توسط مادر ناصرالدین شاه اهدا شده است. همچنین نیاز به یادآوری است که الگوی خانه های ائمه (ع) مبحثی جداگانه از حرم های آنهاست، و در آن ها چیزی جز سادگی نمی توان یافت.

۲۱- «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ (ص) وَالْأَمْوَالُ أَرْبَعَةٌ أَمْوَالُ الْمُسْلِمِينَ فَقَسَمَهَا بَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَائِضِ وَالْقَيْءُ فَقَسَمَهُ عَلَيَّ مُسْتَحِقِّيهِ وَالْخُمْسُ فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ وَالصَّدَقَاتُ فَجَعَلَهَا اللَّهُ حَيْثُ جَعَلَهَا وَكَانَ حَلِّي الْكَعْبَةَ فِيهَا يَوْمَئِذٍ فَتَرَكْتُ اللَّهَ عَلَيَّ حَالِهِ وَ لَمْ يَتْرُكْهُ نَسِيَانًا وَ لَمْ يَخْفَ عَلَيْهِ مَكَانًا فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَوْلَاكَ لَأَفْتَضَحْنَا وَ تَرَكْنَا الْحَلِّيَ بِحَالِهِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷۰)

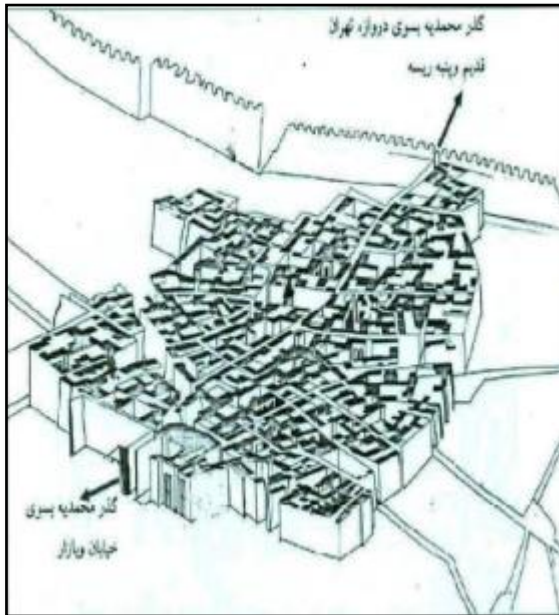


شکل ۲-۳۸-امامزاده صالح؛ از مهم ترین عناصر منظر زیارتی تهران به شمار می آید. (فرزین، ۱۳۸۹) «فضاهای مذهبی و زیارتی در شهرهای امروز، از جمله فضاهای گمشده هستند که مدیریت شهری تنها بر بار معنایی آنها در رفتارهای اجتماعی تأکید می کند. درحالیکه توجه به منظر زیارتی می تواند عامل اصلی در تعریف الگویی برای شهر اسلامی در ایران باشد. منظر زیارتگاه ها، کلید واژه های ادراک شهروندان از فضاهای شهر است.» (فرزین، ۱۳۸۹)

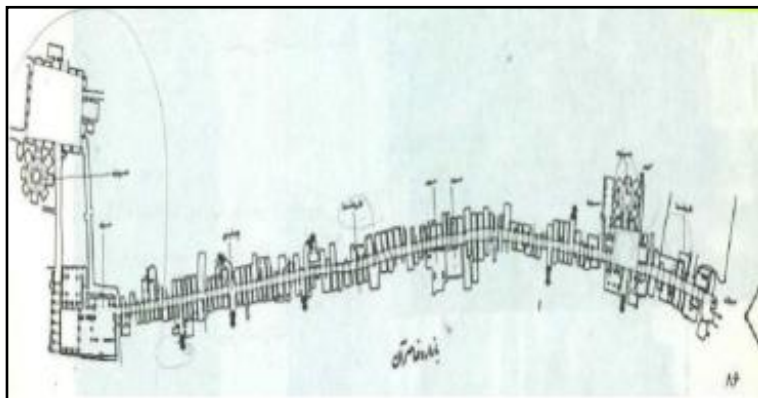
۲-۳-۵-۲- بازار

آرتور پوپ بازار شهرهای اسلامی را دستگاهی موثر و با صرفه تعریف می کند که فعالیت هایی متنوع، ولی مداوم را در کمترین فضا با بیشترین شایستگی و اطمینان اداره می کرد. چهارسوق هایی به شکل دو دالان مسقف که یکدیگر را به طور عمودی قطع می کنند. روزنه کوچکی در سقف، نور را به داخل هدایت می کند و در عین حال داخل را از گرمای شدید تابستان و سرمای زمستان حفظ می کند. در همین جا افکار عمومی شکل می گیرد و روابط اجتماعی رونق می یابد. بازار را عموماً دولت و نیکوکاران و یا بازرگانان نگهداری می کردند. (شفقی، ۱۳۹۴) «در شهرهای اسلامی قرون نخستین انفکاک و جدایی ملموسی بین مسجد، دارالعماره و بازار وجود نداشت، و این امر سبب رونق نسبی و متقابل هر سه عنصر می گردید... بازار را نه تنها جغرافی دانان و محققان اسلامی وجه مشخصه شهر می دانند، بلکه دانشمندان غربی نیز شهر را مرکز مبادله کالا و کانون اصلی تجارت شناخته اند. به همین دلیل است که شهرهای اسلامی به وسیله بازار، از کلیه شهرهای ادوار مختلف تاریخی باز شناخته می شوند.. حضور فضاهای معنوی در بازارهای قدیم به ویژه مسجد یا مثلاً بهره گیری از اشکال مخصوص فضاهای معنوی در سایر فضاها (مثلاً حمام ها و کاروانسراها) نشان دهنده و تذکری جهت یادآوری و برتری یافتن جنبه های معنوی بر مادی است.» (قنبری، ۱۳۹۲) «اگرچه مفهوم بازار به شکل امروزی در دوران ساسانیان شکل گرفت، اما بازارهای اسلامی بر بازارهای ساسانیان برتری هایی داشت از جمله: ۱. تقسیم بندی براساس تخصص حرفه ای و نه بر مبنای طبقه ۲. به وجود آمدن راسته بازارهای جدید مثل صحافی و کاغذ فروشی و کتاب فروشی» (قنبری، ۱۳۹۲)

شکل ۲-۳۹- حلب - چگونگی پخشایش تیمچه ها و برپایی بازار (درودیان و بهرامی، ۱۳۹۴)



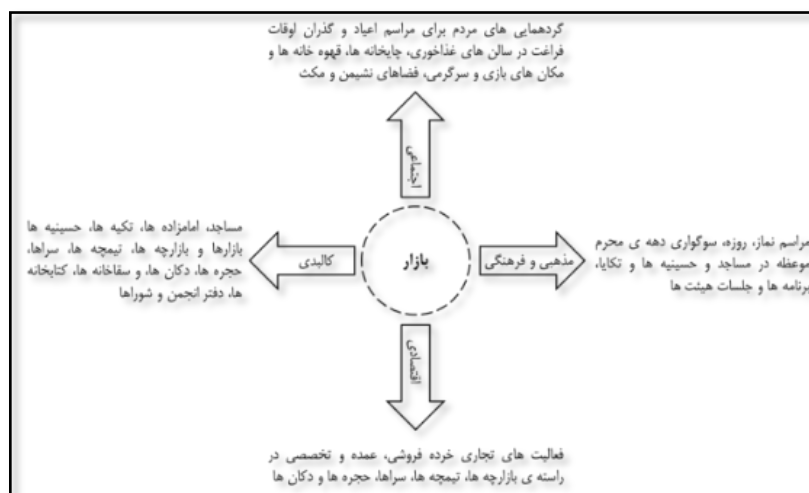
شکل ۲-۴۰- بازار شهر حلب و آمیزش آن با مسجد و مدرسه (درودیان و بهرامی، ۱۳۹۴)



نگاه مذهب در بحث اقتصاد علاوه بر آن که -همچون نگاه به سایر ابعاد زندگی اسلامی- در پی نگاهی میانه رو و عدالتجو است، بر اهمیت دوچندان آن نسبت به سایر مباحث پرداخته و کمترین میزان اموال را اگر از ذخیره اموال مردم باشد ارزشمند می داند و در مراقبت از آن کوشاست. جامعه حاصل از چنین تفکری به عدالت اقتصادی و اجتماعی خواهد رسید، شکافی در میان مردم به لحاظ وضعیت اقتصادی یا معیشتی دیده نخواهد شد و یا حداقل خواهد بود. بنا بر آموزه های حضرت امیر(ع) در نخستین گام در جهت نائل شدن به چنین جامعه ای باید ساده زیست بود و از به رخ کشیدن و مصرف گرایی افراطی خودداری کرد. حضرت پس از توصیه حارث به زندگی در شهر بزرگ او را از مشغولیت به بازار(جلوه ها و زیور آلات این چنینی از شهر) منع می کند و آنها را "محاضر الشیطان" می خواند. این درحالی است که رشد شهرهای امروز با جلوه گری مغازه ها و نمای آنها تعریف می شود. بازار و مقوله اقتصادی از مفاهیمی بوده که حضرت امیر(ع) در مورد آنها حساسیت ویژه ای نشان می داد. ایشان چند روز یک بار به بازار سری می زد و از نزدیک از جزئیات عملکرد بازاریان باخبر می شد و حتی به

طور مستقیم به امر به معروف و نهی از منکر آنها می پرداخت؛^{۲۲} چرا که عملکرد بازاریان در سمت وسو گرفتن شهروندان نقش تعیین کننده ای دارد و از موارد پایه ای در تحقق عدالت اجتماعی و رسیدگی به نیازمندان شهر است. جنبه اقتصادی یک شهر موضوعی پیچیده است که به جنبه های مختلف دیگر شهری نیز ارتباط پیدا کرده و نمود کالبدی آن بازار است. این کالبد با مابقی کالبد شهر، با بعد مذهبی و فرهنگی و با بعد اجتماعی در ارتباط است. در واقع اسلام دینی همه جانبه بوده و در تعیین چارچوب هر مبحث، تمامی ابعاد موثر بر آن و تاثیر پذیر از آن را در نظر دارد؛

بزرگی بازار از شهری نسبت به شهر دیگر با جمعیت یکسان، متفاوت است و بازارهای شهرهای اسلامی بیشتر تابع رشد شهر در طرح افقی آن است و زندگی شهری، شکل پذیری جدید و تحولات را در بازار پدید می آورد؛ یعنی به جز آنچه در طرح اولیه داشتیم، در رویایی با نیاز و سلیقه مردم تغییر پیدا می کند. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۴۱- ارتباطات بازار به عنوان نمود کالبدی نظام اقتصادی (بابایی، وارسته دهکردی و دیگران، ۱۳۹۳)

^{۲۲} - امر به معروف و نهی از منکر از مفاهیم مورد تاکید اسلام است و در همه ی ابعاد زندگی مسلمانان (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ..) وجود دارد. شهر اسلامی، "شهر امر به معروف و نهی از منکر" است.

بحث عدالت اقتصادی چنان مورد توجه دین اسلام است که علاوه بر تاثیرات اجتماعی آن بر جامعه به عواقب متعددی اشاره می کند که در صورت بی توجهی به آن گریبان گیر شهروندان خواهد شد. چنانچه پیامبر(ص) از مهم ترین نمودهای بی توجهی ثروتمندان جامعه نسبت به فقیران را رونق کالبد می داند و می فرماید که مردم به هنگام دوری از فقیران جامعه شان، عمارت بازار را رونق می دهند؛ در واقع وقتی فقیر ضعیف شود، جلوه و ظاهر شهر با بازار و بعد تجاری آن نمایان می شود. اکثریت جامعه به دنبال سرمایه گذاری و پول اندوزی بوده، رونق اقتصادی شعار زندگی مردم می شود و در عرصه شهریشان ظهور می کند؛ و نهایتاً مردم را به چهار بالای بر آمده از چنین عملکردی هشدار می دهد: قحطی، تسلط حکام ظالم بر آن ها، خیانت کارگزاران (در واقع فضای آرام اقتصادی است که از این اتفاقات جلوگیری می کند و فضای رقابتی شدید است که افراد را به کارهای نادرست تحریک می کند)، پیدایش دشمن (با اولویت قرار گرفتن پول و اندوخت سرمایه نه تنها بسیاری از اصول اجتماعی از دست می رود، با فاصله گرفتن قشرهای مختلف مردم و چند دستگی آن ها، وحدت اجتماعی نیز نزول یافته و جامعه در مقابل دشمنان ضعیف می شود)؛ این حدیث نیز نشان از لزوم توجه ویژه به قشر فرودست جامعه و عدالت اقتصادی دارد. و به همین صورت توجه و دقت امیرالمومنین در مراقبت و تقسیم بیت المال شگفت آور است. بسیاری موارد اشاره شده به علت تفاوت در عرضه و تقاضا در جامعه سنتی و جامعه امروزی است. رجایی در قیاس تقاضا میان بازار اسلامی و بازار رقابت کامل (مگامال) معتقد است که «در اقتصاد کلاسیک رابطه درآمد و تقاضا مستقیم است. هرچه درآمد افزایش یابد تقاضا افزایش می یابد. گرچه در سطوح درآمدی بسیار بالا، درصد کمتری از درآمد مصرف می شود یا میل نهایی به مصرف کاهش می یابد. اما در اقتصاد اسلامی قید دیگری نیز وجود دارد و تقاضا را محدود می کند. هم ترجیحات فرد مسلمان تحت تاثیر ارزش های اخلاقی و اسلامی جهت دهی شده است و هم قید شرعی داریم. اصول رعایت ارزش ها و برادری و تکافل اجتماعی، تقاضای مصرف کننده مسلمان را در عمل در بازه ای خاص محدود می کند.» (رجایی، ۱۳۸۶) البته این به معنای دوری مکتب شیعی از رونق اقتصادی و گرایشات صوفی گرانه نیست؛ چنانچه احادیث فراوانی از ائمه (ع) در مذمت فقر و توجه به رونق اقتصادی به چشم می خورد. بخشی از بازارها در صدر اسلام مشابه بازارهای روزانه و فصلی امروزی (جمعه بازارها و ..) بوده به طوری که مالکیت در آن وجود نداشته و یک فروشنده هر روز در جای متفاوتی از روزهای دیگر به فروش محصول خود می پرداخته است؛ اسلام در این موارد نمی پذیرد که فروشنده خود را مالک دانسته و به جای یک دیگر تجاوز کنند. چنانچه «رسول خدا (ص) فرمود: "بازار مسلمانان همچون مسجد آنان است. هرکس زودتر جایی را گرفت، تا شب بدانجا سزاوارتر است." (العالمی، ۱۳۹۰) و همچنین حضرت علی(ع) در اینباره فرمود: «حق انجام دادن چنین کاری را ندارند. بازار مسلمانان هم چون مصلاهی مسلمانان است. هرکس جایی را گرفت، آن جای در آن روز برای اوست تا ترکش کند.» (العالمی، ۱۳۹۰) و همچنین حضرت به ازای استفاده از این فضاها از فروشنده ای کرایه دریافت نمی نمود. این احادیث اهمیت بازار را تا آنجا بالا می برد که آن را برابر با مصلی مسلمانان و صاحب حرمت می داند، بنابراین رعایت

اصول اخلاقی، فروتنی و حیا در داد و ستد لازم الاجراست. به این ترتیب در برخی بازارهای صدر اسلام بیشترین توجه بر نوع محصول متمرکز می شود و امکان ویتترین سازی و ایجاد فرهنگ جلوه گری وجود ندارد. شهروندان با هر سطح اقتصادی توانایی بیشتری در تهیه مایحتاج خود خواهند داشت، از طرفی جامعه کمتر به سمت مصرف گرایی پیش خواهد رفت. مسلماً در دنیای امروز انتظار بر آن نیست که مالکیتی در بازار وجود نداشته باشد، چنانچه در صدر اسلام نیز بسیاری بازارها به ویژه در شهرهای ایرانی - به دلیل انتقال فرهنگ و کالبد آن به دوران بعد از اسلام - با کالبدی تعریف شده همراه بوده است. چه بسا با شرایط عصر حاضر، جمعیت شهرهای بزرگ و نیاز شهروندان، پیگیری این هدف با چنین روشی به بی نظمی و مشکلات بسیاری منجر شود؛ اما شیوه شهرهای امروزی با محوریت مصرف گرایی و جلوه گری صرف به طوری که اصل جامعه را تشکیل دهد نیز درست نیست؛ شاید این شیوه بتواند برای بخشی از تولیدگران و فروشندگان که توان اجاره یا خرید ملکی به عنوان مغازه را ندارند مناسب باشد. بنابراین برای داشتن جامعه ای پایدار و با ثبات گزینه ای ارزشمند است. چنانچه اهداف مطرح شده در صورت اجرا، هم به عدالت اجتماعی نزدیک تر خواهد بود، هم پایداری اقتصادی بهتر حاصل خواهد شد و هم احتمال آن وجود دارد که با افزایش تولید، تولیدگران بیش از برندسازی به ارتقاء کیفیت محصولات توجه داشته باشند. فرهنگ قناعت، ارزش کالا و اهمیت تولید داخلی، رونق اقتصادی، میزان واردات و صادرات، میزان تولید و چگونگی دفع زباله، توجه به حفظ محیط به عنوان مولد و سلامت روح و .. همگی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از بعد اقتصادی تاثیر می گیرند و نهایتاً بر کیفیت زندگی و منش و روش هر انسان چه به لحاظ مادی و چه معنوی تاثیر چشم گیری خواهند داشت. به این ترتیب علت ارزش گذاری ویژه آن در اسلام روشن است.



شکل ۲-۴۲- بازارهای یثرب در صدر اسلام (اطلس شیعه) از جمله مهم ترین بازارهای یثرب در پیش از اسلام بازار بنی قَیْنُقَاع است که نخست مانند دیگر بازارها فضای بازی بود و پس از آن یهودیان یثرب در آن مغازه های زرگری و صنعت گری ساختند. محصولات زینتی، سلاح های

مختلف و اثاثیه منزل، از رایج ترین کالاهایی بود که در این بازار داد و ستد می کردند؛ بنابراین کالبد بازار شهرهای مسلمان نشین در صدر اسلام به دو صورت بوده است؛ یکی به صورت بازارهای دارای ساخت و دیگری چیزی شبیه به بازارهای فصلی و روزانه. چنانچه گفته شد بازارها به عنوان یکی از مهم ترین مراکز تجمع مردم، دارای فعالیت های مختلفی بودند. کاروان های تجاری علاوه بر عرضه ی کالای خود در آن اتراق و استراحت می کردند. همچنین ادیبان و شعرا در بازار گرد هم آمده و به این ترتیب بازار صحنه شعسرایی و تفاخر ادیبان می شد. برخی در مسیرهای پر رفت و آمد میان شهرها ایجاد شده و برخی در اطراف مزارها شکل می گرفتند و این چنین شهری ایجاد شده یا رونق می گرفت.



شکل ۲-۴۳-بازار تاریخی تجریش در طول ایام در جوار امامزاده صالح توسعه یافته و همواره خریداران و زائران بسیاری را به سوی خود جلب کرده است. (فرزین، ۱۳۸۹) امامزاده با حفظ سادگی و ضمن رونق بخشی بازار، به همراه بازار و بافت پیرامونی، بخشی از ساختار شهر را شکل می دهد.

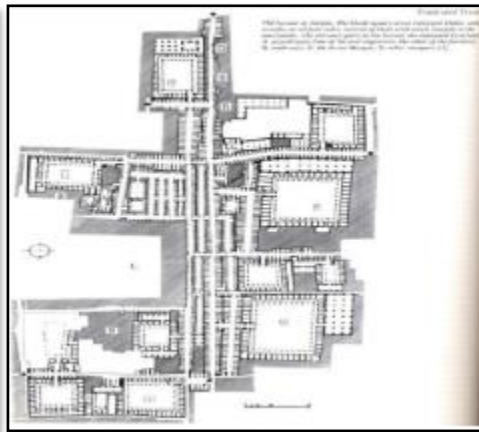
در صدر اسلام مسجد و بازار به عنوان مهم ترین فضاهای شهری ابعاد مختلف فعالیت را شامل می شدند و همگی از اصول اولیه اسلامی پیروی می کردند. در تعریف شهر علوی، پاتوق (دورهم نشینی - تفریح گاه) به معنای امروری مطرود است.^{۳۳} چنانچه در بازارهای قدیمی جایی برای غذاخوری به شیوه امروری و تجمع در مقابل انظار عمومی وجود نداشته است. چنانچه می بینیم در شهرهایی چون اصفهان، لار (بازار آن متعلق به پیش از اسلام است)، تبریز، شیراز، و شهرهای کوچکتری چون نایین و زواره چنین بازارهایی به چشم می خورند. این بازارهای سنتی از تفاخر، جلوه گری بیش از اندازه و نیاز کاذب به دورند و شهروند با شناخت از نوع جنس مورد عرضه، متناسب با نیاز خود به مغازه های مورد نیاز مراجعه می کند. (گشت زنی و وقت گذرانی در بازار به معنای امروری آن در بازارهای قدیم وجود نداشته است.) توجه ویژه به بازار در شهرهای ایرانی و شهرهای اسلامی بعد از اسلام به خوبی به چشم می خورد. اهلرز در بررسی شهرهای اسلامی، یکی از ویژگی های آنها را بعد اقتصادی می داند و معتقد است، سلسله مراتب بازرگانی و پیشه وری در درون بازار وجود دارد. «به طوری که نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت های کسب و کار و صنف بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می خورد؛ بلکه از نظر بازرگانی نیز، دکان ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته مرکزی بازار، گذرگاه یا راسته های معتبر قرار داشتند و داد و ستدهای کم ارزش تر در فاصله دورتری از مرکز بازار جایگزین می شدند.» (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹)

3-5-3-2- محله و مسکن

محله شامل فضاهای سکونتی با بافت فشرده می باشد که از سیستم معبر در محله پیروی می کرده است. «مسکن نهادی است که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده و صرفاً یک ساختار نیست. از آنجا که ساختن یک مسکن پدیده ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن، شدیداً متأثر از محیط و فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد.» (مداحی و دیگران، ۱۳۹۵) در اکثر نقاط مختلف جهان

اسلام چیدمان فضاهای داخلی ساختمان به شکل ترکیب یک حیاط مرکزی و چندین فضای سکونتی (اتاق) در اطراف آن می باشد. این وضعیت که قبلا به طور وسیع در بسیاری از مناطق جهان باستان تجربه شده بود، غیر از نیاز روانشناختی و فرهنگی در ارتباط با حمایت و حفاظت از هسته خانواده، در مقابل برخوردهای احتمالی با خارج، در مواردی هم با تامین آسایش اقلیمی با انتخاب گزینه های مختلف، به صورت ایجاد موقعیت های متعدد انتخاب، متناسب با تغییر فصول و یا در طول روز، فضاهای استراحت و کار در شرایط خنک یا گرم، تهویه طبیعی، و دور از دید، سایه دار یا رو به آفتاب نیز مرتبط می شود. از آنجا که باورهای فرهنگی تفکیک کننده زندگی خصوصی و عمومی، به نظام مکانیابی ساختمانها نظم بخشیده است؛ طرح شهری شامل خیابان های باریک و بن بست های جدا کننده، قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر شد. (قنبری، ۱۳۹۲)

شهرشناسان، محلات شهر اسلامی را به پاکتی تشبیه کرده اند که تنها از آن ها به سوی مرکز شهر راه داشته اند، ولی راه های فرعی از هر نظر دارای اهمیت بوده است؛ به طوری که گاهی نزدیک به ۵۰ درصد از طول مجموع راه های یک شهر اسلامی آن عصر، مانند حلب، دمشق و قاهره را به خود اختصاص می داده است. این راه های بن بست، بسیار اندیشیده شده ایجاد شده بودند، که نه تنها از نظر امنیت، مشکل را تا حدی حل کرده بودند، بلکه با این عمل، خصوصیات زندگی اسلامی ساکنان، که محرمیت بود را نیز مهیا می کردند. البته، استثنا همیشه در این سرزمین وسیع وجود دارد؛ مثلا بعضی از نویسندگان، از باز بودن محلات (بدون بن بست)، در شهرهای عراق سخن گفته اند و احتمالا تاثیر سابقه تاریخی، این پدیده را به وجود آورده است. نتیجه مطالعه در محلات مسکونی، بیان کننده این واقعیت است که ایجاد محله ها، نظارت و کنترل دقیق مردم و رفت و آمد آن ها را که در عین حال، نوعی استقلال توسط شیخ محله و در شهرهای ایران، عنوان کدخدای محلات به آنها اعطا شده است، ممکن می ساخته است؛ لذا در عصر عثمانی ها، تعدد محلات شهرها به شدت افزایش یافت و این حرکت، با توسعه شهری همخوانی داشته و وصول مالیات را نیز آسانتر می کرده است. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۲-۴۴- شیراز (سمت راست)؛ الگویی از یک برزن قدیمی (درودیان و بهرامی، ۱۳۹۴، ۹) // شکل ۲-۴۵- محله های شهر شیراز (سمت چپ) (درودیان و بهرامی، ۱۳۹۴)

• الگوبرداری از سبک زندگی پیامبر

بحث ظرفیت سازی و حمل انسان توسط مکان برای خانه نیز به نوبه خود قابل طرح است. خانه می تواند موجبات سلامت جسم و روح را فراهم کند. می تواند زمینه ساز اخلاق فاسد باشد و یا گرایش به کمال و تعالی را رهنمون گردد، به ویژه که ایجاد تغییر در مقیاس های بزرگ برای افراد یا مقدور نیست و یا بسیار مشکل است، درحالی که ایجاد تغییر در خانه مورد تملک خود برای آنان سهل تر انجام می گیرد. دو ویژگی پایه ای در الگوسازی طراحی و ساخت خانه که در زندگی پیامبر و ائمه (ع) از روایات متعددی قابل برداشت است، ساده زیستی و قناعت است. پیرامون ساده زیستی در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه^{۲۴} می خوانیم که حضرت امیر، مردم را به الگوبرداری از پیامبر (ص) توصیه می کند و در اشاره به ساده زیستی ایشان می فرماید که «بر روی زمین می نشست و غذا می خورد» (دشتی، ۱۳۷۹) و یا اینکه «پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود: این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم.» (نهج البلاغه، ۳۰۲) «و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت های دنیا از دیده او دور ماند. پس تفکر کننده ای باید با عقل خویش به درستی اندیشه کند که آیا خدا محمد (ص) را به داشتن این صفت ها اکرام فرمود، یا او را خوار کرد. اگر بگویند خوار کرد، دروغ گفته و بهتانی بزرگ زده است؛ و اگر بگویند او را اکرام کرد، پس بدانند، خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک ترین مردم به خودش دور نگهداشت. پس پیروی کننده باید از پیامبر (ص) پیروی کند، و به دنبال او راه رود، و قدم بر جای قدم او بگذارد، و گرنه از هلاکت ایمن نمی باشد.» (دشتی، ۱۳۷۹) و در ارزش قناعت و خوش خلقی فرمودند: «آدمی را قناعت برای دولتمندی، و خوش خلقی برای فراوانی نعمت ها کافی است.»^{۲۵}

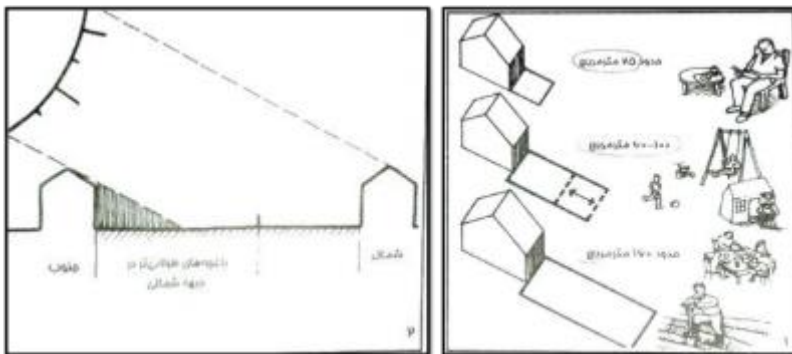
• حیاط و نورگیری ساختمان

درباره بزرگی حیاط خانه «از امام علی (ع) روایت شده است: "خانه را شرفی است و شرف آن، حیاط بزرگ و دوستان صالح است و آن را برکتی است و برکت آن، خوبی جا، بزرگی حیاط و همسایگان خوب آن است."» (العاملی، ۱۳۹۰) این درحالی است که در غالب ساختمانهای فعلی کشورمان و با فراگیری زندگی آپارتمان نشینی،

^{۲۴} - «پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، ... بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، ... پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود: این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰)

^{۲۵} - "كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ - حکمت شماره ۲۲۹"

حیاط از زندگی شهروندان حذف شده و یا میزان امکان بهره‌گیری از امکانات آن تقلیل یافته است. وجود و اندازه حیاط خانه موضوعی است که در توجیحات پاسخدهی محیط مطرح می‌شود؛ به طوری که در کیفیتهای موثر بر انعطاف پذیری فضای داخلی مسکن، فضای بیرونی خصوصی را به طور قابل ملاحظه‌ای موثر دانسته و برای دستیابی به چنین کیفیاتی بلوکهای طولی را از بهترین حالات بلوکهای مسکونی می‌دانند. بنتلی در کتاب محیط های پاسخده اشاره می‌کند که «فضایی که بین ۱۰۰-۶۰ مترمربع وسعت داشته باشد برای مجموع عملکردهای نشستن در بیرون و بازی بچه‌ها کفایت می‌نماید، اما یک فضای ۲۵ مترمربعی صرفاً برای عملکردهای جانبی مناسب دارد. یک سطح ۱۶۰ مترمربعی می‌تواند در زمینه تامین سبزیجات موجبات خودبستگی یک خانواده ۴ نفره را فراهم نماید.» (بنتلی و دیگران، ۱۹۴۵) جالب توجه آن است که توصیه های بنتلی در شرایط شهرهای امروزی مطرح شده است و نه بیش از ۱۰۰۰ سال پیش که خودرو یا محدودیت زمین وجود نداشته است. از طرفی میزان بهره‌گیری ساختمان از تابش خورشید از عوامل مهم تعیین کننده در اندازه حیاط آن است. جهت بهره‌گیری از بیشترین و بهترین نورگیری، لازم است که جبهه پشت ساختمانها را به شمال جهت داده و باغچه‌ها طولانی‌تر در نظر گرفته شوند. (همان)



شکل ۲-۴۶- ارتباط اندازه حیاط خانه و تنوع فعالیت‌های انجام شده در آن (بنتلی و دیگران، ۱۹۴۵) / شکل ۲-۴۷- میزان نورگیری جبهه جنوبی و شمالی خانه (همان)

• ارتفاع خانه

مبحث ارتفاع خانه از عوامل متعددی تاثیر می‌گیرد و خود نیز بر کیفیات متعددی تاثیرگذار است. روایت است که امام علی (ع) در خانه ای که ارتفاع سقف آن از حد متعارف فزون تر بود، زندگی نمی‌کرد. (العاملی، ۱۳۹۰) بنابراین بررسی ارتفاع خانه بر سلامت انسان قابل توجه خواهد بود. چنانچه در مبحث حیاط و نورگیری اشاره شد، اندازه حیاط و میزان نورگیری موضوعات مهمی هستند که دستیابی به بهترین کیفیت آن‌ها امری لازم است. ارتفاع خانه بر میزان آفتاب‌گیری خانه تاثیر مستقیم دارد. همچنین با افزایش ارتفاع خانه‌ها بحث حریمیت پیش خواهد آمد که علاوه بر تاثیرات روانشناختی و جامعه‌شناختی با فرهنگ درون‌گرای ایرانی خوانایی ندارد. حریمیت با کمیتی متفاوت در فرهنگهای مختلف مهم است، چنانچه در اصول طراحی شهری حتی میزان انعطاف پذیری باغچه را با میزان حریمیت در ارتباط دانسته و معتقدند که باید سعی شود حداقل بخشی از فضای این

مکان (باغچه) از دید و اشراف واحدهای همسایگی خواه از بالا یا مقابل مصون بماند و برای تامین این محرمیت از دیوارها، مسیرهای سرپوشیده، درختکاری (کاشت گیاه)، سایبان و پارکینگ ها بهره می گیرند. (بتلی و دیگران، ۱۹۴۵) حضرت امیر در صورت مشاهده بنایی که ارتفاع مجاز را رعایت نکرده و محرمیت را دچار مشکل کرده بود، پس از تذکر، امر به تخریب و اصلاح بنا می دادند. بسیاری از مسائل این چنینی تحت عنوان حق همسایه در منابع ذکر شده است که بایستی در طراحی و ساخت لحاظ شود.

مبحث ارتفاع ساختمان، آغاز کننده مسئله مهم شهر عمودی و افقی است. «توجه به طراحی شهری عمودی به عنوان رویکردی نوین در طراحی شهرهای فشرده و متراکم در طی دهه اخیر و در پی رشد نظریاتی همچون آسمان خراش های پایدار، طراحی بوم شناختی و شهرسازی بوم شناسانه از روندی رو به رشد و فزاینده در مجامع علمی و کاربردی دنیا برخوردار شده است.» (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹) این در حالی است که معایب آن نیز بر کسی پوشیده نبوده و کلان شهرهای عمودی بیش از مشکلات کالبدی آن، درگیر مسائل اجتماعی آن-ناشی از کوچک شدن حریم های فردی و خانوادگی- هستند. آموزه های اسلامی پیرامون این موضوع، بیشتر به مفاهیم شهر افقی نزدیک است.

جدول ۲-۱۵- مزایا و معایب بلندمرتبه سازی (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹)

مزایای بلندمرتبه سازی (+)	معایب بلندمرتبه سازی
شهرهای فشرده تر = کاهش حمل و نقل	مصرف زیاد انرژی و مصالح برای ساخت در ارتفاع
کاربرد بهینه زمین با توجه به مرکز جمعیت = کاهش توسعه حومه شهری و کاهش آسیب وارده به محیط	مصرف زیاد انرژی جهت بالابرها (تا ۱۵٪ مصرف انرژی کل ساختمان)
شهرهای متمرکز = کاهش حجم شبکه های زیربنایی شهری	مصرف زیاد انرژی جهت نگهداری و نظافت ساختمان
مسافرت درون شهری کمتر؛ اتلاف وقت کمتر	تأثیرات منفی در مقیاس شهری (طوفان های باد، سایه اندازی وسیع، ایجاد مانع نورگیری)
پتانسیل و امکان ایجاد ساختمان با کاربری مختلط	تراکم جمعیتی زیاد در مکان های مشخص و ویژه (کمبود فضاهای باز، فضاهای تفریحی و ...)
سرعت بیشتر باد در ارتفاع (پتانسیل بیشتر برای بهره وری از انرژی باد)	بارهای زیاد ناشی از باد در ارتفاع (تأثیر بر روی سایز و ابعاد المان های سازه ای و نما)
طبقات کم عرض و کشیده و در ارتفاع = پتانسیل و امکان نورگیری طبیعی فضا	فضاهای بسته و ایزوله و در ارتفاع (نیاز بیشتر به تهویه ی هوا)
فضا در آسمان = امکان خلق فضاهای دنج و آرام و به دور از شلوغی شهر؛ چشم انداز شهری	مشکلات ایمنی و امنیت در ارتفاع (در حین ساخت، برای کاربران)

جدول ۲-۱۶- مولفه های الزام آور رشد عمودی شهرها براساس لایه های تشکیل دهنده فرم شهری (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹)

واقعیات و مولفه های الزام آور رشد عمودی در کلان شهر تهران	لایه های تشکیل دهنده فرم شهری
کمبود زمین مساعد ساخت و ساز عمودی، کمبود پهنه های با کاربری مختلط	کاربری اراضی
وجود سلسله مراتب نادرست معابر شهری، حجم بالای ترافیک در کلیه معابر شهری، تفکیک نامناسب معابر سواره و پیاده	حرکت و دسترسی
فقدان تعامل درست بنای بلندمرتبه با بستر موجود در همکف، عدم توجه به الگوهای معماری و شهرسازی ایرانی	فرم کالبدی
آلودگی های بصری و زیست محیطی، فقدان انسجام کالبدی در جداره شهری، فقدان توجه به طراحی دورنمای شهری، فقدان توجه کافی به طبیعت بکر و مناظر طبیعی داخل شهر	منظر شهری
سرانه های پایین فضای سبز، پراکنش نادرست فضای سبز، امنیت اجتماعی فضاهای باز، کمبود فضاهای باز شهری، وجود فضاهای باز رها شده	فضاهای همگانی



شکل ۲-۴۸- ارائه مدلی از طراحی شهری عمودی توسط کین یینگ (Yeang, ۲۰۰۷، ۴۲۲) شهرهای عمودی در دهه های اخیر طرفداران بسیاری پیدا کرده اند که از مهم ترین دلایل آن تجمع نیروهای متخصص، کاهش مصرف انرژی و صرفه جویی در زمان به ویژه در حمل و نقل است.

4-3-2- منظر شهری

چنانچه پیش از این اشاره شد در شهرهای اسلامی با شبکه ای پیچیده از معابر روبرویم و نمای بیرونی خانه ها عموماً شکل فضای داخلی یا اهمیت آنها را نشان نمی دهد، چرا که نمایش نمای ساختمانی مشابه آنچه امروز دیده می شود، امری بیگانه با فرهنگ اسلامی بوده است. پنجره های مشرف به معبر نیز به صورت مشبک در آمده اند تا افراد داخلی بتوانند بدون آنکه دیده شوند، قسمت بیرونی را ببینند، همچنین خیابانها و کوچه های امتداد یافته تا جلو در ورودی خانه ها، هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله بدست نمی دهد. در مکتب شیعی پیرامون تصاویر موجود در منظر شهر تلاش می شود با ظاهری ساده از به رخ کشیدن خودداری شده و برای افراد تا جایی که امکان دارد آرامش و امنیت روانی ایجاد شود. مانند بسیاری از مسائل شهری، در بعد منظر نیز، پایه عملکردی بر

احترام به افراد و ایجاد شرایط یکسان زندگی برای آنان با هر شرایط و وضعیت مالی است. برای نمونه در ساماندهی منظر، اماکن عمومی و مهم شهر در عین سادگی خاص و متفاوت از سایر ابنیه بودند و در واقع بناهای عمومی و مهم در جایگاه نقش و سایر ابنیه در جایگاه زمینه قرار داشتند. بنابراین سایر ابنیه ساده و یکدست بوده و خودنمایی نمی کردند. این موضوع در سیلوئت شهر نیز خود را نشان می دهد. دورنما (سیلوئت) شهر منظر خط آسمان در متن افق است و با استفاده از آن، تجمع های و تاکیداتی که بر عناصر خاص وجود دارد، اغتشاش، نظم و یا جهت دهی مناظر بررسی می شود. در شهر اسلامی می توان عناصر شاخص شهر که معرف چارچوب های اعتقادی و فرهنگی امت اسلامی و تفکر آن هستند را در سیلوئت شهر رویت کرد. این عناصر در شهرهای کهن نه در تضاد با زمینه و جدای از آن که پیوسته با آن بوده و وحدتی چشمگیر را باعث می شود.

در پی توجه به یکپارچگی منظر، سادگی عمومی ابنیه و خودداری از بزرگنمایی بی مورد ساختمان (یا هر نوع ساخت) مواردی وجود دارد که حضرت امیر(ع) به تخریب برخی ابنیه و ساخت های جلوه گر می پردازد. از جمله می توان به دستور پیامبر خطاب به حضرت امیر برای تخریب قبور(ی) که بیش از حالت عادی تزئینات داشته یا از سطح زمین بالاتر بودند) و از میان بردن تصاویر اشاره کرد؛ همچنین، از این روایت دانسته می شود که آنچه رسول خدا(ص) اراده فرموده، از میان بردن تصاویری نبوده که در خانه های مردم جای داشته است، که اگر چنین بود که صحابیانش را به از میان بردن آن تصاویر فرمان می داد. لیک رسول خدا (ص) از علی(ع) خواست تصاویری را از میان ببرد که تعرض بدان ها ممکن بود خشم برخی مردم را برانگیزد و این تصاویر همان هایی بودند که در میدان ها و راه ها نصب شده بودند؛ همانگونه که امروزه آنها را در روستاها و شهرهای مردمان غیر مسلمان می بینیم. اگر در ارزش نتیجه گیری از این روایت مناقشه شود، نفی قوت این احتمال که مراد روایت همین باشد، سخنی گزاف است. از این نتیجه گیری دانسته می شود که رهایی از مجسمه برخی افراد سرشناس که آنها را در برخی بوستانها یا برخی میدانهای عمومی شاهد هستیم، امری پسندیده و قابل قبول است. نیز این نتیجه گیری تاکید می ورزد که اسلام بر آن است تا ما را از فضایی دور سازد که در آن به زود باوران و ساده دلان چنین القا می شود که شخصیتها را غیر مسئولانه تقدیس نمایند؛ تا ما قربانی پندارهایی نگردیم که به بت پرستی نزدیکمان می سازد. اما تقدیسی که تابع معیارهای دینی توجیهات درست باشد، همانی که آدمی را با نگاه صحیح و روشن به پروردگارش پیوند می دهد و پیوندش را با او استوار می سازد، به تصاویر و مجسمه ها نیازی ندارد. (العاملی، ۱۳۹۰)

حضرت معتقد به تاثیرگذاری اخلاقی هریک از سازه ها و منظر آنها در فضای همگانی هستند. در میدان شاه صفویان، شروع ساخت ترکیب معنادر دارالعماره و بازار دیده می شود. تشکیل عرصه ای با نمونه های مشابه غربی، در جهت حاکمیت علمی که قسمت بالایی مصلاهی تهران با همین الگو در حال شکل گیری است، روند مشابهی در ساماندهی جلوه های بصری و منظر شهری در طول زمان است. سوالی که در این مقطع ایجاد می

شود این است که اگر میدانی مردمی، چون میدان صفوی را تلاشگر در راه ایجاد فضایی با اصول شهر علوی بدانیم، و اگر امیر المومنین (ع) فرصت می یافتند و نیاز زمان ایشان اقتضا می کرد، چنین میدانی می ساختند؟!

الف- نماد و نگرش نمادین دین به هستی

«نگرش نمادین دین به هستی و پدیده های آن از گذشته های بسیار دور و در فرهنگ ها و جهان بینی های کهن مطرح بوده است. به ویژه در نگرش های دینی که اساساً هستی را بسیار گسترده تر از جهان ماده و محسوس می دانستند. سرچشمه آن را در ماورای ماده و در پس این طبیعت می جستند. نماد بیان محتوا در یک زبان ویژه، فراتر از این کاربردی و روزمره است. به همین جهت از هر دو بعد (محتوا و شکل یا صورت منفی) می توان انواع آن را مورد بررسی قرار داد.» (نقره کار، ۱۳۹۲)

• مفهوم سیر از ظاهر به باطن در معماری

«دو مفهوم ظاهر و باطن، از مفاهیم بنیادی در حکمت اسلامی می باشند. ما در بحث نمادپردازی روشن ساختیم که در رده بندی مراتب وجود چگونه ظاهر، نشانه و نماد باطن می شود. در ترجمان معماری، ساماندهی اجزا، همواره با رویکرد سیر کردن از ظاهر پدیده ها و یادآور شدن باطن آن ها همراه می باشد. برای دسته بندی انواع حرکت ظاهری انسان و شناخت امکانات لازم برای سیر و حرکت باطنی و معنوی او و انواع آن دو حالت حرکت و سکون را می توان زمینه ساز مناسبی برای دو حرکت باطنی یعنی سیر در آفاق و انفس قرار داد. چهار حالت زیر را نسبت به وضعیت انسان در فضای معماری می توان برشمرد:

-انسان در حال حرکت، نقطه دید متحرک مانند حرکت در یک بازار یا کوچه

-انسان در حال سکون، نقطه دید متحرک مانند قرار گرفتن در یک فضای پرجاذبه و پراآرایه

-انسان در حال حرکت، نقطه ی دید ساکن مانند حرکت در یک محور یک بنا

-انسان در حال سکون، نقطه دید ساکن مانند انسان در حال نماز و نیایش

-انسان در فضایی که جاذبه حرکت ایجاد نمی کند.

این مراتب چهارگانه، به ترتیب زمینه سازی از آفاقی ترین حالت حرکت تا انفسی ترین حالت سکون ظاهری تنظیم شده است و هرچه به مراتب پایین تر نزدیک می شویم، امکان حرکت ظاهری کمتر و امکان حرکت عمقی و باطنی بیشتری فراهم است.» (نقره کار، ۱۳۹۲)

ب- زیبایی شناختی در آثار اسلامی

زیبایی در ابعاد مختلف (زیبایی در ذات، زیبایی در تفکر، زیبایی در عمل، زیبایی در بیان و ظاهر و ...) همواره مورد توجه دین اسلام بوده است:

- پیامبر (ص) می فرماید «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.»^{۲۶}
- امام علی (ع): «خودت را به کارهای زیبا عادت بده که اگر به آنها عادت کنی، برایت لذت بخش می شوند.»^{۲۷}
- امام صادق (ع): «امام صادق علیه السلام: خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و از فقر و تظاهر به فقر بیزار است. هرگاه خداوند به بنده ای نعمتی بدهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند.» عرض شد: چگونه؟ فرمودند: «لباس تمیز بپوشد، خود را خوشبو کند، خانه اش را گچکاری کند، جلوی در حیاط خود را جارو کند، حتی روشن کردن چراغ قبل از غروب خورشید فقر را می برد و روزی را زیاد می کند.»^{۲۸}

زیبایی شناختی (استتیک) در اصل واژه ای یونانی و به معنای "ادراک" است. «علم زیباشناختی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روش های احساس در محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد.» (گروتز، ۱۳۷۵) در طول تاریخ نظرات مختلف و متفاوتی پیرامون زیباشناختی و میزان اهمیت و تاثیر آن بر افراد از سوی اندیشمندان مختلف مطرح شده است. چنانچه «از قرن هجدهم مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شد و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد. الکساندر گوتلیب باومگارتنر از مفهوم زیبایی شناسی با عنوان مفهومی به موازات علم الاخلاق و منطق استفاده نمود. نقشی را که عقل در علم الاخلاق داشت، سلیقه در زیباشناختی به دست آورد. سلیقه بار دیگر در علم زیبایی شناسی راه یافتند. به این ترتیب در قرن بیستم به صورت فلسفه و دانش تمامی نمودهای زیبایی شد.» (گروتز، ۱۳۷۵) انواع مکاتب در نگاهی کلی و طبقه بندی شده - از بعد شناخت شناسی - را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

۲۶- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، سَخِيٌّ يُحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ؛» (نهج الفصاحه ص ۲۹۳، ح ۶۹۰)

۲۷- «عَوَّذَ نَفْسَكَ الْجَمِيلَ فَبِأَعْيَادِكَ إِيَّاهُ يَعُوذُ لَذِيذًا؛» (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج ۲۰، ص ۲۶۶، ح ۹۲)

۲۸- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيَّ أَثَرَهَا قِيلَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنْظَفُ ثَوْبُهُ وَ يُطَيَّبُ رِيحُهُ وَ يُجَصِّصُ دَارُهُ وَ يَكْتَسُ أَفْنِيَّتَهُ حَتَّىٰ إِنَّ السَّرَاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.» (وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۷) {شبيهه این حدیث در ارشاد القلوب دیلمی ص ۱۹۵}

جدول شماره ۲-۱۷-انواع مکاتب شناخت شناسی (نقره کار، ۱۳۹۲)

مکاتب از بعد شناخت شناسی		ابزار و شیوه های شناخت	حاصل معرفت شناسی مکتب شناخت	حاصل زیباشناسی مکتب شاخص	فیلسوفان	
شک گرایان	سوفسطائیان	بی اعتمادی به همه ابزارها و شیوه ها	عدم امکان شناخت حقیقت	بی معیاری در تشخیص زیبایی و زشتی	گرگیاس	
	شک گرایان				پیر هون	
نسبی گرایان	فردگرایان		حقیقت فردی	معیارهای فردی زیبایی و زشتی	پوتاگوراس	
	جمع گرایان	تاریخ گرایان	درک حقیقت تابع دوران تاریخی است.	تشخیص زیبایی و زشتی وابسته به شرایط تاریخی است.	هگل	
		جامعه گرایان	وابسته به شرایط طبقاتی و اجتماعی است.	درک تابع شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی افراد است.	تشخیص زیبایی و زشتی محدود به شرایط اقتصادی فرهنگی و اجتماعی	مارکس، گادامر، هرمنوتیک مدرن
	نژادگرایان		وابسته به نژاد است.	درک حقیقت و معرفت تابع نژاد است.	درک زیبایی و زشتی وابسته به نژاد است.	نیچه
نوع گرایان حصری	حس گرایان	حس گرایان بیرونی	محسوسات و علوم تجربی	زیبایی های محسوس (ظاهری)	پزیتویستها، کندباک	
		حس گرایان بیرونی و درونی	محسوسات و علوم تجربی و نفسانی و غریزی انسان	زیبایی های محسوس و درونی (غریزی)	لاک، هیوم محالات	
	عقل گرایان دکارتی	عقل	علوم عقلی	زیبایی های اولیه عقلی (مفهومی)	دکارت، کانت	
متفکران نوع گرای اسلامی	مشائین		حواس + عقل حس و استنتاج عقلی	علوم بدیهی و نظری حسی تجربی و عقلی	زیبایی های محسوس و معقول	ابوعلی سینا
	اشراقیون		شهود قلبی (از طریق تزکیه درون)	معرفت حضوری به واقعیات روحی و ملکوتی	درک واقعیت زیبایی های باطنی و ملکوتی	سهروردی، ابن عربی
حکمت متعالیه		علم حضوری اولیه+حواس+عقل +شهود+وحی و سنت معصومین	معرفت های علوم حصولی + معرفت های حضوری به همه مراتب وجود (تا مشاهده وجه رب) علوم حضوری	زیبایی های حسی، مفهومی و شهودی (تا مشاهده وجه رب)	ملاصدرا	

سه دوره هنر معماری در دوران اسلامی نیز به صورت زیر دسته بندی می شوند:

«دوره اول(دوره عقل گرایی و فقدان نظریه هنری):اندیشه های فلسفی حلقه بغداد و اخوان الصفا و اسماعیلیه، ابن سینا و فارابی و استمرار آن در آراء و اندیشه های خواجه نصیر طوسی و ابن رشد مشخص می شود.

دوره دوم(آغاز تفکر هنری در اسلام):با اندیشه های سهروردی و نفوذ اندیشه های عرفانی و اشراقی دینی

دوره سوم(اوج تفکر هنری در اسلام): با اندیشه های حکمای اشراقی عصر مغول آغاز می شود و در صفویه به اوج خود می رسد. (نقره کار، ۱۳۹۲)

همچنین می توان مکاتب زیبایی شناسی را بر اساس نظریه های ارائه شده به ترتیب زیر تقسیم بندی نمود:

جدول شماره ۲-۱۸-تقسیم بندی مکاتب زیبایی شناسی(نقره کار، ۱۳۹۲)

عنوان نظریه	تبیین	اصالت	قوه درک	علم بررسی کننده	مکتب نمونه
زیبایی شناسی پسینی	توصیفی	چون ما آن را می خواهیم پس زیبا و خوب است	اصالت زیبایی	غریزه	روان شناسی پست مدرن
زیبایی شناسی پیشینی	ایجابی	چون زیبا و خوب است، پس باید آن را بخواهیم	اصالت حقیقت	سلیقه	فلسفه مدرن
زیبایی شناسی اشمالی	توصیفی ایجابی	آنچه می خواهیم زیبایی اولیه است و آنچه باید بخواهیم زیبایی ثانویه است	وحدت حقیقت وزیبایی	کنترل غریزه و رشد سلیقه	حکمت متعالیه اسلام

در اسلام و از سوی بزرگان دین اسلام زیبایی همواره مورد تحسین بوده و به خصوص زیبایی در ظاهر افراد مورد توجه قرار می گرفته است. اما آنچه مهم است توجه به این نکته اساسی است که زیبایی نیز مانند بسیاری مفاهیم دیگر باید با معیارهای ارزشی اسلامی همخوانی داشته و اصطلاحاً از فیلتر ارزشهای اسلامی گذر کند. توجه به زیبایی در درجه اول از آن جهت که تاثیر مستقیم بر ادراک و عواطف بشری داشته و ابزاری مهم در جهت دهی آنهاست مورد توجه ویژه قرار دارد. حکمای اسلامی، مکاتب مختلف زیبایی شناسی را به این ترتیب ارزیابی کرده اند:

جدول شماره ۲-۱۹- انواع زیبایی از منظر مکاتب مختلف و ارزیابی آن‌ها از دیدگاه حکمای اسلامی (نقره کار، ۱۳۹۲)

دیدگاه‌ها	مکتب مربوطه	نقد و ارزیابی
۱ مفهوم زیبایی قابل تعریف نیست.	شکاکان و ... سکولارها و ...	ارتباط زیبایی شناسانه انسان‌ها و تعامل فکری و عملی هنرمند، اثر هنری و مخاطب را به کلی تعطیل می‌نماید.
۲ قابل تعریف فطری و نوعی نیست. نسبی و متفاوت و متغیر است.	نسبی‌گرایان و ... کثرت‌گرایان و ...	فقط وجه اعتباری و عارضی انسان‌ها را که متغیر و تربیت پذیر است لحاظ می‌کند و لذا با نادیده گرفتن وجه ثابت انسان‌ها (فطرت)، تعامل فکری و عملی انسان‌ها را محدود می‌نماید.
۳ فقط با برخی از مصادیق و عناصرمادی آن تعریف می‌شود.	حس‌گرایان و صورت‌پرستان	مفهوم زیبایی را مقید و محدود و جزئی و تقلیدی و تکراری می‌نماید. نفس حیوانی انسان را مطلق می‌نماید.
۴ با برخی از صفات حسن توصیف می‌شود.	عقل‌گرایان دکارتی ذهن‌گرایان	یا در برخی از صفات حسن محدود می‌شود و یا در صورت‌های وهمی و مجرد مانده و بروز و ظهور عینی و مادی نمی‌یابد.
۵ فقط با عوامل برتر وجود تبیین می‌شود (عالم ملکوت)	عرفان شرقی درویش مسلکی	زیبایی هستی را فقط در یک لایه تبیین نموده ضمن نفی لایه‌های زیرین، حرکت طبیعی و فطری از کثرت به وحدت را قطع می‌نماید.
۶ مفهوم زیبایی را مترادف کل وجود و به نسبت نور و قوت آن می‌دانند و در ذیل صفات حسن.	دیدگاه ناب اسلامی	ضمن نداشتن کلیه اشکالات فوق مجموعاً همه مراتب زیبایی را در بعد صفات و انواع و به صورت فطری همه انسان‌ها تبیین می‌نمایند.

نقره کار لایه‌های زیبایی شناسی انسانی را بر اساس حدیثی از حضرت امیر(ع) به ترتیب زیر دسته بندی می‌کند:

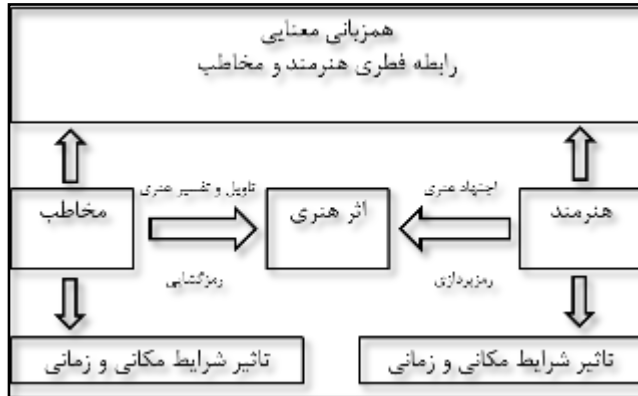
جدول شماره ۲-۲۰- لایه‌های زیبایی شناسی انسانی (بر اساس حدیث حضرت امیر) (نقره کار، ۱۳۹۲)

احساس زیبایی و لذت نفوس انسان	نوع ادراک زیبایی و لذت ناشی از آن
۱. نفس گیاهی	ادراک حیات فیزیکی و مکانیکی و زیستی (لذت حیات و رشد)
۲. نفس حیوانی	ادراک از طریق حواس پنج‌گانه و لذت‌های غریزی
۳. نفس عاقله	ادراک از طریق تفکر و تعقل و لذت از فهم و درک حقایق هستی
۴. نفس روحانی	ادراک از طریق جان و روح و - لذت ناشی از تکامل وجود

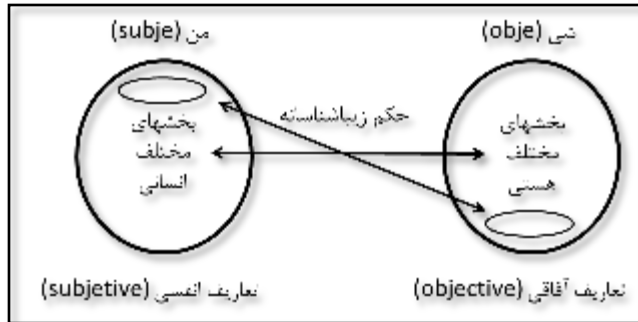
و از طرفی هنر را در دو دسته هنر آزاد و هنر آرمانی و معبودگرا دسته بندی می‌کند. تعریف این دو هنر بر اساس دسته بندی وی به شرح زیر است:

هنر آزاد: جزئی نگر، بی آرمان، دارای اهداف آزاد و پستی، کاملاً شکلپذیر و تابع شرایط، بی بند و بار (همان)

هنر آرمانی و معبودگرا: کل گرا، آرمان گرا، دارای اهداف مشخص پیشینی و پسینی، هماهنگ با هستی در جهت بستر سازی کمال انسان ها(همان)



شکل ۲-۴۹-چگونگی ارتباط میان هنرمند، اثر هنری و مخاطب از منظر اسلامی (نقره کار، ۱۳۹۲)



شکل ۲-۵۰-تقسیم بندی تعاریف زیبایی(مکاتب غربی) (نقره کار، ۱۳۹۲)

علت فاعلی:	زشت گرایی	↔	زیباگرایی
علت مادی:	مردم گرا	↔	نخبه گرا
	طبیعت گرا	↔	ماشین گرا
	گذشته گرا	↔	آینده گرا
علت صوری:	ظرافت	↔	عظمت
	تقارن	↔	آزاد
	ساده	↔	پیچیده
علت غایی:	عملکرد گرا	↔	فرم گرا

جدول ۲-۲۱-دوگانه گرایی در زیبایی شناسی معاصر(نقره کار، ۱۳۹۲)

ج-نور و رنگ

«حکمتی که سهروردی در جهان اسلام بنیاد نهاد مبتنی بر نور بود و سرانجام حکمت نوری او در آرای نجم الدین کبری و علاالدوله سمنانی و نجم رازی به نگرش ویژه ای درمورد پدیده نور و تالیف آن با رنگ انجامید. رنگ های بصری شده نجم الدین رازی شامل ۷ مرتبه اند که هر کدام به یک حالت روحی مرتبط اند. ۶ مرتبه اول که عبارتند از: نورهای سفید، زرد، بنفش، سبز، آبی و سرخ نماینده انوار صفت جمالند. حال آنکه مرتبه هفتم که نور سیاه مظهر آن

است مربوط به صفت جلال خداوند است. این نور که همچنین شب روشن هم خوانده می شود ذات احدیت است که به دلیل نامتمايز بودن بصری عدم تعین آن، با شب تشبیه پذیر است. زیرا همانطور که نمی توان در شب چیزی را، هر چه باشد، تشخیص داد، همانطور در این مرتبه ذات هم که مرتبه افنای پدیده هاست، درک و دریافت آگاهی وجود ندارد. لازم به ذکر است سفیدی در نور وجود تمام رنگ هاست. اما در ماده، رنگ سفید، نبود رنگ است. رنگ سیاه در ماده از ترکیب گونه های رنگ حاصل می شود در صورتی که در نور سیاهی نبود رنگ است. در واقع نور سیاه که نماد نبود رنگ است به معنی ذات مصون از تجلی است... اما رنگ سفید نماد ذات در مقام تجلی است؛ وجودی که خود را متجلی کرده است. رنگ محصول تجزیه نور است و اگر نور را در حالت تجزیه نشده اش نماد وجود مطلق (وحدت) بدانیم؛ رنگ نیز می تواند نماد تعینات وجود مطلق (کثرت) باشد. در بیان نقاشان ایرانی رنگ همان نور است و هنرمند می کوشد به وسیله رنگ ها و آشنا شدن با عوالم نورانی با عالم ملکوت پیوند پیدا کند. معمار ایرانی نیز همین جهان نورانی را در آرایش مساجد دوره صفوی و در رنگ های شاداب و روشن کاشی های لعابی، که همچون کانی های بلورین اند به جلوه گذاشته است» (زمانی گندمانی، ۱۳۹۳)

5-5-3-2- ویژگی های معماری ایرانی - اسلامی

صاحب نظران چهار رویکرد به معماری سنتی اسلامی ایران دارند:

(۱) «کالبدپردازی در معماری سنتی ایران

(۲) محتوی و معناپردازی در معماری سنتی ایران

(۳) هم ترازوی محتوی و معنی در معماری سنتی ایران

(۴) برتری محتوی بر معنی در معماری سنتی ایران» (نقره کار، ۱۳۹۲)

جدول ۲-۲۲- ویژگی های معماری ایرانی اسلامی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف (نقره کار، ۱۳۹۲)

ویژگی های معماری ایرانی - اسلامی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف	
<p>- هرگز نباید به دنبال اصل ها و ویژگی های مشخصه معماری ایران رفت.</p> <p>- معماری معنای ثابت و مشخصی ندارد نمی توانیم از فرم بگذریم و به معنا بپردازیم.</p> <p>- احساسات زیباشناسی ملل ناشی از یک همدلی درونی آنهاست که غیرقابل بیان است و هرگز به ضابطه در نمی آید.</p>	<p>علی اکبر صارمی (کالبدپرداز)</p>

<p>- آثار معماری، مجسمه های بزرگ کره زمین اند.</p> <p>- معماری تا اول قرن چهاردهم شمسی، بیشتر چگونگی ترکیب عناصر موجود بود تا دست کاری آن ها.</p> <p>- در معماری گذشته، محتوای گوناگون در فرم های ثابتی متجلی شده اند.</p> <p>- فرم پوشش ها مهم ترین فرم شکل دهنده به معماری اسلامی است.</p>										
<p>وحدت / کثرت، نظم / بی نظمی، ساده / پیچیده، درون / بیرون، یکنواختی / تنوع، ساختارگرا / فرمالیسم</p>	<p>افشار نادری</p>									
<p>- هنر و معماری ایرانی مفهومی است اما هنر بسیاری از جوامع هم چون ژاپن مفهومی نیست.</p> <p>- در یک فرهنگ عمومی مهم ترین کار، میزان خلاقیت هنرمندان در وامگرفتن از مفاهیم است.</p> <p>- هریک از عناصر معماری ایرانی را می توان در سهم رتبه فرم، الگو و مفهوم مورد بررسی قرار داد.</p>	<p>میرمیران (محتوا و معناپرداز)</p>									
<table border="1"> <tr> <td data-bbox="180 793 919 873">فرم حیاط مرکزی با شکل خاص مربع یا مستطیل آن</td> <td data-bbox="919 793 1013 873">فرم</td> <td data-bbox="1013 793 1183 873"></td> </tr> <tr> <td data-bbox="180 873 919 953">الگوی قرارگیری یک فضای خالی در وسط و جهت گیری فضاها نسبت به آن</td> <td data-bbox="919 873 1013 953">الگو</td> <td data-bbox="1013 873 1183 953">به عنوان مثال حیاط مرکزی</td> </tr> <tr> <td data-bbox="180 953 919 1024">مفهوم مرکزگرایی</td> <td data-bbox="919 953 1013 1024">مفهوم</td> <td data-bbox="1013 953 1183 1024"></td> </tr> </table>	فرم حیاط مرکزی با شکل خاص مربع یا مستطیل آن	فرم		الگوی قرارگیری یک فضای خالی در وسط و جهت گیری فضاها نسبت به آن	الگو	به عنوان مثال حیاط مرکزی	مفهوم مرکزگرایی	مفهوم		
فرم حیاط مرکزی با شکل خاص مربع یا مستطیل آن	فرم									
الگوی قرارگیری یک فضای خالی در وسط و جهت گیری فضاها نسبت به آن	الگو	به عنوان مثال حیاط مرکزی								
مفهوم مرکزگرایی	مفهوم									
<p>- شاخص ترین ویژگی های مفهومی معماری ایران عبارت اند از : ۱- شفافیت ۲- تواضع (حضور مطمئن افاقی) ۳- شاد بودن بر پایه دیدگاه و جهان بینی مثبت ایرانی</p>										
<p>کعبه نخستین منبع الهام هنر اسلامی است، شکل و نوع پوشش و از همه بهتر حدیثی که خانه کعبه در نقطه ای از محور وجود احاطه کرده است که نهایتاً به عرش الهی می رسد، بنیاد و حیات و روحانیت هنر اسلامی را پدید می آورد.</p>	<p>بورکهارت) محتوا و معناپرداز)</p>									
<p>اهداف پژوهش: شناسایی عناصر «گونه نمای» (تیپیک) معماری اسلامی</p> <p><u>دسته بندی ساختمان ها در دو مقوله شهری و غیر شهری</u></p> <p>ویژگی های بنیادی معماری اسلامی: ۱- معماری پنهان و فضای پنهان ۲- وابسته نبودن شکل و کارکرد به یکدیگر ۳- نفی جهت و کانون در معماری اسلامی ۴- کارکرد آرایه ها و تزئینات در معماری اسلامی</p>	<p>گروه (کالبدپرداز)</p>									
<p><u>خاستگاه های نظری:</u></p> <p>۱- دین اسلام، ۲- زیبایی شناسی ناشی از ۳- عدم پذیرش میراث کلاسیک، ۴- عدم پذیرش مبانی صوفیانه اسلامی) مراتب، تناسب و هندسه: (الف- سلسله مراتب کالبدی، ب- سلسله مراتب فضایی، ج - کارکردگرایی د- کاربرد تناسب)</p>	<p>هیلن براند (کالبد پرداز)</p>									

<p style="text-align: center;"><u>نمادگرایی در معماری اسلامی:</u></p> <p>-نمادگرایی در معماری اسلامی قابل قیاس با نمادگرایی دینی مسیحیت سده های میانه نیست.</p> <p>-نمادگرایی در معماری اسلامی پیچیدگی بیشتری دارد.</p> <p>-معماری اسلامی بر هیچ ارتباطی بین نوع خاص از نقشه یا نما تاکید نمی کند و معنایی نمادگرایانه و عمیق تر داشته است.</p> <p style="text-align: center;"><u>کارکردگرایی:</u></p> <p>-میان فرم و عملکرد ساختمان رابطه ای مستقیم وجود ندارد.</p> <p>-هدف از خلق فرم های جدید بهسازی فرم های موجود یا افزایش تزیینات می باشد.</p> <p>-فرم ها الزاما هویت ساختمان را مشخص نمی کنند و برای شناخت اسلامی بودن کافی نیستند.</p> <p style="text-align: center;"><u>تزیینات در معماری اسلامی:</u></p> <p>۱-تزیینات آن از تندیس های تجسمی و جزییات پردازی های کلاسیک پرهیز دارد.</p> <p>۲-مضامین انتزاعی هندسی را به اوج رسانده و کتیبه هایی با سبک های بسیار متفاوت اجرا کردند.</p>	
--	--

«نتایجی که در باب کاربرد هندسه و تناسبات هندسه در معماری باید بدان ها توجه کرد به این قرار است:

۱) هدف غایی و حقیقت هنر و نیز معماری، پدید آوردن زمینه مناسب برای رشد و به ظهور رساندن عالی ترین استعدادهای عقلی و روحی انسان است تا بتواند مسیر رشد و تکامل معنوی و سیر الی ... را بیاماید. پس باید بتوان از هندسه و تناسبات برای هموار کردن این مسیر به بهترین گونه بهره گیری کرد.

۲) یکی از معیارهای انتخاب هندسه و تناسبات در معماری را می توان کاربرد و سود آن برای انسان دانست، بررسی و تحلیل آن ها از جنبه های ریاضی و علمی در حوزه معماری نمی گنجد.

۳) در روند تکامل معنوی، همه پدیده ها در برابر نیت و اراده انسان، حکم وسیله و زمینه را دارند؛ بنابراین معماری و عوامل آن از جمله هندسه، تنها در حد آماده ساختن زمینه مناسب برای این روند می توانند سودمند شمرده شوند. این رویکرد، هنر برای هنر را نفی کرده و بر رویکرد هنر در خدمت تعالی انسان تاکید دارد.

۴) از دیدگاه اسلام، هر آنچه در عالم طبیعت تجلی می یابد، یک واقعیت آیه ای و اعتباری دارد، در عین حال، متعلق به کثرت و تنوع می باشد و مجموع شرایط زمان و مکان در تحقق آن دخالت دارند. همچنین انسان ها نیز از بعد معنوی و جوهری در درجات متفاوتی از مراتب وجود محقق شده اند؛ بنابراین شیوه های معماری برای همه آن ها در عین داشتن تنوع صوری و شکلی، در یک راستا و اصول مفهومی و معنوی می توانند قرارگیرند.

۵) طبیعت و آفرینش، دستاورد برترین معمار و احسن الخالقین است. پس الهام از ساختار فضایی و هندسی طبیعت و ابعاد آیه ای و تمثیلی آن برای هنرمندان و معماران، بهترین سرچشمه فیاض و الهام بخش است.

۶) هندسه فضای مصنوع در عین حال باید مکمل هندسه طبیعت باشد. در قرآن مجید خداوند، فضای مصنوع زیست انسان را با تاکید ویژه بر ویژگی آرامش و سکون توصیف نموده است. پس هندسه در فضای مصنوع باید نسبت به فضای زیست طبیعی که روان و پرتحرک و سیر در آفاقی است، ساکن و آرامش بخش و سیر در انفسی باشد. (نقره کار، ۱۳۹۲)

فصل سوم – روش‌شناسی تحقیق

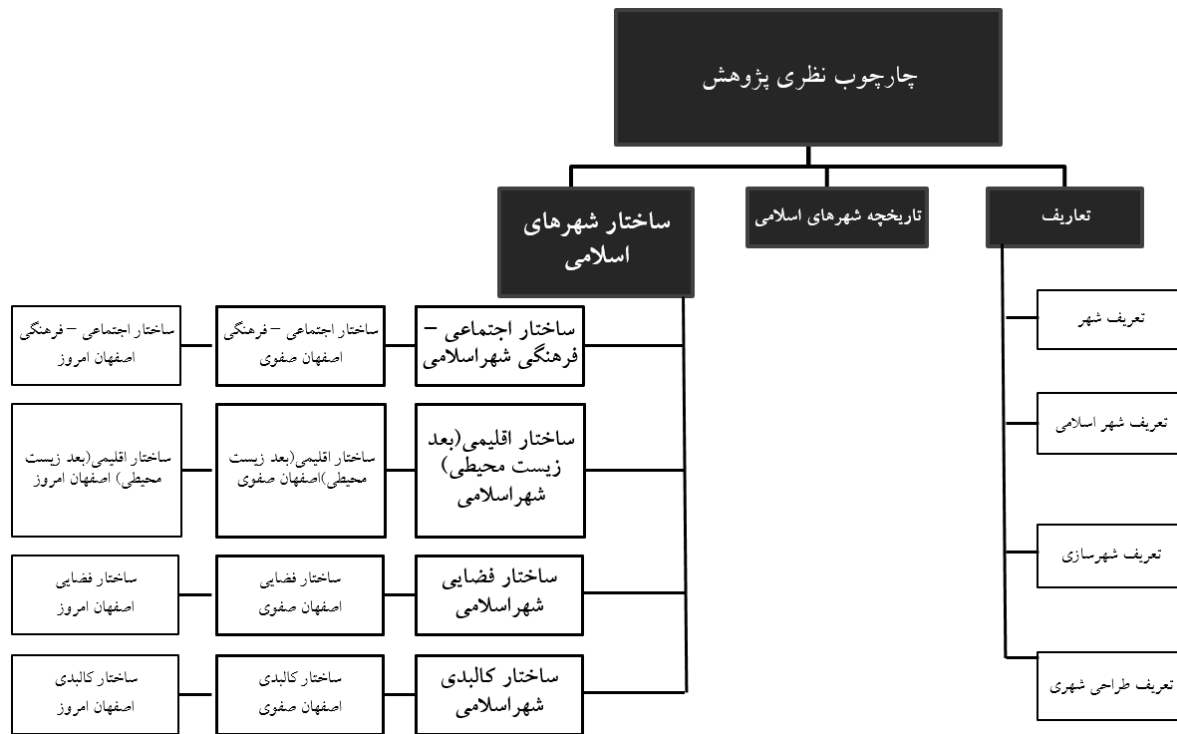
«روش تحقیق در حوزه تاریخ هنر و معماری و شهرسازی و کارهای پژوهشی که بر پایه آنها انجام شده، از یک سو باید مبتنی بر اصول و معیارهای مکتبی (ایدئولوژیک) محقق و هنرمند باشد و کار پژوهش شیوه ای مقایسه ای و تطبیقی داشته باشد. از سوی دیگر محقق با توجه به دیدگاه اسلامی و تایید متقابل عقل و شرع، درباره مباحث استدلال و تحلیل کند. همچنین از آنجا که نزول ساحت و معنا و عالم معقول در کالبدها و صورت ها جز با نشانه ها و رمزها متمثل و متجلی نمی شود؛ ناچار استنباط ها از مصادیق و ارزش گذاری ها از کالبدها، اعتباری، نسبی و اجتهادی می شوند» (قنبری، ۱۳۹۲). به این ترتیب در این تحقیق به موارد زیر توجه شده است:

الف- مفاهیم مطرح شده به عنوان مفاهیم پایه اسلامی - مرتبط با شهرسازی و معماری- با این باور که اسلام دینی جامع است و ائمه (ع) نیز از ویژگی جامعیت صفات تعالی در مقام معصوم بهره مندند آورده شده است. بنابراین این تحقیق تلاشی برای بیرون کشیدن اصول شهرسازی از سخنان صرفاً مذهبی یا سیاسی نیست.

ب- «مکتب اسلام در مباحث هستی شناسی، استدلال های عقلانی، فلسفی و منطق را می پذیرد و در عین حال مخاطبین معتقد خود را به کلام الهی و بیان ائمه (ع) دعوت می کند و به آنها استناد می نماید؛ از این رو در ارائه و تحلیل مطالب از هر دو شیوه بهره گرفته شده است. (قنبری، ۱۳۹۲)

ج- تلاش شده حریم آیات و احادیث حفظ شود و معانی و تفاسیر آنها از کتب و افراد معتبر آورده شده است. همچنین از برداشت های فیلسوفان و تعبیر عرفا، تفکیک شده و نظرات اندیشمندان غیر دینی برای وضوح بحث نسبت به تعاریف امروزی شهرسازی و طراحی شهری آورده شده است.

د- مفاهیم استخراج شده از آموزه های دینی یا به عنوان مفاهیم پایه در چارچوب فکری مدیریت و برنامه ریزی و طراحی مورد استفاده اند (مانند قناعت؛ عدالت و ..) و بیشتر در ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر حضور دارند؛ و یا با شیوه رمزی و تمثیلی در کالبد متجلی می شوند (مانند سادگی، زیبایی و ..) و یا در هر دو حضور دارند.



شکل ۳-۱- نمودار مطالعاتی تحقیق

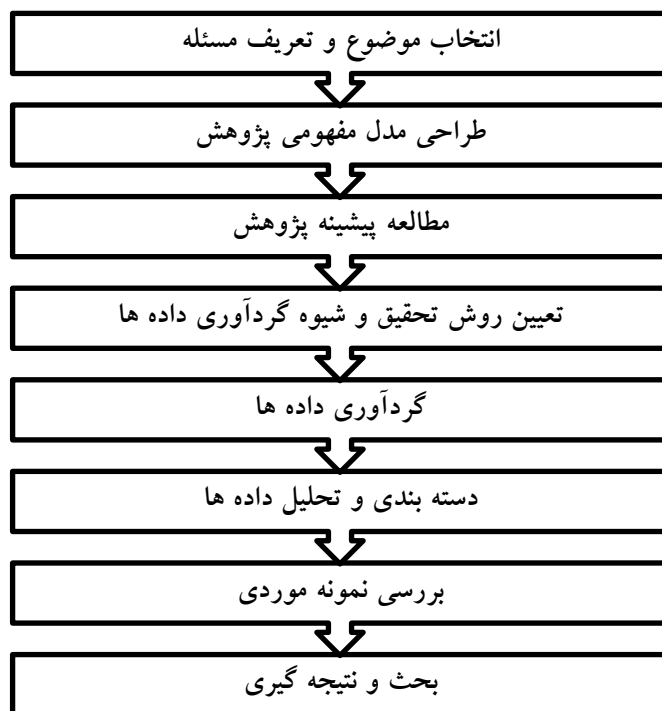
۳-۲- روش شناسی پژوهش

ساختار روش شناسی این پژوهش بر روش "مقایسه ای و تطبیقی" استوار است:

این تحقیق ثر ابتدا در بخش دوم به شیوه تطبیقی به استخراج اصول اسلامی مورد توجه و تاثیرگذار بر شهرسازی و طراحی شهری پرداخته و پس از آن در بخش چهارم -به روش مقایسه ای-به بررسی اصول استخراج شده ی بخش دوم در مورد نمونه موردی یعنی شهر اصفهان عصر صفوی می پردازد. «تحلیل تطبیقی به معنای توصیف و تبیین مشابهت ها و تفاوت های شرایط یا پیامدها در بین واحدهای اجتماعی بزرگ مقیاس مانند مناطق، ملت ها، جوامع و فرهنگ هاست . منطق پژوهش تطبیقی در درجه نخست بر این نکته تاکید دارد که اندیشه مکانیکی و ساده انگارانه به جهان اجتماعی با ماهیت واقعیت های این جهان سازگاری ندارد، زیرا الگوهای متفاوت توسعه و تحول موید الگوهای محتمل و تصادفی است تا الگوهای جبری و تعیین گرای تاریخی - اجتماعی. این منطق بر پیکربندی و درک روابط زنجیره ای و واکنشی در قالب رویکرد مسیر وابسته برای تحلیل های اجتماعی و تاریخی تاکید و این باور را دنبال می کند که آثار و پیامدهای بزرگ را همیشه نمی توان برحسب فرایندهای کوتاه مدت یا منحصر به فرد، متوازن و پیش بینی پذیر تبیین کرد، بلکه سیر تحول را باید زنجیره ای و احتمال گرایانه

بررسی کرد و از نگاه تفریدی و انقطاعی پرهیز داشت. «(غفاری، ۱۳۸۸) به این ترتیب ابتدا با استخراج چارچوب اولیه پژوهش و تحلیل آنها، به استخراج محورهای اصلی موجود در آنها اقدام شده و سپس با بررسی محورهای استخراج شده در نمونه موردی به شرح و بررسی آنها در مقطع زمانی مشخصی پرداخته شده است. همچنین پس از آن با نگاه به وضعیت امروز شهر نمونه، به نتیجه گیری نهایی از تاثیرات و بروز آموزه های اسلامی در شهر گذشته و امروز پرداخته و به ارائه پیشنهاداتی برای شهرسازی امروز رسیده است. در تمامی مراحل مسائل اجتماعی و روانشناختی مورد توجه و تاثرگذار است. ساروخانی معتقد است در مطالعات اجتماعی باید از چندین روش در راه شناخت درست پدیده ها استفاده کرد:

- ۱- از طرفی مطالعه در سطح صورت می گیرد، تا بعد تعمیمی یابد.
- ۲- از طرف دیگر موضوع در عمق و به صورت ژرفایی مطالعه میشود، تا ابعاد روانی و انگیزه ها به دست آیند.
- ۳- در سومین گام، مطالعه به صورت کامل و همه جانبه و فوق ژرفایی صورت می گیرد. (ساروخانی، ۱۳۸۸)



شکل ۳-۲- نمودار عملی پژوهش

۳-۳- نوع پژوهش

۳-۳-۱- روش گردآوری داده ها

این تحقیق بر پایه اطلاعات جمع آوری شده از آموزه های دین است. بنابراین روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای (و روش اسنادی) و از طریق مرور سوابق و پیشینه های موجود بوده و به روش نظری و استدلال و تحقیق عقلانی صورت گرفته است. از آنجا که مباحث پایه در حوزه تخصصی محقق نبوده است، تلاش شده تا آموزه ها

از منابع اصلی و مهمی چون قرآن و نهج البلاغه و شرح آنها آورده شود تا میزان خطا در انتقال آنها کاهش یابد. پس از جمع آوری اطلاعات و فیش برداری از منابع تاریخی و پژوهش های کتابخانه ای، و پس از نقد و دسته بندی آن ها به تجزیه و تحلیل بر اساس سوالات پژوهش و استنتاج عقلی پرداخته شده و در راستای آن، نگاهی به نیاز روز و به عبارتی روزآوری در علوم و حرف شهرسازی و طراحی شهری داشته است. پس از آن محورهای اصلی بحث استخراج شده و در هر محور پس از بررسی اصول دینی و شهری به ارائه تعریفی از شهر -در آن محور- پرداخته شده است.

در شرح "روش اسنادی" لازم به توضیح است که این روش در زمره روش ها یا سنجه های غیر مزاحم و غیر واکنشی به شمار می آید. به این دلیل که هنگام استفاده از دیگر روش ها نظیر مشاهده، مصاحبه و .. مشکل اساسی جمع آوری اطلاعات است و حال آنکه به هنگام کاربرد روش های اسنادی اطلاعات موجودند. استفاده از اسناد و مدارک زمانی صورت می گیرد که یا تحقیقی تاریخی در دست باشد و یا آنکه تحقیق مرتبط با پدیده های موجود بوده، ولی محقق در صدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آنکه پژوهش نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید. (ساروخانی، ۱۳۸۸)

۲-۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها

چنانچه به اختصار آمد، در این پژوهش پس از ارائه چندی از آموزه های پایه دینی-مرتبط با شهرسازی و طراحی شهری یا مورد استفاده در جامعه شناسی شهری-و به موازات آن با ارائه تعریف علمی موارد یاد شده (همچون تعریف جامعه شناسی، تعریف مشارکت، تعریف سلسله مراتب و..). به دسته بندی و تحلیل وضعیت بروز و ظهور آن اصول در متن شهر پرداخته شده است. در این راستا ابتدا در فصل اول متون پایه و شهرهای صدر اسلام به عنوان نمونه آورده شده است و بررسی مطالب در قالب چند ساختار (اجتماعی، کالبدی و..). دسته بندی و تفکیک شده است. پس از آن در فصل چهارم، پس از بررسی اصول شهرسازی صفوی به بررسی محورهای استخراج شده در فصل دوم (فصل پایه) در نمونه موردی صورت گرفته و به نوعی براساس نتیجه گیری های پیشین به این ساختارها در شهر نمونه امتیازدهی شده و به وضعیت معاصر آن نیز اشاره شده است.

این فصل در تلاش بود تا روش گردآوری اطلاعات و روش تجزیه تحلیل اطلاعات را در این پژوهش به اختصار توضیح دهد. روش تحقیق توصیفی-تحلیل بوده و در ذیل پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جهت جمع آوری اطلاعات از اسناد کتابخانه ای استفاده شده و در تحلیل اصول استخراج شده از آموزه های دینی از شرح منابع قوی بهره گرفته شده است. این تحقیق در نهایت شهر اسلامی را در چهار ساختار اجتماعی، زیست محیطی (به عنوان دو مورد از ساختارهای محتوایی) و ساختار فضایی ساختار کالبدی (به عنوان دو مورد از ساختارهای مصداقی) بررسی کرده و این تحلیل را در فصول بعدی پیرامون شهر نمونه در دو زمان (صفوی و معاصر) پی می گیرد. در این قیاس و بررسی ها از شیوه مقایسه ای و تطبیقی بهره گرفته شده است.

فصل چهارم – بررسی شاخصه های اسلامی شهر اصفهان

1-4- مقدمه

تشکیل حکومت صفوی نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می آید. با تشکیل این دولت از یک سو حکومتی متمرکز در ایران به وجود آمد و از سوی دیگر حکومتی شیعی زمام قدرت را به دست گرفت. سلسله ی صفوی نسب خود را به امامان می رسانند و بر اساس این ادعا از قدیم الایام در اردبیل مدعی ارشاد و صوفی گری بودند. این سلسله از مقطعی به مذهب اثنی عشری گرایش یافتند و در نهایت در دوران شاه اسماعیل اول بود که مذهب تشیع، مذهب رسمی کشور شد و در پیشرفت زمینه های تشیع در ایران تلاش کرد. «البته توجه خاندان صفوی به رسمی کردن مذهب تشیع از سویی به جنبه سیاسی و از سویی دیگر به جنبه اعتقادی آنان بر می گردد. پیروان آیین تشیع به اعتبار قدرت سلطنت و با برخورداری از حمایت قزلباش ها از موقعیت قابل توجهی برخوردار شدند. مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور دو اثر مهم را در برداشت از یک سو، باعث اتحاد ایرانیان می شد و از سوی دیگر آنان را از ملل همسایه خود که سنی مذهب بودند دور می کرد.» (اکبری، ۱۱۳) این حکومت با حرکت از مفهوم مراد و مرید، پیر و سالک و... نوعی ساماندهی فرقه ای- حزبی را بر مملکت می گستراند و بدین ترتیب متمرکزترین دولت ایرانی دوره اسلامی بعد از دولت قاهر ساسانی را پی می نهد. سازمان فرقه ای و تشکیلات منضبط ناشی از آن دولت صفوی را قادر می سازد تا بر همه ی شئون زندگی مردمان تسلط یابد.» (حبیبی، ۱۳۷۸) «دوران صفویه در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، دوره طلایی به حساب می آید. در این دوران علاوه بر ایجاد شهرهای جدید، شهرهای متعددی به ویژه شهرهایی که از جنبه مذهبی یا اقتصادی واجد اهمیت بودند، توسعه و گسترش یافتند.» (اکبری، ۱۴۰) اصفهان در انتهای عهد صفوی با جنگ و قحطی فاجعه باری رو به رو می شود که از سوی افغانه به آن تحمیل شده است. پس از آن با دو حکومت قاجار و پهلوی پایتخت به تهران منتقل شده و پیشرفت و شروع هرگونه تغییر بر تهران متمرکز می شود. بنابراین بعد از یک ضربه بر پیکره اصفهان، با خارج شدن از مرکز توجه از تغییر اساسی باز می ماند. اما به هر ترتیب- همچون سایر شهرهای ایران- با ورود موج مدرنیسم به کشور و علاقه شاهان به تغییرات جدید با تقلید بی چون و چرا از الگوهای غربی از این موج در امان نیست. طی گذشت ۳۰۰ سال از جنگ با افغانها و تغییر پایتخت، نه تنها ساختار و کالبد دستخوش تغییرات شده که سبک زندگی شهری و روستایی و در واقع ساختار اجتماعی- فرهنگی نیز تغییر کرده است.

2-4- شهر صفوی

در عهد صفوی عمده شهرهای ایران دارای محورهای ارگانیکی بوده اند که ارتباط بین فضاهای مهم شهری را شکل می دادند. «این محورهای عملکردی نظیر بازار، با قرار گرفتن در کنار فضاهایی هم چون مسجد، مدرسه، کاروان سرا، فضاهای عمومی شهری...، به عنوان شاخص ترین محور شهری مطرح بوده اند. شهرسازی عصر

صفویه، الگویی جدید را در طراحی محوره‌های شهری معرفی کرده که بر خلاف ساختار ارگانیک محوره‌های عملکردی، همچون محور اصلی باغ‌های ایرانی به صورت تقسیم طراحی شده است. (اکبری، ۱۴۰)

«ایجاد شهرهای نوین، توجه ویژه به محیط زیست و ایجاد فضای سبز و باغ به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم شهرسازی ایرانی به خصوص در این دوران، توسعه و گسترش یافته و ساختار شهری در دوران صفویه بر مبنای اصول زیر انجام گرفته است:

- در این دوره نوآوری‌هایی صورت گرفت به این ترتیب که قصور را بیشتر در باغ‌هایی که آن را احاطه می‌کردند می‌ساختند، و به طور منطقی بیشتر شکل مناطق بیلاقی را پیدا می‌کرد. شیوه ایجاد باغ شهرها در دوران صفویه به عنوان اساسی‌ترین الگوی شهرسازی مورد توجه شهرسازان قرار گرفت؛ چنانچه طراحی استادانه باغ شهرهای قزوین، اصفهان، اشرف را در این دوران می‌توان از نمونه‌های موفق شهرسازی با تکیه بر فضای سبز به شمار آورد.

- توجه به رون و جهت شهری؛ از جنبه‌های مهم شهرسازی ایران به ویژه در عصر صفویه، توجه به رون و جهت شهری در مناطق مختلف است. رون از لحاظ آب و هوا، طرز تابش خورشید و جهت وزش باد مطبوع و خوشایند یا گردباد و طوفان و به ویژه بادهای موسمی مسموم و مودی اهمیت زیادی در شهرسازی دارد. مثلا در شهرهای تبریز و یزد از رون راسته استفاده شده که جهت شمال شرقی - جنوب غربی دارد و تقریباً مواجه با قبله است.

- توسعه و ساخت شهرها بر اساس طرح جامع در دوره صفویه بنای شهرهای جدید و گسترش شهرهای قدیمی بر مبنای طرح جامعی که از قبل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود صورت می‌گرفت چنانکه بر اساس آماده سازی و ساماندهی شهر قزوین برای تخته‌نگاه شدن از سال ۹۵۱ هـ. ق آغاز گردید و بیش از یازده سال به طول انجامید. تا در زمان مناسب یعنی در سال ۹۶۲ هـ. ق کار انتقال پایتخت صورت پذیرفت. در این طرح جامع، موجبات گسترش شهر در جانب غرب، شمال و شرق فراهم گردید و با برنامه ریزی، بخش‌های تازه ساز شهر با ظرافتی خاص در کنار محله‌های قدیمی قرار گرفت و به دور از ایجاد آشفتگی، با آنها پیوند و ارتباطی مطلوب برقرار نمود.

- توسعه و گسترش شهرهای قدیمی با حفظ بافت‌های گذشته آن شهرها:

شهرها در دوران صفویه بر اساس طرح‌های قبلی و نقشه جامع بنا می‌شدند و یا گسترش پیدا می‌کردند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طرح‌های جامع توسعه شهری در دوران صفویه، عدم تخریب بافت‌های قدیمی شهرها و ساخت شهرهای جدید در کنار بافت قدیمی بود. در نتیجه بافت‌های قدیم و جدید به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کردند و از یک ارتباط هماهنگ و انسجام سازمان یافته و پایدار برخوردار بودند. به عنوان نمونه، توسعه

شهر قزوین در دوره صفویه شامل منطقه ی گسترده ای در قلب شهر و شمال شهر مسجد جامع بود که در واقع، خود یک شهر محسوب می شد...شهر جدید لطمه ای به بخش ها و محلات قدیمی وارد ننمود، بلکه باعث رونق و شکوفایی بافت های قدیمی شهر نیز گردید.

-ایجاد میدانی وسیع در مرکز شهرها، مشتمل بر مهم ترین فضاها و بناهای مورد نیاز شهری:

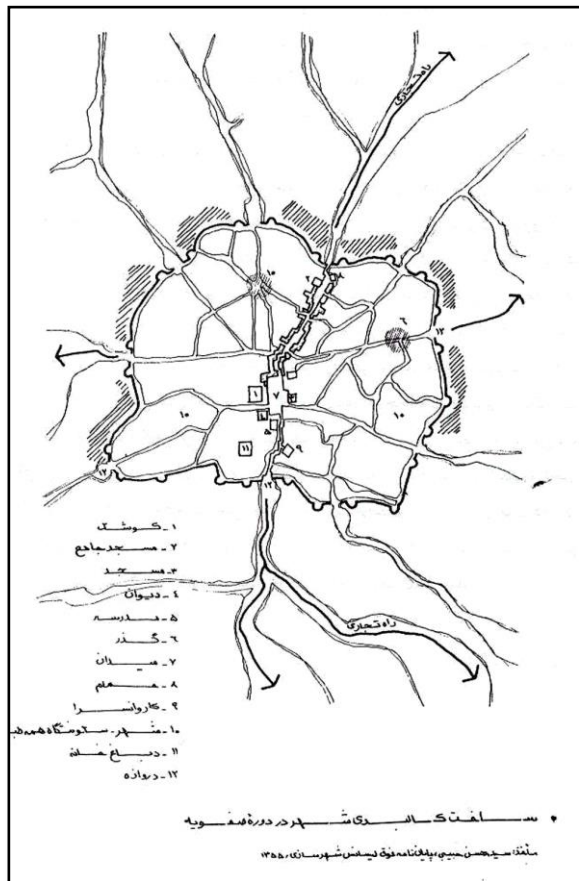
از جمله ویژگی های معماری و شهرسازی صفویه استفاده از مقیاس عظیم به ویژه در ساخت میدانی بزرگ بود؛ مفاهیم شهر و شهرسازی در دوران صفویه در حقیقت بازسازی و ابداع مجدد مفاهیمی است که در دوران حکومت های پیش از آن یعنی قره قویونلوها و آق قویونلوها و آل بویه و سامانیان شکل گرفته بود و دوباره در دوران صفویه زنده و احیا گردید. میدانی وسیع در میانه که در اطراف آن درگاه (عالی قاپو) مسجد و دهانه ی اصلی بازار و ضرابخانه ساخته شده است. میدانی که مهم ترین فضاها و بناهای مورد نیاز شهری را دربرداشت. از قبیل فضاهای مذهبی که نمود تام و کامل آن در مساجد، مخصوصا مساجد جامع ظهور و بروز کرد، فضاهای اقتصادی و تجاری که در بازارها، قیصریه ها و کاروانسراها متبلور می شود. و اماکن حکومتی که در کاخ ها و قصرها تجلی پیدا کرد.

-ساخت و توسعه ی مسیرها، راه ها و شبکه های ارتباطی مورد نیاز شهری:

در دوره صفویه با توجه به اهمیت یافتن بازرگانی، به ویژه تجارت خارجی و نیز توسعه ی ایرانگردی و رفت و آمد جهانگردان و خارجیان در کشور، راه ها و شبکه های ارتباطی گسترش زیادی می یابند. همچنین به منظور سرعت و حرکت بیشتر کاروان ها و حفظ آرامش در شهرها و راحتی و آسودگی خاطر شهروندان، ایجاد راه های کمربندی در ورودی و خروجی بسیاری از شهرها، به خصوص شهرهایی که در مسیر راه های عمده تجاری قرار دارند مورد توجه خاص قرار می گیرند.» (اکبری کلیشمی، ۱۳۹۰)

آنچه در این دوران بر مفاهیم قبلی شهرسازی اضافه می گردد مفهوم خیابان است که یا راه را به میدان اصلی می برد و یا اینکه به موازات آن کشیده می شود و این خیابان با توجه به شرایط اقلیمی در کناره های خود درختان بیشماری دارد که بنا به نوع قرارگیری در محیط بیرونی به عنوان "چهارباغ" در مورد قزوین و اصفهان و... نام می گیرد. شهر در دولت صفوی بیانگر امتزاج و آمیختگی سیاسی - عقیدتی مفاهیم دیوانی و مذهبی است، همانگونه که تبلور وحدت اجتماعی کار نیز می باشد این شهر علاوه بر "شهر-قدرت"، "شهر-نمایش" و "شهر - آرمان" نیز می باشد، در عین آنکه "شهر-بازار" و "شهر-سرمایه" است، "شهر - دیوان" نیز می باشد و با در نظر گرفتن همه ی این مفاهیم "شهر-منطقه" نمود پیدا کرد. جهانی بینی متکی بر مفاهیم عرفانی که با تشکیل دولت صفوی بستر مادی می یابد بر آن می شود تا در شهرسازی، آرمانشهر خویش را به وجود آورد. سلسله مراتب فضایی از بزرگترین مقیاس تا کوچک ترین مقیاس کالبدی به کار گرفته می شود و هر مقیاس بر آن است که بازتابی از

اصل وحدت بخش جهان باشد عالم صغیر چه در مقیاس شهر، چه محله، چه میدان، چه میدانچه و چه گذر پرتویی است از عالم کبیر، در عین بی نظمی ظاهری، نظمی باطنی را داراست انسان به عنوان مرکز ثقل عالم صغیر، در پی رسیدن به کمال مطلوب و عروج است. به همین خاطر در شهرسازی صفویه، مقیاس ها بر مبنای بزرگ گرفته می شود تا انسان خود را در برابر عالم کبیر احساس کند. شاید این موضوع در دوران شاه تهماسب اول تا حدی کمتر اتفاق نیفتاده باشد ولی در دوران شاه عباس این امر بدیهی تر است.» (اکبری کلیشمی، ۱۳۹۰) «شهرسازی عصر صفویه الگویی جدید را در طراحی محورهای شهری معرفی کرد که بر خلاف ساختار ارگانیک محورهای عملکردی، همچون محور اصلی باغ های ایرانی به صورت تقسیم بندی شده طراحی گردیده است. هرچند این محور در ابتدا یک محور تفرجی بوده ولی در دوره های بعد به عنوان یکی از شاخص ترین محورهای شهری به صورت چهار باغ های شهری مطرح می شود. مکان یابی هوشمندانه ی معماران و طراحان شهری عصر صفوی به گونه ای بوده که از یک سو این محورها، مانعی جهت توسعه ی شهر آینده نشوند و محیطی را جهت گسترش شهر داشته باشند در شهرهایی نظیر اصفهان، شیراز، قزوین و ... این موضوع رعایت گردید؛ و از سوی دیگر به صورت آگاهانه و منسجم با محور ارگانیک بازار و فضاهای شهری حول آن و بافت کهن ترکیب شوند.» (اکبری کلیشمی، ۱۳۹۰)



تصویر ۴-۱- ساخت کالبدی شهر در دوره صفوی
(حیبی، ۱۳۷۸)

1-3-4- تاریخچه و موقعیت

اصفهان با قرار گرفتن در مرکز جغرافیایی ایران با آب و هوای معتدل، خاک حاصلخیز و آب کافی زاینده رود، از دیرباز به مکانی منطقی برای سکونت تبدیل شده است. «احتمالا از عصر ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ م) که سپاهیان (اسپهان) در دشت حاصلخیز اطراف شهر گرد آمدند به این نام خوانده شده است.» (دهمشگی-جانزاده، ۱۳۶۶) «در ۶۴۳ میلادی، اصفهان به دست سپاهیان اسلام افتاد و جزئی از سرزمین وسیعی شد که اسلام نوظهور طی یک قرن بر آن تسلط پیدا کرد. در دوره سیصد ساله ی پس از آن، این شهر اغلب دست به دست می شد و از دست این سلسله و مالک فئودال به دست دیگری می افتاد. تنها در سده ی دهم، زمان حکومت سلسله آل بویه بود که تاریخ آن روشن تر و واضح تر شد. در سده پنجم هـ، طغرل بیک، سلطان سلجوقی، آن را اقامتگاه اصلی خود قرار داد و این شهر مورد توجه فراوان قرار گرفت. آثار معماری باقیمانده از زمان حکمرانان سلجوقی اصفهان با معماری های قرن های بعد در دوره صفویه (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هـ. ق.) رقابت می کند.» (دهمشگی-جانزاده، ۱۳۶۶)

در تاریخ شهر اصفهان، بسیاری مردم اصفهان را با بناهایی می شناسند که معماری آنها به دوران صفویه بازمی گردد؛ آن زمان که اصفهان به عنوان پایتخت ایران مورد توجه قرار گرفت و جلوه ای از قدرت شاه شد. «شکوه بناهای اصفهان سده هفدهم، بیش از سایر شاهکارهای معماری ایران، در غرب مشهور است. این بناها در زمان خود نیز، به همین اندازه معروفیت داشت و در تمام اروپا از شهرتی افسانه ای برخوردار بود. بازرگانان، مسافران و سیاستمداران، هریک به گونه ای زیبایی های این شهر را می ستودند و بیشتر آنها احساس می کردند که اصفهان به زیبایی دهلی و آگره (شهرهای بزرگ مغول های هندوستان) است و در اروپا هیچ شهری با آن برابری نمی کند. این فقط ساختمان ها و بناها نبود که توجه اروپاییان را جلب می کرد. منسوجات ابریشمی ایران سده هفدهم مشتاقان بسیار داشت؛ ظروف سفالین آن رقیب تجارتنی ظروف صادراتی چین بود و فرش های غنی و پر زرق و برق آن زینت بخش دیوارهای بسیاری از خانه های اشراف اروپا بود، یا کف خانه هایشان را مفروش می کرد. نقاشی، خطاطی و کارهای فلزی ایران نیز، با این که در اروپا از شهرت کمتری برخوردار بود، حاصل مهارت، دقت و توجه اندیشمندان هنرمندان، و تجلی سنن مهمی بود که ریشه در قرن های گذشته ایران داشت.» (دهمشگی-جانزاده، ۱۳۶۶) «تاریخ اصفهان نمونه ای از تاریخ ایران است، تاریخی پرآشوب و فتنه و پرفراز و نشیب و تلخ و پر خون، و در همان حال آکنده از شیرینی و لطف و ظرافت و خلاقیت و معنویت؛ تاریخی مرکب از برآمدن ها و فروافتادن های پی در پی که گویی همان ها نیز ظاهر و باطن شهر را قوام یافته تر و استوارتر و زیباتر ساخته است. چهره پرنشاط اصفهان رنگین نیمه دوره صفویان، روزگارهای ناخوش گذشته این شهر را از دید پنهان می دارد-قتل عام روزگار عباسیان و بعدها تیمور، افتادن در کشمکش سامانیان و دیلمیان و غزنویان، آسیب دیدن از دست اسماعیلیان در سده پنجم و-اما این شهر در روزگار پیش از صفویان نیز بارها

خوش درخشیده بود. در یکی از همان سال های پرآشوب تاریخ ایران بود که ناصرخسرو، آن حکیم تیزبین که سفرنامه اش را به حق می توان تاریخ معماری و شهر شمرد، درباره اش گفت: "من در همه زمین پارسی گویان، شهری نیکوتر و جامع تر و آبادان تر از اصفهان ندیدم." با همه این اوج ها، اصفهان در نیمه دوره صفویان حیاتی دیگر یافت. (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۵)

2-3-4 - مکتب اصفهان

«مکتب اصفهان تحقق "آرمان - شهر" دولت صفوی است که به علت ریشه داشتن در دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی زمان خود نه چون یک حادثه گذرا که چون واقعه ای یادمانی پا به عرصه وجود می گذارد.

1-2-3-4 - شار در مکتب اصفهان

شار مکتب اصفهان در دولت صفوی بیانگر امتزاج و آمیختگی سیاسی - عقیدتی مفاهیم دیوانی و مذهبی است، همانگونه که تبلور وحدت اجتماعی کار نیز می باشد. این شار علاوه بر "شهر-قدرت"، "شهر-نمایش" و "شهر-آرمان" نیز می باشد، در عین حال که "شهر-بازار" و "شهر- سرمایه" است، "شهر-دیوان" نیز می باشد و با دربرگرفتن همه ی این مفاهیم، "شهر-منطقه" گستره ی عمل آن است. (حبیبی، ۱۳۷۸) «شار در مکتب اصفهان جمع بندی ظریف، دقیق و روشنی است از آنچه در گذشته وجود می داشته، این شار یک جمع بندی کامل دستاوردهای تاریخی است. اما این نیز باید گفته شود که این جمع بندی به هیچ وجه به معنای "بازتولید" سر و ساده ی مفاهیم کهن نیستند، بلکه ابداعی مجدد و نوزایی این مفاهیم می باشند و هم از این رو می توان آن را نقطه ی اوجی دانست بر حرکتی که حدود ۷ قرن پیش از آن در دوره ی تجدید حیات علمی، ادبی و هنری قرن سوم هجری آغاز گشته بود.» (حبیبی، ۱۳۷۸)

«شکل گیری دولت صفوی و از آن ره مکتب اصفهان در شهرسازی را می توان با سازمان یابی دول مرکزی و قاهر اروپایی بعد از دوره ی رنسانس و شکل گیری سبک باروک (قرن هجدهم میلادی) مقایسه نمود. با این مقایسه سازمان دیوانی دولت صفوی و سبک هنری ناشی از آن (در زمینه شهرسازی) نسبت به سازمان دولتی و سبک هنری کشورهای اروپایی (در زمینه شهرسازی) در دوره ی رنسانس (دوره ی تاریخی هم عصر دولت صفوی) هنوز گامی به جلو دارد در حالی که نواندیشان و نوپردازان دوره رنسانس در پی سازمان بخشیدن به شهر قرون وسطایی اروپایی و تحقق بخشیدن به "آرمان - شهر" هایشان هستند. مکتب اصفهان الگوی آرمانی خود را به اجرا در می آورد و تلفیقی دقیق و روشن از موجود و مطلوب را عرضه می دارد.

میدان نقش جهان به عنوان مرکز جدید شهر و نماد دولت قاهر و قدرتمند صفوی، با آنکه الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان، میدان حسن پادشاه تبریز و میدان عالی قاپو قزوین می گیرد ولی این الگوی کهن را نظمی کاملاً منطقی می بخشد و با دقتی بی نظیر به ترکیب و تنظیم هندسی و فضایی عناصر پیرامونی و درونی آن می پردازد. طراحی یک محور جدید و وسیع شهری (چهارباغ) - که در این زمان در شهرسازی و شار ایرانی سابقه نداشته

است - و ایجاد میدانی وسیع و گسترده با تعریف روشن و انتظام فضایی صریح به عنوان مرکز جدید شهر - و نه شهری جدید- سبب می گردند تا برای اولین بار در سازماندهی شار ایرانی، مفهوم منطقه بندی شهری به کار گرفته شود. شهر کهن مکان استقرار محلات مسلمان نشین و یهودی نشین شده و در شمال شرقی تقاطع زاینده رود و چهارباغ قرار می گیرد، محلات دولتمردان و دولتمندان در شمال غربی تقاطع، در میانه ی باغات گسترده می شوند، محله ی تازه بنیاد آرامنه در جنوب غربی تقاطع سازمان داده می شوند و محله ی زرتشتیان در جنوب شرقی تقاطع واقع می گردد. این پدیده ی تازه - منطقه بندی شهری - برای نخستین بار در شار ایران مفهوم تمایزات اجتماعی در کل شهر را تبلور کالبدی می بخشد. گو اینکه قرینه های لازم بازتاب تمایزات اجتماعی در کالبد و سازمان فضایی شهرهای کهن و در ادوار پیشین نیز وجود می داشت ولی در اصفهان و در مکتب منسوب بدان این انعکاس مفهومی کاملاً نو می یابد.

ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار شهرهای کهن به عنوان یک دستورالعمل در همه جا به کار گرفته می شود و مهر و نشان مکتب اصفهان را بر شهرهای موجود می نهد، مجموعه ی گنجعلی خان کرمان یکی از بارزترین نشانه های به کارگیری مکتب اصفهان در یک پایتخت ایالتی است. گو اینکه میدان و مجموعه ی اطراف آن مقیاس به مراتب کوچک تر از میدان نقش جهان و سازمان کالبدی اطراف آن می باشد، اما از نظرگاه به کارگیری مفاهیم و تعریف فضایی آنها، دست کمی از میدان نقش جهان ندارد. مجموعه های بی شماری که در شهرها - از سوی دولت صفوی یا صاحبان مکتب - ساخته می گردند، سبب پیدایش زبان و گویش فنی مشخص با قواعد بیانی روشن می شوند تا آنجا که این گویش فنی، دستوره های بیانی و ترکیب کلامی آن به عنوان زبان سنتی معماری و شهرسازی برای روزگاران بعد بازشناسی می گردد.

بارزترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه های کالبدی - فضایی به کار گرفته می شود، بر این مبنا، هر مجموعه ی زیستی (شهر و یا روستا) از این پس دارای یک میدان و یا مرکز ثقل^{۲۹} خواهد بود. در هر رده ای از سلسله مراتب مکانی، اجتماعی و اقتصادی مجموعه و یا کانون زیستی، این میدان دریاچه ای است که دولت صفوی از آن طریق خود را به جهان پیرامونی می نماید. عناصر اصلی حکومت و دیوانی، مذهبی و اقتصادی و ... در کناره های آن جای می گیرند. این میدان در عین حال مکان تقاطع گذرهای اصلی و عبوری کانون نیز می باشد. این مرکز ثقل که بنا به مورد نام های متفاوت نیز می یابد مکانی است که در آن دولت قاهر صفوی با تسلط تام بر مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نظارت بر امور و مراقبت بر اوضاع می نشیند.

میدان نقش جهان قوی ترین و ظریف ترین بیان این ترکیب کلامی است، مسجد بزرگ شهر (و نه جامع) آنچنان استوار و قاطع است که همه ضلع جنوبی میدان را به خود اختصاص می دهد و سلطه ی فضایی خویش را چه از

^{۲۹} - «در مکتب اصفهان وجو میدان یا مرکز ثقل به معنای مرکزیت هندسی - آنچنان که در دوره ی رنسانس و سپس باروک دیده می شود- نمی باشد.» (حبیبی، ۱۳۷۸)

طریق سردر بزرگ و مناره ها در زمینه ی نخستین و چه از طریق گنبدها و ایوان ها در پس زمینه بر میدان می گستراند. بیان دقیق، ظریف و پیچش قدرتمند مجموعه ی ورودی مسجد (به منظور ترکیب دو راستای طبیعی - اقلیمی و مذهبی) سبب می گردد که این سلطه ی فضایی با ترکیب احجام پر و خالی، دو چندان گردد، در درون مسجد نه به عنوان یک فضای مجرد بلکه به عنوان فضای شهری، تداوم و اتصال فضایی میدان با محلات قرار گرفته در ورای مسجد را فراهم می آورد. این ترکیب کالبدی - فضایی از این پس گویش فنی و دستور زبان قاطع مجموعه های یادمانی با فضاهای پیرامونی خویش خواهند بود. در ضلع شمالی، سردر بازار بزرگ، در عین اعلام حضور روشن و صریح سازمان اقتصادی شهر در مجموعه ی مرکزی، بی آنکه در مقام برابری و یا قرینه سازی با ضلع جنوبی برآید، با صراحت کالبدی و استقلال شکلی، به محاوره و گفت و گوی فضایی با آن می نشیند و بازوهای خود را از طرفین به سوی آن گشوده و راسته های بازار را به سوی مسجد می دواند و بدین ترتیب آهنگی موزون از ترکیب حجمی و محاوره ی فضایی در اطراف میدان را سبب می گردد. در میانه ی ضلع غربی عمارت عالی قاپو، با معماری کاملاً متفاوت و کاملاً برانگیزاننده خود، تباین کامل فضایی از مجموعه ی پیرامونی خویش را اعلام می دارد، انعکاس و بازتابی روش در تباین صریح دولت صفوی با امت و یا ملت تحت سلطه ی خویش در این عمارت متبلور می یابد. این عمارت با آنکه بر آن نیست تا شکوه و جلال مسجد را تحت الشعاع قرار دهد ولی بر آن نیست که ذره ای از اقتدار و سلطه ی دولتی را که بیانگر آنست فروگذارد، حضور مردمان و بیگانگان و نهایت ورود آنها به مجموعه ی باغات و کاخهای سلطنتی در این عمارت پایان می پذیرد، بنابراین آنچه باید نشانه ی اقتدار باشد در این عمارت تبلور کالبدی می یابد و سرانجام در میانه ی ضلع شرقی میدان و در برابر عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله بی هیچ صحن و حیاط، یا شبستان ها و رواق های متعدد، آخرین کلام در تبلور کالبدی انگاره ها و عقاید مذهبی، معنوی و عشق و اشراق را بیان می دارد. بی هیچ شباهت و یا قرینه ای با آنچه در دیگر سوی های میدان واقع است و بی هیچ عظمت طلبی و یا تسلط خواهی، جبهه ی شرقی میدان زمینه ساز لازم و یا پس زمینه ای برای مکان یابی و استقرار باشکوه آن می گردند. مکتب اصفهان، آرمان های خویش را تبلور کالبدی - فضایی می بخشد. از این پس، معماری نه در حد بناهای منفرد بلکه در حد مجموعه های شهری مطرح می گردد. معماری شهری و ایجاد و خلق فضای شهری هدف اصلی شهرسازی مکتب اصفهان است. مکتبی که این نگرش در آن تولد یافته و به بار نشسته است. «همان» (به تبع نگرش مجموعه سازی و معماری-شهری، در هر روستا و یا شهر کوچکی، هر کوی یا برزنی و محله یا ناحیه یا میدانگاهی کوچک - نه همیشه هندسی - ساخته و پرداخته میگردد. این میدانگاه مکانی است که کوچه های اصلی و گذرهای عمده بدان می رسند و از آن ره می برند. در اطراف این میدانگاه، معمولاً گرمابه، مسجد و مدرسه، آب انبار و بازارچه قرار می گیرد. در صورت وجود مزار، این مزار به عنوان یکی از عناصر اصلی این مکان مرکزی ساماندهی می شود. ساماندهی فضایی - کالبدی این مجموعه مرکزی، بی آنکه در پی بیان اقتداری باشد که میدان

نقش جهان و یا گنجعلی خان تبلور کالبدی آن هستند، از همان دستور زبان و گویش فنی تبعیت می کند. با این اعتبار مکتب اصفهان در شهرسازی، مبانی و مفاهیم اساسی آن را می توان به گونه ی زیر جمع بندی کرد:

با توجه به وحدت اجتماعی کار، حضور مستقیم و همه جانبه ی دولت و همسانی های اجتماعی - اقتصادی در پهنه ی شهر و روستا و سرانجام با تعریف شدن شهر در منطقه، در مکتب اصفهان شهر در محیط پیرامونی خویش مستحیل می گردد و از این رو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش قرار می گیرد، در توافق، همزیستی و وحدت چند سویه با روستاهای اطراف خود می باشد و برج و باروی شهر نه به عنوان یک عنصر متمایز کننده شهر از روستا بلکه به عنوان حصاری برای تعریف محدوده کالبدی شهر به کار گرفته می شود. در بسیاری از موارد روستاها نیز چنین حصاری را دارا هستند.

در این مکتب، رونق و آبادانی شهر نه از طریق بازسازی شهر کهن بلکه از مسیر ایجاد مجموعه های شهری جدید در کنار شهر کهن دنبال می شود، بنابراین مکتب اصفهان، شهر قدیم را مورد جراحی و نوسازی قرار نمی دهد، بلکه با ایجاد مجموعه های جدید و اعلام دیدگاه های جدید از طریق آن ها، جرم دگرگونی و دگرذیسی را در بافت های کهن می پراکند. آنچه در این میان اهمیت دارد، بیان هماهنگ و هماوای فضاهای شهری است.

برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری و به کارگیری معماری شهری برای ایجاد ابنیه ها، میادین و ... سبب می گردد که مکتب اصفهان به تبع جهان بینی حاکم به وحدت بیانی دست یابد. کل در یک نگاه قابل درک می گردد و مفهومی مجزا از اجزای خویش می یابد، مفهومی که نشان می دهد که کل مجموعه ی اجزای متشکله ی خویش نیست، خود معنایی دیگر دارد و مفهومی دیگر را القا می کند، جزء نیز در مقیاس خویش کامل است و وحدت را نشانگر است، در عین آن که در ترکیب با اجزای متشابه و یا متباین، مجموعه بزرگتر را سبب می گردد. جزء در کثرت خویش وحدت را بیان می دارد و کل در وحدت خود کثرت را نشانگر است.

جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی که با تشکیل دولت صفوی بستر مادی می یابد، بر آن می شود تا در شهرسازی مکتب اصفهان، آرمانشهر خویش را برپای دارد. سلسله فضایی از بزرگترین مقیاس تا کوچک ترین مقیاس کالبدی به کار گرفته می شود و هر مقیاس بر آن است که بازتابی از اصل وحدت بخش جهان باشد، عالم صغیر چه در مقیاس شهر، چه میدانه، و چه گذر، پرتوی است از عالم کبیر، در عین بی نظمی ظاهری نظمی باطنی را داراست، نظم در بی نظمی. انسان به عنوان مرکز ثقل عالم صغیر، در پی رسیدن به کمال مطلوب و عروج است، همانگونه که در بیان و کلام این امر به استعاره و ایجاز بیان می گردد، در بیان کالبدی و کلام فضایی نیز استعارات به کار گرفته می شوند، ترکیب سایه و روشن، نرم و سخت، آب و سنگ، زمین و آسمان، فشردگی و گشادگی، چم و خم، خشکی و طراوت و ... همه و همه به کار گرفته می شوند تا انسان به عنوان مرکز هستی صغیر با مرکز هستی کبیر مرتبط شود و عالم کبیر و صغیر را انعکاسی از هم ببیند. نگاهش از زمین به آسمان کشانیده شود و بازتاب آسمان را در زمین باز ببیند.

با توجه به آنچه هست، بازتابی از هستی مطلق است، مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد یعنی اصل تعاون و توازن. تعادل فضایی و توازن کالبدی. هماهنگی و هماوایی عناصر متباین در معرفی یک مفهوم و یا یک عنصر واحد، سبب می گردند تا اصل تقارن و فضای متقارن در این مکتب معنایی چندان نیابد و جز در اجزا و ذره فضاها به کار گرفته نشود. معماری شهری و سازماندهی فضایی مکتب اصفهان بیش از پیش بر اصل تعادل و توازن می تند و مثال هایی بی بدیل را عرضه می دارد. همه ی عناصر به منزله ی یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، تباین، بازگشت به آهنگ و بازآمدن به تباین و ... مقدمه، مؤخره، پیش درآمد، اوج، فرود و ... در ماهرانه ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می نمایند.

مقیاس انسانی - در مفهوم مادی و عددی - آن، در آمد و شد انسان از عروج به فرود و از لاهوت به ناسوت و برعکس آن، رنگ می بازد، آنچه مطرح می گردد فضایی است که بتواند این آمد و شد را بیان دارد. بنابراین در مکتب اصفهان نه مقیاس بلکه فضای انسانی مطرح می گردد. مقیاس ها، اندازه ها، احجام، گشودگی ها، بسته شدن ها و ... همه بر آن می شوند که بیانگر این فضا باشند. مناره های بلند، سردرهای رفیع، بناهای مرتفع، بادگیرها و ... همه در خلق این فضا به کار گرفته می شوند و به همین علت است که انسان بی هیچ ترس و هراسی از مقیاس از این فضاها در می گذرد و در محاوره ای فضایی و هستی شناختی با آن ها قرار می گیرد. به عنوان مرکز ثقل عالم صغیر، در هر نقطه ای از این فضا که قرار می گیرد، مرکزیت بدانجا باز می گردد و منظری دیگر در مقابل او گشوده می شود، مرکزیت هندسی در مقابل مرکزیت آرمانی رنگ می بازد، همان گونه که در مقیاسی دیگر و در فضایی گسترده تر مرکزیت شار در مکتب اصفهان بیش از آنکه یک مرکز هندسی باشد، مرکزی عقیدتی - سیاسی و اجتماعی - فرهنگی است.» (همان)

«با به کارگیری مفهوم "عالم همه منظر اوست"، مکتب اصفهان در شهرسازی، از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می کند، در مقابل هر نقطه ای از استقرار، منظره ای گشوده می شود و به فراخور مقیاس و سلسله مراتب مکانی، عناصر متفاوت در ترکیب فضایی با یکدیگر قرار می گیرند و در میانه ی خویش روزنه ای را برای عبور از مکشوف به مستور باز می گذارند. انکشاف فضا، از این به آن در گذشتن و در این شدن، نه این و آن بودن، اصل و مفهومی است که از ذره فضا تا کلان فضای این سبک رخساره می نماید. فضا در هر نقطه ای محسوس می گردد، انسان را در خور می گیرد و از نقطه ای خاص او را به دیگر فضا رهنمون می شود، سیالیت و تداوم فضایی از دیگر مفاهیمی هستند که در این مکتب به کار گرفته می شوند. مکتب اصفهان بی آنکه در پی ساختن و برپایی بناهای یادمانی باشد، خود به یادمان تبدیل میگردد. با پرهیز از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه گر، این سبک موفق به ایجاد بناها و مجموعه های با شکوهی می شود که بسیار مردم وارند، در گفت و گو با مردمان قرار می گیرند، از آنان هویت می یابند و بدانها هویت می بخشند.» (همان)

«با چنین مفاهیمی ذهنی و با چنان مصادیق عینی، مکتب اصفهان را می توان به عنوان تنها مکتب در سیر تحول شهرگرایی، شهر نشینی و شهرسازی تا قبل از شروع دوران معاصر بازشناخت، این مکتب حتی بعد از سقوط دولت صفوی و ایلغارهایی که سراسر قرن دوازدهم هجری قمری (قرن هجدهم و نوزدهم میلادی) در ایران وجود داشتند، جرم و خمیرمایه ی خود را حفظ کرده و بنا به مورد و در هر زمان آسایشی، از نو چهره می نمایند. شیراز، بوشهر، اصفهان و ... در دوره ی دولت افشاریه و دولت زند مثال های بارز این امر هستند.» (همان)

2-2-3-4- اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان در شهرسازی

«با این مفاهیم و انگاره ها و با این مصادیق و کالدها، مکتب اصفهان موفق می شود تا معماری و شهرسازی را نیز برپایه اصول و قواعدی قرار دهد که بر آن مبنا دستگاه فلسفی خویش را بنا کرده بود. این اصول و قواعد سبب می شود که در این مکتب بازبان و بیانی مواجه شویم که علیرغم گویش های متفاوت مکانی، از دستور زبانی ویژه تبعیت می کند. این دستور زبان بر مبنای نظم مادی (زمینی): آب، خاک، گیاه و هوا و یک نظم معنایی (آسمانی، کیهانی)، نظم مقدس شکل می گیرد. همان گونه که هر نظم زمینی سایه ای از آن نظم کیهانی مقدس است. بر همان باور شهر و بنا، شهرسازی و معماری نیز تجلی و حضور این نظم خواهد بود برای یادآوری آن نظم کیهانی. به کارگیری نظم مادی نشان می دهد که چگونه مکتب اصفهان تلفیق و ترکیب مکان و محیط، مصنوعی و طبیعی، ساخته و ناساخته، نظم و بی نظمی و.. را در دستور کار زبان طراحی شهری خود قرار داده است. در ترکیب و باز ترکیب چهار نظم آب، خاک، گیاه و هوا، مکتب اصفهان موفق شده است با مفاهیمی واحد، مصادیقی متفاوت و گوناگون را با توجه به محیط، مکان و زمان بیان کند؛ به گونه ای که فضای ساخته شده در نظمی آهنگین و هماوا با طبیعت پیرامون خویش قرار گیرد. با تبعیت از نظم های چهارگانه و با قدرتی کامل این مکتب موفق شده است که شعر معماری و شهرسازی را در فضا و بنا بسراید. این شعر کالبد یافته در فضا و بنا، نه برای ارضای مفاهیم ظاهری و مادی، که برای کالبد بخشیدن به همان نظم مقدس کیهانی است.» (حبیبی، ۱۳۷۸)

۱- اصل سلسله مراتب: «هیچ فضای شهری، بنا، یا معماری را نمی توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین تر آن ایجاد کرد. هر فضای شهری یا بنا یا معماری در مکان سلسله مراتبی خود است که معنا می یابد و خارج از آن تعریف تهی می شود. بر مبنای این اصل هر فضای شهری یا بنا و معماری دارای درون و بیرون است. در درون، زیر نظم های خود را شکل می بخشد و در برون، از نظم های فراتر تاثیر می پذیرد.

۲- اصل کثرت: «فضای شهری در انبساط خویش روی به کثرت دارد و تنوع؛ روی به تجزیه شدن دارد و دگرگونی، هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزاء و عناصر هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد. هر جزء خود کلی می شود در مقیاس مربوط به خود.

- ۳- اصل وحدت: فضای شهری در انقباض خود و در مجموعه همبسته اش، روی به وحدت دارد و یکسانی؛ روی به ترکیب دارد و همگونی. در این جمع شدن و همسانی، کل دارای هویتی یگانه شده و شخصیتی خاص ارائه می‌دارد؛ فارغ از چگونگی ترکیب اجزا و عناصرش. اجزا و عناصرش در این هویت کلی رنگ می‌بازند و یگانه می‌شوند.
- ۴- اصل تمرکز: تمرکز شدن فضای شهری اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌سازد. بدین ترتیب هر فضا با نحوه‌ی تمرکز اجزایش تعریفی خاص می‌یابد و هویتی ویژه.
- ۵- اصل عدم تمرکز: پراکندگی فضای شهری موجب می‌شود که بیانی واحد در مکان‌هایی متفاوت به کار گرفته شود. توزیع متوازن فضاهای شهر علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاهای متفاوت آن می‌شود.
- ۶- اصل تجمع: جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد؛ هویتی که نه در عناصر پیرامونی مکان، که در فضای مابین آنها تعریف می‌شود. «همان»
- ۷- «اصل تباین: ناهمگونی عناصر و فضاهای شهری و در عین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر و فضاها، اصلی است که فضای شهری را از یکسانی، یک دستی و بی هویتی می‌رهاند. با استفاده از این اصل فضای متباین شهری نقشی اصلی در هویت بخشیدن به شهر ایفا می‌کنند.
- ۸- اصل اتصال: هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست. هرگاه این اتصال ایجاد نشود، کلامی گفته نخواهد شد و واژه‌ها به جمله تبدیل نخواهند شد و خانه‌ها و گنبدها و... شهر را نخواهند ساخت. اصل اتصال را می‌توان به حروف ربط بین واژگان تعبیر کرد، قیود مربوط به افعال دانست و صفت تعریف کننده موصوف.
- ۹- اصل توازن: شهر در موزونی فضاها و بناهای متشکله آن تعریف می‌شود؛ در موزونی روابط فضایی، اشکال و فعالیت‌ها. توازن فضایی بی هیچ ترسی از معماری با مقیاس بزرگ و از اینکه مقیاس انسانی-در حد اندازه‌ها- مورد توجه واقع نشود، عملاً به ایجاد فضای انسانی می‌انجامد. در چنین فضایی است که تعادل فضایی نیز میسر خواهد شد بی آنکه تقارنی مطرح باشد.
- ۱۰- اصل تناسب: نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و فضاهای تهی، نسبت سایه روشن، نسبت محدودیت و بی کرانگی، نسبت انسان و فضا و... همه در امری می‌گنجد که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود؛ در نسبت معقول به منقول، واقع به موهوم، شاهد به خیال.
- ۱۱- اصل تداوم: فضای شهری خلائی است که مابین ساختمانها، احجام و اشکال واقع می‌شود و در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگر می‌یابد. فضای شهری چون نسیمی از میان فضاها در می‌گذرد، از این به آن می‌شود و در این شدن، نه این است و نه آن. این "شدن" اصلی را مطرح می‌کند که تداوم نامیده می‌شود؛

امری که در حال اتفاق می افتد، سر در گذشته دارد و پای در آینده می گذارد. اصل انقطاع در این تداوم است که معنا می یابد و سکون در این حرکت است که فهم می شود.

۱۲- اصل قلمرو: هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریمی خاص خود دارد؛ حریمی که دایره درون را به برون می گستراند و محدوده ای خاص از برون را متعلق به درون می کند. قلمرو مکانی می شود که در آن خودی و بیگانه تعریف میشوند، حرمت گاه داشته میشود و عبور از آن جز با اجازه میسر نخواهد بود. (همان)

۱۳- «اصل سادگی: خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می آورد. بی پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می سازد. آن درک و این آشنایی خاطره را می سازد. با پیروی از اصل سادگی است که فضای شهری به نرمی در خاطر می نشیند و خیال انگیز می شود.

۱۴- اصل پیچیدگی: واژه به هنگام استعمال روزمره معمولی می شود و توجه را برنمی انگیزد. واژه در شعر و کلام که به ایجاز گفته می شود، در جایگاهی غیر معمول به کار گرفته می شود. در این حالت است که نمایان می شود، و زیبا می شود. فضای شهری نیز چنین است و آن زمانی معنا می یابد که در مکانی غیر معمول رخ دهد. کاربرد غیر معمول واژه و فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می کند؛ امری سهل و ممتنع حادث می شود. در این اصل است که "شکل" ایجاد می شود؛ شکلی که وظیفه ای جز ایجاد خاطره ها و تداعی ها ندارد.

۱۵- اصل ترکیب: ترکیب واژه ها به یکدیگر و چگونگی این ترکیب کلام را از زبان جدا می سازد. با پیروی از اصول دستوری زبان، می توان ترکیب های متفاوت کلامی را رقم زد؛ و بدین ترتیب به بیان یا بیان های متفاوتی دست یافت. در این ترکیب کلامی می توان "اضداد" را نیز با یکدیگر ترکیب کرد. این ترکیب اضداد است که می تواند فضایی متفاوت از آنچه معمول است را سبب شود "تداوم ترکیب اضداد" چه در ادبیات (نظم و نثر)، چه در کلام و بیان، چه در موسیقی، چه در معماری و شهرسازی پایدار نخواهد ماند؛ مگر آنکه از تناسب در ترکیب ها برخوردار باشد تا بتواند روابط متقابل و متناظر اجزا را به نمایش گذارد.

۱۶- اصل استقرار: جایگیری واژه در متن بدان ویژگی می بخشد که در گونه دیگر از استقرار، فاقد آن است. استقرار بنا در مکان خاص و در فضای شهری در شهر نیز از این دستور عام تبعیت می کند. به عبارت دیگر، اصل استقرار در مفهوم ساخت کلام یا شهر معنا می یابد. در این مفهوم ساخت یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به گونه ای که هر واحد، بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا داشته باشد. هر جزء خود جهانی می شود با درون متعلق به خویش، آشنا و ملموس و با برونی متعلق به خویش، بیگانه و در عین حال آشنا. هر جزء خود جهانی می شود کامل چون هر جمله با معنایی در متن، مستقل و در عین حال وابسته به دیگر اجزاء. (همان)

۱۷- اصل زمان: «معمولا به کارگیری واژه در متن با فعل مقید به زمان می شود. به عبارت دیگر، واژه در زمان های متفاوت جایگاه ویژه ای می یابد و در تبعیت از زمان فهمیده می شود. بنا و فضای شهری نیز همین تعریف

را در متن شهر می یابند؛ معنایی که در بیان مقید به زمان می شود. بنابراین آنچه در زمان دچار دگرگونی می شود صورت است و نه محتوا. محتوای فضای شهریچون محتوای واژه، در بستر زمان.

۱۸- اصل ایجاز: شهر و فضای شهری، چون زبان و بیان از اسلوبی تبعیت می کند که بتواند گسترده ترین مفهوم را در ساده ترین صورت بیان کند. در زبان اسلوبی گیرنده و جذاب است که بیشترین اندیشه را با کمترین واژگان ارائه دهد. رعایت این اصل یکی از بنیادی ترین دستورالعمل های زبان طراحی شهری در مکتب اصفهان است.» (همان)

۴- ۴ - ساختار اجتماعی - فرهنگی

«در ایران چه در قبل و چه در بعد از اسلام سبک های خاص فرهنگی نوع خاصی از شهرها را ایجاد کرده است. به عنوان نمونه شهرهای هخامنشیان، سلوکیان بر مبنای سبک های پارسی و هلنی-پارسی ساخته شده است. در دوره اشکانیان و سامانیان نظام فضایی-کالبدی شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی و کمرنگ شدن فرهنگ یونانی و به صورت جدایی گزینی طبقات اجتماعی مبتنی بوده است. اساسا ساخت شهر در قبل از اسلام به صورت کهنه‌ژ شارستان و سواد بوده است که در هر کدام از این ۳ مکان گروه های خاص، محل های خاصی را در اختیار داشته اند. فرهنگ اسلام با مولفه های خاص خود، شکل خاصی از شهرها را آفرید. تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت شهر را می توان، مسجد، بازار، بازارچه، مدرسه، خانقاه، حسینیه و مقابر بر شمرد که شغل، مکان، بافت و کارکردهای فضای شهری متأثر از آنهاست. نوع مذهب، عوامل اقتصادی، طبقاتی، قومی، زبانی و صنفی عوامل موثر در شکلگیری محلات بوده است. فرهنگ وقف در ساخت مساجد، مدارس، خانقاه، تکایا، کاروانسراها، دارالشفاء، آب انبارهای آسیاب ها در شکل گیری شهرها بسیار موثر بوده است. در اواخر دوره قاجار نطفه نوعی التقاط فرهنگی متأثر از فرهنگ های بیرونی در ساخت شهر تهران بسته می شود که در دوره پهلوی اول و دوم نمود این مکاتب فرهنگی را در شهرهای ایران می توان مشاهده نمود. در مجموع ساخت شهرها نمودی از فرهنگ مسلط بر کشورها بوده است.» (زیاری، ۱۳۸۲)

به همین ترتیب اصفهان در عصر صفوی نیز متأثر فرهنگ صفویان بوده است. "عصر اصفهان" یک دوره تقریباً ۱۲۵ ساله است که از ۱۰۰۶ هجری، یعنی زمانی که شاه عباس اول (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هـ.ق.) آن شهر را پایتخت جدید ایران قرار داد تا ۱۷۲۲، سال تصرف آن به دست افغانها، ادامه دارد. این عصر تجانس فرهنگی قابل ملاحظه ای است، که بدون شک نقطه اوج تاریخ طولانی و غنی این شهر است و دوره ای است که نهادهای آن عمدتاً حاصل نبوغ اداره کننده ای به نام شاه عباس اول بوده است. آنچه او بنیاد گذاشت آنچنان استوار بود که بعد از مرگش، در قرن بعد، تقریباً دست نخورده باقی ماند. جانشینان او، نه آنها را تغییر دادند و نه تقویت کردند و در واقع، در چارچوب نظام او زندگی کردند. اما هر پژوهشگر تاریخ اصفهان دچار این احساس ناخوشایند می شود که آن سلسله مراتب استبدادی (که شاه بزرگ در راس آن قرار داشت) زوال آرام آرام نظام را می پوشاند و فقط آنچه را که در صورت فقدان آن سلسله مراتب، ممکن بود فروپاشی سریع بافت اجتماعی را موجب شود، به تعویق می انداخت. از یک طرف ثبات نهادها و تاسیسات وجود داشت و از طرف دیگر، زوال اجتماعی تدریجی. به همین ترتیب، در

هنرها نیز ثبات و بی ثباتی وجود داشت. در تقریباً ۱۲۵ سالی که اصفهان، مرکز فرهنگی ایران بود یک سنت، به طور قاطع مورد حمایت بود. اگرچه، پس از مرگ شاه عباس اول در ۱۰۳۸، آن حمایت پویا دیگر خلاقه نبود. (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶) «هنر اصفهان، از بیشتر جهات به برخورد فوری متکی است که ممکن است مبهوت کننده، تکان دهنده، یا حسرت آور باشد. شاهان صفوی خود را از فرزندان حضرت علی (ع) می دانستند و پیروانشان آن ها را به همین دلیل مقدس می دانستند.» (همان) بنابراین توجه به ساخت مکانهای مذهبی یا به کارگیری هنر در جهت ستایش دین به چشم می خورد و در بسیاری از ابنیه و کاشی کاری ها محتوای مذهبی وجود دارد. «در زمان اولین حکمرانان سلسله صفوی در سده ۱۰ اق اصفهان یکباردیگر، مرکز مهم تجارت، فرهنگ و صنعت شد. اصفهان را نمی توان از سلسله ای که آن را به بزرگترین شکوه مشهود آن رساند جدا کرد و برای پی بردن به چگونگی و علل این رویداد، لازم است به خود سلسله صفویه بنگریم و اصفهان را به حامیان آن مربوط کنیم.» (همان)

علاوه بر شاه عباس اول، برخی دیگر از شاهان صفوی نیز در رواج هنر و حس زیبایی شناسی در جامعه عصر صفوی موثر بودند. در زمان شاه طهماسب «بخش قابل ملاحظه ای از منابع محدود امپراطوری، صرف خودنمایی بسیار شخصی و خصوصی پادشاه می شد. مسجد تازه، به ندرت ساخته می شد، جاده ها نه توسعه می یافتند و نه تعمیر می شدند، قلعه ها و کاروانسراهای لازم ساخته نمی شد.» (همان) «هنر ایران به کانال بسیار باریکتری هدایت می شد و ثروت بالقوه کشور، به صورت تولید و ساخت ابریشم، به طور اتفاقی فروش می رفت یا صادر می شد. بناهای مجذوب کننده مربوط به اعتقادات شیعیان نیز به ندرت ساخته می شد. در این دوران، در هیچ یک از زیارتگاه های شیعیان و حتی برای جلال حکومت صفوی هم بنای عمده ای ساخته نشد. در مقابل، بیشتر ثروت ایران فقط در خدمت حس زیبایی شناسی قرار گرفت. در دوران او صنایع دستی مورد مصرف و هنرهای سنتی اعتقادی رو به سستی گذاشت ولی هنرهای زیبای مربوط به زیبایی شناسی فردی شکوفا شد (همان) «شاه عباس، برخوردار از بینش و انرژی، تصمیم گرفت پایتخت را به اصفهان منتقل کند. مقر جدید حاکمیت، تجسم حیاتی سیستم جدید ایران و قدرت آن بود و به علاوه، رو آوردن استراتژیک به مرکز فارسی زبانان فلات ایران بود. اصفهان، با آب و هوای خوب و بازرگانی رو به گسترش، ثروتمندترین شهر امپراطوری شد و رو به پیشرفت بیشتر نهاد. تغییر وضعیت شهر، از یک منطقه به پایتخت امپراطوری، موجب شد جمعیت شهر، بسیار افزایش یابد. بسیاری از تازه واردها صنعتگران بسیار ماهری بودند که به دنبال حامی خود می آمدند؛ بعضی، کارکنان اداری، ادبا، و اعضای ارتش بودند؛ بعضی دیگر به دلایل تجارتمندی می آمدند، و در میان آنها چندین هزار مسیحی ارمنی وجود داشت که شاه عباس آنها را به زور از شمال غربی ایران به اصفهان انتقال داد. این بازرگانان توانا با تماس های بین المللی گسترده، کانون اساسی تجارت در حال گسترش ایران بودند. ارمنی ها که تحت حمایت شاه بودند و شاه برای آنها چندین مدرسه و کلیسا بنا کرد به حومه ای به نام "جلفای نو" فرستاده شدند. جلفای نو، بخشی از اصفهان بزرگ بود که به وسیله زاینده رود از شهر مرکزی جدا می شد و به وسیله مهم ترین معبر و پل شهر، با آن ارتباط برقرار می کرد. اما آرامنه فقط یک بخش از جمعیت چند زبانه و چند قومی پایتخت بودند. در

پایتخت جدید، ایرانیان دارای اعتقادات مذهبی گوناگون (مسلمانان شیعه و سنی، مسیحیان دارای تمایلات مختلف، یهودیان و زرتشتیان) و بازرگانانی از چین، هندوستان، آسیای مرکزی، عربستان، ترکیه و اروپا وجود داشتند. (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶) بنابراین تنوع افراد با ادیان و مذاهب گوناگون نیز در شکل گیری آثار هنری به ویژه در ابنیه مذهبی موثر بوده است. شاه عباس در ساختار شهر تغییر اساسی نداد. در عوض، تصمیم گرفت خارج از مرکز شهر، ساختمان کند. در نتیجه "اصفهان جدید" که ساختن آن در اوایل سلطنتش شروع شد، عمدتاً دستاورد خود اوست. در هر سه جنبه سرپرستی و فرمانروایی، با توان مساوی عمل می کرد. «در بازار سلطانی با جنبه سوم فرمانروایی چند وجهی شاه عباس روبه رو می شویم. این بازار، ساختمانی است با ساختار محکم و سودمند که برای پیشرفت ایران ضروری است.

شاه عباس بیشترین تلاش خود را متوجه این هدف کرده بود: در سراسر ایران، کاروانسراها، قلعه ها، بیمارستان ها، مدرسه ها، پل ها و جاده های بسیار ساخته شد. بیشتر آنها به نمونه های آزمایش شده سنتی مبتنی بود و محکم ساخته می شد و هدف از ایجاد آنها، ارتقا سطح رفاه عامه و نیز تشویق تجارت بود. به موازات آن، هنرهایی که جنبه اقتصادی خاصی داشت و می توانست در تجارت ارزشمند باشد تشویق می شد. در نهایت همه موارد یادشده به ایجاد مکتبی به نام "مکتب اصفهان" انجامید. این شکوفایی چندان پس از شاه عباس پایدار نمی ماند. در ادامه سلسله صفوی «الگوی که شاه قبل از مرگ خود در ۱۳۰۸ هـ. آورد، نود و سه سال بدون تغییر باقی ماند. اداره متمرکز کشور که او به وجود آورنده آن بود، اگرچه با ابتکارات کمتر و فساد روز افزون، آنقدر ادامه یافت تا در ۱۱۳۵ هـ. با حمله ارتش نامنظم و غیر مجهز افغان ها در هم ریخت؛ بعد از سلطنت او، معدودی بنای بزرگ ساخته شد. در واقع، او آنقدر بنا ساخته بود که به بناهای دیگر نیازی احساس نمی شد. شاردن گزارش می دهد که در سال ۱۰۷۷ هـ. اصفهان ۲۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه مذهبی، ۱۸۲ کاروانسرا و ۲۷۳ حمام عمومی داشت که تقریباً همه آنها در زمان خود شاه عباس ساخته شده بودند.» (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶) در زمان سلیمان (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هـ. ق.)

از مجموعه مطالب پیشین می توان به این نتیجه رسید که در دوران صفویه شاهد برنامه ریزی محیط اجتماعی هستیم. نحوه مدیریت شهری در زمان صفویه بالاخص در زمان شاه عباس مدیریت علمی بوده است. حکومت خاندان صفوی با تکیه بر مذهب شیعه به عنوان متمرکزترین حکومت ایران بعد از اسلام شناخته شد و نظام ملوک الطوائفی به یک حکومت مرکزی قوی تبدیل گشت. ایران برای اولین بار از لحاظ سیاسی دارای حکومتی ملی به معنای امروزی شد. شاه عباس اول حکومت خود را بر برخی اصلاحات اقتصادی بنیان نهاد. از جمله این که دست مالکین و فئودالهای بزرگ را کوتاه کرد. شاردن در سفرنامه خود می نویسد: در ایران طبقه اشرافی وجود ندارد. صفویه از این طریق توانست تمرکزی نسبی در کشور ایجاد نماید. در عصر صفوی با فروپاشی قدرت خان خانی و استواری قدرت حکومت مرکزی حکومت یکپارچه ای ایجاد شد.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) همه

اینها در مفهومی نزدیک به عدل اجتماعی قرار می‌گیرد که علی‌رغم وجود نظام سلطنتی حاکم بر کشور کم و بیش به واقعیت می‌پیوندد؛ نظام حاکم جامعه را به سوی پیشرفت اقتصادی و رونق پیش می‌برد؛ با کنار هم قرار دادن جامعه‌ای متشکل از مذاهب و نژادهای مختلف، شهری غنی از فرهنگ و اندیشمندان خبره در تخصص‌های گوناگون فراهم آورده است و جالب آنکه جامعه با وجود این تنوع دارای وحدت است. به حقوق شهروندان احترام گذاشته می‌شود. خیابان چهارباغ علی‌رغم آنکه ویژه شاه و خانواده اش ایجاد شده مورد استفاده مردم عامه نیز قرار می‌گیرد و حتی برای راحتی زنان و کودکان زمانی مختص فراغت آنان در این خیابان در نظر گرفته شده است و در واقع برای تفریح اقشار مختلف جامعه فضای شهری پیش‌بینی شده است. میدان نقش جهان محل دیدارهای مکرر مردم و شاه است. مردم در همان میدانی از مراسمات دیدن می‌کنند که شاه و خانواده اش نظاره‌گر آن هستند. البته وجود سلسله مراتب اجتماعی به جهت وجود نظام سلطنتی قابل‌انکار نیست اما این نظام نسبت به موارد مشابه خود با توجه به فضاهای شهری ایجاد شده برای مردم و ایجاد برخی امکانات شهری در وضعیت بهتری قرار دارد. و در نهایت رفتار اجتماعی در چنین جامعه‌ای با وجود تعداد قابل‌توجه هنرمندان و اندیشمندانی که تفکر دینی را به زیبایی هرچه تمام‌تر و با فلسفه‌ای غنی به نمایش می‌گذارند، رفتاری جهت‌دهی شده به سوی جامعه‌ای اسلامی و شیعی است. این نمایش در معماری، شهرسازی، تزئینات خرد و کلان، نظام فضایی و جامعه‌شناسی دیده می‌شود. وجود سلسله مراتب در فضا‌سازی شهر و خانه‌های حیاط مرکزی سبب افزایش حریمت می‌شده است و نظام فکری جامعه را بیشتر به سمت چارچوبهای فکری اسلامی سوق داده و با وجود نحوه ایجاد فضاهای سبز و توزیع آب در مادی‌ها و .. بر حقوق اجتماعی و تامین حرمت اجتماعی هرچه بیشتر تاکید شده است. بنابراین جامعه صفوی به عنوان جامعه‌ای شیعی ساختار اجتماعی نسبتاً خوبی را داراست.

۱-۴-۴- ساختار اجتماعی - فرهنگی اصفهان امروز

«از سال‌های حدود ۱۳۰۰ با ورود بعضی از صنایع به خصوص نساجی و ریسندگی تحولاتی تازه در شهر اصفهان ایجاد شد، لیکن شروع جنگ جهانی و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن بر کشور، توسعه و رشد شهر را تقریباً متوقف نمود. از سال ۱۳۳۵ شهر بار دیگر موقعیت خود را تا حدودی بهبود بخشید و توانست رشد جدیدی در پیرامون خود به خصوص در اطراف جنوب‌زاینده رود ایجاد کند. از سال ۱۳۴۰ به بعد رشد شهر در پیرامون، به سرعت زمینه را برای فضاهای متراکم مسکونی و سپس انتقال ادارات، مراکز آموزشی و فرهنگی، بانک‌ها و .. در نقاط توسعه یافته پیرامون به خصوص در سمت جنوب شهر فراهم کرد. شهر اصفهان در اثر افزایش جمعیت، مهاجرت‌های درون شهری و برون شهری به اصفهان و تخصیص کاربری‌های بدون برنامه و خودرو و فاقد خدمات مورد نیاز و ضروری، طی سه دهه گذشته به شدت در معرض گسترش قرار گرفته است.» (قائدرحمتی، ۱۳۹۱) «استقرار نهادهای اجتماعی نوین، در دهه اول قرن ۱۴ خورشیدی، زمینه ساز استقرار و تثبیت نیروهایی است که معتقد به سلطه نوآوری (مدرنیسم) هستند. این نیروها گسست از سنت‌های پیشین و

نوپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا در همه ابعاد را در دستور کار خود قرار می دهند. هنر، معماری و شهرسازی از مهم ترین عرصه های کاربرد نوآورانه است. رسوخ ارزش ها، تکنیک ها، الگوها و قالب های نوآورانه در هنر و معماری مشخصه تحولات نوپردازانه این دوران است. افزایش توان اقتصادی در حوزه شهر، امکان مداخله در شهر و اجرای طرح های عمرانی و شهری را با الگوهای نوآورانه فراهم می سازد. «همان» در دوران معاصر برخلاف گذشته معیارها را فرهنگ، مذهب یا عرف تعیین نمی کند. پدیده جهانی شدن و تمایل و اشتیاق به حرکت در مسیر غرب هر روز شدت بیشتری می گیرد. در این روند تغییر، بسیاری ملاک های اخلاقی، ارزشی و عرفی دستخوش دگرگونی شده و کهن به کهنه تغییر معنی می دهد. بسیاری از هنجارها کنار گذاشته شده و ارزش های دیگری جای آنها را می گیرند که متناسب با چارچوب فکری جوامع غربی طرح ریزی شده اند. این تغییرات در کالبد نیز بروز کرده و در طیف گسترده ای از موارد اساسی چون نابودی سلسله مراتب فضایی گذشته تا مصالح و رنگ نما و منظر ابنیه نمایان می شود. جوامع در عین آنکه کوچک تر شده و همبستگی فکری خود را مانند گذشته ندارند، در جامعه ای جهانی گرد هم آمده و همبستگی جدیدی را تجربه می کنند. خانواده ها کوچک تر، صله رحم ضعیف تر، نگاه به آموزه هایی چون سادگی، قناعت، وقف، محرمیت و... دچار دگرگونی شده و نسبت جامعه شهری و روستایی و ایلیاتی به کلی تغییر کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی سلسله مراتب اجتماعی دیگر در قالب شاه و دربار و مردم یا خان و رعیت نبوده و جایگاه اجتماعی افراد را معیارهای جدیدی تعیین می کند. رفتار اجتماعی به سمت تقویت فردیت پیش رفته اما درونگرایی در کالبد چون گذشته دیده نمی شود. جمعیت شهرها افزایش یافته اما تجمع ها نسبت به گذشته کوچک تر شده یا علت ایجاد آنها تغییر کرده است. تجمعات شغلی معمولاً در قالب قانون تعریف می شوند و نه قراردادهای اجتماعی؛ در عصر حاضر افزایش تنوع چارچوب های فکری و تلاش برای آزادی در نوع اندیشه و انتخاب شیوه زندگی از طرفی احترام به شخصیت فردی و ارتقاء انسان مداری است و از طرفی با در نظر نگرفتن حد و مرزی برای آن گاهی به بیراهه هایی منجر می شود که امنیت فردی و اجتماعی را تهدید می کند. علی رغم رفع مواردی چون محلات شاه نشین و مانند آن با پدیده هایی مشابه روبرویم، برای مثال از برخی محلات با نام بالا شهر یا پایین شهر یاد می شود که بیانگر سطح اقتصادی افراد ساکن در آن است. بنابراین عدل اجتماعی همچنان هدف جامعه است و این بار با اضافه شدن موانعی جدید یا موانعی کهن با نمایی جدید از دسترس دور میشود. همچنین عدم عدالت در تقسیم امکانات اجتماعی در محلات امروز شهر اصفهان - همچون سایر شهرها - از مواردی است که همیشه دغدغه بوده است.

«اصفهان در حال حاضر یکی از مهم ترین شهرهای ایران محسوب می گردد. این شهر به یکی از قطب های صنعتی تبدیل گشته است. این شهر با عملکردها و نقش های متنوع خود باعث جذب مهاجرین از نقاط مختلف کشور به سوی خود شده است و این خود سبب ایجاد رشد شهرکهای اقماری اصفهان شده است.» (همان) جامعه اصفهان همچون بسیاری از مردم جهان به شدت مصرف گراست و این در جهات مختلف اقتصادی، اجتماعی و به ویژه مسائل دینی به جامعه آسیب وارد کرده است.

• عدل اجتماعی

برای داشتن عدالت روح ایمان نیاز است تا شرک را از بین برده و با ایجاد عدل در جامعه آرامش و تسکین بر قلوب مردم جاری سازد.^{۳۰} بر همین اساس است که وظیفه هر رسول و پیامبری ایجاد عدالت است.^{۳۱} این در حالی است که شهر مدرن بر اساس روح اومانیستی بوده و به جای انسان مداری، انسان محور است بنابراین در ذات خود نابرابری به همراه دارد زیرا شرک اصلی انسان محوری جدید می باشد. عدالت در اسلام هم مفهومی اجتماعی و هم مفهومی فردی دارد اما تفاوت آن در دین اسلام با سایر ایدئولوژی ها در توحیدی بودن آن است به طوری که در ایدئولوژی غیر دینی جنبه فردی آن به دلیل اومانیسم و جنبه اجتماعی به خاطر ناسیونالیسم نمی تواند اجرا شود. برای رسیدن به الگویی در شهرسازی امروز باید به شاخص اصلی برسیم که شامل امنیت، عدالت و آسایش^{۳۲} می باشد. عدالت برکتی به شهرها می دهد که مردم را بی نیاز می کند و رفاه را به همراه می آورد به طوری که مومن و غیر مومن از آن بهره می گیرند. اما در شهر مدرن که بر اساس الگوی سرمایه داری است، شاید این عدم تعادل در کشورهای مبدأ آن کمتر باشد ولی در کشورهای پیرو خود به خود منجر به عدم تعادل می شود، در واقع الگوی توسعه کنونی تبلیغ شده برای شهرها که در تمام جهان گسترش یافته زهکشی شده برای صاحبان این نوع سبک از توسعه می باشد. بنابراین ما برای رسیدن به پیشرفت نیازمند پیشرفت با وجه بومی می باشیم. (همان)

• رفتار اجتماعی

در جامعه امروز اسراف و مصرف گرایی در الگوی شهری موجود مطرح است که در روند مدرنیزه شدن شدت گرفته است. اسراف به معنی تجاوز از حد و اندازه و مقدار در هر چیزی اعم از رفتار و گفتار و پندار است مشخص می شود حد و اندازه هر چیزی در اسلام بر مبنای حق و عدل است. بنابراین بی عدالتی در شهر با اسراف رابطه مستقیم دارد. شهری که بر مبنای تفکر سرمایه داری و عدم تعادل شکل گرفته باشد خود به خود اسراف در شهر را در پی دارد این اسراف به صورت مصرف بی رویه ایجاد می شود که منافع سرمایه داری را در پی دارد هر چه شهر پیشرفته تر باشد مصرف و اسراف بیشتر است. شهر امروز برای انسان نیازهای مختلفی ایجاد نموده است و با شتاب هر چه بیشتر مصرف در منابع مختلف بالا می برد. شهر اصفهان در طی چند ده اخیر مانند خیلی شهرهای دیگر مصرف کالاهایی که غیر قابل بازگشت هستند را شروع کرده و با رشد بالایی ادامه می دهد اگر با

^{۳۰} فاطمه زهرا علیها السلام: فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشُّرْكِ... وَالْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ؛ خداوند ایمان را برای پاکی از شرک... و عدل و داد را برای آرامش دل ها واجب نمود. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸

^{۳۱} امام صادق علیه السلام: لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِالْبِرِّ وَالْعَدْلِ؛ خداوند هیچ پیامبری را جز به نیکی و عدالت بر نیگیخت. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۹۲

^{۳۲} امام صادق علیه السلام: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا: أَلْمَنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛ سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. تحف العقول، ص ۳۲۰

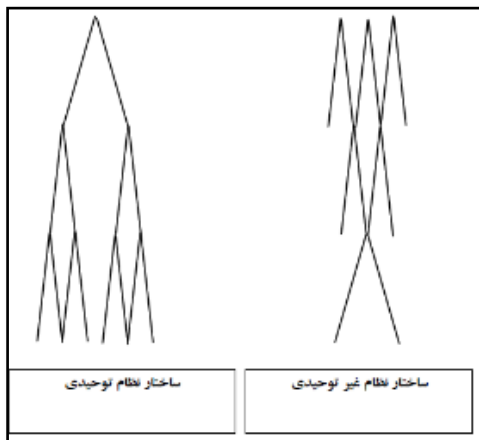
مقیاس ملی یا بین المللی این رشد را بررسی نماییم یک فاجعه و بحران بزرگی را در پی داریم. شهرهای قبل از دوره مدرن مصرف کمی داشتند و همین مصرف کم قابل بازگشت به محیط بود، اما مسأله اصلی در شهر امروز این است که بازگشت به الگوی قبلی غیر ممکن است و تنها راه برای شناخت روند رسیدن به این الگوی موجود تا به یک الگوی پایداری جدید برسیم، روند الگوی موجود مبتنی بر خود محوری می باشد و دوری از خدا محوری است بنابراین این خود محوری جدید فرهنگی را تولید نمود که مصرف گرایی مدرن را ایجاد کرد که در ذیل تشریح شده است. (همان، ۱۳۹۱)



شکل ۴-۲- عوامل موثر بر مصرف گرایی: ۱-
عوامل فردی با فرهنگ مصرف گرایی رابطه مثبت و معناداری دارد. ۲-عوامل اجتماعی با فرهنگ مصرف گرایی رابطه مثبت و معناداری دارد. ۳- عوامل محیطی با فرهنگ مصرف گرایی رابطه مثبت و معناداری دارد. (غلامی بیمرغ، ۱۳۹۱)

• مدیریت شهری و بروکراسی اداری در شهر اصفهان

در دوران معاصر نظارت شاه و نظام دربار و سلسله مراتب شغلی متناسب با آن، جای خود را به مدیریت شهری، کارگروهی (TEAM WORK) و نظام اداری تحت نظارت قانون کشوری داده است. تعدد نیازهای ساکنین این شهر نیز خود قسمتی از بروکراسی شهری می باشد در واقع اگر شهر در قبل از دوره مدرن دارای چند کاربری ساده بود، در این دوره دارای تعدد کاربری می باشد علت این امر به خاطر ابزارگرایی فرهنگ مدرن می باشد هر ابزاری که برای آسایش شهروندان این شهر ایجاد می شود ساختاری را بر این شهر می افزاید و هر ساختار کاربری تولید می نماید. ادعای برنامه ریزان در شهر مدرن این است که به الکترونیکی کردن و استفاده از فناوری اطلاعات می توان از بروکراسی شهری بکاهیم و کاغذبازی معمول را از بین ببریم و با ابزار جدید یعنی فناوری اطلاعات مشکلات ابزار گذشته را کاهش و یا از بین برد. ابزار را با ابزار جدید تکمیل نمایند. اما هر ابزار یک سیستم پیچیده جدید را تولید می کند که خود پیچیدگی را می افزاید در واقع اگر به فناوری اطلاعات توجه نماییم خود این فناوری یک سیستم پیچیده ایجاد نموده است که از ایجاد و تولید با نصب و فروش استفاده کننده سیستمی طولانی را شامل می شود. (همان)



شکل ۴-۳- ساختار اداری و مدیریتی در نظام های توحیدی و غیر توحیدی؛ این پیچیدگی سیستم در شهر مدرن شبیه به گیاه و عارضهٔ نبکا در بیابان می باشد که هر چه بیشتر ریشه ایجاد میکند از آب دورتر و به مرگ خود نزدیکتر می شود، در شهر مدرن نیز این سیستم هر روز پیچیده تر می شود هر فناوری که به شهر اضافه می شود انرژی بالایی از طبیعت را مصرف می کند و راه بازگشتی ندارد انرژی مصرف شده تا حد خاصی می تواند تأمین شود بعد از مدتی زمان این انرژی با محدودیت مواجه است. در واقع سیستم ایجاد کننده و نگهداری کننده مانند گیاه نبکا تا جایی

به آب و رطوبت دسترسی دارد و بعد از افت آب خشک می شود می تواند تا حدی به انرژی دسترسی داشته باشد زمانی که انرژی تمام شود این سیستم با خطر نابودی مواجه می شود. شهر اصفهان نیز در بروکراسی و بالا بردن نیروی کار از همین پیچیدگی تبعیت می کند. (همان)

5-4- بعد زیست محیطی

اصفهان با قرار گرفتن در مرکز جغرافیایی ایران با آب و هوای معتدل، خاک حاصلخیز و آب کافی زاینده رود، از دیرباز به مکانی منطقی برای سکونت تبدیل شده است. در ادوار گذشته، اصفهان نقش پلی را داشت که قسمتهای کم ارتفاع شرق فلات ایران را با سرزمین های کوهستانی غرب مرتبط می ساخت و برای اطراق سرمازدگان کوهستان غرب و گرمازدگان و خستگان هوای خشک شرق، محل مطلوبی بود. استقرار جلگه اصفهان در میان بیابانها و کوههای خشک مرکزی ایران از یکطرف و اهمیت و موقعیت ارتباطی خاص آن در مرکز فلات پهناور ایران از طرف دیگر، تاریخ و سابقه آن را به تمدن های اولیه رسانده و بر اهمیت آن تاکید می کند. بنابراین به لحاظ زیست محیطی پاسخگو و توجه پذیر بوده و در نتیجه طی هزاران سال محل زیست قرار گرفته است. اما با توجه قرار گرفتن شهر در منطقه ای خشک و آفتابی گیرا، معماران متناسب با اقلیم و در ترکیب با چاقوب های اعتقادی ابنیه را به شیوه ای می ساختند که آسایش اقلیمی و ارتباط با طبیعت به حداکثر خود برسد. ابنیه معمولا حیاط مرکزی ساخته می شدند. «حیاط باغها در خانه مهمترین فضای خانه ها بوده و تاثیرات مهم و به سزایی بر رفتارهای انسان داشته اند، از جمله: ۱- ورود به حیاط از سمتی که نمای اصلی خانه در دید بوده احترام به شخص وارد شونده و نوعی از عزت نفس را به همراه می آورده و نوعی دعوت کنندگی محسوب می شده است. ۲- مرکزیت حیاط-باغ در خانه باعث می شد که ساکنان خانه، همیشه یک رابطه مستقیم با آب و گیاهان داشته باشند، امری که انسان به طور طبیعی به آن گرایش دارد و قطعاً باعث ایجاد آرامش در او و تاثیرگذار بر تمام رفتارهای او خواهد بود. ۳- رعایت تناسبات در حیاط آن را به شکلی هندسی تعریف می کرده و از آنجا که ذات انسان گرایش به هندسه و اندازه معلوم دارد او را به ارتباط با این فضا فرا می خوانده. ۴- حضور آب که باعث خنک کردن و تصفیه هوای فضاهای داخلی خانه می شود، آسایش انسان را به همراه دارد. ۵- حضور باغچه و آب در

حیاط یادآور بهشت برین و نوعی تذکر و مراقبه برای انسان است. ۶- ارتباط مداوم در طی شبانه روز با حیاط که از در مرکز قرار گرفتن آن ناشی می شود، زمینه ساز توجه بیشتر به زمان رفت و آمد شب و روز برای انسان و تفکر در آن شده، امری که در فرهنگ دینی ما بسیار به تفکر در آن سفارش شده. ۷- مرکزیت حیاط سبب ایجاد ارتباط بیشتر افراد خانواده با یکدیگر می شده و به دنبال آن استحکام روابط خانوادگی را به همراه داشته است. ۸- مرکزیت حیاط به عنوان فضای باز خانه القای وجود حریم امن و آرام برای آسایش خانواده را به همراه داشته است. ۹- معطوف بودن حیاط به درون، درونگرایی و توجه به درون و تفکر را نیز به همراه داشته است. ۱۰- کالبد معماری حیاط و محل قرارگیری آن نسبت به ورودی به گونه ای بوده که امکان ایجاد فضایی مناسب را برای برگزاری مراسم و مهمانی ها در فصول گرم ایفا کند که این خود عاملی ترغیب کننده برای شرکت در تجمع های فامیلی بوده است. ۱۱- قرارداد آب در دسترس (با توجه به اینکه در زمان قدیم دسترسی به آب مانند امروز نبوده است) با طراحی حوض، سبب آسایش و ترغیب انسان ها به تمیزی و پاکیزگی می شده است. ۱۲- وجود حیاط-باغ و وسعت آن در خانه القای حس آزادی به انسان را به همراه داشته است. ۱۳- امکان بازی آزادانه برای کودکان و در عین حال امکان نظارت و مراقبت والدین از آن ها را به همراه داشته است. ۱۴- طراحی حوض به گونه ای بوده که انسان را از اسراف برحذر می داشته ۱۵- مرکزیت حوض در حیاط یادآور قدردان بودن از نعمت های خداوند علی الخصوص نعمت آب بوده است. ۱۶- طراحی باغچه ها به گونه ای بوده که امکان کاشت درختان سایه انداز و گل های تزئینی را به همراه داشته که قطعاً این امکان ایجاد سایه و زیباسازی، انسان ها را به ارتباط بیشتر با طبیعت سوق می داده است و این ارتباط با طبیعت تا آن حد مهم است که بلندای درختها درجه اجتماعی صاحبخانه را بیان می کرده است. ۱۷- یکی از تاثیرات ارتباط با طبیعت آن است که انسان را به تفکر وادار دارد؛ همانطور که در مورد شب و روز بیان شد در مورد چرخش فصل ها و ۱۸- معماری حیاط به گونه ای بود که باعث می شد فضای خانه دارای یک ارتباط منطقی بین زمین و آسمان بشود و یادآور آنکه دنیا سکونتگاهی موقت و محل گذر است. ۱۹- تعریف کامل بدنه های حیاط و ارتفاع دیوارهای آن حس دربرگرفتنی و امنیت و به دنبال آن آرامش را القا می کرده است. ۲۰- وجود سکوها در حیاط دعوت کننده برای بهره گیری از حیاط و امکان ایجاد شکل گیری تجمع خانوادگی می باشد. ۲۱- تنوع در اختلاف سطح و پوشش کف در حیاط مانع ملال زدگی در انسان شده و او را ترغیب به تجربه استفاده از تنوع های موجود می کرده است. (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۲)

1-4- وضعیت منابع آبی در اصفهان عهد صفوی

«در زمان شاه عباس اول سعی شد که حداکثر بهره برداری از منابع آب در تمام نقاط ایران به عمل آید و بدین مناسبت مهمترین طرح آبادانی دشت اصفهان که عبارت بود از برگرداندن سرچشمه های کارون به زاینده رود انجام شد تا به این ترتیب آب اصفهان تأمین شود. از کل متوسط سالانه آب رودخانه زاینده رود ۹۶۰ میلیون متر مکعب یا حدود ۱۸ در صد آن از طریق ۸ نهر اصلی و شعبات آن در شهر اصفهان و حومه آن توزیع می شده

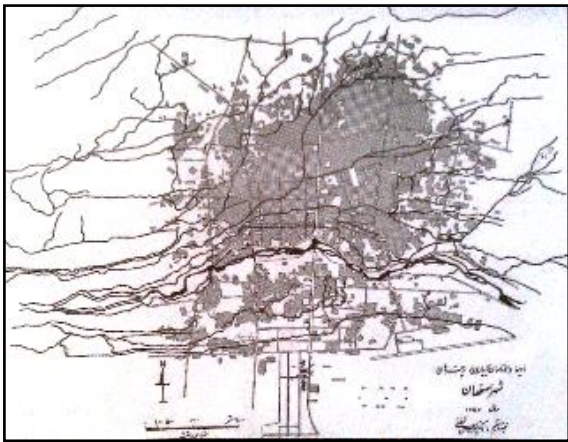
است. مادی های شهر احتمالاً از زمان ساسانیان در این شهر وجود داشته اند. بعد از بنای هر بافت جدید شهری شبکه آبرسانی از داخل و یا از کنار آنها جریان می یافته است. در کتاب دکتر شفقی آمده است که سطح آبهای زیرزمینی به واسطه شبکه های آبرسانی (مادی) در شهر اصفهان بالا بوده است. شاه عباس کوشش می کرد که حداکثر بهره برداری از ذخایر آب به عمل آید و به این منظور اقدامات زیادی برای توسعه شبکه آب، ایجاد بند و کانال، احداث کاریزهای جدید، تعمیر قنوات و مجاری قدیم، انتقال آب همچنین بازسازی و اصلاح نظام تقسیم آب بویه در مورد زاینده رود انجام داد. جدول زیر مادی های اصفهان و تعداد باغات و مزارع و محلات حقا به دار زمان صفویه را نشان می دهد.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱)

ردیف	نام مادی	مزرعه حقا به دار	باغ حقا به دار	محل حقا به دار
۱	فرشادی	۲۱	-	۲
۲	فدن	۱۴	۲	۱
۳	تیران	۶	-	-
۴	قمش	۷	-	۴
۵	نیاصرم	۳۴	۱	-
۶	شاه کبیر	-	۲۳	۱
۷	نایچ	۱۲	-	۲
۸	شایچ	۲۰	۵	۳
جمع	۱۵۸	۱۱۴	۳۱	۱۳

جدول ۴-۱- مادی ها، مزارع، باغات و محله های حقا به دار اصفهان (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) این مقدار آب با توجه به استاندارد های امروزی آبیاری قادر است هر سال حدود ۱۸ هزار هکتار باغ و مزرعه در داخل شهر ایجاد نماید. علاوه بر آن محلات نیز جهت آبیاری باغ های محله ای و بعضی مسکن خصوصی دارای حقا به بوده اند. (همان)-

«امکان برخورداری از محیط طبیعی علاوه بر این که اکثر فضاهای شهر اصفهان صفویه سرسبز و تحت پوشش باغها، مزارع و کوچه باغهای فرح انگیز بوده است، سراسر تراس پایینی زاینده رود پوشیده از بیشه زارهای خصوصی اما بدون حصار بود، که به عنوان فضاهای تفریحی مورد استفاده عموم قرار می گرفت. خیابان طولانی و زیبای چهارباغ که خانم مادفون سوئدی از آن به تصویر بهشت یاد می کند، شامل دو خیابان سواره رو در دو طرف و یک خیابان عریض در کنار آن همراه با پیاده روهای دو جانب معابر سواره مخصوص عبور بدون دغدغه عابرین پیاده بوده و در هر یک از چهار حاشیه آن دو ردیف از درختان چنار کاشته شده بود. از این گذشته یک قطعه باغ وسیع در امتداد چهارباغ (به نام هزار جریب) که به طرز زیبایی طراحی شده بود (زمان شاه عباس اول)، باغ سعادت آباد در زمان شاه عباس دوم و باغ فرح آباد در زمان شاه سلطان حسین احداث شده بود که مورد استفاده عموم قرار می گرفت. نکته قابل مقایسه باغ شهر صفویه با باغ شهرها وارد این که در باغ شهر اصفهان ساکنین شهر همه جا یا در داخل باغ زندگی می کردند یا از میانه باغها می گذشتند و یا اطراف محل زندگی آنان را باغها فرا گرفته بود. (حیدری نژاد، ۱۳۹۱)

مسیر مادی ها، نهرها و جوی های کوچک که به روستاها، مزارع و باغ ها آبرسانی می کردند با توسعه شهری، میزان قابل توجهی از آن ها، عملکرد خود را از دست دادند و دیگر به این شبکه های آب رسانی نیازی نداشتند و بدین وسیله مسیر آنها به معابر عمومی با پیچ و خم زیادی که نهرها داشتند، تبدیل شده و می شوند و بافت های جدید شهری اغلب دارای چنین خصوصیتی است. در حقیقت شبکه های آبرسانی به معابر عمومی تبدیل شده اند. رشد و توسعه شهر عصر صفویه به ایجاد مساجد، حمام ها، مسکن اسلامی، باغات و کاخ های متعددی نیاز داشت که همه به آب نیاز داشتند و رشد و توسعه مادی ها را می طلبیدند و بدین وسیله شبکه آبرسانی شهر تکمیل گردید. در مسکن سنتی سرزمین های اسلامی، به ویژه ایران حوض ها داخل حیاط مرکزی منازل، دارای اشکال هندسی هستند که بنای مسکونی را در خود منعکس می کنند و در معماری این سرزمین گرم و خشک، نقش به سزایی داشته، طبیعت را با خود به داخل واحدهای مسکونی می برند. بدون آب هرگز واحد مسکونی نمی تواند بنیان گذاری شود و بی دلیل نیست که انسان از بدو تولد تا مرگ به آن نیاز دارد. مساجد و مدارس اصفهان در گذشته همواره دارای آبنا بوده اند. آب در ساخت و ترکیب بناهای تمام سرزمین های اسلامی وارد شده است که در کوشک ها، باغ ها، حیاط مسکن، مساجد، مدارس، کاروانسراها و... دیده می شود.



شکل ۴-۴- مادی های اصفهان (کانال های آبیاری) و چشمه های شهر در سال ۱۳۴۵ (شفقی، ۱۳۹۵)؛ کانال های آبیاری در اصفهان به نام مادی معروف است. آنها نه تنها موجب تقویت و بالا آمدن آبهای زیرزمینی می گردید، بلکه مرز تعدادی از محلات را نیز تعیین می کردند و به لطافت و خنکی هوای منطقه شهری می افزود و در واقع تمام شهر را در بر می گرفت و سطح شهر را به هم متصل می کرد. اگرچه عموماً تقسیم آب زاینده رود را به شیخ بهایی نسبت می دهند، اما گزارشاتی مبنی بر آن

است که قدمت این مادیها مربوط به اواخر عهد اشکانیان و یا آغاز دوران ساسانی است. در طومار شیخ بهایی آب زاینده رود به ۳۳ سهم تقسیم گردیده بود و در مجموع ۷۸ مادی از رودخانه منشعب می شده است. سهمیه بندی و تقسیم آب در مناطق مختلف با هدف اجرای عدالت بوده تا از زورگویی های انسان های هر زمان تا حدی جلوگیری شود. تقسیم آب با وسعت زمین های کشاورزی، حاصلخیزی و جمعیت بلوک های حوضه آبرگیر زاینده رود نسبت مستقیمی داشته و دارد.

2- 5- 4- باد

اصفهان در راستای رون اصفهان یعنی در راستای شمال غربی- جنوب شرقی قرار گرفته است. طبق تحلیل های آمده در بخش مبانی، قرار گیری شهر در این راستا نسبت به دو جهت دهی معمول دیگر شهرهای کهن ایرانی (رون راسته و رون کرمانی) در اولویت سوم قرار دارد، چرا که از باد غرب بهره می برد که چندان مطلوب نیست.

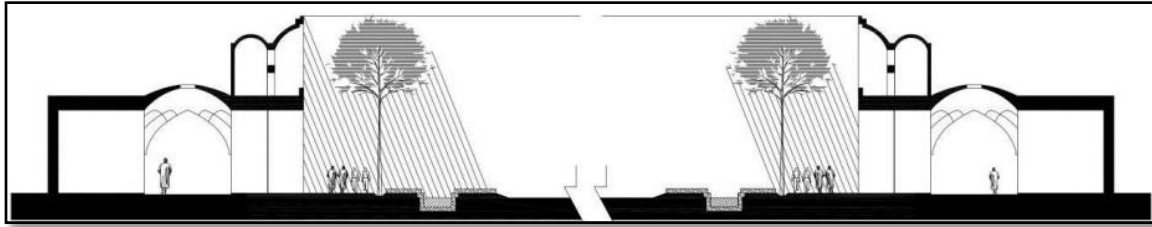
جدول ۴-۲- باد در اقلیم سرد - برگرفته از (حمزه نژاد، ربانی و ترابی، ۱۳۹۴)

شهر	نوع اقلیم	جهت باد غالب	منشا باد	مدل سازی N	ویژگی های برآمده از باد غالب
اصفهان	سرد	غرب	کوه	شهرکوه	طب اسلامی: خشم آور، ابله شدن، عجول شدن طب سنتی: در آخر شب و اول صبح اگر بوزد بهتر و خشک تر و پایان روز و اول شب بعکس.

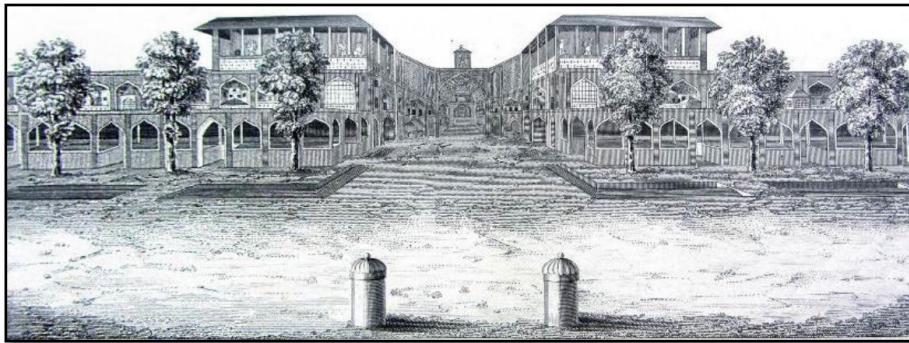
۳-۵-۴- آسایش اقلیمی میدان نقش جهان

میدان نقش جهان نمونه ای است از تلاش معماران صفویه برای برقراری آسایش اقلیمی در فضایی فراخ با محصوریت پایین که در اقلیمی پر آفتاب و خشک قرار دارد. پیوستگی بدنه میدان به همراه ارتفاع نسبتاً بلند بدنه، در چهار نقطه با ابنيه مرتفع شامل سردر مسجد جامع عباسی، سردر مسجد شیخ لطف الله، کاخ عالی قاپو و سردر قیصریه ترکیب می شود، موجب می گردد که با توجه به جهت تابش آفتاب که از سمت جنوب است، همواره بخشی از فضای باز مقابل بدنه جنوبی در سایه باشد و در مورد بدنه شرقی و غربی نیز به ترتیب در صبح و عصر سایه اندازی مناسبی به وجود آید که فضای مقابل حجره های اطراف میدان را در سایه قرار داده و موجب گسترش منطقه آسایش می شود. از طرفی محصوریت فضاهای شهری عاملی بسیار مناسب برای کاهش تاثیر بادهای نامطلوب است که اغلب گرما و گرد و غبار را به داخل فضاهای باز در اقلیم گرم و خشک می آورند و به تنظیم شرایط محیطی در فضای باز میدان کمک می کند. درختان از نظر آسایش اقلیمی تاثیر قابل توجهی دارند که عمدتاً شامل ایجاد برودت از طریق سایه اندازی در برابر آفتاب و ایجاد برودت ناشی از تبخیر آب موجود در برگ سایر اندام درخت می شود. همچنین عملیات تبخیری که توسط درختان در فضا صورت میگیرد به خوبی می تواند به کاستن از خشکی آزاردهنده هوا کمک کند. در هوای گرم و خشک برای گسترش منطقه آسایش باید از یک طرف از تابش مستقیم اشعه آفتاب در فضا با ایجاد سایه جلوگیری به عمل آورد و گرمای هوا را کاهش داد و از طرف دیگر با افزایش رطوبت، خشکی هوا را جبران نمود. علاوه بر این که وجود سطوح آب در فضا نیز با توجه به ظرفیت حرارتی بالای آب و جذب انرژی دریافتی خورشید و نیز ایجاد برودت ناشی از تبخیر آب، به تعدیل هوای گرم و خشک کمک می کند. در دوره صفویه به منظور ایجاد شرایط مطلوب محیطی در فضای باز میدان از سیستم بسیار مندرختکاری و آبیاری استفاده شده بود و اطراف میدان در نزدیکی دکانها نهر پر آبی جاری بوده که در وسط آن سنگهایی برای رفت و آمد پیاده ها گرفته بود و بین این نهر و دکانها به خط مستقیم درختهای پرشاخ و برگ و کیسان می کاشتند. همچنین ۲ حوض در مقابل سردر قیصریه و مسجد جامع عباسی وجود داشت (شهابی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵) در فضای باز میدان از اتاقک های نیمه باز استفاده شده بود، که با چوب و مصالح سبک ساخته شده بودند، ابعاد نسبتاً بزرگی داشته و سرپوشیده بودند و حالتی مشابه رواق را به وجود

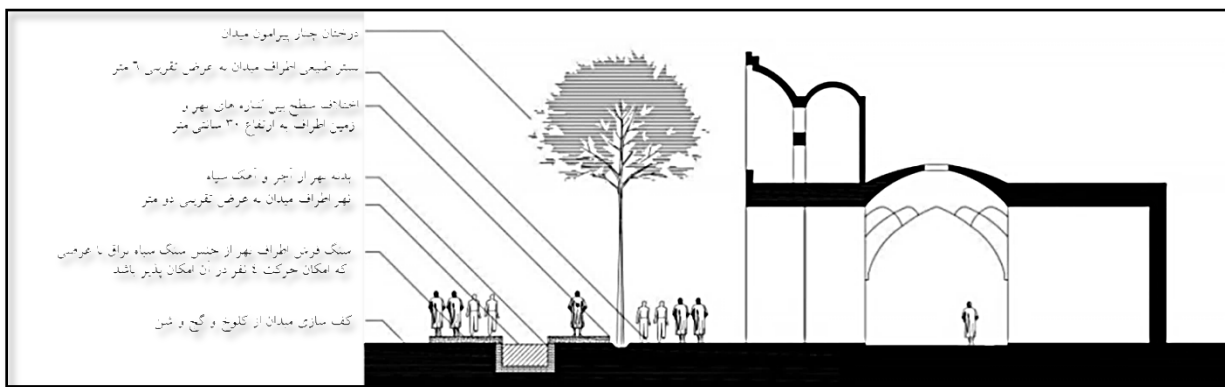
آورده بودند که در تمام طول بدنه شمالی میدان گسترده شده بود. این اتاقکها با نهر و حوض آب مرتبط بودند. بنابراین به عنوان یک فضای نیمه باز، شرایطی مابین فضای بسته بازار و فضای کاملاً آزاد میدان داشتند و محیطی مناسب را از نظر آسایش اقلیمی در فضای باز میدان به وجود می آوردند. (همان)



شکل ۴-۵- مدلسازی وضعیت سایه اندازی درختان و بدنه اطراف میدان بر فضای باز آن در ساعت دو بعد از ظهر روز پانزدهم مرداد ماه (دید از جنوب به شمال)، با استفاده از نرم افزار (همان)



شکل ۴-۶- وضعیت نهر و درختان پیرامون میدان نقش جهان در جبهه جنوبی؛ (همان)



شکل ۴-۷- پلان باز نمایی وضعیت درختان و نهر پیرامون میدان در دوره صفویه؛ (همان)

جدول ۴-۳- عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان در دوره صفویه و وضع موجود (همان)

دوره صفویه	تأثیرات اقلیمی	عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان
*	محافظت در برابر باد، آفتاب، گرما، سرما و بارش های جوی تعدیل حرارت از طریق خاصیت ظرفیت حرارتی بالای بدنه بازار	بازار
*	محافظت نسبی در برابر آفتاب در مجاورت بدنه از طریق سایه اندازی محافظت نسبی در برابر باد در مجاورت بدنه	بدنه محصور کننده میدان
*	ایجاد بروودت تبخیری جلوگیری از تابش گرما و سایه اندازی	درختان پیرامون میدان
*	خاصیت بروودت تبخیری جذب گرمای تابشی خورشید	نهر جاری در میدان و حوضهای آب
*	ایجاد بروودت تبخیری و افزایش رطوبت هوا کاهش گرد و غبار محیط	آب پاشی زمین میدان
*	قابلیت سایه اندازی در برابر آفتاب	اتاقک های سرپوشیده در شمال میدان
*	قابلیت سایه اندازی	خیمه و چادر در فضای باز
*	ایجاد بروودت تبخیری عدم قابلیت سایه اندازی	درختان سرو

۴-۵-۴- بعد زیست محیطی اصفهان امروز

روند صنعتی شدن و مصرف گرایی در سده گذشته به گونه ای بوده است که دمای هوای میانگین شهرها از جمله شهر اصفهان افزایش چشمگیری داشته است. این وضعیت علاوه بر آنکه مصرف انرژی را افزایش داده و آسایش اقلیمی را تحت الشعاع قرار داده، شهر و مردمان آن را با بحران هایی جدی مانند بحران کمبود آب روبرو کرده است. متأسفانه در تأثیر مستقیم محورهای اقلیمی شهر و روستا بر یکدیگر، روستاها و به تبع آن کشاورزی نیز دچار مشکل شده است. چنانچه در اصفهان در سال های گذشته با کمبود جدی آب، مشکلات فراوان کشاورزان و اعتراضات مردمی در این زمینه روبرو بوده ایم و علی رغم انتقال آب از شهر دیگر به اصفهان، این مشکلات به قوت خود باقی است. از بزرگترین علل این بحران ها احداث کارخانه هایی با مصرف بالای آب در اصفهان بوده است، در صورتی که اصفهان در منطقه ای کویری واقع شده و این مکانیابی ضعیف به شدت شهر را دچار مشکل کرده است.

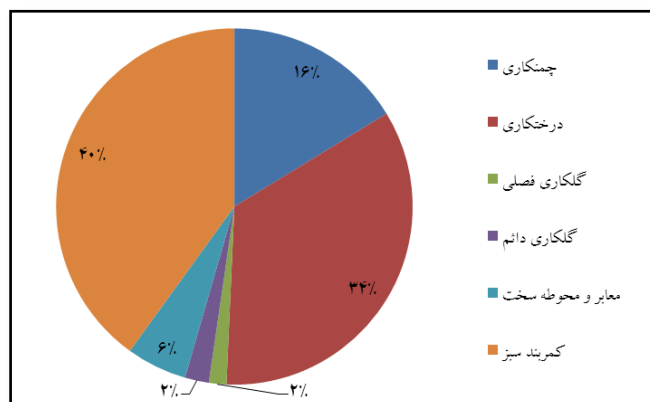
• الگوی شهرسازی غیر بومی و مشکلات آن در شهر اصفهان

بعد از دوره مدرن تفکری به وجود آمد که معتقد بود:

"اگر الگویی مشابه برای شهرها خلق کنیم، می توانیم راحت تر به مشکلات و معضلات شهری بپردازیم، در واقع درمانی آسان تر برای شهرها پیدا می شود، بنابراین انرژی کمتری برای برنامه ریزی لازم می باشد. معماری ساختمان ها در هر منطقه جغرافیایی و فرهنگی مشابه یکدیگر هستند با تکنولوژی جدید می توان محدودیت ها را رفع کرد، طراحی مشابه وقت کمتری از معماران و طراحان می گیرد مواد و مصالح مشابه برای تمام مناطق تولید می شود، بنابراین انرژی کمتری را می گیرد، نمای تزئینی ساختمان ها سنگ، سیمان و سرامیک می شود تا با پایین آوردن قیمت انرژی کمتر نیاز باشد."

اما این تشابه و یکسان سازی در معماری و شهرسازی انرژی بیشتری از بشر صرف می نماید. از طرفی انرژی بالایی برای ایجاد فضاهای جدید لازم است، و از طرف دیگر انرژی بیشتری برای حفظ این فضاها نیاز است. همچنین تخریب و تبدیل معماری و شهرسازی جدید نیز انرژی بیشتری نیاز دارد. در شهر اصفهان بعد از دوره مدرن یعنی شهرسازی با سبک و معماری جدید شهر از نظر "ماده" و "صورت" متفاوت از قبل شد. این تفاوت از سبک شهرسازی شروع و تا معماری منازل نفوذ کرد، نمای آجری و خشتی جایش را به نماهای سیمانی و سنگی داد، خشت های پیاده رو جایشان را به موزاییک ها دادند و فضاهای سبز جدید مثل چمن، درختان کوچک و تزئینی جای فضاهای سبز قدیمی مانند درختان بلند قامت چنار، توت و سرو را گرفتند. مصالح تزئینی جدید هر چند برخی موارد توانستند راحتی برای انسان ایجاد کنند و انرژی کمتری را مصرف نمایند ولی در بلند مدت مشکلات گسترده ای ایجاد نمودند؛ برای نمونه سنگ و موزاییک که جای خشت را گرفته بود با انرژی کمی نصب می شوند و راحت تر تمیز می شوند بنابراین صرف انرژی و هزینه کمتری را باعث خواهند شد، ولی در بلند مدت تاثیر عکس داشته و انرژی زیادی را به خود اختصاص می دهند. سیمان، بتن، موزاییک و سنگ با توجه ویژگیهایی که دارند انرژی زیادی را در خود جذب و نگهداری می کنند، شهر اصفهان با توجه به این که در اقلیم گرم و خشک است دارای تابستان گرم و زمستان سرد می باشد؛ بنابراین در تابستان نیاز به سرد کردن و در زمستان نیاز به گرم کردن دارد، اما مصالح یاد شده فرایندی معکوس را ایجاد می نمایند. در تابستان در طول روز که طولانی نیز می باشد این مصالح انرژی گرمایی زیادی به خود می گیرند. جذب انرژی بالا در طول روز منجر به گرم شدن شهر می شود از طرف دیگر در طول شب این انرژی آزاد می شود، بنابراین ساختمان ها در طول شبانه روز نیاز به انرژی زیادی برای تعدیل هوا دارند، در زمستان نیز فرایند معکوسی وجود دارد این مصالح در طول شب سرمای بالایی را جذب و در طول روز رها می کنند و باز هم انرژی قابل توجهی برای کاهش دما نیاز می باشد. از طرف دیگر تغییرات سریع دمایی به خصوص در سنگ شکنندگی و کاهش طول عمر این مصالح را در مناطق خشک مثل اصفهان را در پی دارد؛ در مقابل، خشت و مصالح بومی تغییرات دمایی کمتری دارند و دمای کمتری در خود جذب می نماییم و واکنش کمتری نسبت به تغییرات دمایی دارند. همچنین با توجه به خشک بودن هوای شهر

اصفهان و حرکت خاک و ریزگردهای خاکی نیاز کمتری به تمیز کردن خشت و آجر می باشد ولی نماهای شیشه ای، سنگ فرشها و سنگ های تزئینی نیاز بیشتری به شستشو و تمیز کردن دارند. الگوی شهرسازی در شهرهای امروزی نه تنها در کاربری های مسکونی، تجاری تغییر ایجاد نموده است، بلکه فضای سبز شهر را نیز تغییر داده است. فضاهای سبز جدید، الگویی غربی داشته و با اقلیم شهرهای غربی هماهنگ هستند. نوع درختان، چمن و گل ها با اقلیم بومی ایران سازگار نبوده است و در خود ایران نیز فضای سبز شهری در شهرهای با اقلیم متفاوت یکسان می باشد. در نوع فضای سبز شهری توجهی به آب و خاک و آب و هوا نیز نمی شود. مسأله مهم تر در فضای سبز شهری عدم توجه فرهنگ بومی و دینی است که مغایر با این فرهنگ و اقلیم است. فضای سبز در شهرهای کویری درختان با سایه زیاد و مصرف آب کم می باشد، که در خیابان های قدیمی شهر می توان مشاهده نمود. اما در فضای شهری مدرن، زیبایی مدرن در اولویت است. فضای سبز معمولاً شامل درختان کوتاه قامت و غیر مثمر مانند شمشاد و چمن است که مصرف آب بالا و نیاز به نگهداری زیادی را در پی داشته و چندان در تعدیل هوا کارایی ندارد. کارایی فضای سبز شهری در برنامه ریزی شهری شهرهای امروزی کمتر مورد توجه قرار می گیرد و تغییر کارکرد "کارایی" به کارکرد "زیبایی" شکل گرفته است. غلامی بامرغ، (۱۳۹۱)



شکل ۴-۸- وضعیت فضای سبز در شهر اصفهان؛ در سال ۸۹ از مجموع فضای سبز شهر اصفهان در حدود بیش از ۲۳ درصد مساحت چیزی حدود ۳۴۱ هزار متر مربع به چمنکاری اختصاص دارد با مصرف بالای هر متر مربع چمن نیاز دارد روزانه مقدار زیادی از آب شهر خشک و کویری اصفهان به آبیاری چمن اختصاص میابد این مقدار آب اگر صرف کشاورزی یا درختکاری شود میتواند مقدار خیلی زیادی را آبیاری نماید. (همان)

• تأثیر الگوی توسعه الگوی شهرسازی بر آلودگی محیط زیست شهری

شهرها از نظر بیولوژیکی در استفاده از منابع حیاتی همچون هوا، آب و غذا در متابولیسم شهری همچون انگل عمل می کنند. هرچه شهر بزرگ تر باشد از اطراف خود بیشتر طلب می کند و بدین ترتیب خطر تخریب محیط زیست افزایش می یابد. یکی از اثرات این توسعه کالبدی، گسترش در حاشیه شهر یا منطقه ده-شهرها در آن سوی مرزهای اداری شهرها است. این توسعه شهری به سوی مناطق بیرونی پیش رفته و موجب تغییراتی در

کاربری اراضی پیرامونی آن می شود. علی رغم این موضوع طرح های شهری نگرشی مبتنی بر کیفیات یک سیستم بسته و منفک از محیط بوده و در شرح خدمات طرح های شهری قدیمی و جدید ایران برنامه ریزی منطقه ای نقشی کم رنگ دارد. بدین ترتیب با توجه به بعد زیست بومی گشودگی و عنایت به این مهم که هر چه سیستم پیچیده تر گردد، وابستگی بیشتری به محیط و مسائل زیست بومی خود می یابد؛ شهرها، همواره تحت تأثیر نیروها و عوامل گوناگونی شکل گرفته و گسترش می یابند، لذا شناخت و مکانیابی اراضی مناسب برای توسعه کالبدی شهرها بسیار ضروری است. تحلیل تناسب زمین برای گسترش شهرها فرآیندی است که به ارزیابی های دقیقی نیاز دارد.

الگوی توسعه شهر اصفهان، آسیب های اجتماعی اقتصادی و به ویژه پیامدهای نامطلوب زیست محیطی مانند تغییر کاربری زمین های کشاورزی، آلودگی هوا، آب، خاک، تأثیرات منفی بر فضای سبز شهری و غیره را به بار آورده است. بر این اساس یافتن الگویی مناسب در جهت رشد و توسعه کالبدی شهر اهمیت ویژه ای یافته و باید در برنامه ریزی ها مورد توجه قرار گیرد و با توجه به رشد سریع شهر اصفهان در دهه های اخیر ضمن تخریب زمین های کشاورزی و فضای سبز پیرامون شهر موجب دگرگونی های بس قابل توجهی در کاربری اراضی حومه و حوضه های نفوذ خود گردیده است. «غلامی بيمرغ، ۱۳۹۱» توسعه افقی شهر در این دوره بسیاری از کاربری های زیست محیطی مانند پوشش گیاهی را به نفع کاربری های انسانی ساز که مشکلات زیست محیطی ایجاد می نمایند. بسیاری از کاربری های تغییر یافته در اطراف شهر اصفهان در کاربری ساخته شده می باشد که بیشتر از کاربری کشاورزی و پوشش گیاهی کاسته شده است. بیشترین افزایش سطوح کاربری در منطقه شهری اصفهان مربوط به کاربری های ساخته شده در طی سالهای اخیر می باشد. این افزایش به ترتیب میزان کاهش مربوط به اراضی مرتعی با بیشترین میزان و اراضی آبی با در رتبه دوم بوده، ولی کاربری های کشاورزی و بایر به ترتیب دارای افزایش هستند. شهر اصفهان رشد و گسترش فضایی کالبدی - قابل توجهی را تجربه کرده است. افزایش فضاهای ساخته شده آثار زیست محیطی زیادی از قبیل تولید و افزایش انواع آلودگی ها، کاهش سطوح فضای سبز و باز شهری، افزایش تولید زباله و افزایش میزان مصرف منابع طبیعی و انرژی و مانند آن را به شهر و نواحی شهری تحمیل کند (همان)

• آسایش اقلیمی در میدان در وضع موجود

میدان نقش جهان (میدان امام) به عنوان نمونه ای که در عصر صفوی نیز بررسی شد، تا حدودی ساختار خود را حفظ کرده است، اما با توجه فضا سازی های جدید و انتخاب هایی متفاوت در کاشت گیاهان و نصب سایبان ها و.. آسایش اقلیمی آن در وضع موجود جالب توجه است. در حال حاضر بازار پیرامونی میدان از فضاهای فعال و اصلی میدان محسوب می شود و از نظر اقلیمی همانند دوره صفویه شرایط محیطی مطلوب و متعادلی را برای افراد به وجود می آورد. به همین دلیل در بسیاری از مواقعی که شرایط محیطی در فضای باز میدان از محدوده آسایش خارج می شود، مانند بروز گرمای بسیار زیاد یا بارش های جوی، مردم به این بازارها پناه آورده و تراکم

حضور مردم در بازار نسبت به فضای باز میدان به شدت بالاتر می رود. بدنه های محصور کننده میدان که هم چون گذشته با ایجاد سایه اندازی و محافظت نسبی در برابر باد، به تعدیل شرایط اقلیمی در مجاورت بدنه ها کمک می نماید، از دیگر عوامل موثر در آسایش اقلیمی است. در مورد عنصر آب در میدان باید گفت که امروز نهر عریضی که در گذشته از آن آب جاری می گذشت، به جوی باریک بی آبی تبدیل شده که نقش دفع آب های سطحی را دارد. حوض آبی که در مقابل سردر مسجد شاه قرار داشت، هنوز هم در میدان مشاهده می شود ولی سال هاست که خالی از آب است. حوض مقابل سردر قیصریه نیز هر چند در گذشته تخریب شده بود و اثری از آن باقی نمانده بود، اما در سال 1388 احیا شد و امروزه به طور مصنوعی آب را در آن جاری کرده اند. حوض وسیعی که امروز در وسط میدان مشاهده می شود و سطح قابل توجهی از فضای میدان را اشغال کرده است، مربوط به دوره پهلوی اول است. این حوض هر چند فاقد اصالت تاریخی است اما از نظر تعدیل حرارت، اثرات مثبتی را بر روی آسایش اقلیمی در میدان دارد و درباره آن می توان به نقش برودت تبخیری آب و نیز جذب گرمای تابشی از آفتاب اشاره کرد. (شهابی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵)



شکل ۴-۹-وضع موجود نهر پیرامون میدان؛ که تنها محلی برای دفع آبهای سطحی می باشد و در سایر مواقع خشک و بی آب است؛ (همان) // **شکل ۴-۱۰-**حوض مسجد جامع؛ که سالهاست خشک و بی آب مانده است؛ (همان)

«عناصر سبز میدان در طول تاریخ چهارصد ساله آن بارها دچار دگرگونی شدند و امروز ترکیب کلی فضای سبز میدان به کلی نسبت به آنچه در دوره صفویه بوده تغییر نموده است. در حال حاضر محدوده فضای باز میدان پوشیده از محوطه های وسیع چمن کاری، درخت کاری و بوته کاری است. به نحوی که سطح عمده فضای باز میدان را سطوح سبز تشکیل می دهد که این ترکیب کاملا در تناقض با وضعیت دوره صفویه است (فضاهای سبز موجود با توجه به اثرات برودت تبخیری حاصل از آنها و نیز تأثیر آنها در جذب گرمای تابشی خورشید بر کف میدان، تا حد زیادی برای تعدیل شرایط اقلیمی در میدان مفید هستند و به کاهش شدت گرمای ناشی از تابش آفتاب کمک کرده اند، هر چند که از نظر اصالت تاریخی چنین ترکیبی هیچ پیشینه ای در وضعیت اولیه میدان ندارد. هم چنین این سطوح سبز از نظر نظام فعالیتی و نظام دید و منظر، مشکلات متعددی را به وجود آورده اند.

درختانی که هم اکنون در میدان هستند اغلب از نوع سرو نوش، سرو لاوسون هستند. این درختان از نوع همیشه سبز هستند. این در حالی است که لزومی ندارد در میدان درخت همیشه سبز داشته باشیم، زیرا اساساً با توجه به ماهیت میدان به عنوان یک فضای شهری، لزوم وجود درخت در محوطه میدان بیش تر به دلیل ایجاد آسایش اقلیمی است. بنابراین در زمستان که با مشکل گرمی هوا روبه رو نیستیم و تابش آفتاب آزار دهنده نیست، نیازی به سبز بودن درختان نیست و می توان با داشتن درختان برگ ریز، در فصل پاییز و زمستان نمای متفاوتی از میدان را بدون آنکه بخش هایی از آن توسط درختان پوشیده گردد مشاهده کرد. موضوع دیگری که در مورد نوع گونه های درختی مطرح است، قابلیت سایه اندازی آن ها است. درختان سرو موجود در میدان به دلیل شکل خاص خود که به صورت مخروطی هستند، همچنین به دلیل کوتاه و کم حجم بودن، قابلیت سایه اندازی مناسبی ندارند. این موضوع باعث شده علاوه بر محورهای حرکتی میدان که فاقد سایه درختان است، در مورد نقاط مکث و استراحت که شامل نیمکت ها و عناصر محیطی دیگر بوده، سایه اندازی مناسبی وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر از آن جا که اکثر تجهیزات مکث و استراحت عابران پیاده شامل نیمکت و صندلی و سکوها در فضاهای باز میدان و به دور از عناصر سایه انداز قرار دارد، در ساعات گرم روز که اکثر این تجهیزات زیر تابش مستقیم آفتاب قرار دارد امکان استفاده از آنها بسیار کم خواهد بود. این وضعیت کاملاً بر خلاف دوره صفویه است که نقاط مکث و استراحت مردم مکانهایی چون حاشیه نهر اطراف میدان، یا اتاقکهای چوبی شمال میدان یا خیمه و خرگاه در فضای میانی میدان بود که همگی در زیر سایه و در پناه بودند. در وضع کنونی به دلیل نبود درختان سایه انداز در مقابل بدنه های میدان، در ایام مختلف سال در ساعات گرم روز همواره بدنه شمالی میدان و یکی از بدنه های شرقی یا غربی، در معرض تابش مستقیم آفتاب قرار می گیرند که این موضوع در ایام گرم سال بسیار آزاردهنده است و به همین دلیل مغازه داران مجبور شده اند برای تعدیل این شرایط سایه بان هایی را در بالای مغازه های خود نصب کنند تا سایه ای نسبی را در فضای مقابل مغازه ها به وجود بیاورد. اما این سایه ها ناکافی است و برای افرادی که در مقابل این مغازه ها در حال حرکت هستند نمی تواند ایجاد راحتی نماید. بنابراین کیفیتی که در گذشته در میدان وجود داشت و شاردن به آن اشاره کرده بود که همواره در فضای باز میدان جایی وجود داشته که انسان بتواند در سایه آن بیاساید در وضع کنونی از میان رفته است. (شهابی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵)



شکل ۴-۱۱- نمونه درختان موجود در فضای باز میدان که فاقد خاصیت سایه اندازی هستند (شهابی نژاد، ابوبئی و دیگران، ۱۳۹۵)

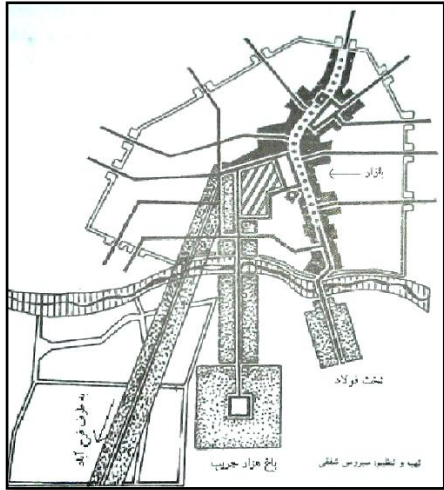
جدول ۴-۴- عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان در دوره صفویه و وضع موجود (همان)

عوامل ایجاد آسایش اقلیمی در میدان	تأثیرات اقلیمی	دوره صفویه	وضع موجود	تداوم یا اصالت تاریخی
بازار	محافظت در برابر باد، آفتاب، گرما، سرما و بارش های جوی تعديل حرارت از طريق خاصیت ظرفیت حرارتی بالای بدنه بازار	*	*	تداوم نسبتاً کامل
بدنه محصور کننده میدان	محافظت نسبی در برابر آفتاب در مجاورت بدنه از طریق سایه اندازی محافظت نسبی در برابر باد در مجاورت بدنه	*	*	تداوم نسبتاً کامل
درختان پیرامون میدان	ایجاد برودت تبخیری جلوگیری از تابش گرما و سایه اندازی	*	-	عدم تداوم
نهر جاری در میدان و حوضهای آب	خاصیت برودت تبخیری جذب گرمای تابشی خورشید	*	-	عدم تداوم
آب پاشی زمین میدان	ایجاد برودت تبخیری و افزایش رطوبت هوا کاهش گرد و غبار محیط	*	-	عدم تداوم
اتاقک های سرپوشیده در شمال میدان	قابلیت سایه اندازی در برابر آفتاب	*	-	عدم تداوم
خیمه و چادر در فضای باز	قابلیت سایه اندازی	*	-	عدم تداوم
درختان سرو	ایجاد برودت تبخیری عدم قابلیت سایه اندازی	*	*	عدم اصالت تاریخی
سطوح چمن کاری و بوته کاری	ایجاد برودت تبخیری جذب گرمای تابشی از خورشید بر سطح کف میدان	-	*	عدم اصالت تاریخی
حوض آب وسیع در وسط میدان	خاصیت برودت تبخیری جذب گرمای تابشی خورشید بر سطح کف میدان	-	*	عدم اصالت تاریخی
سایه با نهایی روی بدنه ها	قابلیت سایه اندازی بر محدوده مقابل دکانهای پیرامون میدان	-	*	عدم اصالت تاریخی

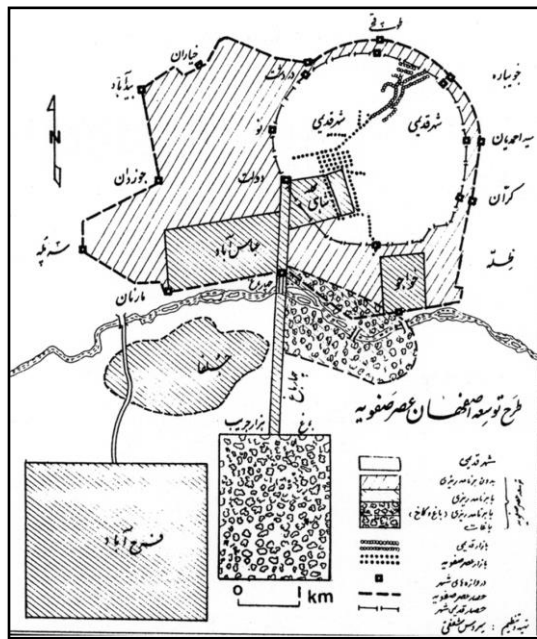
همچنین مبحث باد در اصفهان، علی رغم مطلوبیت نسبی آن به علت جهت دهی ابنیه در راستای رون اصفهانی در بافت های کهن، امروزه با ساخت و سازهای بی رویه و مختل کردن جریان های هوای سالم و حبس آلودگی های هوایی در آن عملاً بی اثر شده است.

6-4 - ساختار فضایی

چنانچه در مبحث "شار مکتب اصفهان" اشاره شد، نکته قابل توجه در استخوان بندی اصلی شهر، پدیدار شدن یک حوزه وسیع عملکردهای تفریحی و سیاحتی در حاشیه محور چهارباغ و در تلفیق ماهرانه با رودخانه زاینده رود و سی و سه پل است. بدین ترتیب، چشم انداز توسعه شهر به آن سوی رودخانه و در اراضی هزار جریب طراحی می شوند. عناصر اصلی شهر بر روی محور اصلی یا ستون فقرات شهر (محور شمالی - جنوبی) قرار گرفته اند. این محور همان راه ابریشم مروارید است که از وسط شهر می گذرد لذا استخوان بندی اصلی در مرکز ثقل شهر واقع است. اطراف این محور تلاقی دو راه اصلی شهر - شمال شرقی به جنوب غربی و جنوب شرقی به شمال غربی واقع است. اساس ساختار کالبدی شهری در این مقطع تاریخی، تلاقی دو محور اصلی ارتباطی بوده که امتداد یکی از این دو محور محل تلاقی تغییر مکان داده و گشایش به صورت میدان به دست آمده است که بوجود آورنده تمرکزی از نوع هسته ای در محل تلاقی بوده است. عناصر اصلی ساختار اصلی شهر مثل مسجد و قصر حکومتی در این هسته شکل گرفته اند و بازار بصورت عنصری خطی از دو سمت این هسته اصلی و در راستای محور اصلی تر، در دو جهت گسترش یافته است. به علت آنکه همه معابر اصلی شهر به میدان کهنه ای که در حاشیه ی یهودیه و سپس در قلب اتصال یهودیه به خوزنیان واقع بوده ختم می شوند، ساختار اصلی شهر شکلی از یک الگوی شعاعی بخود گرفته است. با گسترش سطح شهر در این دوره به سوی جنوب، قسمت تازه ساز آن در کنار زاینده رود قرار می گیرند. لذا نه تنها این عناصر طبیعی عامل کشش ساختار اصلی شهر به سوی خود می شوند، بلکه به دلیل احداث و بازسازی پلهای متعدد که شهر را با محلات آن سوی رودخانه نیز محور جدیدتر توسعه شهر (هزار جریب) پیوند می دهند، خود جزئی از ساختار اصلی شهر می شوند و به عنوان یک محور شرقی - غربی قوی، از این مقطع تاریخی در ساختار شهر مطرح می شوند. با ایجاد خیابان عریض و طویل چهارباغ، ناحیه شاهی در شمال زاینده رود با گذشتن از پل الله وردیخان در منطقه بیلاقی وسیع هزار جریب متصل می شود. در این دوران جهت رشد رو به سمت جنوب و غرب (به طرف رودخانه) بوده است. ساختار اصلی در دوره قدیم به سوی جنوب غربی گسترش یافته و قبل از رسیدن به دروازه جنوبی (دروازه اشرف)، در بخشی از راستای بازار که خلاء عملکردی از لحاظ فضاهای تجاری داشته، مجموعه جدید شهر پایه گذاری می شود. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲) «در ساختار اصلی شهر و شبکه ارتباطی اصلی آن، سه عملکرد حکومتی، مذهبی، تجاری قابل ذکر است که هر یک حوزه‌های مجزا ولی مجاورت قابل توجه داشته اند. فضای باز و وسیع میدان کهنه که ابتدا امکان اسپروانی و سپس چوگان و داد و ستد می باشد در این دوران به عنوان فضایی مشترک بین عملکرد حکومتی و مذهبی برای اجرای مراسم مذهبی یا گردهمایی های مختلف استفاده شده که الگوی مناسبی از ترکیب عملکردهای ستون فقرات شهر را مطرح می کند.» (همان، ۸) هماهنگی و پیوستگی بناهای مهم شهر شهری یکپارچه را حاصل شده، این یکپارچگی که به وحدت انجامیده نه تنها در شهر که در امتداد شهر یعنی در مسیرهای برون شهری نیز به چشم می خورد و پل ها و کاروانسراها و .. در هماهنگی با مجموعه شهر است.



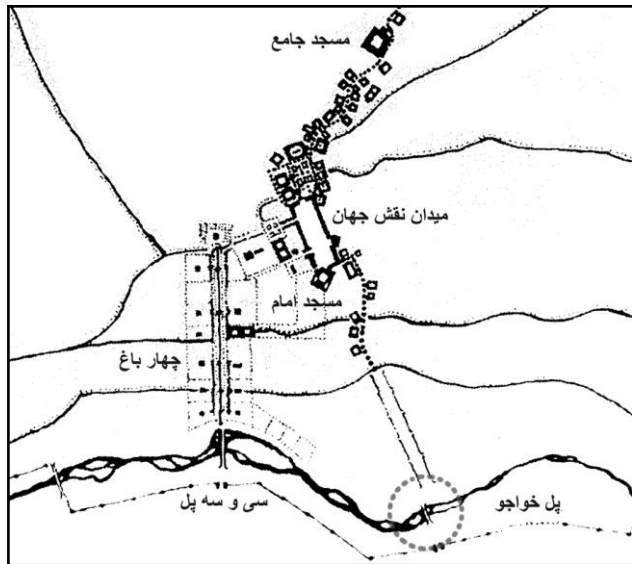
شکل ۴-۱۲- محوره‌های توسعه شهر اصفهان؛ در طرح توسعه شهر اصفهان سه محور اصلی وجود دارد: ۱- محور بازار که استخوان بندی قدیمی شهر بوده و توسعه شهر تا عصر شاه عباس اول در پیرامون آن صورت گرفته است که جنوبی ترین قسمت آن به تخت فولاد و جاده شیراز منتهی می گردید. ۲- محور چهارباغ که در زمان شاه عباس اول پدید آمده و شهر را به طرف جنوب زاینده رود توسعه داده است که در جنوبی ترین قسمت آن باغ هزار جریب قرار داشته است. ۳- سومین محور توسعه که در اواخر عصر صفویه ایجاد شده، مرکز شهر را از طریق چهارباغ، محله عباس آباد، لنبان و پل مارنان به فرح آباد وصل می کرده. ۳/ محور توسعه شهری، از یک طرف محلات مسکونی شهر را مستقیماً یا از طریق محورهای فرعیتر به بازار متصل میکرد و از طرف دیگر، ارتباط شهر و بازار را با محوطه های خارج از حصار، از طریق دروازه های شهر فراهم مینمود. عملکردهای عمومی، بدنه های اصلی این محورها را تشکیل میداد و پراکنندگی فعالیت ها را در سطح شهر تامین می نمود. (شفقی، ۱۳۹۴)



شکل ۴-۱۳- شهر قدیمی و محله های جدید در طرح توسعه اصفهان دوره صفوی (حقیقت بین و دیگران، ۱۳۹۲)؛ باغ شهر اصفهان در دوره صفوی بنا بر نوشته های "پیترو دلواله" سیاح زمان شاه عباس اول، به وسیله تقاطع عناصر اصلی نظام دهنده شهر (رودخانه و محور چهارباغ، مطابق با مدل باغ ایرانی) در عین پیوستگی به چهاربخش اصلی تقسیم می شد که گروه های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش های مجزا جای می داد. دولت صفوی برای ایجاد شهر جدید ابتدا سایت و ویژگی های شهر قدیم و عوامل بالقوه سایت، به ویژه زاینده رود و باغ های باقی مانده از دوران قبل را شناسایی کرد، سپس به عنوان بهترین و سریع ترین شیوه و مطابق با ویژگی های زندگی شهری در دوره تیموریان که احداث اقامتگاه ها و باغ های

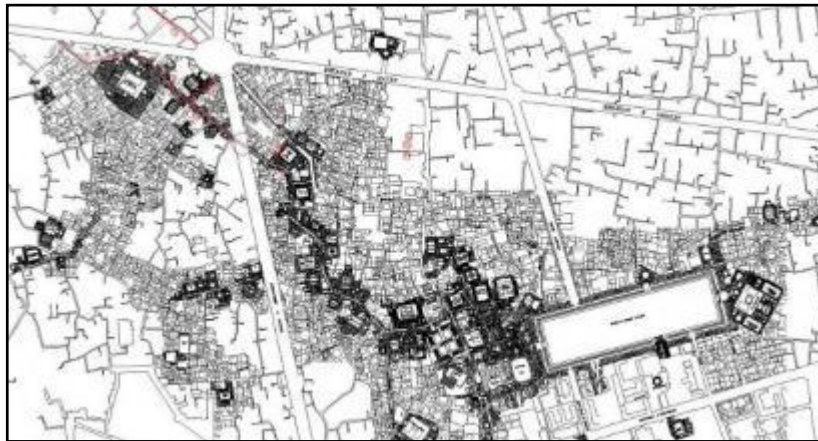
برون شهری بود، بدون ایجاد خرابی و آسیب، با ادغام شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاطهای داخل و میدان ها و باغ های متعددی ایجاد کرد و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغ شهر باعث نفوذ طبیعت به داخل شهر شد. علاوه بر این موارد که بیشتر نتیجه امنیت و توسعه فرهنگی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، به احتمال قریب به یقین استفاده از باغها و مدل باغشهر برای توسعه شهر اصفهان، با جهانی بینی شیعه و

باورهای مذهبی صفویان، که خود را مدافع و مبلغ مذهب تشیع می دانستند، ارتباطی مستقیم دارد. در این باره آن ها از مدل باغ شهر با هدف تجسم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان استفاده کرده اند. (همان)



شکل ۴-۱۴- قرارگیری پل های مدخل شهر در راستای مسجد و چهارباغ (افهمی، نبوی و دیگران، ۱۳۹۲)؛ مکانیابی و استقرار هماهنگ بناها، در این مکتب، تنها به بناهای شهری محدود نگشته بلکه ادامه این روند، در خارج از شهر نیز گسترش یافته است. به گونه ای که راهها و مسیرهای برون شهری نیز، در هماهنگی با مجموعه شهر قرار داشته، پل ها، در مدخل شهر و در راستای راه یابی به مدینه تمثیلی یا چهارباغها، به نمادی از راهی به سوی بهشت بدل گشته، و کاروانسراهای ساده و بی پیرایه، همچون منازلی در راه سلوک، به موقعی

موقعی برای سالکان تعبیر می شوند. و بدین گونه تجلی این ایده کلان و باورها را می توان در معماری و شهرسازی عصر صفوی مشاهده نمود. (همان، ۶۳)

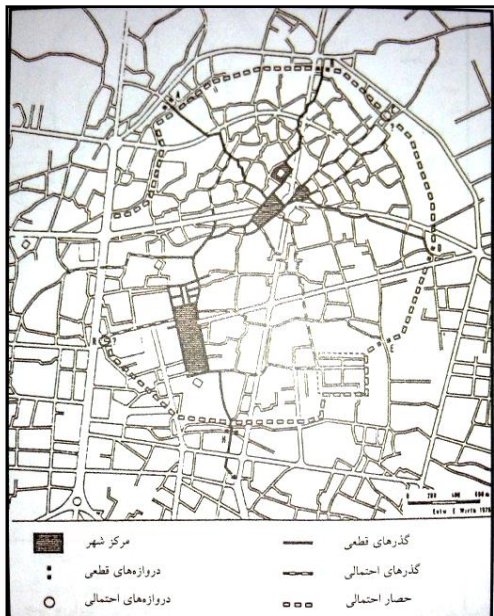


شکل ۴-۱۵- بازار اصفهان؛ از شهر گذر کرده و بافت آن را به هم پیوند داده است. ساختار فضایی شهر اصفهان در عصر صفوی با سه عنصر اصلی رود (زاینده رود)، بازار و خیابان (چهار باغ) شکل می گیرد.

«شهر اصفهان از آغاز قرن ۱۱ هجری (۱۷م) بنابر ابتکاری تازه بر اساس خواسته شاه عباس از محدوده قدیم خود در سمت شمال و در محدوده مسجد جامع توسعه ای را طبق برنامه آغاز کرد. اندیشه بر این بود که دستگاه حکومتی در فضایی تازه و گسترده سازمان یابد ولی محدوده شهر قدیم هم از درجه اعتبار و اهمیت خود باز

نماند. بر این اصل محدوده توسعه و رشد تازه شهر، بر اساس سازمان دادن یک بازار از محل میدان قدیم و مسجد جامع تا میدان جدید بر رونق بخشی جدید افزود. در همه جای نظام شبکه مزبور، مراعات رابطه و فضاها مورد نیاز شده بود. تنوع فضاهای ساختاری در مجموعه ترکیب فضاهای شهری دوره صفویه که از اوایل ۱۶۰۰ میلادی شروع شد مجموعه هایی در عین نامساوی بودن با زوایای مختلف ولی متعادل و هماهنگ تلفیق شده اند که به نظر میرسد، نسبت به عصر خود مشابهی نداشته و از نظر شیوه تفکر، بالاتر از مشابه آن در شهرهای مهم اروپایی بوده است. نکته اساسی که در رابطه با اقدامات شهرسازی شاه عباس در اصفهان حائز اهمیت میباشد، این است که اگر چه شاه عباس طرح خود را از خارج شهر آغاز کرد ولی دستگاه سلطنتی وی در مرکز شهر قرار گرفت. در حقیقت اصفهان قدیم بخشی از طرح شاه عباس برای پایتخت جدید خود را تشکیل می داد. لذا با روشن بینی و آینده نگری، با این که کاخها و مقر حکومتی خود را در خارج از شهر قدیم بنا کرد، به زودی با توسعه و گسترش شهر دستگاه حکومت و کاخهای سلطنتی در کانون شهر قرار گرفت. موقعیت و مکان شاه عباس در شهر، بین دو عنصر اساسی ساخت شهر که توسط وی ایجاد شدند، یکی میدان نقش جهان و دیگری خیابان چهارباغ، قرار داشت. در واقع یکی از دروازه های اصلی کاخهای سلطنتی شاه (عالی قاپو) رو به میدان و دیگری در محل فعلی شهرداری اصفهان به خیابان گشوده می شد. در زمان شاه عباس با پایتخت قرار گرفتن اصفهان نیاز به گسترش شهر ایجاد شد. محدود بودن زمین ها در داخل بافت قدیم از یک طرف و مشکل مالکیت های خصوصی از طرف دیگر، دولت وقت را مجبور به گسترش شهر به طور باز و در کنار شهر قدیم نموده است. ایجاد بازار قیصریه در امتداد بازار قدیم و طراحی میدان نقش جهان که از شاهکارهای آن دوره می باشد، عناصر مورد نیاز گسترش شهر را ایجاد نموده است. با استقرار شاه عباس در خارج شهر و ایجاد میدان نقش جهان و مجموعه اطراف آن شامل مساجد لطف الله و شاه، بازار قیصریه و عمارت عالی قاپو، مرکزیت شهری اصفهان از میدان کهنه و عتیق و مجموعه اطراف آن به میدان جدید، منتقل گردید. اما این انتقال به صورت قطعی و کامل صورت نگرفت و باعث گردید مرکزیت شهری پایتخت از حالت تک قطبی بودن به شکل دو قطبی میان میدان کهنه و میدان نو درآید. در این ارتباط بازار به عنوان یک عامل ارتباطی این دو قطب و مرکزیت شهری را به یکدیگر متصل می ساخت. از برکت این دو قطبی بودن، بازار اصفهان بعداً توسعه یافت و مانند پلی بین دو شهر کهنه و نو قرار گرفت. انتخاب اصفهان به پایتختی فی نفسه یک ابتکار نبود. چرا که قبلاً در دوره های گذشته، اصفهان پایتخت و مرکز کشور بوده است، ولی نحوه استقرار و راهبردی که شاه عباس برای دخالت در شهر و ساماندهی آن برگزید را می توان یک عمل ابتکاری و کم سابقه در عرصه اقدامات شهرسازی از طرف وی محسوب داشت. راهبرد وی برای طرح اصفهان، عدم دخالت در بافت شهر و تخریب آن بود. به همین منظور طرح جدید در زمین های باز (باغ شاه و اراضی عمومی) و دور از محدودیت ها و مشکلات شهر قدیمی پیاده شد. به طور کلی بیشتر اقدامات انجام شده در زمان شاه عباس در اصفهان را می توان جزو موارد ابداعی عنوان نمود.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱)

در شهر اصفهان مانند مدلی از شهر اسلامی که دتمان ترسیم می کند، مسجد جامع و بازار اطراف آن قدیمی ترین هسته های شهری هستند.



شکل ۴-۱۶-اصفهان در قرن ۱۱ میلادی (قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری قمری) (شفقی، ۱۳۹۴)؛ این نقشه توسط ویرت تهیه شده که به مدل شهر اسلامی او در بخش دوم اشاره شد (شکل ۲-۱۶) در این طرح، مسجد جامع با میدان شهر و شبکه راه های داخلی شهر که به دروازه های آن منتهی می شود، ملاحظه می گردد. قلعه دفاعی شهر به نام طبرک نیز در یک هزار سال پیش در جنوب شرقی حصار قدیمی مکان گزینی شده است، اما در جنوب غربی شهر، آثار شهر را ثابت کند، در دست نیست و آثار باستانی مهم که بتواند آن را تایید کند، در اختیار نویسنده نبوده است. مشاهده دو شکل ۲-۱۶ و ۴-۱۶ بیانگر آن است که الگوی کلی و مدل اصلی شهر اصفهان، با شکل و مدل های اسلامی که دانشمندان یادشده برای آن ترسیم کرده اند،

همخوانی دارد و از این رو می توان گفت که اصفهان از نظر طرح و شکل کلی، یک شهر اسلامی است. (همان)

1- 6- 4- اندازه و جمعیت شهر

«در کتاب جغرافیای اصفهان اثر دکتر شفقی به نقل از سیاح بزرگ فرانسوی دیولافوا آمده است که "طولی نکشید که این شهر، دارای ششصد هزار نفر سکنه گردید و با جمعیت پاریس در عهد لوئی چهاردهم به رقابت پرداخت و در طول مدت کمی از حیث تجمل و شکوه و ثروت و ابنیه و قصور عالی بر تمام شهرهای اروپا و آسیا برتری پیدا کرد". با احتساب کل مساحت داخل باروی شهر ۱۰۲۰۰ هکتار جمعیت در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر، تراکم جمعیت در سطح عمومی آن در حدود ۵۹ نفر در هکتار بوده است. به طور کلی می توان متوسط جمعیت هر واحد مسکونی را در حدود ۵۰ نفر برآورد نمود. کمپفر وسعت اصفهان را ۳۶ کیلومتر نوشته (حدود ۱۰۲ کیلومترمربع) و جمعیت جلفا را ۳۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده است. در جنوب جلفا روستای گبرها یا پارسیان واقع بوده که همگی شغل کشاورزی داشته و مرکب از ۶۰۰ خانوار بوده است. صاحب "قاموس العالم" عده نفوس این شهر را در زمان شاه عباس یک میلیون و صد هزار نفر تخمین زده است و به زبانی دگر اصفهان در عصر صفویه تبدیل به مادر شهر و به اصطلاح متروپلیتن می شود.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) اگر این جمعیت را طبق تقسیم بندی های امروز بررسی کنیم، اصفهان به سرعت در طبقه ی نهایی این تقسیم بندی یعنی شهرهای بزرگ و بسیار

بزرگ (۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر) قرار می گیرد. این جمعیت با توجه به پایتخت بودن شهر اصفهان و امکاناتی که نسبت به سایر شهرهای ایران - و حتی سایر پایتخت های هم عصر خود در جهان- داشته، قابل انتظار و جالب توجه است. از طرفی با توجه به جمعیت بالای آن و رشد افقی این شهر، ایراداتی که به شهرهای بزرگ و رشد عمودی آنها وارد بود در مورد این شهر صادق نیست. چنانچه در منابع آمده، این شهر علی رغم جمعیت بالا به سرعت به رشد اجتماعی و اقتصادی رسیده و تجمع متخصصین، هنرمندان، سیاسیون و اندیشمندان در یک شهر، همان چیزی است که در توصیه های اسلامی برای پیشرفت مسلمان لازم دیده شده بود.

2-6-4- بافت شهری

در مکتب اصفهان، شار اصفهان «تلفیق دو روش طراحی اندامین (ارگانیک) و خردگرا (راسیونل) در هم آمیخته می گردند و در توافق، هماهنگی و همنوایی با یکدیگر مفهومی جدید از برنامه ریزی و طراحی فضایی را عرضه می دارند. در اصفهان بی هیچ مداخله، سنگینی در بافت کالبدی و سازمان فضایی کهن، راستای توسعه و گسترش تازه ی شهر به گونه ای منطقی و بخردانه تعریف می گردد. محور چهارباغ به عنوان لولایی خطی بین سازمان فضایی کهن و نو، با عبور از محور زاینده رود (به عنوان محوری طبیعی و اندامین) عملاً ترکیبی از طبیعی و مصنوع، اندامین و منطقی، نظم و بی نظمی و ... را عرضه می دارد. بافت ساختار اصلی شهر و قسمت های جدید آن الگوی متفاوتی دارد. در حاشیه میدان نقش جهان، به عنوان یک فضای باز، نوعی بافت خطی منظم و پیوسته و دارای قطعات کوچک در بدنه فضای باز ترکیب شده، و در پشت آن، یک بافت خطی و پیوسته و ریزدانه و پوشیده و محصور قرار دارد که با دهلیزهایی به فضا باز راه یافته است. بدین ترتیب قرار گرفتن این دو بافت در مجاورت یکدیگر با ایجاد فضایی متفاوت، به افزایش کیفیت فضایی منجر شده است. عناصر چهارگونه واقع در بدنه میدان دارای الگوهای متفاوت بافت و اندازه هستند. مسجد عباسی الگوی حیاط مرکزی را دارد، مسجد شیخ لطف الله و عالی قاپو بصورت تک بنا با بافت حاشیه میدان ترکیب شده اند و عمارت عالی قاپو گشایشی به فضای باز پشت آن دارد. بطور کلی الگوی فضای باز و ساختار شده براساس دو نوع ترکیب است که یکی فضای باز در میان سطوح ساختار شده پراکنده است (بازار و کاروانسرا) و دیگری فضای باز پیوسته و فضاهای ساختاری شده در میان آنها پراکنده است.

به طور کلی «سه نوع بافت در منطقه ساختار اصلی شهر موجود بوده است:

۱- بافت دارای قطعه بندیهای کوچک، ریزدانه، پوشیده و با محصولات بالا،

۲- بافت درون گرا که از طریق فضاهای بسته با بازار مرتبط می شده (مسجد به کاروانسرا)

۳- بافتی که در آن فضای باز احاطه کننده فضای بسته بوده است. (کوشک)

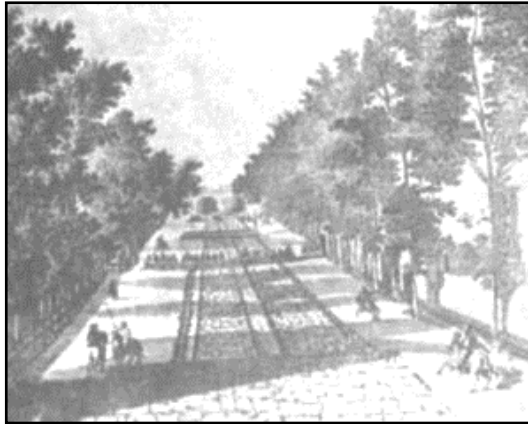
فضاهای باز با دیواره‌هایی از فضاهای عمومی جدا شده اند و در بافت این محدوده، ابتدا فضاهای محصور و بسته بر فضاهای نیمه باز مشرف به میدان مربوط می شود و سپس با عبور از فضاهای بسته، با فضاهای باز اختصاصی هر بنا ارتباط برقرار می شود. در سلسله مراتب عبور از فضاهای فوق، تنوع فضایی از جهت اندازه، کیفیت فضایی و محصوریت قابل ادراک بوده است. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲)

3-6-4- معابر شهری

برخلاف تصور رایج، مهم ترین نوآوری در هنر اصفهان دوره صفویه نه در معماری، بلکه در شهرسازی آن است. خیابان به عنوان یک فضای شهری صرفاً یک کانال انتقال نیست و بایستی به عنوان یک فضای شهری دیده شود. این موضوع به نوعی در مورد چهارباغ اتفاق افتاده است. خیابانی با ویژگی های کلی چهارباغ در شهرهای ایران و جهان اسلام سابقه ندارد. «خیابان، همراه با میدان، از اجزای اصلی الگوی مکتب شهرسازی اصفهان است. بررسی ریشه زبانی واژه حاکی از آن است که واژه "خیابان" پیشینه ای کهن تر از قرن نهم هجری ندارد. اما پیشینه خود خیابان در شهر ایرانی بسیار کهن تر از واژه آن است و دست کم به قرن دوم هجری می رسد. خیابان های متعدد در ری و تبریز و قزوین و ... را باید نیای کالبدی خیابان چهارباغ اصفهان شمرد. با این حال، خیابان چهارباغ اصفهان ویژگی هایی دارد که آن را از نیاکانش ممتاز می کند. تحلیل خصوصیات کالبدی و کارکردی و فضایی خیابان چهارباغ نشان می دهد که در این فضا مفهومی نو از فضای شهری تعین یافته است. در این خیابان، با جمع بندی ماهرانه تجارب شهرسازی گذشته و افزودن خصوصیات نو، مفهومی تازه از فضای شهری پدید آمده است که با مفاهیم نو اجتماعی در دوره خود پیوند دارد.» (اهری، ۱۳۸۵)

در این خیابان بیش از آنکه هنر در قالب ابنیه بگنجد، در آراستن فضا، توجه به طبیعت و خلق محیطی برای گذراندن اوقات فراغت، و در مراسمی است که هنر را در خود دارد و محل برگزاری آن چهارباغ است. «در منابع دوره صفویه، واژه خیابان با مفهوم فضای شهری، یعنی راهی درون شهر که اطراف آن درخت و گل باشد، دیده می شود. هرچند در مفهوم خیابان در این دوره بدنه محصور کننده کالبدی نهفته است، مفهوم خیابان به منزله راهی با دو رسته ساختمان در کنار آن را باید بیشتر متعلق به دوره قاجاریه و بعد از آن دانست. در این دوره است که خیابان، با ساختمان های پوشاننده جداره هایش، از عناصر اصلی گسترش های شهری و مدرنیزاسیون ناصری و رضاشاهی می شود. از لحاظ ویژگی های کالبدی، خیابان چهارباغ خیابانی عریض و از نظر هندسی مستقیم است. گرچه چنین معبری با این خصوصیات در ایران پیشینه دارد، با معابر شهرسازی اسلامی متفاوت است. معابر در شهرسازی اسلامی نوعاً کم عرض بوده و حرکت آزاده در آن ها ممکن نبوده است. معابر شهرهای اسلامی معابری ارگانیک و تابع هندسه وضعی بود، نه اقلیدسی. بنابراین، ایجاد معبر مستقیم و عریض و دارای بدنه کالبدی طراحی شده

خود پدیده ای نو بوده، هرچند که قبل از چهارباغ هم نمونه هایی داشته است. (همان) این عرض و ویژگی های کیفی خیابان از جهاتی به معیارهای مورد تایید اسلامی نزدیک تر است. چرا که می توان در آن آزادانه تر حرکت کرد و زنان و کودکان در آن با احساس امنیت بالاتری در تردد خواهند بود. محل استراحت افراد در آن از نشستن در میانه مسیر جداست و در واقع به آن شکل که مورد مذمت اسلام بوده در این خیابان دیده نمی شود.



شکل ۴-۱۷-چهارباغ اصفهان، عصر صفوی

(www.roozkala.com)

در خیابان چهارباغ اصفهان «تمامی اجزای فضای شهری طراحی شده است و این طراحی نه از باب طراحی بنای معماری، بلکه به منزله بخشی از طراحی بدنه شهری است. در این باره، اسکندریبگ ترکمان می نویسد: "از دروب شهر، یک دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع و به درب دولت موسوم است. از آنجا تا کنار زاینده رود خیابانی احداث فرموده، چهارباغی در هر دو طرف خیابان و عمارات عالیه در درگاه هر باغ طرح انداختند؛ و از کنار رودخانه تا پای کوه جانب جنوبی شهر، انتهای خیابان قرار داده، اطراف آن را بر امرا و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده اند، که هرکدام باغی طرح انداخته، در درگاه باغ عمارتی مناسب درگاه مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و ایوان و بالاخانه و منظره ها در کمال زیب و زینت و نقاشی های به طلا و لاجورد ترتیب دهند و در انتهای خیابان، باغی بزرگ و وسیع، پست و بلند، نه طبقه جهت خاص پادشاهی طرح انداخته، به باغ عباس آباد موسوم گردانید. و پل مشتمل بر چهل چشمه به طرز خاص میان گشاده، که در هنگام طغیان آب، در کل یک چشمه به نظر درمی آید قرار دارند، که بر زاینده رود بسته شده هر دو خیابان به یکدیگر اتصال یابد و تا عباس آباد یک خیابان باشد، تخمیناً یک فرسخ شرعی؛ و از دو طرف خیابان جوی آب جاری گردد، درختان سرو و چنار و کاج و عرعر غرس شود، و از میان خیابان نهری سنگ بست ترتیب یابد، که آب از میان خیابان نیز جاری باشد، و در برابر عمارت چهارباغ حوضی بزرگ به سان دریاچه ساخته شود." (اهری، ۱۳۸۵)

«عمارت های بدنه چهارباغ به صورت بناهای دوطبقه با ساختاری سه قسمتی و قرینه هم در هر دو سوی خیابان طراحی شده بود و در طبقه همکف راهی از میان عمارت به درون باغ گشوده می شد و طبقه دوم ایوان هایی رو به خیابان داشت. عمارت هایی که نمای خارجی بسیار دل فریب و قرینه سازی های چنان زیبا و هماهنگ با خانه

ای که درست رو به رویشان واقع شده داشت که تصور چیزی زیباتر از آن محال بود. در توصیف کف خیابان نیز به دقت اندیشیده و طراحی شده بود. در توصیف این خصوصیت، فیگروئا می نویسد: "این جاده خندق یا آبراهی به عرض دوازده یا چهارده پا و عمق شش پا که کف و دیوارهای آن با سنگ سفید روکش شده است، به دو قسمت تقسیم می کند. در هریک از دو طرف آبراه برای آن که پیادگان به راحتی حرکت کنند، پیاده رو سنگ فرشی ایجاد کرده اند و سوارگان و کسانی که بار یا اثاثیه ای دارند، در بقایای عرض جاده که از پیاده روها پایین تر قرار دارد و سنگ فرش نیست رفت و آمد می کنند." به عبارتی قسمتی از کف با سنگ تیشه خورده شکل گرفته که محل نشستن است و قسمت دیگر با سنگ تراش نخورده، تا چنان که کمپفر می گوید: "ایرانی ها در زیر طاق سبز بخرامند." در قسمت تراش خورده کف، نهری در فواصلی به حوضه ها می ریزد و هر حوض طراحی جداگانه دارد. در پای حصارهای دو طرف خیابان با ریختن سنگ ریزه هایی نرم برای سهولت عبور پیاده ها و سواران، معبری ایجاد کرده و دو فضای خالی باقی گزارده اند که در آنها گل های مختلفی می کارند. [...]. این گل ها با زیبایی و عطر خودنمای خود منازل را زیبا و فضای آنها را معطر می کند.» (همان)

«پل الله وردی خان (سی و سه پل) نیز به منزله بخشی از خیابان طراحی می شود، تا چنانکه اسکندریبگ ترکمان می گوید، "تا عباس آباد [یعنی باغ هزارجریب] یک خیابان باشد" دو انتهای خیابان نیز با طراحی دو بدنه (عمارت جهان نما و باغ هزارجریب) بسته می شود تا فضا تعیین کالبدی بیابد، چنانکه شاردن می گوید: "این عمارت [جهان نما] سه طبقه است و در سمت عقب و طرف چپ، در و منفذی ندارد؛ زیرا این دو قسمت به طرف اندرون شاهی است، و در دو طرف دیگر نیز به جای شیشه پنجره هایی است که از داخل بیرون را می توان دید، ولی از درون چیزی پیدا نیست. این پنجره ها را با گچ ساخته و به طرز مجلل و زیبایی کاشی و طلاکاری کرده اند." در انتهای دیگر خیابان نیز باغ هزار جریب قرار می گیرد که عمارت ورودی آن به دقت طراحی شده است. توصیفات مزبور به خوبی نشان می دهد که خیابان چهارباغ به منزله فضای شهری ای دارای هویت کالبدی، یا به تعبیر کلیف موهتن به صورت فضایی مثبت طراحی شد که "شکل" را می ساخت و ساختمان های پیرامون نقش "زمینه" را داشتند-امری که در معابری با عنوان "خیابان" تا آن زمان بی سابقه بود. به دلیل همین خصوصیات طراحی شده، به ویژه طراحی کف برای عبور آب است که کوستوف از چهارباغ به منزله یکی از چهارگونه سرمشق طراحی معابر دارای جریان آب نام می برد. نکته دیگری که طراحی کالبدی چهارباغ را متمایز می سازد این است که بدنه های آن به طور خاص برای استفاده در جهت کارکردهای مرتبط با خیابان طراحی شده بود، نه برای کارکردهای خصوصی ساکنان باغ پشت عمارت ورودی. این ویژگی حالت "شکلی" و نه "زمینه ای" فضای چهارباغ را تقویت می کند.»

«دومین خصوصیتی که چهارباغ را از سرمشق های پیشین خود متمایز می سازد ویژگی های کاربردی آن است. ...خیابان چهارباغ اصفهان فضایی برای گردش و تفریح، اما به صورت مستقر است. عماراتی در دو طرف خیابان

منحصراً برای استفاده از فضای تفریحی خیابان ساخته شده است. ... قهوه خانه ها و مهمان خانه های اطراف چهارباغ که بساط خود را بر تخت هایی روی نهر میان چهارباغ یا در سایه های کنار خیابان پهن می کنند؛ دکه های فروش میوه و مربا، که همه برای تفریح و نشستن در محوطه خیابان است، جملگی بر خصوصیت مکان به مثابه محل اوقات فراغت می افزایند: "کناره های برآمده نهر و حوض ها را قهوه چی ها و صاحبان میهمان خانه ها با حصیر و قالی فرش کرده اند. در روی این فرش مردم بی کار و فارغ بال می نشینند تا در حین کشیدن قلیان و صرف نوشیدنی، شاهد نمایش و هنرنمایی شعرا، گویندگان، و نقالان باشند و به بهترین و مطبوع ترین وجه وقت بگذرانند. فقط هنگامی که هوا زیاد گرم شود، به اتاق های خنک قهوه خانه های مقابل رخت می کشند." کارکرد خیابان به مثابه مکانی برای تفریح و اوقات فراغت چنان بر کارکردهای دیگر غلبه دارد که پل الله وردی خان نیز به منزله مکانی تفریحی تلقی می شود. همین ویژگی کارکردی است که خیابان چهارباغ را از نمونه های قبلی متمایز می سازد و آن را نه تنها به منزله فضای تفریحی دربار صفوی، بلکه به منزله مکان تفریح و گذراندن اوقات فراغت طبقات مختلف اجتماعی شهری مطرح می سازد. (همان) به این ترتیب عدالت در تقسیم بندی فضایی نیز رعایت شده و عدالت اجتماعی را در تفریحات و بهره گیری از امکانات شهر فراهم می آورد. از میان ویژگی های فضایی «یکی از خصوصیات مهم خیابان کشتی به نمایش گذاشتن دستاوردهای شهر و ایجاد زمینه ای برای آیین های عمومی است. خیابان چهارباغ از این نظر کاملاً موفق است.

جنبه دیگری که ویژگی فضایی چهارباغ را می سازد نقش آن در وحدت بخشیدن به اقشار مختلف اجتماعی است. فضای شهری چهارباغ همه طبقات را به خود جلب می کند. همچنین وجود مهمانخانه های درویشان حیدری و نعمت الهی در حوالی سی و سه پل و امکان حضور زنان در آن است. این حضور به شیوه های گوناگون میسر می شد. عمارت های پیرامون با طراحی خاص خود امکان حضور زنان را برای تماشای مراسم و رویدادهای چهارباغ فراهم می ساختند. طبقه بالای سی و سه پل را برای حضور زنان و تماشای مراسم اختصاص داده بودند. به جز آن، روزهای چهارشنبه به زنان اختصاص داشت. خیابان چهارباغ به منزله فضایی برای ماندن و گذراندن اوقات فراغت طراحی شده بود، نه صرفاً عبور و مرور. بررسی امکاناتی که در طراحی چهارباغ اندیشیده شده و فضایی که بدین ترتیب فراهم شده، به خوبی نشان می دهد که جنبه تفریحی و گردشگاهی خیابان به صورتی اندیشیده بر جنبه عبوری آن غلبه داشته است: طراحی محوطه های بسته، شامل بالاخانه های عمارات پیرامون، مهمانخانه ها، قهوه خانه ها و فضای زیرین سی و سه پل برای نشستن فارغ از دگرگونی های جوی؛ تجهیز فضا با اثاث شهری برای نشستن در فضای باز، مثل تخت روی حوض ها و کنار صیقلی نهرها.. حداکثر استفاده از جریان آب با به کارگیری فواره و شکست شیب و کف سازی و حوض که گاه صدای دلچسپی که از برخورد آن با پله های سنگی حاصل می شود، و گاه بدون سر و صدا و آرام در حوض ها و آبگیرهای مصنوعی جریان دارد (خصوصیتی که امروزه طراحی شهری پست مدرن در جست و جوی آن است). استفاده از درخت برای سایه افکنی و ایجاد منظر و جوی لطیف؛ نیز استفاده از گیاهان و گل ها برای عطرآگین ساختن فضا. همین

جنبه هاست که خیابان چهارباغ را به منزله باغی طویل مطرح می سازد. البته این خصوصیات مفهومی فراتر از خصوصیات فضای باغ پدید می آورد و چهارباغ را به صورت فضایی زنده، پویا، و شهری مطرح می سازد. فضایی برای دیدن و دیده شدن، فضایی برای شنیدن و شنیده شدن، جایی برای شرکت در مراسم و آیین های شهری، جایی برای هم بستگی ملی، مکانی برای فراغت و نشستن و گوش و چشم به نمایش ها سپردن، فضایی برای نمایش-خصوصیتی که هم زمان با آن در شهر دوران باروک نیز می توان یافت. اما در اینجا نمایش با طبیعت عجین است و طبیعت صحنه نمایش را می سازد و آن را با صدا و عطرها پر می کند. احتمالاً به این علت است که دلاواله آن را از خیابان مجلل رم و ناپل و ژن و پالموی باروکی بالاتر و زیباتر می داند. «همان» ایجاد فضایی برای به نمایش گذاشتن هم بستگی ملی و آیین های شیعی-ایرانی مفهومی نو از فضای شهری عرضه کرد. نمایش هایی که در خیابان چهارباغ اجرا می شد، ضمن پرکردن اوقات فراغت مردم، زمینه ایجاد حس وحدت و یکپارچگی را تحت لوای اولین حکومت مستقل ملی ایران فراهم می ساخت. در جوی که اینچنین به وجود می آمد، حیات شهری ابعاد تازه ای پیدا می کرد.»(همان)

۴-۶-۴- ساختار فضایی اصفهان امروز

ساختار پیشین شهر اصفهان به نسبت موجود است، اما این ساختار صرفاً بخشی از کلان شهر جدید اصفهان بوده و در آن حل شده است. با افزایش روز افزون جمعیت و گسترش های عصر حاضر در این شهر ساختار شهر به کلی دگرگون شده است. امروزه به طور کلی ساختار جدید شهرهای امروزی را تا حد زیادی متأثر از اتوبان هاست. شهر اصفهان در ابتدا با خیابان هایی به موازات خیابان های پیشین گسترش می یافت اما در دهه های اخیر با گسترش اتوبان ها شکلی پیچیده به خود گرفته است.

بخشی از جمعیت آمده از شهرهای اطراف با استقرار در حاشیه شهر به گسترش نامنظم آن دامن زده اند و با ادغام بخش هایی از این بخش های حاشیه ای با هسته مرکزی شهر، شهر بزرگ تر و غیر قابل کنترل تر شده است. بخشی از این بخش ها تحت عنوان زاغه نشینی مشکلات فراوان اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را در پی دارند. بنابراین بیش از آنکه چون گذشته بتوان به راحتی با در نظر گرفتن دو محور اصلی شهر اصفهان را تعریف کرد، بایست به منطقه بندی آن توجه نمود. مسئله موثر دیگر در ساختار شهر اصفهان محلات با سطوح اقتصادی متفاوت است، به طوری که محلات جنوبی اصفهان چون مرداوین، سعادت آباد و محلات مجاور زاینده رود با دانه بندی بزرگ و محلات موجود در مناطق شمالی آن با دانه بندی کوچک و بسپاز کوچک تصویری کاملاً متفاوت در این ساختار ایجاد کرده اند.

• اندازه و جمعیت شهر

«تحلیل رشد جمعیت نشان می دهد، جمعیت در شهر اصفهان با نرخ رشد سالانه ی ۳۴ در ۱۰۰۰ طی ۸۷ سال اخیر افزایش یافته است. طی دوره ی مورد مطالعه میطمان جمعیت ۱۸٫۸ برابر و میزان افزایش آن ۱۶۰۵۹۳۹ نفر

می باشد، این در حالی است که وسعت شهر ۳۱,۴ برابر شده است و در این فاصله ۴۶۱۸۵ هکتار تحت اشغال شهر قرار گرفته است. به عبارت روشن تر سالانه به طور میانگین ۵۴۳,۳ هکتار از اراضی پیرامونی شهر تحت گسترش فیزیکی شهر بلعیده می شود.» (قائدرحمتی، ۱۳۹۱) میزان جمعیت شهر اصفهان از ۸۹۸۵۰ در سال ۱۳۰۰ به ۵۱۲۰۸۵۰ در سال ۱۳۹۵ رسیده است که نشان از بیش از ۵۰ برابر شدن جمعیت نسبت به شروع قرن حاضر دارد! جمعیت مهاجر بعد از جنگ و جمعیت آمده به قصد کار در کارخانجات فولاد و ذوب آهن از جمله جمعیت های اضافه شده به تعداد پایه هستند.

جدول ۴-۵- میزان جمعیت و وسعت شهر اصفهان طی دوره های مورد مطالعه (قائدرحمتی، ۱۳۹۱) بر اساس آخرین تغییرات در شهر اصفهان، ۱۴منطقه ی شهری وجود دارد که سه منطقه ۱۳، ۱۲ و ۱۴ بعد از سال ۱۳۸۶ به مناطق شهر اضافه شده اند. (همان)

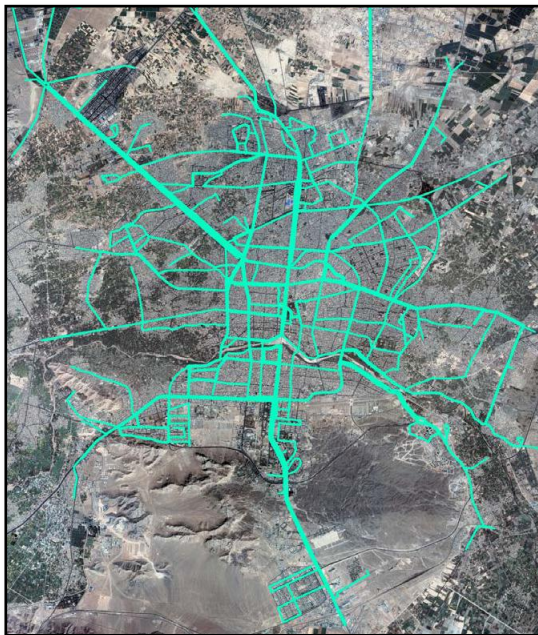
حکومت سیاسی	سال	جمعیت	وسعت
	۱۳۰۰	۸۹۸۵۰	۱۵۱۵
	۱۳۱۹	۲۴۰۵۹۸	-
	۱۳۲۲	۲۵۰۰۰۰	-
	۱۳۳۵	۲۵۴۸۷۶	۲۳۶۳
	۱۳۴۵	۴۲۴۰۴۵	-
	۱۳۵۵	۶۷۱۵۱۰	۴۶۰۰
	۱۳۵۷	-	-
	۱۳۶۵	۹۸۶۷۵۳	-
	۱۳۷۰	۱۱۲۷۰۳۰	-
	۱۳۷۵	۱۲۶۶۰۷۲	۱۷۳۶۸
دوره جمهوری اسلامی	۱۳۸۵	۱۶۰۱۲۲۷	۳۹۶۲۴
	۱۳۸۷	۱۶۹۵۷۸۹	۴۷۷۰۰
	۱۳۹۵	۵۱۲۰۸۵۰	۱۰۷۰۴

«بخش جدید شهرهای اسلامی پدیده ای غربی است که بعد از صنعتی شدن به وجود آمده و با ورود اتومبیل به زندگی شهری، شکل گرفته است و سال ۱۳۰۰ آغاز چنین حرکتی است. اما بافت قدیم شهری همان شهر سنتی است که در آن دسترسی ها با چهارچایان هماهنگی دارد و نفوذ مذهب را در آن به وضوح تمام مشاهده می کنیم. در یک قرن اخیر تغییر و تحول عظیمی را در شهر اسلامی اصفهان مشاهده می کنیم که رشدی سریع داشته است. توسعه و رشد سریع شهری در چند دهه اخیر شهر اصفهان چنان بالاست که شهر سنتی قدیم از نظر اشغال زمین شهری، درصد ناچیزی را به خود اختصاص داده است. این دوگانگی یکی از عوامل روشن شهر اسلامی اصفهان است. خیابان کشی های شهر اسلامی اصفهان بدون داشتن دانش شهرسازی جدید صورت گرفته است. به طوری که از هم گسیختگی بازار کاملاً قابل مشاهده است.» (همان) از برکت این دو قطبی بودن، بازار اصفهان بعداً توسعه

یافت و اکنون مانند پلی بین دو شهر کهنه و نو قرار دارد در نتیجه چالش های خارجی و یا پویایی های داخلی، الزام است که همه آرمان شهرها در جهت بقای خود به تغییراتی تن در دهند و یا در مسیر تغییر گام بردارند. لذا روی دو مورد مهم باید تأکید شود: الف-الگوی آرمان شهری، باید استعداد و ظرفیت توسعه پایدار را داشته باشد. پیوند آرمان شهرها با نهضت های اجتماعی بیانگر این واقعیت است که عقاید، افکار و نوآوریها، در آرمان شهری ساختن دوباره آرمان شهرها دخالت داده شود. ب-تغییرات در آرمان شهرها نظیر ساخت اولیه یک آرمان شهر باید براساس یک برنامه ریزی کل گرا صورت بگیرد و در آن همگرایی اکولوژیکی و اجتماعی طرح های جدید مبنای کار باشد. (همان)

• معابر شهری

امروزه با گسترش شهر اصفهان، خیابان چهارباغ تنها یکی از خیابان های این شهر است. در مقطعی از زمان به علت فضای تاریخی آن تصمیم بر پیاده راه ساختن آن و نزدیک کردن فضای آن به فضای پیاده راه و باز زنده سازی آن گرفته شد که اکنون بخشی از آن به مدت یک روز در هفته چنین نقشی را ایفا می کند. این شهر با معابر گسترده دارای طیفی مشخص از معابر است. اما تقریباً هیچ کدام از آن ها دیگر نقش فضای شهری را ایفا نمی کنند. البته برخی تا حدودی محل گذران اوقات فراغت هستند اما چونان که باید همه جانبه و با امنیت روانی نیستند، فضا سازی مناسبی نداشته و بیشتر محل عبور خودرو ها بوده و متناسب با انواع وسیله نقلیه طراحی شده اند. به این جهت معابر شهری نه انسان محور، که خودرو محورند و عابر پیاده چندان جایگاهی در شهر ندارد.



شکل ۴-۱۸- خطوط اصلی حمل و نقل شهر اصفهان

(اطلس شهر اصفهان)

7-4 - ساختار کالبدی

«در این دوره ویژگی های عملکردی عناصر شهری، با استقرار سلسله صفویه در اصفهان به عنوان پایتخت، شهر در ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی رشد چشمگیری کرد. لذا از یک سو، مرکز اصلی قدیم شهر (میدان کهنه) توانایی برآوردن نیازهای جدید سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نداشت و از سوی دیگر، شاه عباس در نظر داشت که یک مرکز عظیم شهری برای تحکیم حکومت خود بنا کند، که از هر نظر با شهرها و پایتخت های جهان مقابله کند. به همین دلیل مرکز جدیدی (نقش جهان) در جنوب مرکز قدیم (میدان کهنه) طراحی و ساخته شد. عملکرد غالب بخش های جدید الاحداث در این دوره مشابه مرکز قدیم و در برگیرنده عناصر حکومتی و تشریفاتی مانند کاخ های متعدد، مذهبی و فرهنگی مثل مدرسه علمیه چهارباغ، مسجد عباسی و مسجد شیخ لطف الله، تجاری واقع در جداره میدان، بازار قیصریه و کاروانسراهای متعدد احداث شده در آن منطقه (جنوب شرقی میدان) و عناصر دارای کاربری های خدماتی مانند بیمارستان بوده است. میدان نقش جهان محل تلاقی تمامی فعالیتهای اصلی شهر است که حوزه های عملکردی حکومتی - اداری و تشریفاتی که بیشترین سطح را در ضلع غربی این میدان اشغال می کند، از طریق عمارت عالی قاپو به میدان مرتبط می شوند. این دو قطبی شدن مرکز شهر (میدانهای کهنه و نقش جهان) موجب تلفیق پایدار و ارگانیک مرکز شهر صفوی با مرکز قدیم می شود. بازار طویل شهر مانند پلی بین مرکز قدیم و مرکز جدید شهر ارتباط برقرار می کند و جاذبه های این دو قطب را زنده و فعال نگاه می دارد.» (ناصری و دیگران، ۱۳۹۲)

1-4-7 - میدان

علاوه بر سه عنصر یاد شده در فصل قبل (مسجد، بازار و محله) به عنوان عناصر اصلی سازنده شهر اسلامی در صدر اسلام، در دوره صفوی میدان و خیابان با معنایی متفاوت شکل می گیرند و با نقشی پررنگ در شکل دهی به مناسبات اجتماعی و ساختار کالبدی-فضایی حاضر می شوند.^{۳۳}

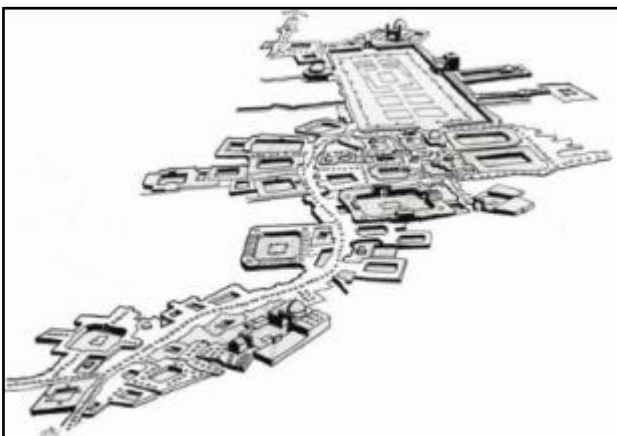
آثار اصفهان صفوی بیش از آن اند که بتوان به تک تک آنها اشاره کرد، معمولاً ابنیه سرشار از ذوق هنری اند و سازندگان آنها برای آرایش بنا از بسیاری شاخه های هنری بهره جسته اند.^{۳۴} مسلماً تمامی این آثار متأثر از تاکید فرهنگ و گرایشات مذهبی آن زمان، مفاهیم مذهبی را به طرق مختلف به نمایش می گذارند. در این میان میدان نقش جهان به عنوان نمونه ای جامع از آثار معماری و جزئیات هنری، معرف ابعاد متعدد و گردآورنده بیان کالبدی چهار عامل اقتصاد، سیاست، مذهب و حکومت در کنار هم، کثرت (ابعاد) را در وحدت یک میدان به منصه

^{۳۳} به خیابان و معبر شهری در مبحث ساختار فضایی پرداخته شد.

^{۳۴} - علاوه بر معماری های زیبا و قابل تامل ابنیه به جا مانده از اعصار گذشته، کاشی کاری ها، خوشنویسی های موجود در کتیبه های سردر ابنیه، نقاشی های درون بنا و گاهی نقاشی های به کار برده شده در نمای ابنیه از معمول ترین هنرهای به کار گرفته شده در بناهای عمومی اند که منظر شهر قدیم را می ساختند.

ظهور رسانده و بررسی آن تا حدودی گویای هدف این پژوهش خواهد بود. این میدان مهم ترین فضای شهری عصر صفوی است. در طراحی های هم عصر شاه عباس اول «کانون تمامی طرح، میدان نقش جهان است که مستطیلی است با طول و عرض ۵۰۷ و ۱۵۷/۵ متر. طی مدت بیش از بیست سال، این ناحیه با دو بازارچه دو طبقه محصور شد. در هر سمت آن، یک ساختمان بزرگ ساخته شد. این ساختمانها سمبل پایه های حکومت دوباره جان گرفته صفوی است. در سمت شمال، دروازه بازار سلطانی قرار دارد که قلب فعالیت های اقتصادی امپراطوری بود. اندازه و سنگچین های با شکوه آن، نشانه تلاش های با حرارت در برانگیختن تجارت و ایجاد صنایع جدید بود. در سمت جنوب میدان، مسجدی باشکوه قرار دارد که نشانگر پیوستگی سلسله صفوی به تشیع و ارتباط حیاتی مسجد و دولت است. در سمت غرب، قصر شاه و ادارات قرار دارند. این قسمت محل فعالیت های عمده کارگزاران حکومت، و قلب اداری نظام متمرکز و استبدادی جدید کشور بود. آن سوی میدان، در سمت مشرق، مسجد شخصی شاه یعنی مسجد شیخ لطف الله قرار داشت که با یک نمازخانه جواهر مانند، به منشا مقدس خود پادشاه و نقش آن به عنوان رهبر مذهبی مردم کشور، تاکید می کند.» (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶) «اتصال شهر قدیم و جدید از طریق بازار امکان پذیر می شد. حلقه اتصال و نقطه عطف آن، در سردر قیصریه است که دقیقاً در مقابل سردر ورودی مسجد جامع عباسی در ضلع شمالی میدان نقش جهان قرار گرفته است. در این سردر نفیس ترین نقاشی های دیواری از جنگ شاه عباس با ازبکان، شکار شاه و تصاویری از زنان و مردان اروپایی وجود داشته که بسیاری از آنها در اثر عوامل جوی از بین رفته است. در پشت این سردر مجلل ترین و بزرگترین بازار شهر اصفهان وجود داشته که علاوه بر بازرگانان ایرانی نمایندگان شرکت های معتبر خارجی نیز به فعالیت می پرداختند. مهمانان رسمی شاه که از دروازه طوقچی در شمال اصفهان وارد می شدند، پس از عبور از محدوده میدان عتیق و بازار از سردر قیصریه وارد میدان نقش جهان می شدند. قبل از پذیرش رسمی در دربار، از آنها در عمارت شربتخانه که در طبقه اول سردر بازار قیصریه وجود دارد، پذیرایی به عمل می آمد. بیشتر افرادی که برای نخستین بار به این مکان می رفتند با دنیایی از هنر، علم، ذوق، سلیقه، مهارت، ظرافت، خلوص، تداوم سنتهای گذشته و مفاهیمی نظیر آن آشنا شده و از میدان نقش جهان، با شگفتی و عظمت یاد کرده اند.» (فراهانی، ۱۳۸۸) ترکیب کاربری های میدان نقش جهان این ترکیب مشابه ترکیب دیده شده در فضای باز در شهر کوفه است. (شکل ۲-۲۷) از طرفی با توجه به نوع و شیوه استفاده از میدان نقش جهان، می توان آن را به مصلاهی مورد توجه آموزه های دینی نزدیک دانست.

شکل ۴-۱۹- پلان بازار قدیم اصفهان در پیوند با میدان نقش جهان؛ بازار به عنوان استخوانبندی شهر قدیم و پیوند دهنده بافت محلات شهر؛ ورودی این بازار (بازار قیصریه) در میدان شاه صفوی قرار دارد و با مسجد شیخ لطف الله، مسجد امام و عمارت عالی قاپو ترکیب معناداری از ۴ رکن اصلی و اساسی شهری را می سازد. این ۴ رکن در میدانی گرد هم جمع شده اند که شاخصه ی اصلی در معرفی اصفهان در دوره های گوناگون بوده است و محل دیدار شاه و مردم قرار داشته است.



شکل ۴-۲۰- بساط اندازی در زیر چادر و خیمه در دوره شاه سلطان حسین (شهبازی نژاد، ابوئی و دیگران، ۱۳۹۵) چنانچه در تصویر مشخص است در این زمان فضا سازی خاصی برای میانه میدان انجام نشده است. از فضای میدان برای استراحت، مراسمات، مسابقات و بازی ها، خرید و فروش و رفت و آمد استفاده می شده است.



2- 4- 7- مسجد و فضاهای مذهبی شهر صفوی

چنانچه پیشتر اشاره شد با توجه به گرایشات صوفی گری سلسله صفوی و ادعای آنها مبنی بر رسیدن نسبشان به امام علی (ع)، تلاش بر تجلی دین اسلام و مذهب تشیع در ابعاد گوناگون شهری همواره به چشم می خورد؛ و با وجود طراحان و اندیشمندانی مذهبی و مسلط بر فلسفه و متون دینی چون شیخ بهایی این موضوع شدت و قدرت می گیرد. این در حالی است که اصفهان با دربرداشتن مردمانی از فرق گوناگون و ادیان مختلف همچنان وحدت و یکدستی خود را حفظ می کند و در عین حال که هر یک از مذاهب عمارت هایی مذهبی متناسب با آیین خود را- در محله خود- می سازند (اسلام عدالت آور بوده و به پیروان سایر ادیان یکتا پرست امنیت و احترام می بخشد)، با در راس قرار دادن اسلام و مذهب تشیع، محوریت ساخت و سازها و طراحی های مهم شهری تجلی مفاهیم اسلامی تعیین می شود.



شکل ۴-۲۱- سردر ورودی و برج کلیسای وانک (سازمان زیباسازی اصفهان) کلیسایی در محله جلفا (محله آرامنه اصفهان) که در زمان شاه عباس دوم ساخته شده است. این کلیسا به خلاف کلیساهای ارمنی که با سنگ بنا می‌شدند با خشت خام و آجر ساخته شده است. این کلیسا دارای موزه‌ای است که قبل از آن کتابخانه و محل نمایش نسخ خطی و قدیمی کتب مقدس بوده است.

● مسجد

«مسجد در ذات خود تجلی گاه حضور باورهای قدسی و دینی در منصفه حیات مادی است. در مساجد عصر سلجوقیان یا صفویان چهار شبستان باحیاط مرکزی پیوند می‌خورند. در جهت ایوان شکل می‌گیرد که هر یک مرکز تدریس علوم شرعی مطابق نظر یکی از مذاهب چهارگانه است. در مساجد دوره صفویه نیز چهار ایوان نمادهایی از قوای چهارگانه که عبارتند از: ۱. وهم، ۲. غضب، ۳. شهوت، ۴. عقل میباشد.» (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴) همانطور که ایرانیان باور داشته‌اند، ورود به مساجد به معنی خارج شدن از متعلقات دنیایی و حرکت به سوی عالم ملکوت و آخرت است. تجلی این باورها در مساجد عصر صفوی به ویژه مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله مشهود است. برای خلق یک اثر معماری که در طول قرون متمادی از ارزش آن کم نشود بلکه ماندگارتر شود باید معمار علاوه بر تخصص و تکنیک دارای اندیشه فلسفی و سیر و سلوکی باشد که او رابه حقیقت برساند و او آن حقیقت را توسط خرد و تخصص خود در یک اثر معماری به کمک مواد و مصالحی که در اختیار دارد به منصفه ظهور برساند. این حقیقت نمایان شده در اثر معماری باید قابلیت تاثیرگذاری بر افراد جامعه را متناسب با ظرفیت هر فرد داشته باشد، چنین اثری نیازمند قرار گرفتن معمار بنا در سطحی عالی از اندیشه و فلسفه و عرفان است. (همان)

الف- مسجد شاه صفوی (مسجد امام)

مسجد امام اصفهان به عنوان نماینده مساجد دوره صفوی و به عنوان شناخته شده ترین مسجد آن دوره، از نمونه مساجدی است که هوشمندی حکمایی چون شیخ بهائی در طراحی آن به چشم می‌خورد، به گونه ای که در عین زیبایی، تفاخری دیده نمی‌شود. اندک تزئینات مسجد را باید متناسب با مسئله رشد در زمان دید. گنبدخانه مسجد آجری و ساده است؛ کاشی‌های استفاده شده در برخی قسمت‌ها نیز، کاشی هفت رنگ ساده و معمولی است. این در حالی است که این مسجد در زمان اوج حکومت صفوی ساخته شده و مساجد هم عصر حکومتی در شهر به چشم می‌خورد. سادگی مسجد به حدی است که برخی معتقدند در آن افت تکنولوژی رخ داده و عجولانه و به لحاظ مصالح کم کیفیت ساخته شده است! در حالی که مسئله کم بودن تزئینات در این مسجد را نمی‌توان صرفاً از جهت مسئله تکنولوژی ساخت مشاهده کرد. شیخ بهایی عالمی مقید و همه جانبه است و با الگوی علوی پیش می‌رود. چنانچه در کتاب جامع عباسی پیرامون ارتفاع مسجد، تزئینات مسجد و توضیحاتی می‌دهد و معتقد به

تعادل در ساخت تزئینات مسجد است. بنابراین توجه دارد تا مسجد امام از مسجدی چون مسجد گوهرشاد ساده تر باشد. و یا از حد تزئینات مسجد کبود^{۳۵} عقب تر رود، زیرا معتقد است در چنین مساجدی به تجملات بیش از حد اصول پرداخته شده است. مسلماً شیخ بهایی می توانسته گنبدخانه مسجدی را که امام جمعه آن است و شاه ملک ایران زمین برای نمازگزاردن به آن رفت و آمد دارد، فاخرتر بسازد؛ اما این سادگی در ساخت از آنجا مهم می شود که مسجد آئینه دینی ساده است. در مسجد امام برای طراحی جای جای و جزء جزء بنا فکر و فلسفه وجود دارد. با ورود به مسجد سیر از ظاهر به باطن که در مبانی نظری به آن اشاره شد اتفاق می افتد و فرد سفر من الخلق الی الحق را طی می کند. برای این کار باید از ۴ مانع عبور کند.



شکل ۴-۲۲- مسجد امام اصفهان (نگارنده). این بنا نمایانگر اوج یک هزار سال مسجد سازی در ایران است. سنت های شکل دهی، آرمان ها، شعائر و مفاهیم دینی، نقشه که از ترکیب انواع ساده تر به آرامی کمال یافته، عناصر بزرگ ساختمانی تزئینات، همه در مسجد شاه تحقق و یگانگی یافته است. این مسجد به شکل چهار

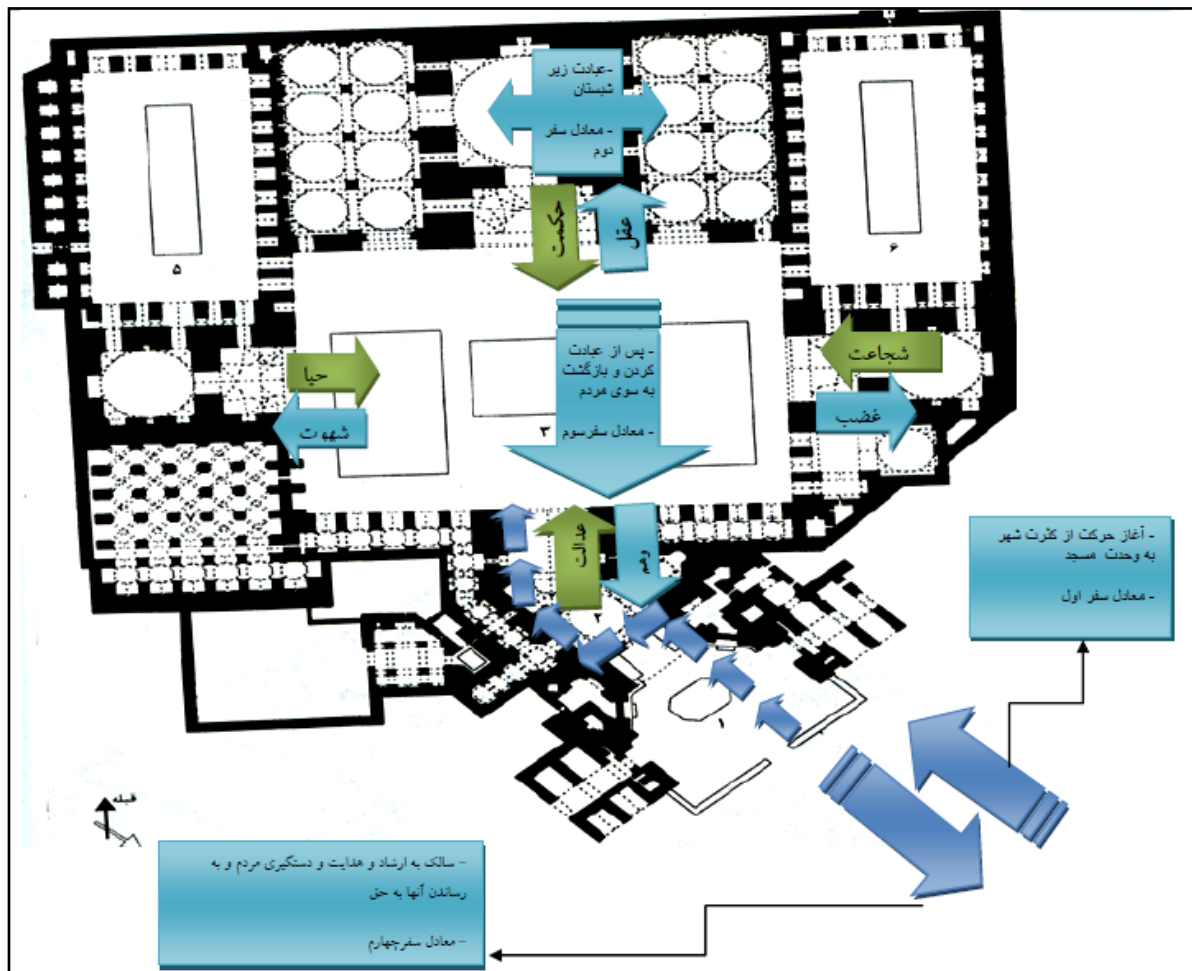
ایوانی بنا شده و مانند مسجد شیخ لطف الله عظمت آن به سبب کاشی کاری و تزئینات زیبایی آن در عین سادگی آن است. این بنا با کاشی های آبی رنگی برتری ویژه ای نسبت به کاخ عالی قاپو دارد و شاید هدف شاه عباس از پذیرش این تزئینات نشان دادن برتری دین بر حکومت بوده است. معمار بنا دو راه با طول های مختلف در دو طرف راهرو قرار داده تا محور مسجد را در جهت قبله بچرخاند که زاویه ای ۴۵ درجه دارد. به این ترتیب توازن و تقارن بنای مسجد و ابعاد آن با تغییر جهت به سمت قبله حفظ می شود. این کار برابر با بهترین شیوه ی فضا سازی و بهره گیری از فضا با کمترین هزینه و آسیب رساندن به روح معنوی بناست.



شکل ۴-۲۳- گنبد رفیع مسجد امام؛ که بر فضای پهناور شبستان مسجد سایه انداخته یکی از مرتفعترین گنبدهای مساجد ایران است. از ویژگی های منحصر به فرد فضای داخل مسجد، خواص آکوستیک و نحوه انعکاس صدا در نقطه مرکزی آن و دقیقاً زیر گنبد آن است، به طوری که با قرار گرفتن در زیر هر قسمت از گنبد صدای پخش شده در بخشهای دیگر شنیده خواهد شد. این گنبد در عین حال که توسط طبقه ای ۸ ضلعی با طاقنماهایی زیبا به بناهای اطراف متصل شده

۳۵- در دوران ایلخانی و تیموری، شاهان مغول روحیه ای تفاخر پسند داشته و به معماری پر رنگ و نقشی علاقه مندند؛ در نتیجه در مساجد آن دوران محراب و تزئینات بسیاری دیده می شود. این آثار از شاهکارهای معماری اند؛ اما درباره ی مکان مذهبی اسلامی اصولی حاکم است که بایستی رعایت شود.

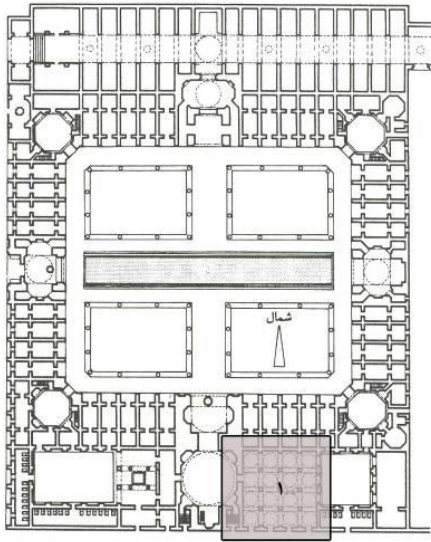
است، درپهنه آسمان به صورتی کاملاً آزاد قرار گرفته است. (جلیلی و دیگران، ۱۳۹۴)



شکل ۴-۲۴- پلان مسجد امام اصفهان (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴). علی اکبر اصفهان معمار این بنا «ایوان شمالی مسجد در پشت هشتی را به گونه ای چرخانده که از هشتی می توان میانسرای مسجد را دید، ولی نمی توان یک راست به آن وارد شد. فضای مربع که از خصوصیات جلوخان مسجد امام است، تغییرات فضایی را با تناسب بالا آغاز می کند که در حیاط اصلی مسجد به اوج می رسد. با ورود به مسجد با صحنی چهار ایوانی روبه رو می شویم. چهار ایوان نمادهایی از وهم، غضب، شهوت، عقل هستند. در واقع در فلسفه ی اسلامی برای رهایی و رسیدن به حقیقت انسان باید چهار مانع را پشت سر بگذارد که موانع فوق می باشد که با ورود انسان به صحن مسجد و عبور از این موانع وارد فضای شبستان مسجد زیر گنبد می شویم. در این سفر من الخلق الی الحق شخص طبیعت و چهار مانع فوق را پشت سر می گذارد تا به ذات حق واصل شود و میان او حق حجابی نباشد. سفر دوم با عبادت زیر شبستان اتفاق می افتد (سفر بالحق فی الحق)، با بازگشت از سفر دوم، غضب به شجاعت، شهوت به حیا، و وهم به عدالت تبدیل می شود و هنگام خروج مسجد، سفر چهارم شکل می گیرد که سیر فی الخلق الی الحق است. در این سفر شخص به ارشاد و هدایتگری و دستگیری مردم و به رساندن آنها به حق می پردازد. (همان)

• مسجد - مدرسه های صفوی

از دیگر بناهای مهم معماری دوره اسلامی ایران، مدارس علوم دینی می باشند که با شکل گیری نظامیه ها در دوره سلجوقی آغاز و با فراز و نشیب هایی تا دوره قاجار نیز ادامه یافتند. اوج توجه به احداث مسجد - مدرسه ها در اوایل دوره قاجار و تا زمان تأسیس مدرسه دارالفنون می باشد. تلفیق و ترکیب دو عملکرد مسجد و مدرسه باعث شکل گیری نوآوری ها و خلاقیت های فضایی در معماری این گونه بناها گشت. مدارس دوره صفویه عمدتاً از الگوی معماری خاص دو ایوانی و چهارایوانی تبعیت می کنند. (بمانیان، مومنی و دیگران، ۱۳۹۰)



شکل ۴-۲۵- مدرسه چهارباغ اصفهان (بمانیان، مومنی و دیگران، ۱۳۹۰) در قسمت شمالی این مدرسه، بازارچه بلند و در قسمت شرقی اش مهمان سرای عباسی (بخشی از کاروانسرای سابق) قرار دارد. گنبد، مناره، گلدسته، محراب، منبر، شبستان و ایوان ها همگی گواه بر مسجد بودن این مکان هستند و حجرات اطراف ایوان ها در ۲ طبقه، کتابخانه، سالن مطالعه و .. بیانگر مدرسه بودن این بنا می باشند. (همان)



شکل ۴-۲۶- مسجد شیخ لطف الله (جلیلی، جهانپانی پور و دیگران، ۱۳۹۴). نگینی زیبا، همچون یک مینیاتور نمادپردازی شده است و هر نقشش پر از معناست. گنبد کاشی کاری نشده و آجر است که رنگ نخودی خاصی دارد. این مسجد برای تجلیل از مقام شیخ لطف الله که از علمای بزرگ شیعه بود احداث شد. این بنا تنها مسجدی است که ورودی و محراب آن در یک راستا قرار گرفته اند. آنچه در درون بنا مشاهده می گردد، همان است که در بیرون بنا شاهد آن هستیم. هر جزء این مسجد با دلیل و فلسفه ی مشخصی طراحی و اجرا شده است. (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴)



شکل ۴-۲۷- پلان مسجد شیخ لطف الله (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴). با عبور از میدان وقتی وارد مسجد می شویم در واقع از عالم ماده که دارای حرکت زمان و مکان است عبور کرده و به زیر گنبد وارد می شویم (وارد عالم ملکوت ۳۶ شده ایم). در اینجا ما ساکن هستیم و به نقشه های هندسی کثیری که دارند به نقطه نوری که در راس گنبد قرار دارند می روند. این نقشه ها و هندسه ها همان صور و ابعاد عالم ملکوت را نشان می دهند تا اینکه به آن نور می رسند. که خود وحدت در کثرت زیبایی از نقوش هندسی نشان می دهند این حرکت ادامه دارد و بعد از این عالم دو عالم دیگر است که قابل وصف نمی باشد. (همان)

• مصلی

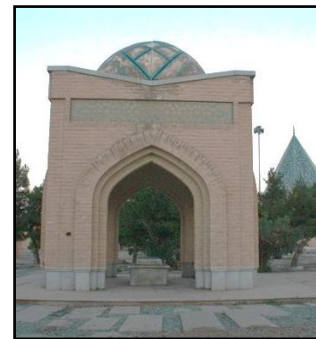
چنانچه پیشتر اشاره شد، میدان نقش جهان با تعریف جدید خود برخی ویژگی های مصلی لازم برای تجمع مسلمانان را داشته و به نوعی یک مصلی است. در زمان حاضر مصلای جدیدی برای اصفهان ساخته شده است.

۳۶- «چهار عالم عرفانی عبارتند از :

- ۱-عالم ناسوت: یعنی عالم ماده و حرکت و زمان و مکان به عبارتی دیگر عالم طبیعت و محسوسات یا عالم اشیا.
- ۲-عالم ملکوت: یعنی عالم برتر از طبیعت که دارای صور و ابعاد است و فاقد حرکت و زمان و تغییر است.
- ۳-عالم جبروت: یعنی عالم معنی که از صور و اشباح میراست و فوق عالم ملکوت است.
- ۴-عالم لاهوت: یعنی عالم الوهیت (واحدیت).» (ناصری و سجادزاده، ۱۳۹۴)

• تخت فولاد

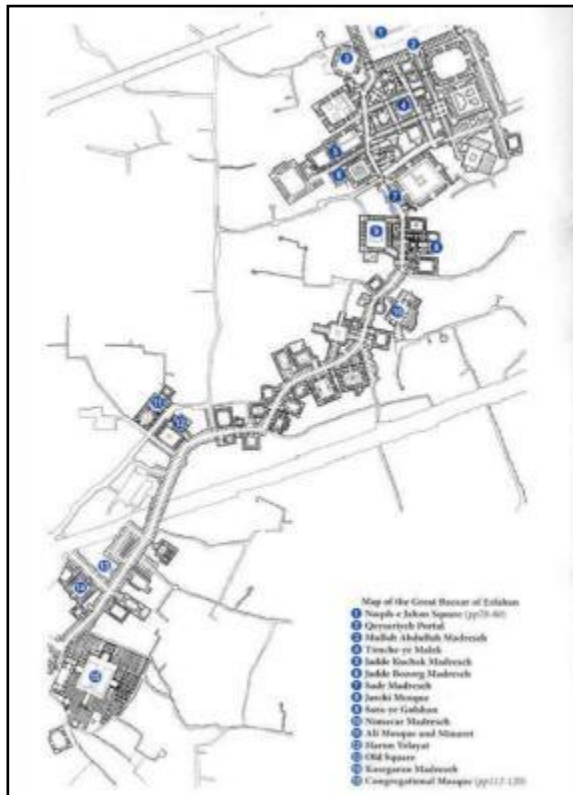
«این گورستان کهن و مورد احترام در بخش جنوبی زاینده رود و در حاشیه شرقی شهر واقع شده و با متروک و مهجور شدن گورستان های داخلی اصفهان در پایان سده اخیر، تا سال ۱۳۶۳ هـ. ش - که گورستان شهر به "باغ رضوان" منتقل شده است - گورستان شهر منحصر به فرد بوده است و در حال حاضر تنها شهدا در آن به خاک سپرده می شوند. این بزرگ ترین و مشهورترین گورستان اصفهان [است که] بعد از عهد اولجایتو سلطان خدابنده مغولی به بعد صورت گورستان گرفته و در طول تاریخ به نام های لسان الارض و مزار بابارکن الدین نیز خوانده شده است.» (میرخلف، ۱۳۸۱) «تخت فولاد... گنجینه ای است گرد آمده از آثار مختلف هنر معماری، گچ بری و کاشی کاری، خوشنویسی، سنگ تراشی، شعر و ماده تاریخ، نگارگری و طراحی، و نقاشی که بازتاب جلوه های هنر در دوران مختلف تاریخ هنری شهر اصفهان است.» «... گوشه نشینی و عبادت بسیاری از زاهدان و صوفیان در فواصل ۷۰۰ تا ۹۰۰ هجری قمری و پس از آن، در این سرزمین و کرامات نقل شده از ایشان و وجود مصلاهی بزرگ شهر و تکایا و بقاع و مساجد متعدد در آن و سرانجام مزار شهیدان در سال های اخیر، این گورستان را به عنوان مکانی معنوی مرکز توجه مردم قرار داده است. در سال های پیشین روز ۲۱ رمضان و شب های جمعه مصلاهی تخت فولاد مشحون از مردم بود. مردمان در محل لسان الارض اکثر شب های جمعه برای عبادت جمع می شدند.» (میرخلف، ۱۳۸۱) این قبرستان، از آنجا که محل دفن تعداد قابل توجهی از بزرگان اصفهان است، و از طرفی زمین آن را - با حکایات آورده شده - مقدس، و قدمت خاک آن را به اندازه خلقت انسان می دانند، بیش از یک قبرستان مورد توجه مردم بوده است و چنانکه گفته شد مراسم مذهبی - که غالب مراسمات جمعی مردم را در سده گذشته شامل می شده است - را در آن برگزار می نمودند. بنابراین هنرمندان، هم برای بزرگداشت بزرگان مدفون در آن و هم برای خلق فضایی که حضور مداوم مردم را در مناسبت های مختلف همراه داشت، به طراحی ابنیه آن توجه خاصی داشته اند.



شکل ۴-۲۸- مقبره تاج اصفهانی (اول؛ سمت راست)، تخت فولاد؛ شکل ۴-۲۹- تکیه کلباسی، تخت فولاد؛ شکل ۴-۳۰- تکیه شهشاهانی، تخت فولاد

3- ۷- 4- بازار

پیدایش بازار اصفهان، نخست پیرامون آتشکده بوده که مسجد جامع را بر روی آن بنا کرده اند، یعنی قدمتی فراتر از بنای مسجد دارد. البته تمامی این عناصر در کنار میدان قدیمی شهر (میدان کهنه) پدید آمده است. بعد اقتصادی در شهر اصفهان تنیده در بعد مذهبی و سازنده استخوان بندی و ستون فقرات شهر است. بازار قیصریه دو میدان مهم شهری را به هم پیوند می دهد و سر در آن در نظارت شاه ساکن در سیاست عالی قاپو و مسجدی است که در مقابل آن قرار دارد.



شکل ۴-۳۱- گسترده‌گی بازار در شهر اصفهان دوره صفوی- بازار اصفهان از عناصر متعددی تشکیل شده است که عبارتند از: راسته بازار، کاروانسرا، سرا(خان)، تیمچه، چهارسو (چهار سوق)، حجره(دکان). این اجزا سلسله مراتبی کالبدی را شامل می شوند که نظمی بی نظیر را در بازار ایجاد کرده است و به این ترتیب بازار می تواند به گسترده‌گی یک شهر بوده و ستون فقرات آن را تشکیل دهد. ورودی این بنا که به بخش بازار قیصریه وارد می شود از شکوه، معماری و زیبایی خاصی برخوردار است به نام سردر قیصریه معروف است. امتداد از این بازار به مسجد جامع و پس از آن به بازار عریان ختم می گردد. بخش های مختلف بازار نیز به میدان امام علی (میدان عتیق) ختم می گردد. (قره غریبی، ۱۳۹۶)

در معرفی کلی اجزای بازار می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- راسته بازار: گذرگاه اصلی بازار و استخوانبندی آن است. راسته بازار در واقع دالان سرپوشیده ای متشکل از قیصریه ها، سراها و تیمچه های متعددی است که طول آن با بزرگی و کوچکی شهر ارتباط مستقیم دارد. «راسته بازار اصفهان را با نام بازار بزرگ یا بازار اصلی یا گاهی بازار شاهی گفته اند که مسیر غیر مستقیم دارد. راسته اصلی در بازار اصفهان از دروازه طوقچی در شمال شروع و به دروازه ی جنوبی شهر که به نام دروازه حسن آباد معروف است، ختم می گردد. علت مستقیم نبودن این بازار را باید از رشد ارگانیک آن جست و جو کرد که در ادوار مختلف تاریخی به وجود آمده است. ارتفاع راسته بازار اصفهان با دو طبقه بودن آن ها تغییر می یابد.

طبقات بالای راسته ها را به واسطه کمی ارتفاع آن نیم طبقه می نامیم که به عنوان کارگاه و دفتر و اغلب به عنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد.

ب- کاروانسرا: سرای بزرگ یا کاروانسرای داخل شهر و نوعی بنای عمومی برای پذیرایی، استراحت و اتراق کاروان ها. ایجاد کاروانسراهای درون و برون شهری سبب ارتقاء اقتصادی شهرها می شد. بیشترین پراکندگی این کاروانسراها در اطراف میدان کهنه و میدان شاه و در نزدیکی دروازه شمالی شهر بوده است.

ج- سرا(خان): محل استقرار بازارگانان و امور تجاری و محل قرارگیری کالاهای وارداتی و صادراتی و به عنوان دفاتر بازارگانان محلی.

د- تیم/ تیمچه: فضاهای سرپوشیده ی وسیعی که دارای ساختمان دو و گاهی سه طبقه است. در واقع سراهای سرپوشیده ی بزرگ را "تیم" و کوچک تر را "تیمچه" می نامیدند.

ه- چهارسو(چهارسوق): محل تقاطع دو راسته اصلی بازار. اصفهان به جهت وسعت و عظمت خود دارای چندین چهارسو است.

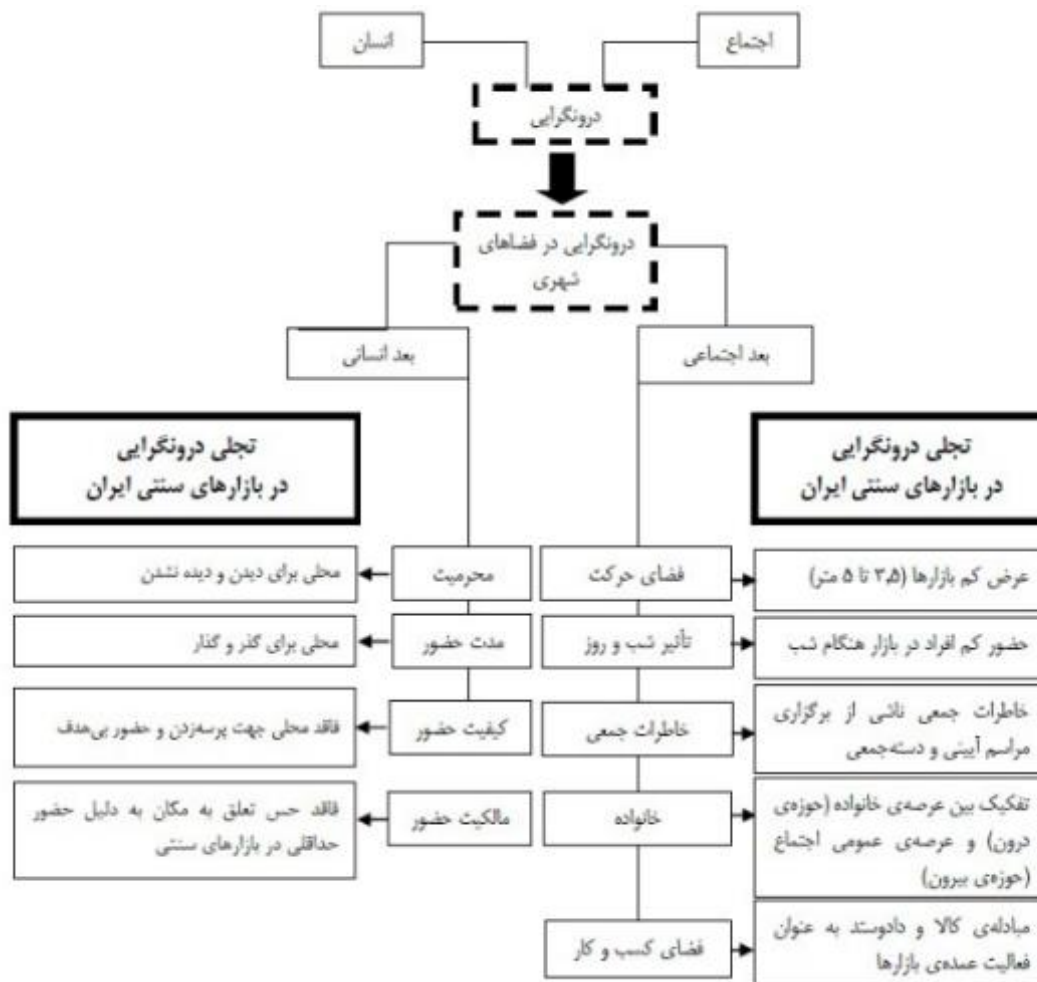
و- حجره(دکان): کوچکترین و فراوانترین عناصر بازار و به عنوان دفاتر تجاری-اداری در دو طرف راسته ها. (بابایی، وارسته دهکردی و دیگران، ۱۳۹۳)

بازار اصفهان در ارتباط نزدیک با عناصر مذهبی و در تبادل با آن هاست. نزدیکی موقعیت مکانی مسجد به بازار سبب سهولت استفاده بازاریان از مسجد در انجام فرایض دینی می شده است و آن ها برای مشورت در امور مذهبی به روحانیون مساجد مراجعه می کردند. مبادله اطلاعات مذهبی، اخبار سیاسی و تجاری در میان افراد و گروه های اجتماعی در فضای مسجد کارکرد ارتباطی مسجدهای درون بازار بوده است. (همان) آرامگاه ها، زیارتگاه ها، تکایا و حسینیه ها از دیگر عناصر موجود در بازار اصفهان اند، که همگی در دادن رنگ مذهبی به زندگی جاری در بازار و هرچه نزدیک کردن آن به شهری اسلامی کمک می کنند.

• صنعت و اشتغال در دوره صفویه

پیرامون صنعت و اشتغال در دوره صفویه، شهر (به منزله ابزار تولید) یکی از ویژگی های مهم شهر اصفهان در دوره صفویه، رونق فن و صنعت بوده است شاردن از ۳۲ کارگاه مرکز تولیدی در اصفهان یاد می کند که در هر یک بیش از یکصد و پنجاه صنعتگر مشغول به کار بوده اند نویسنده تذکر الملوک مراکز تولیدی را در حدود سال 1726م/۱۱۳۷هـ-ق ۳۳ کارگاه اعلام داشتند. این کارگاهها در حدود ۵۰۰۰ تعمیر کار و صنعتگر را در استخدام و در ترقی کل اقتصاد سهیم داشتند. در شهر اصفهان صاحبان حرف مختلف حضور داشتند و دارای تشکیلاتی شبیه اصناف اروپای قرون وسطی بودند. آنها از افراد صنف خود حمایت می کردند، در تعیین نرخ کالا دخالت داشتند،

در مواردی می توانستند به میزان بالای مالیات به دولت اعتراض نمایند. دستمزدها تحت نظارت هر صنف بود. بنابراین وجود صنوف بر تقسیم بندی فضایی بازار و ایجاد سلسله مراتب و نظم دهی در آن موثر بود و شکلی نسبتاً پیچیده و در عین حال منظم و یکپارچه به آن داد. (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) اینها همه نشان از جامعه ای مردم وار و در تلاش برای کسب عدالت دارد، همچنین وجود صنوف بر تقسیم بندی فضایی بازار و ایجاد سلسله مراتب و نظم دهی در آن موثر بود و شکلی نسبتاً پیچیده و در عین حال منظم و یکپارچه به آن داد.



شکل ۴-۳۲- تجلی درونگرایی در بازارهای سنتی ایران (سجادزاده، اعتصامیان و دیگران، ۱۳۹۴)

بازار عصر صفوی به لحاظ کالبد محل گذر بوده و مکان خودنمایی، تفریح و پاتوق نشینی و مانند آن (به معنای امروزی) نیست، بنابراین مورد تایید آموزه های اسلامی است؛ به این ترتیب بازار به نوعی بخشی از معابر شهر را تشکیل می دهد. (محل گذر و نه مکث در شهر). همچنین رونق اقتصادی شهر و بهبود نسبی اوضاع شهروندان (با حفظ و رعایت اصول)، از مواردی است که جامعه اسلامی به دنبال آن است. جامعه عصر صفوی در زمان شاه عباس در اوج رونق اقتصادی خود بوده و در زمان جانشینانش، با هرچه بیشتر شدن توجه به نمایش ظاهری -

بدون توجه به هدف نائل آمدن به باطن و تعالی-بیشتر رو به افول و زوال می گذارد. همچنین بازار نیز پیرو کلیت کالبد درونگراست.



شکل ۴-۳۳- قسمت اصلی بازار اصفهان (شفقی، ۱۳۹۴)
 ترکیب معنادر بازار و میدان و پیوند عناصر مذهبی و تجاری در شکل دهی به بافت شهر موثر است. بازار اصفهان از جمله بخش های قدیمی آن است که تا حدود قابل توجهی از هجوم فرهنگ غربی مصون مانده است.

۴- ۷- ۴- محله و مسکن

«به مجموعه ای از واحدهای همسایگی که دارای یک مرکز خدماتی بودند محله گفته می شد. چنانچه پیش از این اشاره شد، اصفهان در دوره صفوی برای اولین بار نوعی منطقه بندی تجربه می کند. این تقسیم بندی منطقه ای با قرار گرفتن دو محور چهارباغ و زاینده رود بر روی هم اصفهان را به چهار منطقه اصلی^{۳۷} تبدیل می کند که هر کدام به محلاتی تقسیم می شده اند. از مهم ترین محلات دوران صفویه، می توان به محله طوقچی، جویبار، کنگاز، جلفا، لبنان و ... اشاره کرد. در آن زمان شهر اصفهان دارای ۳۷ محله بود. به طوری که بعضی از محلات آن خدماتی در حد یک شهر بزرگ را در خود متمرکز می ساخت. هم زمان با احداث میدان نقش جهان و چهارباغ در شمال شرقی ترین قسمت چهار باغ، محله دولت احداث می گردد. این قسمت از شهر را می توان به محله شاهی معروف دانست. از محلات دیگر بخش جنوبی شهر که با برنامه ریزی احداث شده بود، شهرک جلفا نام داشت. این شهرک در قسمت جنوب غربی چهار باغ و چسبیده به آن در امتداد ساحل جنوبی زاینده رود قرار دارد. از سایر محلات شهری می توان محله گبرآباد یا گبرستان را نام برد که متعلق به زرتشتیان اصفهان بوده و بعدها این محله به دستور شاه عباس دوم خراب و به جای آن کاخها و باغات سعادت آباد بنا گردید و ساکنان آن به انتهای جلفا کوچانیده شدند.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) در دوره صفوی «یک سلسله اقدامات عمرانی به منظور حذف

^{۳۷} - شامل: عباس آباد، جلفا، گبرآباد و اسپهان.

آثارخرابی ها و ویرانی های دوره مغول و تیموری در شهرها صورت گرفت. در شهرهای دوره صفویه جدائی گزینی اجتماعی شهرنشینان محله های مختلفی را ایجاد نمود. به عنوان مثال می توان از محله های مسلمان نشین و یهودی نشین و محله دولتمردان و دولت‌مندان و محله آرامنه و زرتشتی ها در شهر اصفهان نام برد. از دوره صفویه تا قاجاریه هر محله دارای بازارچه و میدانچه ای بود که تأسیسات عمومی شهر نیز مانند سقاخانه، مسجد و گرمابه در آن قرار داشت.» (رهنمایی و دیگران، ۱۳۸۶)



شکل ۴-۳۵- محلات شهر اصفهان در سال ۱۳۵۰
 (شفقی، ۱۳۹۴) در شهری چون اصفهان که بهره مند از آب رودخانه است؛ مرزبندی محلات علاوه بر خیابان ها، گذرها و کوچه ها، به وسیله مادی ها انجام شده است.



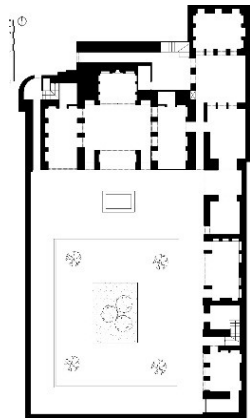
شکل ۴-۳۶- اصفهان، محله جویباره؛ که خیابان ابن سینا آن را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. قبل از ایجاد محله شیعه نشین، یهودیان در آن سکنی داشتند که در مرکز آن تعداد قابل توجهی کنیسه وجود دارد که به واسطه کمی جمعیت یهودیان، برخی از آنان متروک است و یا کمتر استفاده می شود. این بافت قدیمی دارای کوچه های تنگ و باریک با پیچ و خم و ساباط های فراوان بوده که اکنون در نتیجه فعالیت های عمران شهری به ویژه خدمات رسانی از جمله آب و گاز رسانی موجب برچیدن این ساباط ها گردیده است. (همان)

جدول ۴-۶- تأسیسات و مراکز خدماتی بعضی از محلات مهم شهر اصفهان و واحدهای مسکونی آنها (حیدری نژاد، ۱۳۹۱)

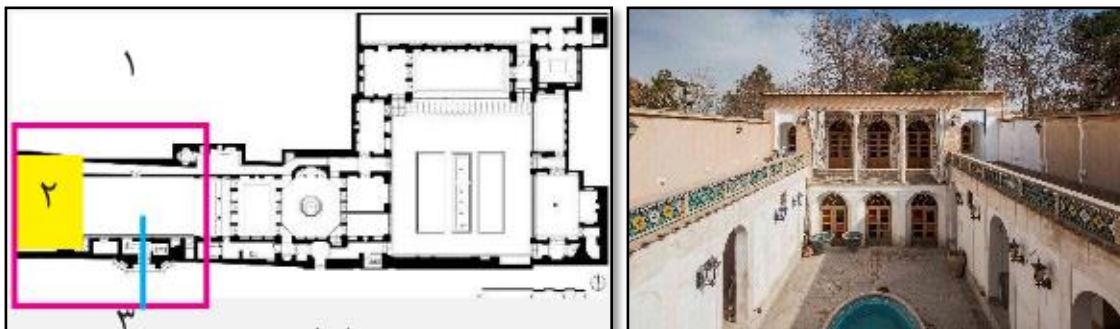
ردیف	نام محله	تعداد واحدها مسکونی	بازار	کاروانسرا	حمام عمومی	مسجد	مدرسه
۱	طوقچی	۸۰	۴	۴	۲	۲	۲
۲	دردشت	۸۵	۲	۴	۳	۲	۲
۳	بیدآباد	۸۸۳	۵	۱۱	۴	۸	۵
۴	عباس آباد	۲۰۰۰	۷	۲۴	۱۹	۱۲	۵
۵	شیخ یوسف	۲۰۷	۲	۳	۲	۲	۵
۶	کل شهر	۱۲۰۰۰	مجموعه سراسری	۱۸۰۲	۲۷۳	۱۶۲	۴۸

«مجموعه ای از مسکن شهر نشینان اصفهان که عموماً به یکدیگر پیوسته و دارای دیواره های بلند و مستقل بوده، به نام واحد همسایگی معروف بوده است. در این واحدها عموماً اعضای یک فامیل، یک طایفه، و یا یک صنف زندگی می کردند و نام معبر از نام آنها اقتباس می شد.» (حیدری نژاد، ۱۳۹۱) پیشینه تاریخی خانه ایرانی در سال های بسیار طولانی گواه بر این ادعاست که هر خانه بطور معمول از دوبخش - یکی فضای ساخته شده و محصور، و دیگری فضای باز - تشکیل شده است و حیاط به عنوان یکی از فضاهای باز خانه نقش کلیدی در خانه های سنتی فلات ایران داشته است. (زندیه، میرزایی و دیگران، ۱۳۹۴) خانه های تاریخی اصفهان بر اساس نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انسان به عنوان کاربر فضا و همچنین در ارتباط با بستر طبیعی، بنا شده است. حفاظت از آنها به منزله پاس داشت هویت ملی بوده و آگاهی از نحوه عملکرد و نقش اجتماعی شان مبنایی برای شناخت و تبیین نظام مدیریت حفاظتی از این عناصر ارزشمند بافت های تاریخی اصفهان است. جریان زندگی در برخی خانه های تاریخی با شغل مالک در ارتباط بوده؛ از این جهت فضاهایی برای آن عملکرد خاص پیش بینی شده است. این قبیل خانه ها را می توان در زمره خانه کارگاههای تاریخی دسته بندی کرد. همچنین برخی خانه های تاریخی بستر زندگی افرادی بوده است که در تحولات اجتماعی - سیاسی دوران خود بسیار تأثیرگذار بوده اند و پاره ای از وقایع مهم در کالبد آن خانه تاریخی نقش می بندد. این خانه ها علیرغم داشتن ارزشهای تاریخی و معماری به عنوان نمونه ای از خانه های مشاهیر اصفهان قابل دسته بندی می باشند. (پدرام و حریری، ۱۳۹۵) در گذشته به دلیل داشتن ارتباط نزدیک بین فضای خانه و کار، بعضی از مراودات و روابط اجتماعی بین تجار و صاحبان پیشه در خانه های شخصی آنها انجام می شد و در برخی خانه ها این ارتباط باعث تغییراتی در الگوی نحوفضا و ویژگی های فرمی معماری بوده است. شغل و موقعیت اجتماعی مالک در وضعیت بیرونی خانه های صفوی و قاجاری اصفهان چندان تأثیرگذار نبوده؛ ولی فضاها و عناصر درونی خانه در برخی موارد تابعی از شرایط اجتماعی و شغلی ساکنان بوده است. در واقع به دلیل درونگرایی الگوی مسکن در دوران صفوی از نمای خارجی اکثر خانه های تاریخی موقعیت شغلی و اجتماعی مالک مشخص نمی گردد. برخلاف سیمای بیرونی خانه های این دوره، فرم و تزئینات فضاهای درونی به شغل و موقعیت اجتماعی مالک وابسته بوده

است. (همان) از خانه های معمولی شهر اصفهان در آن دوره چندان توضیح و تصویری برجای نمانده و آنچه به عنوان نمونه آورده شده است خانه های افراد مطرح آن دوران است که چنانچه اشاره شد معمولا کاربری های فرامسکونی داشته اند. این خانه ها با توجه به فرد مالک، مذهب و پیشه او تجملات و تزئینات متفاوتی را شامل می شدند، همچنین این تنوع در تقسیم بندی فضایی خانه ها وجود داشته است. مسلما خانه های افراد معمول و سطح متوسط و مردم عام جامعه که بافت غالب محلات را تشکیل می دادند دارای سادگی و فضا سازی هایی محدود با تزئینات مختصر بوده است. اما آنچه در همه خانه مورد توجه و مطلوب است، وجود حیاط و اهمیت اساسی آن است. بهره گیری از نور روز، انجام فعالیتهای روزانه و بخشی از کار و محل درآمد هر خانوار، قرارگیری برخی اجزای خانه در حیاط و ارتباط مداوم با گیاهان، آب و طبیعت همگی ویژگی هایی معمول از خانه های آن دوران است که شهری افقی را باعث می شدند. حیاط به عنوان یک عنصر پایه ای در شکل گیری خانه های سنتی بافت مرکزی ایران، به تنهایی می تواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ساکنین خود باشد. «حیاط باغ ها مهم ترین فضای خانه ها در دوره مذکور تاثیرات مهم و به سزایی بر انسان و رفتارهای او داشته اند، از جمله: ورود به حیاط از سمتی که نمای اصلی خانه در دید بوده احترام به شخص وارد شونده و نوعی از عزت نفس را به همراه می آورده و نوعی دعوت کنندگی محسوب می شده است؛ مرکزیت همیشگی حیاط موثر بر حس وحدت بوده و رعایت تناسبات در حیاط آن را به شکلی هندسی تعریف می کرده و از آنجا که ذات انسان گرایش به هندسه و اندازه معلوم دارد او را به ارتباط با این فضا فرا می خوانده. (مظاهری، آقازدانفر و دیگران، ۱۳۹۲)



شکل ۴-۳۷ و شکل ۴-۳۸-نما و پلان خانه آیت الله علامه فانی؛ فرم فضا به صورت مستطیل که نسبت طول به عرض آن ۵ به ۴ است و در قسمت شاه نشین تالار به وسیله در ارسی مجزا از سایر بخش های تالار جدا شده است. در توضیح تصویر نما، از دلایل پیش بینی فضایی در قسمت شاه نشین تالار با داشتن حریم کاملا مشخص، فعالیت های مذهبی مالک و مراجعین خاص این خانه بوده است.



شکل ۴-۳۹ و شکل ۴-۴۰- پلان خانه میرزا احمد ملا باشی و دید پرنده خانه میرزا احمد ملا باشی. پلان: ۱. حیاط بیرونی ۲. اتاق کار ۳. ورودی مستقل بیرونی؛ اتاق کار به فرم مستطیل و نسبت طول به عرض آن ۵ به ۳ است. / دید پرنده: در جبهه غربی حیاط بیرونی فضای مستقلی به اتاق کار مالک و پذیرش مراجعین اختصاص داشته است. (پدرام و حریری، ۱۳۹۵)

5- 4- 5- سیما و منظر شهری

«مسائل جهانی یا نحوه نگرش به جهان، عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف مادی جهان و عامل محیط یا اقلیم، یا چگونگی تعریف زیست-محیطی جهان، عواملی هستند که به گونه ای زنجیروار به یکدیگر وابسته اند و از زمانی که بشر یکجانشین شد، دولت را سامان داد و شهر را بنا کرد و تا به امروز نقشی تعیین کننده در تعریف شهر داشته اند. فرهنگ هر ملت واجد دو ساحت و قلمرو اصلی است که یکی وجه فکری و ذهنی و به عبارتی وجه فلسفی آن است و دیگری وجه عینی و ظاهری آن است. وجه فکری فرهنگ ایرانی که ریشه در یگانه پرستی ایرانیان دارد، با تعالیم وحیانی و اسلام تغذیه شده و بیانگر ارزشهای الهی و معنوی و انسانی غیرقابل شمارشی است. مهمترین اصل و ارزش این وجه از فرهنگ ایرانی، آن است که هر چیزی را واجد معنا می داند که در خلق آثار هنری، یا هر نوع اثر دیگری، از آن به سیر از خاک و ماده و دنیا به آسمان و معنا و آخرت و ماوراءالطبیعه تعبیر می شود» (حقیقت بین و دیگران، ۱۳۹۲) این معانی و چارچوب های اعتقادی همه در کالبد بروز می کند و در این دوره با ارتقاء سطح تکنولوژی ساخت و تنوع در انواع و کیفیت آثار هنری به سطح بالایی در کالبد می رسد. یکی از این نمونها باغشهر است. بر اساس منابع تاریخی، معروفترین و باشکوهترین باغشهر ساخته شده در عهد صفوی، شهر اصفهان می باشد. باغشهر اصفهان در عصر صفویه بنا بر نوشته های پیتر و دلواله سیاح زمان شاه عباس اول، به وسیله تقاطع عناصر اصلی نظام دهنده شهر (مطابق با مدل باغ ایرانی)-رودخانه و محور چهارباغ- در عین پیوستگی به چهاربخش اصلی تقسیم می شده که گروه های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش های مجزا جای می داده است. چنین به نظر می رسد که دولت صفوی در ایجاد شهر جدید صفوی ابتدا مکان (سایت) و خصوصیات شهر قدیم و عوامل بالقوه سایت، که مهمترین آنها زاینده رود و باغ های باقیمانده از دوران قبل می باشد را شناسایی نموده است. سپس به عنوان بهترین و سریع ترین شیوه و

مطابق با ویژگی های زندگی شهری در عصر تیموریان که احداث اقامتگاه ها و باغهای برون شهری بوده است، بدون ایجاد خرابی و آسیب، با حل کردن شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاط های داخلی و میدان ها و باغ های متعدد ایجاد کرده و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغشهر باعث نفوذ طبیعت به داخل شهر گردیده است. علاوه بر موارد فوق که بیشتر نتیجه امنیت و توسعه فرهنگی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، به احتمال قریب به یقین استفاده از باغها و مدل باغشهر برای توسعه شهر اصفهان، با جهان بینی شیعه و باورهای مذهبی صفویان که خود را مدافع و مبلغ مذهب تشیع می دانستند ارتباطی مستقیم دارد و در این راستا ایشان از مدل باغشهر با هدف تجسم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان استفاده کرده اند. در متون و نوشته های مختلف نیز صفویان به تصویر بهشت گونه شهر اصفهان اشاره نموده اند. اسکندر بیک منشی ارتباط نهرهای آب جاری با نهرهای بهشتی در شهر اصفهان را چنین توصیف می کند: "خصوصیات آن بلده جنت نشان (اصفهان) از استعداد مکان و آب رودخانه زاینده رود و جوی های کوثر مثال که از رودخانه مذکور منشعب گشته به هر طرف جاریست". این نهرها شاخصه و متمایز کننده شهر اصفهان از سایر شهرهای ایران می باشد و به گونه ای هویت بخش قسمت های مرکزی شهر و متمایزکننده این محلات از سایر محلات جدید شهر می باشد. در تصویری که کمپفر از باغهای اطراف خیابان چهارباغ در ذهن خویش تجسم کرده و برای خواننده شرح می دهد، نیز بر صورت بهشت گونه آنها تأکید کرده است: "این باغها از نظر آن که با عمارات و قصور کوچک و دلربا، راهروهای پاکیزه، باغچه های شکوفان، بوته ها و گلهای نادر دستچین و همچنین انواع و اقسام آبگیرها و فواره ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد و قلم از وصف آنها عاجز می ماند". (همان)

• پل ها

چنانچه پیش تر اشاره شد، پل ها نیز مانند سایر اجزا در ارتباط با ادراک مخاطب در شهر استقرار یافته اند و دارای طرحی از پیش اندیشیده شده هستند. پل ها در اصفهان ساده نبوده و در کنار کاربرد عبوری، کاربردهای فرهنگی هم داشته اند. امکان ارتباط مخاطب با فضای زیر پل و دسترسی به آب که وی را در مشارکتی فعال با درک طبیعت سهیم می نماید، از این جمله است. همچنین طراحی محل مکث در میانه پل خواجو است که طراحی فضایی هشت ضلعی صورت گرفته است. در میانه این پل، فضا ابعاد بیشتری یافته و معنایی کاملا تازه پیدا می کند. در این قسمت پل پلانی هشت ضلعی دارد و دعوتی به مکث برای تماشا. در پل خواجو که نقش سد و بند را نیز ایفا می نموده، با بستن دهانه های پل در ضلع غربی، دریاچه ای مصنوعی به وجود می آید که همچون آینه ای، تصویر پل و عابران را باز می نمایاند. با توجه به انعکاس نقش پل در آب، پل صاحب محوری عمودی نیز می شود و گذشته از جهاتی که پلان هشت ضلعی تعیین می کند، دو جهت دیگر در راستای محور عمودی بر آن افزوده می شود. چنانچه پل، محل ارتباط میان آسمان و زمین شده و امکان فهم و کشف تازه ای را

به روی مخاطب می‌گشاید. (افهمی، نبوی و دیگران، ۱۳۹۲) منظر اصفهان از مجموعه این عناصر شاخص تشکیل شده است. سیلوئت شهر معرف المان‌های اسلامی و در ارتباط مستقیم با طبیعت بود و مردم نه در کنار طبیعت که در دل آن می‌زیستند. در واقع طبیعت شهر-رود و فضای سبز چهارباغ-در ترکیب با پل‌ها و پیوستگی معماری درونگرا بخش اصلی منظر شهر را تشکیل می‌داد.

1-5-7-4- درونگرایی در کالبد صفوی

«درونگرایی یکی از ویژگی‌های بارز معماری ایرانی است که ریشه‌ای عمیق در مبانی و اصول فرهنگی و اجتماعی این سرزمین دارد و جزء جدایی‌ناپذیر از معماری ایرانی می‌باشد زیرا که درونگرایی در ذات و وجود انسان قرار داده شده است و به عنوان یک اصل در معماری ایرانی پذیرفته شده است و با حضوری آشکار، به صورت‌های متنوع... قابل درک و مشاهده است. درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است. برخی از تحلیل‌گران معماری سنتی ایران بر این باورند که شکل‌گیری این نوع معماری صرفاً به علت اوضاع جغرافیایی و اقلیمی خاص منطقه است. ما اگر بخواهیم به طور دقیق و موشکافانه به این موضوع بنگریم، درخواهیم یافت که توجه به درونگرایی براساس فرهنگ، نوع زندگی و آداب و رسوم و جهان‌بینی خاصی شکل گرفته است، که همراه با مسائل محیطی و جغرافیایی به شکل تکاملی خود دست یافته است. به هر حال ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت نهادن به آن، خانه ایرانی را در گذشته به گونه‌ای درونگرا ساخته است و حیاط مرکزی را به عنصری شاخص در معماری خانه‌های ایرانی تبدیل کرده است. بدین صورت که در معماری درونگرا، تزئینات به وفور به کار می‌رفت و به بیرون کمتر توجه می‌شد و سادگی در معماری برونگرا رعایت می‌شده است. در معماری گذشته ایران، فضاهای درون‌خانه، نیاز اهل خانه را تأمین می‌کرد و در معماری درونگرا، محرمت و سلسله مراتب رعایت می‌شد. از این رو است که توسط این عناصر، درونگرایی معنا و مفهومی پایدار در معماری ایرانی دارد. در این مقاله سعی به بررسی روند شکل‌گیری درون‌گرایی و عناصر وابسته به آن در معماری خانه‌های سنتی ایران بوده است» (هادیان پور و دارابی، ۱۳۹۳) «درونگرایی، یکی از باورهای مردم ایران، زندگی شخصی و حرمت آن بوده و این امر معماری ایران را درونگرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک‌هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. وجود اندرونی و بیرونی نمودی از این درونگرایی است. اندرونی جایگاه زندگی خانواده بوده و بیگانگان به آن راه نداشتند. بیرونی ویژه میهمانان و بیگانگان بود که جداگانه پذیرایی می‌شدند.» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷) اینها همه به حفظ حرمت افراد و حریم خانه کمک کرده و افرادی با روحیاتی به دور از خودنمایی و تکبر می‌پروراند. افراد تعالی را در درون جستجو می‌کنند و جلوه‌های بیرونی را بیش از حد نیاز و تزئینات را بیش از آنچه گویای درون باشد نمی‌

پذیرند. تمایل به درونگرایی کالبد را به ایجاد سلسله مراتب فضایی سوق داده و شهر را به طیفی از فضاهای متنوع عمومی، نیمه عمومی-نیمه خصوصی، خصوصی مبدل می کند که پاسخدهی لازم برای موقعیت های گوناگون و نیازهای فردی و اجتماعی افراد را دارد.

2-5-7-4- هنر در اصفهان

شهروند اصفهانی از میان بازار عبور می کرد و صنایع، انواع آثار خلاق هنری، زندگی پویای شهری، تیمچه ها، سراها و هنر معماری آنها و ... را از نظر می گذراند و سپس در فضایی عظیم قرار می گرفت که پایه های حکومتی را در یک نگاه به مقابل دیدگانش می آورد. هنر را در بنا، در مدرسه و بازار، در مسجد و کاشی کاری هایش، در مراسمات و سنت ها، در سنگ تراشی ها، در صدای اذان مسجد میدان و در ذره ذره میدان احساس می کرد و زندگی روزمره خود را در چنین فضایی می گذراند. انجام برخی مراسمات در میدان، بار دیگر حضور هنرهای نمایشی در شهر را پر رنگ می کرد و معماری خاص ابنیه میدان با توجه به جایگاه موسیقی ایجاد شده بود. میدان نقش جهان، چون چهارباغ محل حضور شهروند از هر طبقه اجتماعی و دربردارنده ابعاد گوناگون زندگی او بود و به این سبب با ذوق هنری هنرمندان گره خورده بود و فضای شهری متفاوتی را ایجاد نموده بود. «در نظام حکومتی شاه عباس، هنرهایی که دارای جنبه های اقتصادی بودند، بیش از هنرهای مربوط به زیبایی شناسی شخصی رونق گرفته است.» (دهمشگی و جانزاده، ۱۳۶۶)



شکل ۴-۱- مجسمه زایچه-نماد اصفهان (سازمان زیباسازی اصفهان) نماد اصفهان «نشان دهنده اعتقاد به ایجاد شهر در برج قوس است، به صورت موجودی به شکل نیمه انسان و نیمه شیر یا ببر تصویر شده است. این موجود در حال تیراندازی به دم خود است که نمادی از مبارزه انسان با نیروهای نامطلوب درونی و رها شدن از آنهاست.» (فراهانی، ۱۳۸۸)



شکل ۴-۲- بخشی از نقاشی سردر بازار
قیصریه (<http://forum.weare.ir>)



شکل ۴-۴۳-عالی قاپو (ویکیپدیا) یکی از
 ارکان اصلی میدان نقش جهان عمارت عالی قاپو با عنوان مقر حکومتی است. این کاخ محل نشست شاه بوده و هر یک از ۶ طبقه آن برای امری خاص طراحی شده و در واقع ساختمانی چند منظوره را ایجاد کرده است. طبقات عالی قاپو را می توان به سه بخش عمومی، خصوصی و تدارکات تقسیم بندی کرد. شامل اتاق پذیرایی از مهمانان، حرمسرا و... ایوانی بزرگ برای تماشای مراسمات و مسابقات اجرا شده در میدان که ویژه ی شاه تدارک دیده شده بود.

الف- نورپردازی و رنگ

• نظام های رنگی سنتی ایران

«هفت رنگ: از نگاه سنتی رنگ نافذ متشکل از ۲ رنگ است. گروه سه رنگه اول: سفید و سیاه و سندل فام (رنگ خاکی، تهی از رنگ، رنگ زمین) مکمل گروه چهار رنگه دوم، یعنی سرخ زرد و سبز و آبی است. مجموع این هفت رنگ اساس درک نظام سنتی رنگ است.

نظام سه رنگه: سفید نهایت یکپارچگی همه رنگ هاست، پاک و بی آلیش. در حالت نامطهر خویش، رنگ نور محض است پیش از تجزیه و پیش از آنکه یکی از خود بسیار گردد. نور که از لحاظ نمادین سفید تلقی می شود، از خورشید نازل می شود و نماد توحید است. سیاه فنای خویشتن است و لازمه جمع ستر کعبه است، سر وجود، نور جلال و رنگ حق. سندل فام، ناد آدمی است به اجمال، و زمین است به تفصیل، جسم نزد صنعتگر، سطح خنثی نزد هندسه دان و کف از برای مهندس معمار.

نظام چهار رنگه: چهار در حد عدد و در حد مربع در هندسه، بازتابی از نقشبندی تصویری نفس کل است که به گونه ای صفات فاعلی طبیعت (گرم، سرد، تر، خشک) و کیفیات انفعالی ماده (آتش، آب، هوا و خاک) ظاهر گشته است. از جمله بازتاب های ثانوی این نظام عبارتند از: چهار ربع روز، چهار فصل، بهره های چهارگانه زندگانی این جهانی آدمی. رنگ های اولیه سرخ، زرد، سبز و آبی به چشم می آیند این چهار رنگ، طبایع اربعه و با چهار عنصر اصلی (ارکان اربعه) همخوانی دارند.

طبیعت، عامل فعالی در قبال ماده، دائر کننده خلقت دنیوی است و نواخت های ظاهر و باطن تمامی هستی را تعیین می بخشد. آدمی از طریق نظام چهارگانه همخوانی های محسوسی با جنبه های گوناگون این نیروی جبلی

طبیعت برقرار می کند که پیوسته در طلب حالت تعادلی متمائل با حالت ازلی انتظام خود است بر اساس این نظام
ها به ویژه نظام مبتنی بر ارکان اربعه هر رنگی کیفیت بصری ویژه خود را دارد.» (زمانی گندمانی، ۱۳۹۳)

• کیفیات رنگ ها بر اساس نظام چهارگانه

«زرد: این رنگ مزاجی گرم و خشک دارد و هوش، فهم، درایت زیاد، عشق ورزی و برابری با عنصر آتش دارد. رنگ زرد در تباین با رنگ آبی است.

آبی: مزاج خنک دارد و موجب آرامش و صلح و ایجاد روحیه مثبت و ترفیع فرد میشود.

نیلی: این رنگ شروع لطافت طیفهای نوری میباشد. نیل به روحانیت، خودکفایی و عقل میباشد. رنگ نیلی موجب گشادگی چشم (دید درون و برون) میشود. درها را به روی ناآگاه باز میکند و به کمک رنگ نیلی میتوان خاطراتی را که مدتهای طولانی فراموش شده بود به ذهن بازگرداند.

فیروزه ای: رنگ فیروزه‌های از آبی و نیلی عمیق تر است. نشاط آور، مفرح و نشان پیروزی است و نگرهبانی در برابر بخت بد برای ایرانیان است.

سرخ: مزاج گرم دارد. میوه های قرمز رنگ در پاکی خون اثرگذار بوده و باعث ساخته شدن خون جدید می شوند. بر اثر استفاده از رنگ قرمز ارتعاشات درمان کننده و تقویت کننده ای برقرار می شود. این اثرات در موارد کم خونی، لاغری و نحیفی، سردی دست و پاها و در موارد فقر غذایی می تواند کمک کننده باشد و در تأمین انرژی بدن همراه با سایر مکمل های غذایی بسیار کارساز است. رنگ چهره افراد دموی قرمز می باشد.

سبز: رنگ سبز دارای ارتعاشات متعادل کننده مهمی برای سیستم عصبی می باشد. مزاج این رنگ معتدل است. رنگ سبز

موجب تهییج، التهاب یا حساسیت نمی شود. رنگ سبز اثر آرام بخش جدی روی قلب دارد. اثر کنترل کننده رنگ سبز روی افراد دچار فشارخون نیز بسیار مطرح می باشد. استفاده از رنگ سبز برای هر نوع اشکال مربوط به دستگاه گردش خون می توان بهره گرفت. رنگ سبز جهت تمدد اعصاب خسته استفاده می شود.

سفید: این رنگ دارای مزاج سرد و تر است و نزدیک ترین رنگ به نور.

سیاه: سیاه مزاجی سرد و خشک دارد و رنگ حیرت است.

نخودی: رنگ نخودی از ترکیب زرد و سفید به وجود می آید و تحرک و گرمی اش از زرد کمتر و از سفید بیشتر است.» (همان)



شکل ۴-۴-۴- رنگهای کاشیکاری مسجد شیخ لطف الله؛ (عکس: نگارنده). ایوان ورودی با زمینه لاجوردی و نقوش زرد رنگ کاشیکاری شده است. در راهرو ورودی پنجره های مشبک فیروزه ای در میان سایه روشن راهرو خودنمایی میکنند و سرای زیرگنبد دارای دیوارهایی با زمینه لاجوردی و نقوش زرد است با این حال هر ضلع این سرای هشت ضلعی با نقوش متفاوت طراحی شده اند. رنگ ها در گنبد از

همنشینی لاجوردی، فیروزه ای و نخودی ترکیبی زیبا به وجود آورده اند. زمینه نخودی با کاشیهای لاجوردی در مرکز جای خود را به زمینه سفید و نقوش فیروزه‌های میدهد. نور از پنجره‌های مشبک دور گنبد به مرکز گنبد هدایت میشود و از آنجا به تمام فضای داخلی بنا بازتابانده میشود. پروفیسور پوپ در کتاب بررسی هنر ایران، ضمن شرح عظمت این خانه خدا مینویسد: "این بنا توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش باشکوه، که نماینده ذوق سرشار از زیبایی بوده و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمیتواند داشته باشد." (زمانی گندمانی، ۱۳۹۳)

6-7-4- ساختار کالبدی اصفهان امروز

نفوذ چارچوب های فکری جامعه غربی در مسائل اجتماعی، کالبد و ساختار اداری کشور اسلامی، سبب ایجاد شهرهایی نامأنوس و نامتناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی شده است. انسان مدرن، معروف به "انسان ابزارساز" می باشد. شهر مدرن که در نتیجه تفکر انسان مدرن ایجاد می شود، مکان تولید این ابزار می شود، اما در مقابل انسان سنتی، انسانی است ساده که کمتر به ابزار نیازمند است. مفاهیم مسلط بر شهر سنتی بیشتر با مفاهیمی از جمله "سادگی" و "فناعت" در ارتباط است. بیشترین کاربری در شهرهای قدیمی مربوط به کاربری مسکونی بود. انسان در دوره مدرن سکونت خود را از دست داده و مأمن خود را در خارج از مسکن دنبال می کند. مصرف گرایی را در بازار، آرامش را در پارک و فضای سبز، تربیت را در فضاهای آموزشی می یابد و از طرف دیگر برای رسیدن به این کاربری ها فضاهای زیادی به کاربری دسترسی اختصاص می یابند. (غلامی بيمرغ، ۱۳۹۱) در شهر جدید اصفهان دوگانگی برآمده از سطح اقتصادی علاوه بر تاثیر بر بافت و تعیین نسبی محل ریزدانه ها و درشت دانه ها، گستره قابل توجهی از بافت فرسوده را سبب شده که علاوه بر بحث ایمنی، منظر شهری را نیز تحت الشعاع قرار داده است.



شکل ۴-۵- نقشه بافت فرسوده اصفهان (طرح تدقیق و به هنگام سازی محدوده بافت فرسوده شهر اصفهان) محدوده های مشخص شده بافت مصوب فرسوده می باشند. چنانچه واضح است بخش قابل توجهی از شهر جزئی از بافت فرسوده بوده و حتی بخش هایی از بافت مرفه اقتصادی را نیز دربر می گیرد. قرار گرفتن عمده این بافت در محدوده تاریخی و هسته مرکزی شهر اصفهان نگران کننده است.

اجزای اصلی تشکیل دهنده شهر امروز چیزی بیش از عناصر مهم گذشته است. امروزه بازار در بیشتر خیابان ها حضور دارد، اتوبان ها تمامی شهر را زیر سلطه دارند، محلات شماری بالا داشته از انسجام گذشته برخوردار نیستند. با این وجود به جهت آنکه قیاس میان دو برهه زمانی در این شهر امکان پذیرتر باشد، معرفی اجزای شهر در قالب فصول گذشته، ارائه خواهد شد.

1-6-7-4- میدان

آنچه امروز در ادبیات عامه به عنوان میدان شناخته می شود انواع مختلفی دارد و در بسیاری مواقع در تعریف علمی فلکه قرار می گیرد؛ عنصری ترافیکی که عاری از شاخصه های فضای شهری است و برای ورود افراد و شکلگیری رفتار اجتماعی کارایی ندارد. اما مفهوم واقعی میدان در شهر اصفهان را بایست در میدان های کهن آن جستجو کرد که همچنان پاربرجا هستند. کارایی میدان نقش جهان همچنان متنوع اما نسبت به گذشته بسیار محدودتر و بیشتر به حالت نمایشی و گردشگری است. میدان عتیق اصفهان هم که به وسیله بازار اصفهان به میدان نقش جهان متصل می شد علی رغم بازسازی و تلاش در باززنده سازی کمتر مورد توجه - و مورد استفاده به عنوان فضای فعال شهری - قرار می گیرد. میدان نقش جهان همچنان محل برخی تجمعات در مناسبت های خاص مذهبی است اما با توجه به افزایش چشمگیر جمعیت، فضا سازی جدید و ساماندهی هوشمندتری را می طلبد که غفلت از آن مشهود است. چنانچه پیشتر پیرامون آسایش اقلیمی آن در بخش زیست محیطی اشاره شد، انتخاب نوع گیاهان میدان در سالهای اخیر هوشمندانه نبوده و آسایش گذشته را در پی نخواهد داشت. عنصر میدان در شهر جدید اگرچه می تواند عنصری مهم و تعیین کننده باشد، اما با توجه به گسترش عظیم شهر، نه عنصر شاخص و اصلی که تنها یکی از عناصر مهم آن است که امروزه بیشترین بار ارزشی را به جهت تاریخی بودن به خود می

گیرد. میدان امروز چونان گذشته محل بروز عقاید و اجتماعات برآمده از وحدت نیست، و این موارد علی رغم وجود به چند مورد - همچون مراسمات تاسوعا و عاشورا- محدود می شود و چون گذشته معرف وحدت اجتماعی شهر نیست.

2-6-7-4- مسجد و فضاهای مذهبی شهر

عناصر مذهبی امروز شهر، در تعداد بیشتر اما با کیفیتی کم دقت تر قرار دارند. مساجد با هر نمایی در محلات دیده می شوند. چنانچه برخی از مسکن و درمانگاه و .. قابل تشخیص نیستند. زیبایی شناسی ابنیه مهم و عناصر شاخص گاهی به تکرار چند الگوی ناقص از طرح های گذشته محدود می شود. آنچه در سیلوئت شهر به چشم می خورد دیگر عناصر شاخصی چون عناصر مذهبی نبوده و گاهی مساجد، حسینیه ها، مصلی، مزارها و .. را باید در کوچه پس کوچه های شهر یافت. به عبارتی بخش قابل توجهی از عناصر مذهبی گوشه گیر و پرت در بافت واقع شده اند. بسیاری موارد چند عملکردی بودن خود را از دست داده اند. مساجد دیگر چون گذشته محل تجمع و هم فکری نیست. مراسمات کم تری در مساجد افراد را به خود جذب می کند و بخشی از مراسمات بیشتر جنبه نمادین به خود گرفته است. از طرفی در برخی محلات یا خیابان ها تعداد بالای مسجد غیر منطقی است و از تفکر انسجام و وحدت و ایجاد تمرکز در بافت به دور است. به این ترتیب القای حس وحدت و اهمیت مسجد کمرنگ می شود. مصلی اصفهان پس از حدود ۲۵ سال با گذشت از مشکلات فراوان بالاخره به بهره برداری رسیده است اما آنچه آنچنان که میدان نقش جهان تا کنون نقش مصلی شهر را ایفا می کرده است، مصلاهی جدید موفق به معرفی خود و جذب افشار مختلف جامعه نبوده است. در جدول زیر وضعیت فعلی برخی مساجد مهم و تاریخی شهر آمده است؛

جدول ۴-۷- مساجد اصفهان و عملکرد آنها (قائدرحمتی، ۱۳۹۱)

نام مساجد	عملکردها
مسجد امام (شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -نقش تبلیغی-مذهبی -برگزاری مراسم عبادی-سیاسی نماز جمعه
مسجد جامع عتیق (شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) - نقش تبلیغی-مذهبی -نقش جهانگری -برگزاری مراسم عبادی روزانه -نقش ارتباطی و عبور و مرور
مسجد - مدرسه سید (شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)

<p>- نقش تبلیغی-مذهبی</p> <p>-نقش جهانگری</p> <p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p> <p>-نقش ارتباطی و عبور و مرور</p> <p>-نقش تبلیغی-سیاسی</p> <p>-نقش آموزشی(مدرسه ی علمیه)</p>	
<p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p> <p>- نقش تبلیغی-سیاسی</p>	مسجد صدر بازار (شهری و منطقه ای)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>- نقش تبلیغی-مذهبی</p> <p>-نقش جهانگری</p> <p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p> <p>-نقش ارتباطی و عبور و مرور</p>	مسجد حکیم(شهری)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>- نقش تبلیغی-مذهبی</p> <p>-نقش آموزشی(کلاس های آموزشی-مذهبی)</p>	مسجد النبی(شهری)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>-محل برگزاری نماز عیدین و نماز جمعه</p> <p>-نقش فرهنگی، آموزشی و ورزشی</p> <p>-نقش تجاری</p>	مسجد مصلی(شهری)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p> <p>-نقش آموزشی و فرهنگی(حوزه ی علمیه در مجاورت آن)</p>	مسجد رکن الملک
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>- نقش تبلیغی-مذهبی</p> <p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p>	مسجد جنب تکیه خوانساری(شهری و منطقه ای)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p> <p>-برگزاری مراسم عبادی روزانه</p>	مسجد حاج محمد جعفر آباده ای (منطقه ای، ناحیه ای و شهری)
<p>-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..)</p>	مسجد حاج آقا حسن امامی(منطقه ای، ناحیه ای)

ای و شهری)	محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه
مسجد حسین آباد(منطقه ای،ناحیه ای و شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه
مسجد حاج آقا صدیقین(منطقه ای،ناحیه ای و شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه
مسجد الغفور (منطقه ای،ناحیه ای و شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه
مسجد رضوی(منطقه ای،ناحیه ای و شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه
مسجد کمر زرین (منطقه ای،ناحیه ای و شهری)	-محل برگزاری مراسم عبادی ویژه در سال (مانند شبهای قدر، عزاداری ماه های محرم و صفر و ..) -برگزاری مراسم عبادی روزانه

3-6-7-4- بازار

در شهرسازی مدرن اقتصاد عامل اصلی در تغییر شهرسازی محسوب می شود اما اقتصاد شهر مدرن به مانند شهرسازی مدرن دارای بحران هایی است، یکی از مهم ترین مشکلات شهر امروزی بحث تورم^{۳۸} است. در واقع می توان گفت تورم با شهرسازی مدرن متولد شد، اقتصاد که بین المللی شد و شهرها از تولید به مصرف تغییر جهت دادند و اقتصاد تک محصولی شد، تورم افزایش یافت. در واقع اگر به نرخ تورم در سال های مختلف نگاهی بیندازیم افزایش آن در سال هایی بوده است که در قیمت نفت افزایش داشته ایم.

افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۵۲ به بعد روی تورم تأثیر زیادی گذاشته است از این سال به بعد تورم به بالاتر از ۱۰ می رسد می توان تأثیرات اقتصاد سیاسی نفت را بر روند شهرنشینی به طور زیر خلاصه کرد:

- تأمین کالا و خدمات و تخصیص منابع برای شهر
- تهیه و تدوین و اجرای طرحهای شهری و برنامه ریزی و مدیریت شهری
- اتخاذ سیاست های شهرنشینی و شهرگرایی و نحوه توزیع درآمد بین شهروندان

^{۳۸} - تورم به معنای «افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود هر چند بر پایه نظریه های گوناگون، تعریف های متفاوتی از تورم ارایه می شود اما، تمامی آن ها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت ها اشاره دارند.» (غلامی بيمرغ، ۱۳۹۱)

- سرمایه گذاری در زیرساخت های شهری
- گسترش تشکیلات اداری و سیاسی در شهر
- توسعه فضایی کالبدی، فرهنگی، تفریحی
- رواج فرهنگ مصرف گرایی فراملی
- تمرکز بیشتر امکانات، تجهیزات در شهر و ایجاد انگیزه برای زندگی در محیط شهری (مهاجرت)

عامل دیگری که نقش آن در تورم کمتر بررسی شده است پیچیدگی سیستم شهر و در واقع افزایش آنتروپی می باشد، سادگی نظام اقتصادی در شهرها اسلامی قبل از دوره مدرن باعث می شد کمتر تورم دیده شود و این تورم کم یا نبود تورم عدم جدایی گزینی اقتصادی را در پی داشت. در واقع نظام اقتصادی در شهر مدرن ریشه در کثرت دارد و هر چه جلوتر می رود کثرت بیشتر می شود برای حفظ این ساختار بر ساختار می افزایش تولید کالا در این نظام نیاز فرایند طولانی می باشد. تورم ذات شهر مدرن و این نظام می باشد در واقع با بالا رفتن آنتروپی و بی نظمی تورم در شهر بیشتر می شود. در همین رابطه لازم به ذکر است، پیچیدگی مدیریت شهرهای مدرن مشکلات متعددی را ایجاد کرده است، از معضلات اصلی در شهرهای کنونی به خصوص شهرهای ایران، مشکلات مدیریتی می باشد، که در ابعاد مختلف خود را نشان داده است. مثل بروکراسی، عدم یکپارچگی مدیریت شهری، عدم تخصص مدیران شهری می باشد. مسأله و مشکل اساسی که شهرها در دوره مدرن با آن مواجه شدند بروکراسی شهری است در واقع مدرنیسم با توجه ساختار پیچیده خود نیازمند به سازمان های متعددی در شهر می باشد، هر چند بروکراسی در شهر مدرن به معنی تعدد سازمان و مؤسسه تنها نمی باشد. دو نتیجه ساختار پیچیده شهر مدرن (تورم و مصرف گرایی) نشانه پیچیدگی ساختار مدیریت شهری و انسان مدرن و در واقع ذات این شهر می باشند، سومین نشانه از این پیچیدگی را می توان در افزایش هزینه ها در بخشهای مختلف شهرداری به عنوان ارگان اصلی در مدیریت شهری دانست. (غلامی بیمرغ، ۱۳۹۱) امروز بازار قیصریه اصفهان تنها جزئی کوچک از ساختار اقتصادی شهر است که بیش از آنکه وحدت بافت را باعث شود، عمده اهمیت خود را در نقش توریستی خود خلاصه کرده است. بازارهای امروز نه تنها سبب پیوستگی و وحدت نمی شوند که گسست بافت و پراکندگی در معنا را باعث شده اند. میل شدید به خرید اجناس روز در جامعه سبب ایجاد رغابتی در بازار شده است که برخلاف گذشته بیش از هر چیز نمایش و به رخ کشیدن را در خود تقویت کرده است. ویتترین ها، ایجاد آلودگی های صوتی و بصری برای فروش هرچه بیشتر از عناصری در شهر امروز است که برای همگان عادی شده است. کاسب جای خود را به دلال داده و حرمت بازار چونان گذشته وجود ندارد. بخشی از راسته بازارهای قدیم همچنان در شهر وجود دارند اما دیگر کل بافت را به دست خود به انسجام نرسانده اند. میل عجیب انسان امروزی به مصرف و ابراز نیاز به کالاهای غیرضروری باعث شده تا در بسیاری موارد خیابان ها، فضاها، میدان ها، همگی با بخش تجاری خود معرفی شوند؛ بازارها تمامی شهر را دربر گرفته اند. و بنابراین حرمت و حیای در اقتصاد و کسب و کار به نسبت گذشته تنزل کرده است. به این ترتیب با نگاه جدید به انسان از حفظ حرمت او

نیز کاسته شده است. پیرامون نوع ساختار بازارها، مجموعه های قابل توجهی از بازارهای امروز به صورت Mallها و فروشگاه های زنجیره ای خودنمایی می کنند. امروزه الگو MALLها در کشورهای حاشیه خلیج فارس به شدت رو به افزایش است؛ به طوری که بسیاری این گونه ساخت را الگوی شهرهای اسلامی می دانند! جالب توجه است که الگوی بازارهای شهرهای قبل از اسلام به رهنمودهای اسلامی نزدیک است.



تصویر ۴-۶-۴ و ۴۷-۴۶-۴۷- مرکز خرید جدید اصفهان
(سیتی سنتر)؛ این مرکز تنها یکی از چند مرکز خرید شهر است که در فاصله قابل توجهی از مرکز شهر و ابتدای جاده اصفهان_شیراز و در کناره اتوبان واقع شده است. برخلاف بازار قدیم به انسجام شهر کمی نمی کند و سبک معماری و اجناس عرضه شده در آن بیشتر در پاسنخگویی به مصرف گرایبی است.

۴- 6- 7- 4- محله و مسکن

« انقراض سلسله صفویه و از بین رفتن حکومت قدرتمند مرکزی در اثر تهاجم افغان ها، و رواج مجدد ملوک الطوائفی در ایران، شهرنشینی رو به زوال رفت و قدرت از درون شهرها به مناطق خان نشین و چادرنشین منتقل شد. در زمان حکومت نادرشاه افشار، به دلیل تحمیل هزینه های سنگین جنگ ها و لشکرکشی های وی، زمینه ای برای احیاء شهرنشینی و به تبع آن محله های شهری ایجاد نگردید. در دوره زندیه نیز تنها در عهد کریم خان زند، اقدامات سودمندی برای آبادانی شهرها، احیاء شبکه های آبیاری، تجدید صنایع و توسعه تجارت خارجی انجام شد. در مجموع به دلیل منازعات فراوان و دوره کوتاه حکومت سلسله های حاکم بر ایران از سقوط صفویه تا روی کار آمدن قاجاریه، ویژگی خاصی برای بدنه محله های شهری نمی توان تعریف کرد.» (رهنمایی و دیگران، ۱۳۸۶) اما پس از ایجاد تغییراتی که به دست قاجار و پهلوی در شهرها-با هدف مدرنیزاسیون- انجام شد، شرایط و تبع آن مسائل جدیدی برای شهر و محلات آن پیش آمد. مسائل محلات امروزی عبارتند از: عدم انسجام محلات، عدم وجود حس تعلق، عدم امکان تفکیک اصالت ها در محلات، گسسته شدن بافت برخی محلات، تعداد بالای محلات، عدم پخش امکانات شهری به طور عادلانه در محلات و ...

محلات در گذشته با نوع حرفه و صنف و نژاد شکل می گرفتند و ساکنان آن در حمایت از هم حساسیت خاصی نشان می دادند؛ اما امروز صرف خطوط مرزی خیابان کشی و تقسیم بندی اقتصادی زمین (محلات مرفه، متوسط و فقیر به لحاظ اقتصادی) تعیین کننده ساکنان یک محله است.



شکل ۴-۴۸- تعدد محلات در اصفهان امروز (طرح تفصیلی شهر اصفهان)

طی سال های اخیر درصد کاربری مسکونی کاهش یافته است و به کاربری های وابسته به این کاربری مانند کاربری های معابر، تجاری، ورزش، تفریحی، فضای سبز، پارکینگ، گردشگری، آموزشی، تأسیسات و تجهیزات و صنعتی افزایش پیدا کرده است. ساکنین شهرها در دوره مدرنیسم نیازهای فراوانی دارند که اکثر این نیازها در خارج از مسکن تأمین می شود، مصرف گرایی نیازمند بالا بردن واحدهای تجاری متنوع و متعدد می باشد زندگی صنعتی شده امروزی نیاز به فضاهای ورزشی را افزایش می دهد و عدم سکنی گزینی در مسکن های جدید ایجاد فضاهای تفریحی را ضروری می کند، وابستگی تغییرات تکنولوژیکی به فضاهای آموزشی متعدد سرانه بالای این فضاها را ایجاب می کند و در نهایت تجهیزات و تأسیسات فراوانی برای انسان مدرن و ابزار طلب لازم است. در شهر اصفهان کاربری مسکونی رو به کاهش و کاربری هایی مدرن در شهر رو به افزایش است، هر چند باید توجه داشته باشیم شهر اصفهان هنوز تا مدرن شدن کامل فاصله زیادی دارد ولی اگر مدرن نیست مدرن زده شده است و به سمت مصرف گرایی می رود، شهر مانند انسان ابزار زده ای در یک خانه می شود که وسایل رفاهی او

چنان زیاد شده است دیگر جایی برای خودش نمانده است، در واقع شهر مدرن به سمت کاربری غیر مسکونی حرکت می کند. (غلامی بی مرغ، ۱۳۹۱)

چنانچه در بخش زیست محیطی اشاره شد، مصالح مورد استفاده در مسکن و به طور کلی ابنیه جدید از مصالحی بوم آورد نبوده و علاوه بر هدر رفت انرژی طبیعی و ایجاد انواع آلودگی، به ناهمگونی با بستر محیط می انجامد. همچنین چنانچه در چارچوب نظری اشاره شد، هریک از اشیا و مصالح داری مزاج بوده و بر سلامت روح و جسم انسان موثرند. مصالح مورد استفاده در عصر حاضر چون بتن، سیمان، سرامیک، انواع کف پوش های مصنوعی و ... دارای مزاجی سرد بوده و بر سلامت افراد تاثیر سوء دارند.

مسکن امروز در بسیاری موارد نه در نقش سرپناه که صرفاً یک خوابگاه است. آپارتمان های معمول امروزی به جهت احترام به فرد و پاسداشت حرمت انسانی او ضعیف عمل کرده اند. معمولاً در داشتن حیاط یا نوع استفاده از آن دچار مشکل است. در گذشته بخشی از کارهای مهم خانه در حیاط انجام می شد. از امور خانه تا تجمع ها و مهمانی ها و .. اما امروزه شهروندان حتی برای آفتاب دیدن لباس هایشان دچار مشکل اند. خانه هایی با حیاط های مرکزی جای خود را به آپارتمان هایی داده اند که معمولاً از ارتباط با هرگونه گیاه به دورند. در سال های اخیر در جهت رفع مشکل کمبود ارتباط متقابل انسان و طبیعت مفهوم بام سبز مطرح شده است که در شهرهایی چون اصفهان چندان موفق عمل نکرده است.

«محلات مسکونی که به عنوان واحدهای پایه ای شهر محسوب می شوند، از طریق ستون فقرات محوری خویش به محورهای شهری و در نهایت به بازار و دروازه های شهر متصل می گردند. دروازه های شهرها یعنی ورودی های شهر که امکان نفوذ های بیرون به شهر و بالعکس را از طریق محورهای شهری تامین می کردند، در انتهای محورهای اصلی شهر و در ارتباط با آنها شکل می گرفتند.»

5-6-7-4- منظر شهری

منظر امروز اصفهان نه تنها جایی برای شاخص سازی عناصر مهم شهر چون عناصر مذهبی ندارد و آنها را در سیلوئت خود به نمایش نمی گذارد که برج های مسکونی و تجاری بی توجه به بافت افقی شهر، سلامت بصری شهر را به خطر انداخته است. تنوع در مصالح ساخت ابنیه، بی توجهی به تاثیرات روانشناسی رنگ به کار رفته در نمای ابنیه ای که بیش از هر چیز با هدف هرچه بیشتر به نمایش گذاشتن محصولات آماده عرضه انتخاب شده اند، آرامش گذشته را از شهر گرفته است و محصولی جز تشویش به همراه ندارد.

• آلودگی بصری شهر اصفهان

این نوع آلودگی از بحران های شهر مدرن می باشد، و ابعاد گسترده ای دارد، در واقع نوع شهرسازی امروز این آلودگی را اقتضا می کند، شهر سرمایه داری جدید حکم می کند که ما تبلیغات در شهرها داشته باشیم، ابزارهای

مختلف در شهر داشته باشیم که مبلمان گسترده ای را در بر بگیرند، روح شتاب و مردگی ماده در شهر نیز مزید بر این آلودگی می شود. اگر حتی در شهر مدرن ساماندهی در مبلمان و تبلیغات داشته باشیم، بازهم روح شتاب، نابسامانی را القاء می کند. روح مرده بتن هیچ وقت نمی تواند سیمایی زیبا ایجاد نماید، تکنولوژی نیز بر این نابسامانی می افزاید، آلودگی ناشی تکنولوژی بر فرسایش سیمای شهر می افزاید.

شهر اصفهان که زمانی معروف به شهر گنبد‌های فیروزه ای بود، امروزه در محاصره ساختمان های تازه ساخت بتنی و انبوه از آهن و تبلیغات قرار گرفته است که هیچ رابطه ای با هویت تاریخی شهر اصفهان ندارند، نماهای آجری و خشتی که متناسب با اقلیم بودند جایشان را به نماهای بتنی و فلزی داده اند که حتی از نظر اقلیمی و آب و هوایی تناسبی با اقلیم ندارد. ساختمان های شیشه ای نامناسب انرژی بالایی را از ساختمان ها هدر می دهند و روزانه و سالانه هزینه زیادی صرف نگهداری آن ها می شود.

دیگر ورودی شهر را نمادهای اسلامی و شهری معلوم نمی کند بلکه تابلوهای تبلیغاتی کالاها به شکل زنده ای مشخص کننده محدوده شهر هستند. شهر اصفهان دیگر آن آرامش قبلی خود را ندارد در کنار بافت های سنتی و قدیمی که نمادی از معماری اسلامی بودند به شکل نامتقارنی بافت جدید را شکل داده اند. پل های فلزی که محصول معماری مدرن هستند در کنار پل های سنتی و تاریخی که نمادی از معماری اسلامی و تاریخی ما هستند، ساختمان هایی که نمادی از جهان انسان جدید (انسانی که خود را صاحب جهان می داند) هستند نه از نمای جهانی الهی در کنار جهانی از نمادهای اسلامی قرار می گیرند.

در شهر اصفهان مانند خیلی از شهرهای کشور آلودگی بصری در مسکن نیز وجود دارد. شیشه های رنگ به رنگ بدون هیچ تناسبی کنار هم چیده شده اند و پوسترها و برچسبهای تبلیغاتی تا بلندترین ارتفاع تیرهای چراغ برق و درهای فلزی خانه ها، چشم را می آزارد. این مباحث در حالی مطرح می شود که ساختمانهای ناهمگون با بافتهای مجاور خود که عمدتاً بافت قدیمی اصفهان را تشکیل می دهند تناسبی با یکدیگر نداشته و در واقع افزایش حجم تبلیغات محیطی و بی توجهی به شیوه هماهنگ آذین بندی و زیباسازی شهر در سالیان گذشته، بافتهای شهری را به چشم انداز هایی آشفته و خسته کننده تبدیل کرده است. با روند کنونی هجوم آهن و فولاد، این شهر دچار تزلزل فرهنگی شده، به طوریکه انگار ما در شهری زندگی می کنیم که در جریان پرشتاب توسعه شهری، تمام علقه ها و وابستگیهای فرهنگی و حتی چهره تاریخی اش را پشت سر می گذارد و می رود تا نسل های بعدی یادشان برود که این شهر، شهری با قدمتی عظیم بوده است. نبود قانون مشخص برای کنترل کیفی نمای ساختمان های اصفهان در سالهای اخیر از یک سو و حاکمیت فرهنگ بساز و بفروش، اعمال سلیقه مالک یا کارفرما و استفاده از مصالح و مواد نامرغوب از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از ارزش های بصری قابل تأمل در فضای زیستی شهر را مخدوش کرده و کیفیت بدنه های شهر را در غیاب طرح جامع معماری و شهرسازی، کاهش داده است. در چنین شرایطی، این مالکان و کارفرمایان ساختمانها هستند که کیفیت بعد سوم بنا، یعنی نمای آن را تعیین می کنند و اعمال سلیقه های شخصی در این زمینه، چنان آشفتهگی را بر سیمای بصری شهر تحمیل کرده که

نمای هر ساختمانی بی هیچ هماهنگی با نماهای مجاور و موقعیت اقلیمی حاکم بر آن ساز خود را می زند. با گسترش شهر، طبیعت را در مناطق جدید از بین برده و آن را به فراموشی سپرده ایم و این عمل به یکی از معضلات اصلی شهر یعنی همان آلودگی هوا و آلودگی بصری تبدیل شده است. (غلامی بيمرغ، ۱۳۹۱)

6-6-7-4- هنر و زیبایی شناختی

جایگاه هنر مسئله پیچیده و گسترده ای است که در پیاده سازی آن در شهر و رواج نشانه ها و سبک ها در میان مردم به عنوان مخاطب نقش عمده ای دارد. این جایگاه متأثر از فرهنگ، عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و همچنین تحت تاثیر سواد و ذوق هنری مخاطب خواهد بود. هنرشناسان معتقدند که «نفس کار از خود کار غنی تر و ژرف تر است.» (ولف، ۱۳۶۷) و «یکی از دلایل اینکه مفاهیم نگاشته یا هر اثر دیگری از پیام منظور فرد نویسنده فراتر می رود این است که زبان و اشکال زیبایی شناختی به کار گرفته شده در آن اثر، از پیش، مفاهیم اجتماعی حوزه گسترده تری را تبدیل به رمز می کنند.» (ولف، ۱۳۶۷) هرچند که «علامت ها یا دلالت گران در ساختن جهان، نقش مستقل ندارند» (ولف، ۱۳۶۷) و «در مورد مفاهیم رمزی هیچ چیز مطلقاً وجود ندارد.» (ولف، ۱۳۶۷) بنابراین دست مسئولین برای ورود انواع شاخه های هنر به متن شهر باز است، آنها می توانند آنچه را که برای شهر لازم و مناسب است را از هر شاخه دریافت کنند. اینکه «آب، علامت روشنایی و طراوت و سلامت و برکت» (عنصری، ۱۳۸۰) است، یا اینکه خورشید و طاووس و ... در تزئینات بنا نقش می بندند، همه نمونه هایی است از «پایگاه هنرهای تجسمی در باورهای عامه یا نقش این هنرها در پندارها و معتقدات عامه مردم. مردمی که به هنر از بابت پیام رسانی اش دل سپردگی دارند. مردمی که با این هنرها "زندگی" می کنند. هنر عامه امروز برای اثبات حقانیت خود مبارزه می کند. تنها پیمایی که هنرمندان برخاسته از متن مردم برای ما دارند، جلب توجه به معنای عمیق آثاری است که به دست این هنرمندان مردمی به وجود آمده و از گذشتگان به امانت به ما رسیده است، البته با تفاهم و با نگاهی تازه.» (عنصری، ۱۳۸۰) در دنیای امروز «پیشرفت های علمی و فنی، بعدی نو آفریده اند. امروزه مردم جهان به هم نزدیکند ... با این همه، ساختاری که از جهانی کوچک تر و گذشته به ارث برده ایم، مانع از این می شود که به زندگی مان در محدوده بعد وسیع تر موجود انسجام دهیم. استبداد- انحرافی ترین وجه نیروی سرکوب در تجربه های فاجعه آمیز گذشته- کوشش کرده و می کند، بر بستر اجبار یا زور، حال و آینده را نیز، به منظور جامه عمل پوشاندن به هرچه که به طرز فاحشی با اصول رشد و پیشرفت مخالف است، به سوی شکلی از سازماندهی که زمانش به سر آمده است بکشاند. اما، از سوی دیگر این نیروهای مخرب راه را برای بازسازی مهیا می کنند. زیرا هر قدر شتاب ها و تنش های به وجود آمده از تناقضات بین توان کنونی و اشکال کهنه شده گذشته تحمل ناپذیرتر شوند همان قدر هم انگیزه تعادل بخشیدن به جریان فعلی زندگی، قوی تر خواهد بود. پس برای آنکه زندگی امروزی ارزش گذراندن را داشته باشد، باید سمت گیری مجدد به عمل آورد و اشکالی در انطباق با شرایط تاریخی حاضر آفرید.» (کپس، ۱۳۸۵) تا آنجا که ممکن است،

نباید اجازه داد که پیوند هنر و مردم دستخوش تغییرات سیاسی و اهداف اقتصادی شود. همچنین «قبل از اینکه یاد بگیریم با دیدی نو بنگریم و قالب های ذهنی مان را از سر بیرون کنیم، باید در خودمان چیزی با همان جوهر شادی کودکان به هنگام بازی با رنگ ها و شکل ها جست و جو کنیم.» (کپس، ۱۳۸۵) «سازماندهی مجدد عادت های بصری مان، نه به منظور دریافت "چیزهایی" تک افتاده در "فضا"، بلکه ساختار، نظم و روابط بین وقایع در فضا-زمان، شاید رواترین شکل انقلاب باشد. انقلابی که مدت ها پیش نه تنها در هنر، بلکه در تمامی تجربه های ما، انتظارش می رود.» (کپس، ۱۳۸۵) «امروزه، شکل، یکپارچگی و برنامه ریزی برای تمام نیروهای مترقی، کلمات کلیدی هستند. هدف نظم ساختاری زنده و نو است، فرمولی نو در سطح اجتماعی که در آن تمام معلومات و دستاوردهای فنی امروزی بتوانند بدون مانع مثل یک کل عمل کنند.» (کپس، ۱۳۸۵) «رفتار انسان در مقیاسی جهانی تحت تاثیر نیروهای اکولوژیکی است و این نیروها آنچه را انسان می تواند به آن دست یابد، بدون توجه به اهداف و انگیزه های انسانی محدود می سازد. در حقیقت رفتار انسان، در این دیدگاه، در چنبره یک اکوسیستم محیطی و تنها در چرخه آن معنا می یابد.» (مطلبی، ۱۳۸۰)

کارشناسان معتقدند شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین المللی، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت نماید. بسیاری از کلانشهرهای کشور از نظر بصری زیبا نیستند، ساختمان های بد قواره در کنار خیابان هایی که پر از ماشین و آدمهاست. شهرها از نظر بصری دچار مشکلاتی است که باید با بهره گیری از هنرهای بصری مختلف و توجه به رنگ آمیزی و نقش گیاهان و درختان، سامانی یابد.» (غلامی بيمرغ، ۱۳۹۱)

بخشی از به کارگیری رنگ در آثار امروزی اصفهان-توسط سازمان زیباسازی-در غالب نورپردازی انجام می شود و این نورپردازی تا به حال معمولاً در پل ها مورد استفاده قرار گرفته است. مدیر عامل سازمان زیباسازی شهرداری اصفهان با بیان این که وضعیت ارتفاع ساختمان ها بر آلودگی نوری در سطح شهر تاثیر گذاشته است.. [معتقد است که] ارتفاع ساختمان ها باعث شده دید آسمان گرفته شود که این امر نشان از لزوم نورپردازی شهر به نحو مطلوب دارد. ..با [توجه] به قدمت تاریخی شهر اصفهان و با توجه به حساسیت ویژه این شهر، لزوم توجه به نورپردازی مطلوب بیش از پیش شده است علاوه بر این که آلودگی های بصری حاصل از چراغ های نئون و روشنایی های نامطلوب باعث ایجاد آلودگی نوری برای شهروندان می شود. ..سازمان زیباسازی شهرداری اصفهان از ابتدای سال ۹۱ درصد تهیه طرح جامع نورپردازی مناسب برای کلان شهر اصفهان می باشد. ...فقط شهرداری اصفهان متولی نورپردازی مناسب نیست و ارگان های دیگر نیز در این امر دخیل هستند...از ارگان های

دیگر می توان از سازمان میراث فرهنگی برای ایجاد روشنایی در ابنیه تاریخی و همچنین اداره برق برای ایجاد روشنایی در معابر یاد کرد.» (<http://isfahan.ir>)

جدول ۴-۸- گونه های مختلف هنر و ویژگی های هر یک از آن ها (نقره کار، ۱۳۹۲)

گونه های هنر	نوع زیبایی شناسی	ویژگی ها	مصادق	ما به ازای معماری
هنر پسینی	زیبایی شناسی پسینی	هنر پیرو	هنر خادم: هنر در خدمت انسان	فرانوگرایی
هنر پیشینی	زیبایی شناسی پیشینی	هنر پیشرو	هنر مخدموم: انسان در خدمت هنر	نوگرایی
هنر جامع	زیبایی شناسی جامع	هنر پیشرو و پیرو	خدمت متقابل انسان و هنر	برخی از آثار ناب معماری اسلامی

جدول ۴-۹- ۷ الگوواره از تبیین بحران و راه حل های پیشنهادی برای معماری معاصر در ایران و جهان (نقره کار، ۱۳۹۲)

الگو واره معماری	معمار	بحران و عوامل ایجاد آن	راه حل
نوگرایی اولیه Modernism	صارمی، جودت، افشار نادری، هاشمی	لوکوربوزیه گروپوس	متفاوت با گذشته پیوستن به معماری جهانی
نوگرایی سامان شکن Deconstruction	شیردل	آیزنمن گهری	متضاد با گذشته ایجاد یک معماری کاملاً نوین
نوگرایی تلفیقی (تاریخ، جامعه و ...) Postmodernism	داراب دیبا، میرمیران، شیخ زین الدین	جنکز ونتوری	همراه با گذشته تلفیق شیوه های جدید و کهن
ذات گرا و ارگانیک Exsistencialism	پاسبان حضرت	شولتز، الکساندر رایت	الگو برداری از طبیعت
سنت گرایی تاریخی Historic Traditionalism	پیرنیا، لرزاده، شعریاف و ...	کریر حسن فتحی	سنت تاریخی کامل تشویش در سیر تاریخی به دلیل تهاجم فرهنگی

	غرب			
سنت‌گرایی معنوی Traditionalism	اردلان (شکل قدسی)	آندو کان (شکل مدرن)	گسستن از بنیادهای معنوی تشویش در نظام فکری به دلیل تهاجم فرهنگی غرب	احیاء بنیادهای معنوی در دو شکل ۱-نوبین ۲-قدسی
حکمت اسلامی Islamic wisdom	هنوز به صورت جامع تحقق نیافته است. به صورت نسبی در آثار برخی از معماران مشاهده می‌شود.	بحران همه‌جانبه گسستن از بنیادهای دینی تشویش در نظام فکری به دلیل تهاجم فرهنگی غرب	از بعد نظری تحقیق جامع در حکمت نظری و علمی اسلام و از بعد عملی، رسیدن معماران به مرحله اجتهاد تخصصی	

فصل پنجم - بحث و نتیجه گیری

هر رشته تخصصی در پیشبرد اهداف و اجرای اصول خود نیازمند الگو و نظریه سازی است. در روند الگو سازی در حرف شهرسازی و معماری، شرایط فرهنگی، مذهبی و تاریخی در هر مکان نقش تعیین کننده ای دارد. در این میان مکتب شیعی - با بهره گیری از آموزه های اسلامی و پیرو رهنمودهای پیامبر و ائمه (ع) - بر این باور قرار دارد که توصیه های ائمه و بزرگان در هر زمان امکان استفاده و به روزآوری را داشته و بهترین گزینه بایستی با اصول آن تطبیق داده شود. در مکتب علوی رعایت عدالت همواره پیشرو در امور بوده است و سادگی و قناعت از جمله اصول تعیین کننده در عملکرد مسئولین و برنامه ریزی و اجراست که علاوه بر جریان فکری حاکم بر این مکتب در کالبد آن و در متن زندگی اجتماعی شهر نیز قابلیت پیاده سازی دارد. با نگاهی مختصر به رهنمودهای حضرت علی (ع) به عنوان تنها امامی که فرصت حکومت بر مسلمین را پیدا کرده است نکاتی قابل برداشت است که می تواند به عنوان اصول اجرایی شهرسازی و معماری آن دوران تلقی شود؛ با نگاه به ابعاد مختلف موثر بر شهر اسلامی به نکاتی دست می یابیم که به ترتیب زیر خلاصه می شود:

- شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن های دیگر و با استفاده از جلوه های تجلی آن نمود پیدا می کند تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخگو باشد پس از آن با فرهنگ یافتن شهرسازی اسلامی و گسترش آن نیاز به ساخت بناها و معابر و شهرهای جدید افزایش می یابد؛ زمانی از پرجمعیت ترین و ثروتمندترین شهرهای دنیا است. نظام سه بخشی آن که شامل «فضاهای عموم»، «نیمه عمومی»، و «خصوصی» است، هرگز یکپارچگی شهر را مختل نکرده، بلکه باعث انفکاک ناپذیر بودن وجوه مادی و معنوی و ایجاد همبستگی بین ساکنان و وحدت بین شهروندان نیز شده است.
- در سیره حضرت امیر (ع) بازگشت به محتوا به چشم می خورد، بنابراین صرف بررسی فرم های استفاده شده در زمان ایشان و الگو قرار دادن آنها امر درستی نبوده و بایست روح مکان را جستجو کرده، آن را با اصول اسلام علوی و با نیازهای زمان تطبیق داد. به گونه ای که در نهایت معماری و شهرسازی شهر مسلمان نشین ظرف مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای معمول و تعالی انسان به صورت توامان باشد. حضرت امیر (ع) همواره رضایت خداوند و خدمت به خلق را مد نظر داشته است که آنچه در عمل نتیجه می شود در بسیاری موارد محورهایی است که امروزه در حوزه حقوق شهروندی می گنجد. از پایه ای ترین تفاوت های شهرهای اسلامی و غربی تفاوت های ساختار اجتماعی آن است که در کالبد نیز خود را نمایان ساخته و از اولین نمودهای آن سادگی و دوری از تجملات، یکسانی خانه های مردم و مسئولین و تغییر ساختار شهرهای فتح شده از جمله شهرهای ایرانی است که نظام طبقاتی آن ها به جهت اجتماعی تغییر یافته و افراد در جایگاه های متفاوت در کنار یکدیگر و یکسان زندگی می کنند.

• سنت در حکمت نظری جهان بینی را تحت تاثیر قرار می دهد و در حکمت عملی، هنجار، رفتار و سلوک عملی فردی و جمعی را در بر می گیرد. لازم است هر سنت از سنجه دین و آموزه های اسلامی بگذرد.^{۳۹}

• ساختار فضایی شهر متأثر از هسته اولیه، اقلیم و شرایط جغرافیایی است. همچنین نگاه دینی به سلسله مراتب اجتماعی بر این امر موثر است. چرا که سلسله مراتب اجتماعی در جدایی گزینی و تقسیم فضایی شهر موثر خواهد بود. در شهرهای اسلامی به آن جهت که عدالت در محوریت مفاهیم نظری و عملی قرار داشته و تقوای افراد ملاک برتری آن هاست، تقسیم بندی فضایی نبایست هیچ گونه تفکیکی میان قشرهای مختلف جامعه ایجاد کند و هدف آن است که جامعه -چه به لحاظ اجتماعی و چه در بروز کالبدی و ساختار فضایی- دارای وحدت و یکدستی و یکپارچگی باشد. به این ترتیب با ورود اسلام به شهرهای جدید، در اولین گام مسجد به عنوان عنصر شاخص مذهبی در قلب شهر ساخته می شد و سلسله مراتب فضایی که عامل جدایی و برتری گزینی اقشار مرفه جامعه از مردمان عادی بودند از میان برداشته می شدند. این امر در شهرهای کهن ایرانی با از بین رفتن مرز شارستان و ربض نمایان شد. در نهایت با بررسی شهرهای مختلف متناسب با زمان و شرایط پایه موثر بر شکل گیری ساختار فضایی شهر اسلامی به طور مشترک به پیچیدگی و بی نظمی ظاهری معابر و تقسیم بندی فضایی آنها برمی خوریم که تا حدی بیانگر همین موضوع است. اما به هر حال عناصر مهم مذهبی و سیاسی در قلب شهر و موثر بر جهت دهی ابنیه و شکل گیری ساختار فضایی بوده اند.

• فضای شهر اسلامی مکمل فضای طبیعی آن است. طراحی شهری در شهر اسلامی همچون معماری ابنیه آن در تلاش است تا با حرکت از ظاهر به باطن و از کثرت به وحدت، هم نیازهای مادی و سیر در آفاق انسان را برآورده سازند و هم نیازهای معنوی و سیر در انفس انسان را تامین نمایند و به بیان دیگر شهر اسلامی در تلاش برای تبدیل به ظرفی مناسب برای حمل انسان است.

• «فرهنگ اسلامی با شعار برابری، برادری و تحرک عمودی و افقی، باعث پویایی جامعه شهری و پویایی مردم در جامعه شهری گردید، به نحوی که میان مفهوم شهر و فرهنگ اسلامی در ابتدای امر روابط نزدیکی برقرار گردید و در اولین دولت اسلامی تشکیل شد. فرهنگ اسلامی برای حریم زندگی و ارزش های آن اهمیت قایل بود، از همین رو همه دستورات و قوانین به گونه ای برنامه ریزی شده، ساخت شهرها را تحت تاثیر قرار داد و به مورفولوژی آنها هویت بخشید که با شهرهای دیگر نواحی دنیا متفاوت است. تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر اصول زیر بوده است: اصل باحجابی، اصل

^{۳۹}- حضرت علی(ع) در خطبه ۱۴۵ نهج البلاغه می فرماید: "با پیدایش هر بدعتی، سنتی می میرد. پس از بدعت ها بپرهیزید و از راه های روشن جدا نشوید. بیگمان جریان ها هرچه ریشه دارتر، برتر و هرچه سست تر و سطحی تر، فروتر و پست ترند."

درون گرایی، اصل سادگی، اصل خودکفایی، اصل تطابق با محیط، اصل نهی از منکر، اصل توجه به خانواده.» (زیاری، ۱۳۸۲)

- نهایتاً از سایر تاثیرات آموزه های اسلامی بر معماری و شهرسازی می توان به این موارد اشاره کرد:
 - مسجد مکان سیر متعالی انسان بوده و این سیر را در نهایت سادگی و بی آلاچی می پیماید.
 - معماری خارجی مسجد در ابعاد و نقشه زمین از بافت شهر و امکانات آن متاثر است.
 - ورودی، حریم و جهت گیری ابنیه در شهر اسلامی با رعایت آرامش فردی و اجتماعی است.
 - فضاهای داخلی نسبت به فضاهای بیرونی دارای جزئیات تزئینی بیشتر، عملکرد و عرصه های متنوع تر و دارای درجه بندی و اولویت گذاری ویژه ای است.
 - از جمله تاثیرات حکمت عملی اسلام بر طراحی خانه ها، رعایت ارتفاعی خاص، سادگی و قناعت، درونگرایی، محدودیت در ساخت طبقات، حیاط های آفتابگیر و ارتباط با عناصر طبیعی چون آب و گیاه است.
 - حضور عناصر مذهبی در قلب شهر و پاسداشت بازار به عنوان عنصری مذهبی و هدایت گر در جامعه اسلامی.

● الگوهای نخستین معماری اسلامی

معماری تازه تولد یافته اسلامی در حوزه کالبدی و سازه ای تا حدودی از خاستگاه های بومی هر منطقه بهره برده است و در عین حال نوآوری های قابل توجهی داشته است، ولی از بعد کارکردی و انسانی سراسر بدیع و نو ظهور است. پس از آن با ورود اسلام به کشورهای مختلف با فرهنگ پایه آنها درآمیخته، از تدابیر علمی، تکنولوژی ساخت و هنر آنها بهره می برد و در جهت تکامل گام برمی دارد. شهر اسلامی، شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود پیدا می کند و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است و ویژگی های آن برآمده از چارچوب فکری دین، قرآن و سنت است. در شهر اسلامی نوعی ارتباط ذاتی و ساختاری میان عناصر و فضای مصنوع شهری و مناسبات فردی-اجتماعی و رفتارهای شکل گرفته در مکان وجود دارد که با بررسی این چارچوب فکری می توان به شاخصه های آن دست یافت. جامعه اسلامی با الگو قرار دادن مفاهیم و آموزه های اسلامی در همه زمانها و مکانها قادر است بر چالشهای جدید پیروز شده و به شهری برسد که ظرف توانمندی در حمل اوست. آنچه همواره بایست مورد توجه باشد تاکید اسلام بر پویایی جامعه و تلاش آن در دستیابی به اهداف تعالی است. با تقسیم بندی مولفه های شهرسازی به سه دسته ساختار اجتماعی-فرهنگی، ساختار فضایی و ساختار کالبدی به طور خلاصه به شاخصه هایی خواهیم رسید که موارد زیر از آن جمله اند:

جدول شماره ۵-۱- بررسی سامانه ای خواستگاه و الگوهای نخستین معماری اسلامی

ساختر	خواستگاه و الگوهای نخستین معماری اسلامی	محورها	اصول	نتیجه
ساختر اجتماعی- فرهنگی	«مفهوم جدید(انسان کامل یا امت یا معبود...) این مفاهیم الگوهای زیبا شناسی نوینی ایجاد می کنند و به نمادپردازی متفاوتی می انجامد، چیزی که کیفیت فضایی جدیدی را نیاز دارد که می توان آن را، فضای قدسی اسلامی نامید.»(نقره کار، ۱۳۹۲)	۱. روابط اجتماعی ۲. عدالت محوری ۳. حقوق شهروندی (حق شهروند بر حکومت-حق حکومت بر شهروند)	۱. حساسیت شهروند بر شهر و کالبد آن ۲. وحدت در اجتماع ۳. عدالت اقتصادی، اجتماعی. ۴. امنیت ۵. پویایی در متن جامعه ۶. جامعیت و همه جانبه بودن ۷. روزآوری ۸. انسان مدار	۱. شهر-واحد ۲. شهر-عدالت ۳. شهر امر به معروف و نهی از منکر ۴. شهر-امنیت ۵. شهر-ایمان ۶. شهر-آرمان ۷. شهر-قدرت
ساختر فضایی	تقسیم بندی ساختاری متناسب با ساختار اجتماعی عادل، برابر و برادر؛ به دور از هرگونه سلسله مراتب اجتماعی القا کننده ی برتری افراد بوده و با حفظ همه یا بخشی از ساختار شهر پیشین در صورت ورود به شهری قدیمی(با ایجاد تغییرات لازم) و یا با ساختاری پیچیده و نامنظم در شهرهای جدید نمایان می شد.	۱. اندازه ی شهر ۲. تعداد جمعیت شهر ۳. معابر ۴. سلسله مراتب فضایی در شهر	۱. پیوستگی ساختار فضایی ۲. وحدت و یکپارچگی در ساختار ۳. ساختار فضایی به دور از القای سلسله مراتب اجتماعی ۴. سلسله مراتب حافظ فرهنگ درونگرا و ناظم فضا ۵. ارجحیت شهر افقی بر شهر عمودی ۶. جمعیت متوسط و بالای شهر(و نه کلان شهر عمودی)	۱. شهر-وحدت
ساختر کالبدی	«معماری اسلامی با به کارگیری چند فضای مشخص و تعریف شده انواع سازمان دهی فضایی برای انواع کارکرد را پدید می آورد که به طور چند منظوره پاسخگوی عملکردهای مورد نیاز باشد. ظهور انواع ساماندهی	۱. اجزای اصلی شهر اسلامی(فضاهای مذهبی، فضاهای اقتصادی، محله و فضاهای مسکونی) ۲. منظر ۳. زیبایی	۱. سادگی ۲. مرکزیت اجتماعی مسجد ۳. پرهیز از تقلید از فرهنگ غیر اسلامی ۴. اصالت فضای باز ۵. احترام به طبیعت ۱. پرهیز از مشغولیت بیش از حد در بازار(بازار محل گذر) ۲. تنوع در انواع بازار در جهت	۱. شهر-وحدت ۲. شهر-مسجد (شهر-ایمان) ۳. شهر-سرمایه ۴. شهر-بازار

		<p>ایجاد عدالت اقتصادی</p> <p>۳. عدالت در کالبد بازار</p> <p>۴. سادگی بازار</p> <p>۵. رونق اقتصادی</p> <p>۶. یکسانی اقشار با سطوح اقتصادی متنوع</p>		<p>شناختی</p> <p>۴. اصول معماری ایرانی-اسلامی</p>	<p>فضایی برای یک کارکرد خاص با حفظ اصول محتوایی آن</p> <p>- بهره گیری از نگاره های گیاهی و هندسی با توجه به معماری ساسانی و بیزانسی</p> <p>- انتزاع و هندسه مجردتر با توجه به دیدگاه اسلامی</p> <p>- اوج نقش پردازی هندسی» (نقره کار، ۱۳۹۲)</p>	
	<p>محلّه و مسکن</p>	<p>۱. کل گرا، آرمان گرا</p> <p>۲. دارای اهداف مشخص پیشینی و پسینی</p> <p>۳. هماهنگی با هستی در جهت بسترسازی کمال انسان ها</p> <p>۴. وحدت و یکپارچگی بافت مسکن</p> <p>۵. وجود حیاط و نورگیری ساختمان</p> <p>۶. محدودیت ارتفاعی برای تعداد طبقات خانه</p> <p>۷. محدودیت ارتفاعی برای ارتفاع طبقه</p>				
	<p>منظر شهری</p>	<p>۱. دورنمای (سیلوئت) شهر معرف دین و فرهنگ (تشخیص عناصر شاخص دینی و فرهنگی در کالبد)</p> <p>۲. عناصر شاخص متباین و نه در تضاد با زمینه (و پیوسته با زمینه، نه جدا از آن)</p> <p>۳. پرهیز از ساخت های جلوه گر و مشغول کننده به ویژه در مسکن و بازار</p> <p>۴. امر به معروف و نهی از منکر در نما</p> <p>۵. القای تعالی در کالبد و ساختار و بازار و..</p> <p>۶. عدالت در سیما و منظر</p> <p>۷. سادگی در غالب بافت</p>				

		۸. هماهنگی با زمینه (پرهیز از به رخ کشیدن)			
		۱. پرداخت به محتوی و معنی در معماری ۲. هنر آرمانی و معبودگرا ۳. مفهوم سیر از ظاهر به باطن ۴. درک واقعیت زیبایی های باطنی و ملکوتی از طریق ترکیه درون ۵. وحدت حقیقت و زیبایی ۶. کنترل غریزه و رشد سلیقه ۷. دستیابی به حکمت متعالیه ۸. زیبایی در عین سادگی ۹. مفهوم زیبایی مترادف با کل وجود (به نسبت نور و قوت آن می دانند و در ذیل صفات حسن)	زیبایی شناختی		
	۱. شهر سلامت	۱. رعایت حقوق همسایگی متناسب با بهره گیری از نو و باد مطلوب ۲. احترام به طبیعت و بهره گیری هدفمند از آن ۳. بهره گیری از باد شرق و شمال و پرهیز از باد غرب و جنوب ۴. اولویت رون راسته بر کرمانی و اصفهان. ۵. پرهیز از محیط های مسبب سوء مزاج (سرد و بیماری زا)	۱. رون شهری (جهت گیری ابنیه) ۲. باد ۳. طب اسلامی (تدابیر مزاج) ۴. اکولوژی شهر ۵. خصوصیات خاک و مکان		بعد زیست محیطی

- شهر دوران صفوی (به ویژه معماری، طراحی شهری و شهرسازی اصفهان) در بردارنده مفاهیم دین اسلام و احیا کننده آموزه ها و تکالیف فردی و اجتماعی هر روزه انسان هاست. در جای جای طراحی شهر عدالت در نظر گرفته شده و ابعاد روانشناختی و زیباشناختی به کار برده شده است. نتیجه چنین فضایی آرامش روح و ایجاد بستری برای رشد مادی و معنوی است. این در حالی است که انسان امروز، در فضاهایی پر استرس، به گونه ای منفعل یا هراسان عمل می کند. شهر امروز به فرد احترام نمی گذارد،

- سواره بر پیاده ارجح است، مصرف گرایی بر آرامش روانی فرد اولویت دارد، آلودگی های صوتی و زیست محیطی سلامت انسان را به خطر انداخته و افراد چونان گذشته با طبیعت در ارتباط نیستند.
- تفکر انسان امروز از تكثر سرچشمه می گیرد. در هنر مردمی «عوام هنر را در بند نمی کند، سبکی را بر سبکی رجحان نمی دهد. گاهی طبیعت گراست، زمانی واقعگرا، و گاه دیگر به تمثیل و استعاره و رمز و اشاره، مقصود خود را عنوان می کند و زمانی هیچ قافیه ای نیندیشیده و هرچه از دل تنگش گذشته، در قالب شعر یا صورت نقش و نگار بازگو کرده است.» (عناصری، ۱۳۸۰) در هر صورت اگر نمود هنر(اثر هنری) برآمده از روح و در چارچوب اعتقادات و خط قرمزهای عرفی و فرهنگی افراد باشد می تواند به عنوان بهترین رسانه مبلغ آموزه های دینی باشد و با در تضاد قرار نگرفتن نسبت به حریم شخصی افراد به آرامش اجتماعی افراد در جامعه کمک کرده و رنگ دیگری به شهرهای امروز بدهد.
 - شهرهای امروز نتیجه مصرف گرایی جوامع است. بازارها در جای جای شهر به صورت تجمع های کوچک ویتترین ها تا مجتمع های بزرگ تبلیغاتی گسترده شده اند و به دور از جهت دهی و هدف متعالی آموزه های دین با نمایش هرچه بیشتر نیازهای کاذب القا شده به شهروندان در پی فروش بیشترند. سادگی و ابهت شهر در زیر آرایشی از ویتترین ها پزرق و برق گم شده است. شهری تاریخ و مذهبی چون اصفهان نیز از این مسئله مصون نمانده و با گسترش مغازه های تجاری در خیابان های خود، اهمیت آرامش گذرهای شهری در محلات را نیز نادیده گرفته است. آنچه از این روند حاصل می شود به هیچ وجه مشابه با آنچه از شهر اسلامی انتظار می رود نخواهد بود و سمت و سوی متناسب با تعالی شهروندان ندارد.
 - عدم تعادل در اقتصاد(تورم، مصرف بالای کالا و...) و نبود عدالت اجتماعی از تفکر سرمایه داری ناشی می شود. کار اقتصاد در شهر بهره وری از انرژی است، به طوریکه با صرف کمترین هزینه، بیشترین بهره را ببریم و از طرف دیگر تعادل در این بهره وری در بین ساکنین شهر انجام گیرد و ساکنین از انرژی به صورت مساوی استفاده نمایند. اما اقتصاد شهری در شهر مدرن به خاطر در اختیار قرار گرفتن سرمایه داری به صورت ناقص عمل می کند.

به طور خلاصه اصول استخراج شده از ابعاد گوناگون تاثیر گذار بر کیفیت شهری در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۵-۲- نکات استخراج شده از سیره و توصیه های اسلامی جهت بهره گیری در شهرسازی و معماری

نظام مورد بررسی	اصول استخراج شده
نظام اجتماعی- جمعیتی	۱- عدالت اجتماعی ۲- سادگی ۳- لزوم احترام و تعهد متقابل شهروند و مسئول - تامین حرمت اجتماعی ۴- لزوم رعایت حقوق شهروندی (اعم از مسلمین و اقلیت های مذهبی و نژادی)

<p>۵-زندگی در شهر پیشرفته با جمعیت بالای مسلمانان ۶-شهر متوسط(به لحاظ جمعیت) به عنوان شهر مطلوب</p>	
<p>۱-عدالت اقتصادی ۲-قناعت ۳-دوری از تجملات در بازار به عنوان نمود کالبدی بعد اقتصادی / خود داری از جلوه گری و نمایش در معماری بازار و سلسله مراتب آن ۴-بازار به عنوان رکنی مقدس و مورد احترام در استخوان بندی و سازماندهی شهر ۵-توصیه به ظاهر یکسان زندگی افراد با درجات مختلف رفاه مالی</p>	<p>نظام اقتصادی</p>
<p>۱-سادگی و فروتنی بنای مذهبی در عین زیبایی و قدرت ۲-فضاهای مذهبی به عنوان فضای همه جانبه و چندعملکردی ۳-فضای مذهبی به عنوان فضای شهری و محل تجمع شهروندان ۴-دوری از تشابه با بناهای مذهبی سایر ادیان و جلوه های تجمل و خودنمایی ۵-حساسیت کمتر در تزئینات مزارها و زیارتگاه ها به عنوان محلی برای اعمال رنگ تعلق شهروندان و بروز عواطف مذهبی آنان</p>	<p>نظام مذهبی</p>
<p>۱-عدالت در کالبد ۲-سادگی در تزئینات ۳-بهره گیری از مصالح بوم آورد و توجه به اصول همسو با طبیعت ۴-بازگشت به محتوا(به جای بازگشت به فرم) ۵-پرهیز از ارتفاع بیش از حد طبقات - پرهیز از ارتفاع زیاد ساختمان ۶-مطلوبیت حیاط بزرگ ۷-مطلوبیت نورگیری زیاد ساختمان ۸-تاکید بر محرمیت و عدم تجاوز به ساختمان های اطراف</p>	<p>نظام کالبدی</p>
<p>۱-سادگی ۲-حساسیت و تاکید بر فضای عینی(منظر شهر) به عنوان فضای موثر بر فضای رفتاری</p>	<p>نظام منظر</p>
<p>۱-احترام به طبیعت ۲-الگوگیری از طبیعت در ساخت ۳-توجه به تاثیرات عناصر طبیعی در سلامت فرد و اجتماع (تاثیرات جسمی و روانشناسی) ۴-بهره گیری از باد شرق و شمال و دوری از باد غرب و جنوب ۵-بهره گیری از آب آشامیدنی سالم و دوری از آب شور ۶-تاکید بر درختکاری در شهر (درخت میوه و متناسب با اقلیم شهر) ۷-اهمیت سلامت خاک و آب در مکانیابی شهر ۸-پرهیز از نزدیکی به آب (رودخانه) در مکانیابی شهر</p>	<p>نظام زیست محیطی</p>
<p>۱-عدالت در تامین و تقسیم تسهیلات ۲-حذف آلودگی ها از منابع و محیط شهر ۳-تامین آسایش شهروندان</p>	<p>تسهیلات شهری</p>

<p>۴- جلوگیری از ورود آبراه و فاضلاب خانه ها به مسیر عبور و مرور</p> <p>۵- تاکید بر راهسازی (و تعمیر راه ها) و تامین وسایل رفاهی مسافران اعم از تامین آب و علائم راهنمایی در جاده های بین شهری و تامین امنیت مسافران</p> <p>۶- تامین نهادهای خدماتی اعم از میدان آموزش برای نیروهای نظامی، زندان مناسب و مجهز، مسجد، دیوان ها، محل اشیا و حیوانات گمشده، چاپارخانه و ..</p> <p>۷- تامین تاسیسات</p>
<p>اهداف: افزایش ظرفیت شهر / تعالی شهروندان / تحقق عدالت در همه ی ابعاد</p>
<p>پیش نیاز در همه ی ابعاد : تاکید بر روزآوری و توجه به نیاز زمان</p>

شهرهای اسلامی امروز، پیش از هر چیز نیازمند الگوسازی مناسب و بومی در شهرسازی است و نیل به این هدف نیازمند شناخت نقاط ضعف و قوت شهر امروز است. این در حالی است که شهرسازی امروز در طراحی و برنامه ریزی خود پیش از رسیدن به شناختی صحیح و کامل از شهر، امکانات و مشکلات آن اقدام به تقلید از الگوهای سنتی یا الگوهای غربی می کند. بنابراین مشکلات دو چندان شده و رسیدن به عدالت در شهر هرچه سخت تر می شود. از جمله نکاتی که در رسیدن به الگوهای اسلامی لازم است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در دادن الگوی شهر ایرانی اسلامی باید توجه داشت این شهر باید تمام ابعاد اعم از ابعاد مادی و معنوی را در بر گیرد. مشارکت اجتماعی در رسیدن به اهداف شهر اسلامی بسیار مهم و ضروری است. برای جلب رضایت شهروندان، فرهنگ سازی و ایجاد امنیت روانی بسیار مهم است؛

بنابراین باید در سه حوزه برنامه ریزی و طراحی اقداماتی به عمل آورد:

برنامه ریزی در نهادهای آموزشی، برنامه ریزی در بخش تولید و برنامه ریزی برای تغییر در فرهنگ مصرف گرایبی.

منابع

- ۱- ابن کثیر (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم. ج ۶، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه،
- ۳- ادیب زاده، بهمن؛ (۱۳۹۳). تصویر شهر مطلوب اسلامی در دیدگاه امام علی به روایت نهج البلاغه. مجموعه مقالات پژوهشی طراحی الگوهای معماری اسلامی - ایرانی، شهر موجود، شهر مطلوب، قم.
- ۴- آرشیو سازمان زیباسازی شهرداری اصفهان
- ۵- اطلس شهر اصفهان
- ۶- افهمی، رضا؛ نبوی، لطف ا.. و فرشیدنیک، فرزانه (۱۳۹۲). تاکید بر نقش مخاطب به عنوان فاعل شناسا در معماری و شهرسازی مکتب اصفهان، مطالعه ی موردی معماری اصفهان عصر صفوی. نخستین همایش بین المللی مکتب فلسفی اصفهان. مجموعه مقالات برگزیده - جلد دوم؛ ص ۷۰-۴۹.
- ۷- اکبرزاده، محمدسعید؛ ۱۳۹۵، هنر معماری و معنویت اسلامی، سایت هنر اسلامی، <http://www.islamicartz.com>
- ۸- اکبری کلیشمی، سمیه (۱۳۹۰). نقش تشیع و تاثیر آن در تحول ساختار شهری قزوین عصر صفوی. پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ ایران اسلامی. دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره). ۳۵۱ صفحه.
- ۹- اکبری مطلق، مصطفی؛ (۱۳۹۳)، پژوهش معماری و شهرسازی سپیدار، <http://sepidar.urbanica.ir>
- ۱۰- اهری، زهرا، ۱۳۸۵، خیابان چهارباغ اصفهان، مفهومی نو از فضای شهری، هنر و معماری - گلستان هنر ۵، صص ۴۸-۵۹
- ۱۱- بابایی، حمیده؛ وارسته دهکردی، نسیم و بیات، پرویز (۱۳۹۳). بررسی نقش هویت عناصر کالبدی بر معماری بازار سرپوشیده اصفهان. همایش معماری، شهرسازی و توسعه ی پایدار: مشهد. صص ۱-۹.
- ۱۲- بمانیان، محمدرضا؛ مومنی، کوروش و سلطان زاده، حسین (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ویژگی های طرح معماری مسجد-مدرسه های دوره ی قاجار و مدارس دوره صفویه. مجله ی معماری و شهرسازی آرمانشهر. شماره ۱۱. پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص ۱۵-۳۴.

- ۱۳- بتلی، ای یین؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۹۴۵). محیط های پاسخده. کتابی برای طراحان. ترجمه: بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۲). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۴- بندولو، لئوناردو (۱۳۸۵)، تاریخ شهر، شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا، ترجمه پروانه موحد، تهران، مرکز دانشگاهی
- ۱۵- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۸). زیرساخت های شهری، کتاب اول، آبرسانی و فاضلاب. تهران: انتشارات شهیدی.
- ۱۶- پدرام، بهنام و حریری، آزاده (۱۳۹۵). خانه های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان. فصلنامه ی پژوهش های معماری اسلامی، شماره ی یازدهم، تابستان ۹۵، سال چهارم. صص ۷۴-۹۱.
- ۱۷- پوراحمد، احمد و شکوهی راد، بابک (۱۳۹۵). شهر اسلامی متفاوت از نظر کالبد. کنفرانس بین المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی. خردادماه ۹۵. تهران. صص ۱-۱۷.
- ۱۸- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. فصلنامه ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی. شماره ی دوم - صص ۱-۱۳.
- ۱۹- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۵۵۰ق). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه: خوانساری، آقاجمال الدین (۱۳۶۶)، قم: دفتر تبلیغات.
- ۲۰- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). اطلس شیعه. انتشارات سازمان جغرافیایی. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ۲۱- جلیلی، تورج؛ جهانیانی پور، پژمان و جهان نژاد، عارف (۱۳۹۴). بررسی مفهوم سازه در معماری با نظری بر تحلیل گنبدهای مساجد دوره ی صفویه (نمونه موردی مسجد اما، مسجد شیخ لطف الله، مسجد علی). سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. صص ۱-۱۱.
- ۲۲- جودی، وحید و حسینی، سید باقر؛ ۱۳۹۶، روند تحول مساجد در ایران (نگاهی به شکل گیری اولین مساجد در ایران)
- ۲۳- جهان بخش، حیدر و زنده دل، علی (۱۳۹۳). بازشناسی اصول، مولفه ها و شاخص های فطری سازمان بندی شهر اسلامی با رویکرد اجتماعی کالبدی. فصلنامه علمی-پژوهشی، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۳، سال اول. صص ۷۷-۹۶.

- ۲۴- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸). از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تاجر. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۵- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۰۳۳ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد ۵. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۳۸۳) قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- ۲۶- حقیقت بین، مهدی؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و بستانی، سیما (۱۳۹۳). بررسی زمینه های مؤثر در شکل گیری باغشهرهای صفوی باتاکید بر آموزه های حکمی مذهب شیعه. مجله ی هویت شهر. شماره ی بیست و پنجم. سال دهم. بهار ۹۵. صص ۵-۱۴.
- ۲۷- حقیقت بین، مهدی؛ انصاری، مجتبی و بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی آموزه های مذهب شیعه در باغ شهرهای صفوی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی. شماره چهاردهم. صص ۵-۱۴.
- ۲۸- حکیم، بسیم سلیم، (۱۳۸۱)، شهرهای عربی اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوام مقدم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
- ۲۹- حمزه نژاد، مهدی؛ ربانی، مریم و ترابی، طاهره (۱۳۹۴). نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران. فصلنامه ی علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۱-۵، صص ۴۳-۵۷.
- ۳۰- حمزه نژاد، مهدی و سعادت جو، پریا و رمضانی، شهاب الدین؛ ۱۳۹۲، الگوشناسی مصلی های معاصر ایران و آسیب شناسی مفهومی آن ها براساس راهبردهای فقه شیعه
- ۳۱- حیدری نژاد، نسیم (۱۳۹۱) بررسی ساخت شهری اصفهان در دوره صفویه از دیدگاه مکتب آرمان گرائی اکولوژیک. مجله ی اطلاعات جغرافیایی- زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۸۴ صص ۱۷-۲۱.
- ۳۲- خالدیان، ستار، کریمیان، حسن، پور احمد، احمد، مظاهریان، حامد. (۱۳۹۵). ساخت و سازمان فضایی شهرهای ایران در گذار از دوره ساسانی به دوران اسلامی. مطالعات باستان شناسی. 8(2), 35-51.
- ۳۳- خدایی، زهرا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۰). شخصیت شناسی شهر اسلامی، با تاکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره چهارم. صص ۱۰۳-۱۱۳

- ۳۴- درودیان، نرگس و سیروان بهرامی (۱۳۹۴). شهر اسلامی و عناصر هویت بخش به کالبد شهر اسلامی با نگاهی به کالبد شهر سنندج، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیرساخت های شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- ۳۵- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷/۳/۳۱). شماره ی روزنامه ۴۳۵۵. ۱ صفحه.
- ۳۶- دهمشگی، جلیل و جانزاده، علی، ۱۳۶۶، جلوه های هنر در اصفهان، جانزاده
- ۳۷- رجایی، محمد کاظم؛ ۱۳۸۶، تقاضای بازار اسلامی در مقایسه با بازار رقابت کامل
- ۳۸- رزاقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی، محسن؛ دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۹). طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلانشهر تهران. مجله باغ نظر، شماره سیزده، سال هفتم، بهار ۱۳۸۹، صص ۳-۱۶.
- ۳۹- رهنمایی، محمدتقی؛ فرهودی، رحمت اله؛ قالیباف، محمدباقر و هادی پور، حلیمه خاتون. (۱۳۸۶). سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران. نشریه ی علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال پنجم، شماره ی ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶. صص ۴۳-۱۹.
- ۴۰- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶). اندازه ی شهر. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۴۱- زمانی گندمانی، نرگس (۱۳۹۳)، علت شناسی انتخاب رنگ کاشیکاری های مساجد عصر صفویه در اصفهان نمونه پژوهش مسجد شیخ لطف الله، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- ۴۲- زندیه، مهدی؛ میرزایی، فهیمه و پروردی نژاد، سمیرا (۱۳۹۴). نقش حیاط در خانه های دوره صفویه در شهر اصفهان. کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی. کوهدشت، شهرداری کوهدشت، شرکت پنام خط نوین.
- ۴۳- زیاری، کرامت ا.. (۱۳۸۲). تاثیر فرهنگ در ساخت شهر (یا تاکید بر فرهنگ اسلامی). مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۲. صص ۹۵-۱۰۸.
- ۴۴- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۵- سایت پوشش در اسلام (بهمن ۱۳۹۱) hijab.blog.ir

- ۴۶- ستوده نیا، محمدرضا و جانی پور، محمد (۱۳۹۱). الگوی مدیریت بحران های سیاسی - اجتماعی از منظر امیرالمومنین علی (ع). پژوهش نامهی علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سال سوم، شماره دوم، صص ۲۷-۵۲.
- ۴۷- سجادزاده، حسن؛ اعتصامیان، رویا و خزایی، لیلیا (۱۳۹۴). تجلی مفهوم درونگرایی در بازارهای ایرانی. فصلنامه ی پژوهش های معماری اسلامی، شماره هشتم، پاییز ۹۴، سال سوم. صص ۳۴-۴۷.
- ۴۸- شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه. ترجمه: دشتی، محمد (۱۳۷۹)، قم: انتشارات مشهور
- ۴۹- شفقی، سیروس (۱۳۹۴). درآمدی بر شناخت شهر اسلامی - ایرانی؛ جلد اول، چاپ اول. اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۵۰- شفقی، سیروس (۱۳۹۵). درآمدی بر شناخت شهر اسلامی - ایرانی؛ جلد دوم، چاپ اول. اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۵۱- شهابی نژاد، علی؛ ابوئی، رضا و قلعه نویی، محمود (۱۳۹۵). آسایش اقلیمی در میدان نقش جهان. فصلنامه ی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. سال هفتم. شماره ی بیست و پنجم. صص ۱-۱۲.
- ۵۲- شیعه، اسماعیل (۱۳۷۵). مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۵۳- طیبیان، منوچهر؛ چربگو، نصیبه و عبداللهی مهر، انسیه. ۱۳۹۰. بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی. مجله ی آرمانشهر. شماره ی ۷. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. صص ۷۶-۶۳.
- ۵۴- طرح تدقیق و به هنگام سازی بافت فرسوده اصفهان
- ۵۵- عبدولی، ولی ا... (۱۳۹۱). بررسی زمینه های شکوفایی تمدن اسلامی در قرون نخستین. مجله ی خردنامه. شماره ۹. صص ۷۹-۹۴.
- ۵۶- عثمان طه. قرآن الکریم. ترجمه: صفوی، سید محمدرضا (۱۳۹۱). انتشارات: قدسیان - قم.
- ۵۷- عرفانی، جواد و پور محمدرضا، نوید (۱۳۸۷). تاملی بر مفهوم شهر اسلامی در شهرهای نوبنیاد سده های آغازین اسلام. دوره ۲، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۷۲-۹۱.
- ۵۸- غفاری غلامرضا (۱۳۸۸). منطق پژوهش تطبیقی. مجله مطالعات اجتماعی ایران: زمستان ۱۳۸۸، دوره ۳، شماره ۴

- ۵۹- غلامی بيمرغ، يونس (۱۳۹۱). تحلیلی بر فضاهاى شهري موجود برای رسیدن به الگوی شهر ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: شهر اصفهان). دانشگاه اصفهان.
- ۶۰- فراهانی، رضا، ۱۳۸۸، میدان نقش جهان اصفهان و عناصر آن، اطلاع رسانی و کتابداری - کتاب ماه هنر ۱۳۱، صص ۴-۱۱
- ۶۱- فری، هیلدبراند. طراحی شهر، به سوی یک شکل پایدارتر شهر. ترجمه: بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۷). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۶۲- فرزین، احمدعلی (۱۳۸۹). منظر زیارتی تهران، تاملی بر نقش زیارتگاه ها در ساخت منظر شهر ایرانی. ویژه نامه ی منظر شهری تهران. آبان و آذر ۸۹، شماره ۱۱. صص ۲۶-۲۷.
- ۶۳- قائد رحمتی، صفر؛ چراغی، رامین و کماسی، حسین (۱۳۹۱) بررسی ویژگی های فضایی - کالبدی شهرسازی اسلامی (مطالعه موردی: مساجد شهر اصفهان). همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی؛ موسسه آموزش عالی خاوران؛ مشهد؛ بهمن ۱۳۹۱.
- ۶۴- قره غریبی، رضا (۱۳۹۶). بازار اصفهان، نماد شکوه صفویان در نصف جهان. سایت راهنمای سفر کارناوال. <https://www.karnaval.ir/bazaar-isfahan-safavid>
- ۶۵- قنبری، معصومه (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی شهرهای دوران اولیه ظهور اسلام در پاسخ گویی به صفات شهر اسلامی مورد تاکید متون اسلامی (نمونه موردی: شهر اصفهان). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ۶۶- قیومی بیدهدی، مهرداد، ۱۳۸۵، سرآغاز: اصفهان صفوی و معضل طبقه بندی در تاریخ هنر، گلستان هنر ۵، صص ۵-۹
- ۶۷- کبیرصابر، محمدباقر و پیروی، مهناز؛ ۱۳۹۴، مراتب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز (تحلیلی بر مبنای شناخت ساختاری لایه های تاریخی)
- ۶۸- کوئن، بروس (۱۹۳۸). درآمدی به جامعه شناسی. ترجمه: ثلاثی، محسن (۱۳۸۴). تهران: نشر توتیا
- ۶۹- کونثو، پائولو (۱۳۸۴)، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، تهران، شرکت عمران و بهسازی
- ۷۰- گروت، یورگ کورت. زیبایی شناسی در معماری. ترجمه: پاکزاد، جهانشاه و همایون، عبدالرضا (۱۳۷۵)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- ۷۱- لنگ، جان. طراحی شهری؛ گونه شناسی، رویه ها و طرح ها؛ ترجمه: بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۶). تهران: موسسه ی انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷۲- محدث نوری (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت.
- ۷۳- محمد بن عبدا.. (۱۳۲۴). ترجمه: پاینده، ابوالقاسم. انتشارات جاویدان.
- ۷۴- مداحی، سید مهدی؛ معماریان، غلامحسین؛ بمانی نائینی، مونا و خدادادی فخرآبادی، طلایه (۱۳۹۵). خوانش و فهم کالبد خانه در معماری بومی خراسان (نمونه موردی: شهر بشرویه دوره ما قبل پهلوی). مجله ی مسکن و محیط روستا. شماره ی ۱۵۹، پاییز ۱۳۹۶. صص ۶۳-۷۸.
- ۷۵- مرتضی العاملی، سید جعفر (۱۳۹۰). شهراسلامی. مشهد: انتشارات بوی بهشت
- ۷۶- مظاهری تیرانی، راضیه؛ آقازیندانفر، سیدعباس و لیتکوهی، ساناز. تاثیر عناصر کالبدی حیاط-باغ بر انسان و رفتارهای او در خانه های صفوی و قاجار اصفهان. (۱۳۹۲) همایش ملی معماری و شهرسازی انسانگرا. دانشگاه آزاد اسلامی قزوین. صص ۱-۱۰.
- ۷۷- موسایی، میثم و رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۹). بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱. صص ۱۲۳ - ۱۵۲.
- ۷۸- مهدوی نژاد، محمدجواد و آقایی مهر، معین (۱۳۹۱). برنامه ریزی مشارکت مبنا در معاصر سازی بافت های شهری ایران. نشریه ی ۷ شهر - شماره ی ۳۹ - ۴۰؛ پاییز ۹۱؛ صص ۲۹-۴۶.
- ۷۹- میرخلف، سید کمال، ۱۳۸۱، جلوه های هنر در تخت فولاد اصفهان، فقه و اصول-وقف میراث جاویدان ۳۹ و ۴۰، صص ۱۷-۲۵
- ۸۰- میرزا کوچک خوشنویس، احمد و زرگری، عاطفه؛ بررسی تفاوت ساختاری عناصر شهری در شهرهای اسلامی و مسیحی (مقایسه تطبیقی بین عناصر معماری شهری در شهرهای سنتی ایرانی و قرون وسطای اروپایی). کنفرانس بین المللی مطالعات نوین در زمینه عمران معماری و شهرسازی با رویکرد ایرانی اسلامی. آذرماه ۱۳۹۶. صص ۱-۱۶.
- ۸۱- ناصری، کمال؛ سروش امین؛ سارا ایمان و صدیقه فخار، ۱۳۹۲، بررسی تحلیلی شهرسازی مبتنی بر اسلامی گرایی و ساختارهای آن در اوایل ورود اسلام و اوج گیری آن (نمونه

- موردی: شهر اصفهان)، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- ۸۲- ناصری، ایوب و سجادزاده، حسن (۱۳۹۴). تجلی حکمت متعالیه و فلسفه و عرفان اسلامی بر سازمان فضایی مساجد عصر صفوی (نمونه موردی مسجد شیخ لطف الله، مسجد امام اصفهان). سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. صص ۱-۱۵.
- ۸۳- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: انتشارات کتاب فکر نو.
- ۸۴- نقی زاده، محمد (۱۳۷۷). صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. مجله هنرهای زیبا. شماره ۴ و ۵. سال ۱۳۷۷. صص ۴۷-۶۱.
- ۸۵- هادیان پور، محمد و دارابی، نازنین (۱۳۹۳). تأثیر حیاط بر درونگرایی خانه های سنتی در ایران. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران، موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران. صص ۱-۱۷.
- ۸۶- هشام مرتضی. اصول محیط مصنوع در اسلام. ترجمه: باقری، اشرف السادات (۱۳۸۷).

Abstract

Regardless of the vast improvement in architecture and urban planning, it is necessary to maintain the traditional and religious patterns in both aforementioned areas. In Iran, which is an Islamic society, in order to achieve urban planning suitable for traditional and religious space, a great need for examining and revising the principles and values of ancient urban planning and architecture with specific attention to religious guidelines is felt. In this regard, the recognition of successful examples in Iranian-Islamic cities may be so handful. The main purpose of this study is "Recognition of urban design and urban planning patterns in Islamic lessons", which is predicated on two assumptions of "The possibility of benefiting from Islamic lessons in urban design and urban planning in the present era" and "Adequate adaptation of historical cities built by Islamic rules such as Isfahan in Safavie era according to the Islamic instructions. For this purposes, the first step is to extract the basic Islamic principles which are effective in architecture and urban planning; in the second step, Isfahan is measured as a city built based on Islamic thought through reviewing the principles extracted in the Safavie era, and for each topic the current conditions in Isfahan will be looked through as well. Therefore, it will be expressed, through a comparative-adaptive method, that on the one hand, Islamic fundamental principles are so profound and perfect that can be adapted to the needs of the day at any point of time, and on the other hand the urban systems constantly require their qualitative indices updated, consistent with contemporary needs and religious criteria. The city in the Safavie era applied a great deal of these principles, thereby achieving great results. While this city, today, has departed from numerous religious frameworks through an irrational imitation of the main principles of western cities and as a result of very quick of modernization. It has lost its superiority and peace at the same degree.

Key words:

Isfahan, Islamic, Pattern, Safavi, urban design, urbanization.



Payame Noor University
Faculty of Art and Architecture
Branch of Tehran-Shargh

Thesis submitted for the award of M.Sc. of Architecture
Department of Architecture and Urbanism

**Restudying patterns of urbun design and planning
of safavie era based on islamic lessons;
case of study: Isfahan city**

Supervisor: Dr.Mehdi Hamzenejad

Advisor: Dr.Heidar Jahanbakhsh

By: Seddighe Fakhhar

August 2018